

شماره
۲۵
سال سوم

مردم

جمعیت هلال احمر
حوزه نمایندگی ولی فقیه

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی
سال سوم | شماره بیستم
فروردین ۱۳۹۶

فروردین ۱۳۹۶ / جمادی الثانی - رجب ۱۴۳۸
March - April 2017



■ رأی مردم در حکومت دینی ■ کرامت علوی

■ چیستی هنر متعهد ■ استانداردهای سلامتی

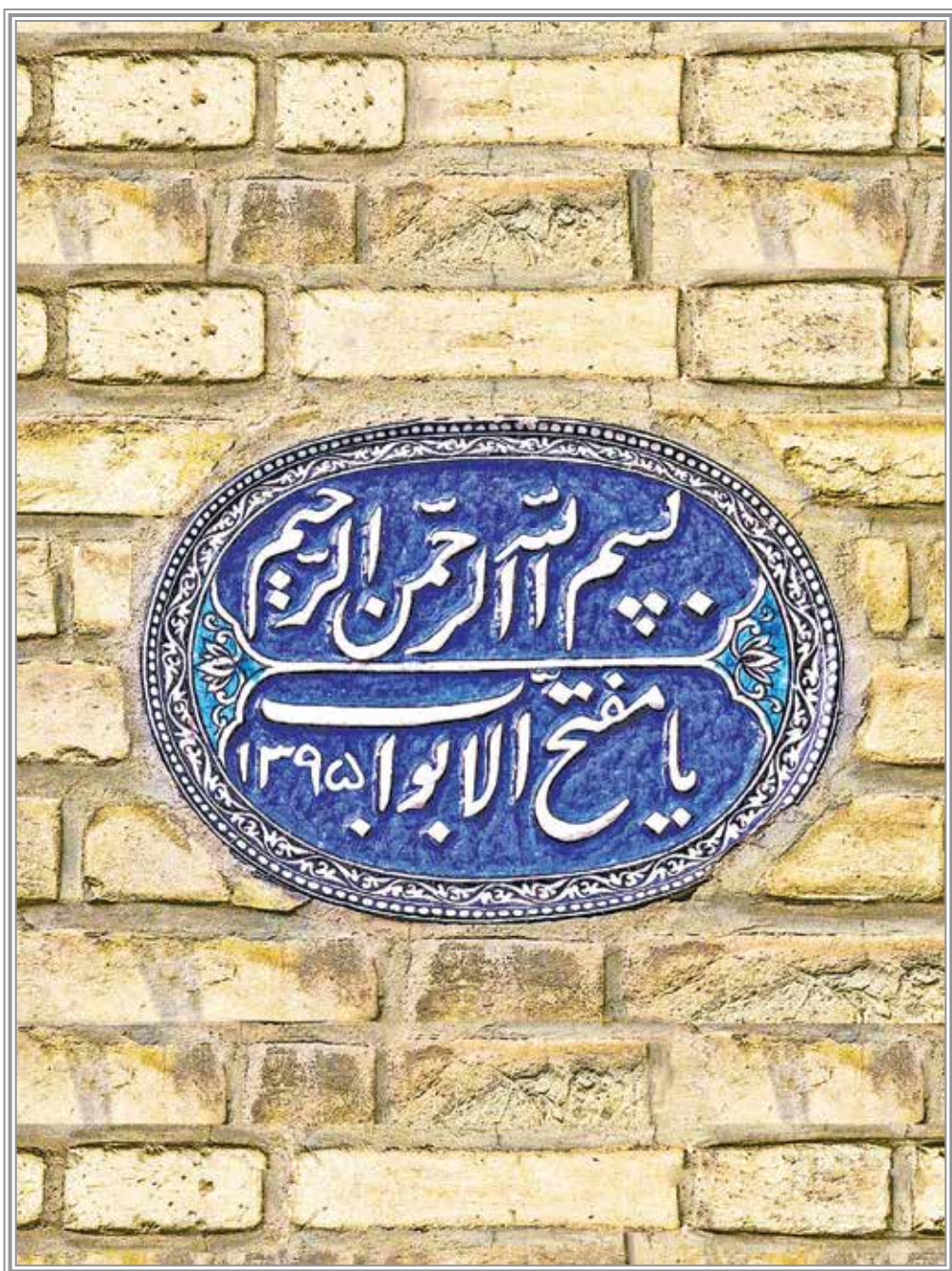
آثار و گفتاری از: علی ذوعلم / محمدباقر پورامینی / عباس سرشته / علی نصیری / حسن بنیانیان / محسن مهاجرنیا
علیرضا کمری / حسن خیری / محمدعلی الستی / محمدعلی فتح‌اللهی / رضا برجی / مصطفی عباسی مقدم / حسین علیزاده
مهدی ابوطالبی / اسدالله اسدی / سیدمحمد سادات‌اخوی / محمد اسماعیل زاده / سیدجواد میرخلیلی

این عمر به ابر نوبهاران
این دیده به سیل کوهساران
ای دوست چنان بزی که بعد از مردن
انگشت گزیدنی به یاران ماند

احمد سالمی پور

خوشنویسی استاد احمد سالمی پور

این عمر به ابر نوبهاران ماند
این دیده به سیل کوهساران ماند
ای دوست چنان بزی که بعد از مردن
انگشت گزیدنی به یاران ماند
ابوسعید ابوالخیر



درهای رحمت الهی را با ذکر بسم الله بگشایید



طرح روی جلد
جلوهای از طبیعت در بهار

۷

رأی مردم در حکومت دینی



۴۳

در مسیر کریمانه زیستن

۴۶

وقف در سیره امیر مؤمنان (ع)

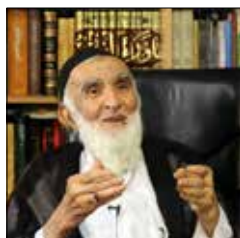


۲۴

شکل‌گیری نهضت علمی شیعه

۲۸

سازندگان فروتن زیباترین لحظه‌های شوق



۵۰

معاد و معاش



۱۱



۳۳



۷۲

تحریریه:

آداب و مناسبت‌ها: سید حسین میر خلیلی
اندیشه: حسین امامی
بین‌الملل: مریم زنده

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

عبدالحسین معزی
زیر نظر شورای سردبیری
سردبیر: یاسر احمدوند
دبیر تحریریه: محمد مهدی بیگلری

مهر و ماه

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی و روکرد دینی
جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران
حوزه نمایندگی ولی فقیه
شماره بیستم - فروردین ۱۳۹۶



مهر و ماه از نوشته ها، پیشنهادها و انتقادهای شما استقبال می کند. لطفاً مطالب خود را به نشانی mehromah.helal@gmail.com ارسال فرمائید. سامانه پیامکی: ۰۲۰۰۰۴۸۶۶۴۴ - تلفن: ۸۸۸۳۹۲۹۵
ضمناً از آدرس [@nvhelal](https://www.nvhelal.com) مطالب خواندنی تلگرام حوزه نمایندگی ولی فقیه را پیگیری کنید.

■ شماره بیستم ■ فروردین ۱۳۹۶

۵۴

فصاحت و
بلاغت



۶۹

رجب
ماه ولایت است

۷۶

تغزل
بهاریه



۵۶

آیادین داری
دشوار است؟

۶۲

نهاد آفرین و
تاثیرگذار

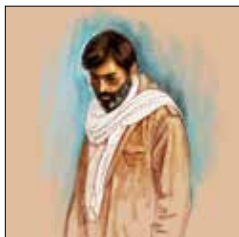


۷۸

در مسیر
سیمرغ

۸۴

مردی در
آسمان اشراق



۱۰۴

ملت ایران در غمتان
شریک است

۱۰۸

درس
صبر



۹۴

روح
لطیف زندگی

۱۰۲

شغل مناسب، قطعه
گمشده پازل سلامتی



۱۱۰

حضور علما
برای مردم
تسکین بزرگی بود

ادب و هنر: زینب مرتضایی فرد
خانواده: مریم بهریان
هلال: سپیده مهدلو

فنی و هنری:

مدیر هنری و دبیر عکس:
مجید نیک خصلت
صفحه آرایی: محمد پویا

مدیر داخلی: علی احمدوند
ویراستار: زهرا عزیزی
مسئول توزیع: فیروز شیخی

با سپاس از همراهی:
حامد جبلی، فاطمه صادقی، فرزین صالحی
و مسئولان محترم دفاتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان ها

رأی به بر نامه نه شعار

رئیس جمهور دولت دوازدهم تا چند روز دیگر با رأی مردم انتخاب می شود. تنوع رویکرد دولت های مختلف نشان دهنده حاکمیت سلاقی متفاوتی در اداره دولت در چهار دهه گذشته است. همین تنوع و تکثر استدلال تحریم کنندگان انتخابات را بی رونق می کند. مشارکت هشتاد درصدی مردم در دو انتخابات سال های هشتاد و هشت و نود و دو باور عمومی به تأثیر عمیق رأی مردم در تعیین مسیر دولت و انتخاب برنامه مطلوب آنها را نشان می دهد. این بزرگترین دستاورد نظام جمهوری اسلامی است: حاکمیت مردم بر سر نوشت خود. این باور مقدس را نباید به زنگار اختلافات آلوده و بی جلا ساخت. در اعتبار و بزرگداشت این دستاورد باید بسیار گفت و به آن مباحثات کرد. شاید نسل پس از انقلاب نداند این چه نعمت گران قدری است. شرکت نکردن در انتخابات نه تنها حالا کاری بی معنا بلکه قابل نکوهش است. بی توجهی به آینده کشور نه کاری موجه و نه قابل افتخار بلکه رها کردن و ترک نقش و وظیفه در ساختن ایران است.

همگان در انتخابات گذشته دریافته اند شرکت یا ترک رأی گیری تا چه میزان در تعیین مسیر آینده کشور اثر گذار است. اکنون کمتر گروه یا فرد قابل اعتنائی شعار تحریم انتخابات را مطرح می کند. این گزینه بی معنا و بی اثر است.

بیش و پیش از هر چیز دیگر مشارکت گسترده است که اهمیت دارد. پس از آن تلاش برای انتخاب فرد اصلح مهم است.

پیش بردن برنامه های کلان کشور، توجه به سند چشم انداز و برنامه های توسعه می تواند ملاک اصلی برای انتخاب باشد. در سند چشم انداز جایگاه برتر ایران در منطقه مورد تأکید است و در برنامه توسعه مسیر دستیابی به این اهداف ترسیم شده است. رنجی که از خودمحموری برخی بخش ها در کشور متحمل می شویم، نباید به دولت تسری یابد. حرکت بر مدار این اسناد بالادستی است که می تواند آینده کشور را تضمین کند. خودرأیی و گروه محوری نباید بر عقلانیتی که منجر به تدوین و تصویب این اسناد شد غلبه یابد. برخی اوقات بی اعتنائی به تصمیم های کلان و زیربنایی در کشور عواقب نامطلوبی باقی گذاشته است. گذر از گردنه های دشوار پیش رو و توسعه و پیشرفت کشور جز با اتکا بر خردمحموری و حرکت بر نامه محور میسر نیست.

شاخص دیگر برای انتخاب اصلح بررسی برنامه های ارایه شده برای حل مشکلات اقتصادی است. معیشت دشوار بخش هایی از جامعه، حاشیه نشینان فقیر، درآمد ناپایدار، بیکاری و معضلات اجتماعی از این دسته مشکلات اند. نامزدها چه برنامه ای برای غلبه بر این مشکلات تدارک دیده اند؟ تبیین برنامه آنها برای برون رفت از این تنگناهاست که فرد صالح را برای تصدی این جایگاه مهم مشخص می سازد. فارغ از این که چه شعاری مطرح می شود راه دستیابی به اهداف و شعارها و امکان سنجی و معقول بودن شعارها مهم است.

سردبیر



رأی مردم در حکومت دینی
.....
رأی مردم، حق مردم
انتخاب مؤمنانه، تبلیغ مسئولانه
معمای انتخابات در مردم سالاری دینی

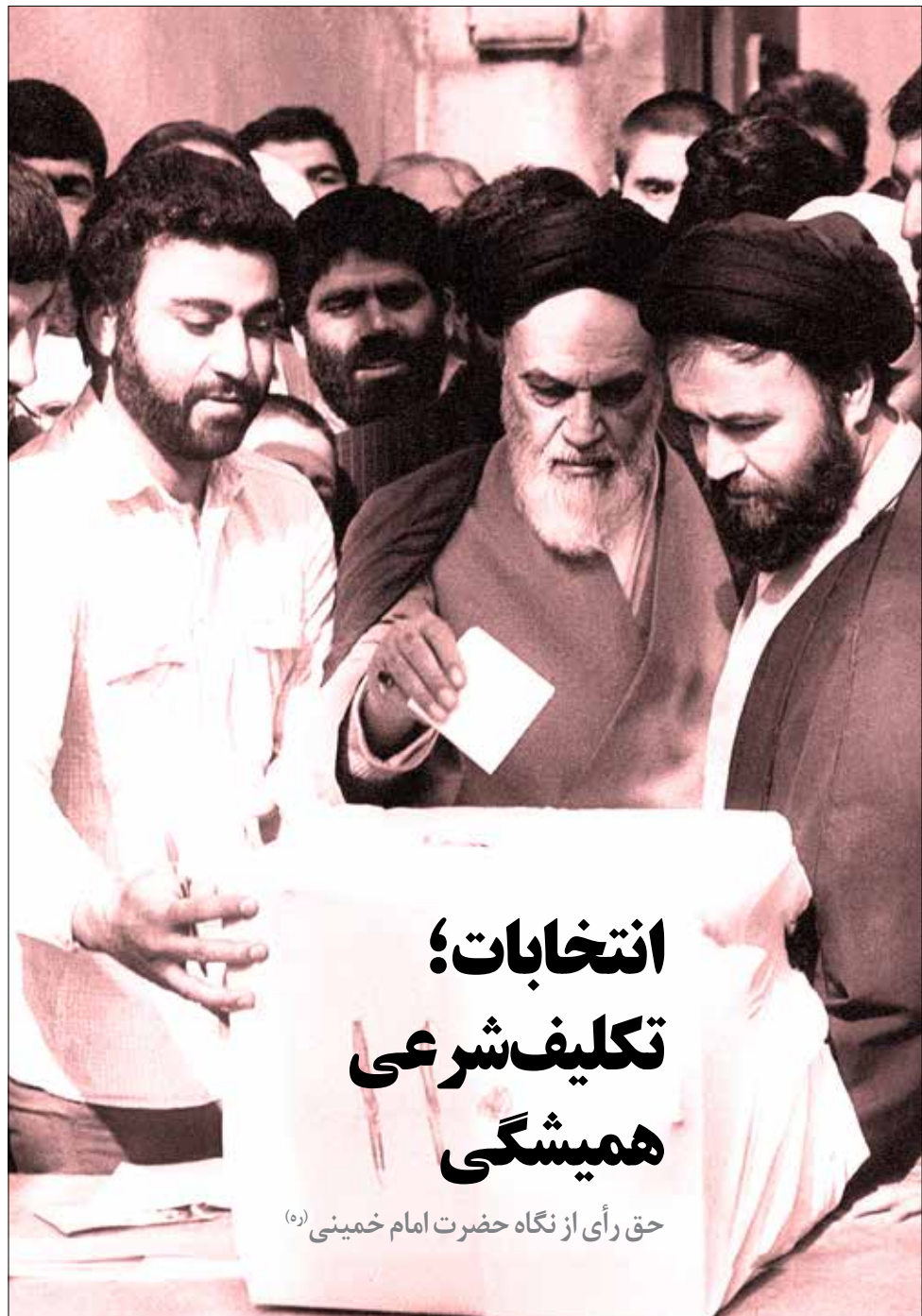
حضرت امام خمینی(ره) تنها رهبری است که کمتر از ۵۰ روز پس از پیروزی انقلابش، آن را به رأی می‌گذارد. اتفاقی که در اکثر انقلاب‌های تاریخ حداقل ۴-۵ سال بعد رخ می‌دهد. اعتماد امام به مردم و اعتقاد به آرای مردم از همان بدو پیروزی انقلاب اسلامی به چشم می‌خورد. برگزاری رفراندوم، انتخابات مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری و مجلس خبرگان در اولین سال پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از تصمیمات بی‌نظیر حضرت روح‌الله است.

رای مردم هر چه باشد، متبّع است

اعتقاد حضرت امام به رأی اکثریت در حدی است که خطاب به نمایندگان می‌گوید شما وکیل مردمید نه ولی مردم. هر چه مردم گفتند باید همان عمل شود، حتی اگر به ضررشان باشد. ایشان فرموده‌اند: «دمکراسی این است که آرای اکثریت، و آن هم این‌طور اکثریت، معتبر است؛ اکثریت هر چه گفتند آرای ایشان معتبر است و لو به خلاف، به ضرر خودشان باشد. شما... آن مسیری که ملت ما دارد، روی آن مسیر راه را بروید، ولو عقیده‌تان این است که این مسیری که ملت رفته خلاف صلاحش است، خوب باشد. ملت می‌خواهد این‌طور بکند، به ما و شما چه کار دارد؟ خلاف صلاحش را می‌خواهد. ملت رأی داده؛ رأیی که داده متبّع است.»

وظیفه شرعی و الهی

بنیانگذار انقلاب در مدت ۱۰ سال رهبری خود بر نظام جمهوری اسلامی، همواره دعوت‌کننده مردم به سوی مشارکت در انتخابات بود. این دعوت نه یک دعوت ارشادی، بلکه دعوت از جایگاه شرعی بوده است. ایشان در پیامی در آستانه سومین دوره انتخابات ریاست



انتخابات؛ تکلیف شرعی همیشگی

حق رأی از نگاه حضرت امام خمینی(ره)



امام خمینی (ره) بر تأثیر رفتار و اعمال فردی انسان در تعیین سرنوشتشان تأکید می‌کند و همه را مکلف و موظف می‌داند که به این مهم توجه جدی داشته باشند

انتخابات متعلق به ملت است نه گروه‌ها

رهبر کبیر انقلاب، علاوه بر دعوت همیشگی مردم، تأکید می‌کردند که انتخابات متعلق به دسته‌ها و گروه‌ها نیست و متعلق به مردم است. ایشان فرموده است: «انتخابات در انحصار هیچ‌کس نیست، نه در انحصار روحانیین است، نه در انحصار احزاب است، نه در انحصار گروه‌هاست. انتخابات مال همه مردم است. مردم سرنوشت خودشان دست خودشان است. و انتخابات برای تأثیر سرنوشت شما ملت است.»

در منظومه فکری امام خمینی (ره) نه تنها انتخاب متعلق به مردم است بلکه گروه‌ها و دسته‌ها حق ندارند افرادی را بر مردم تحمیل کنند. ایشان تأکید کرده است: «همان‌طور که بارها گفته‌ام، مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیّم ندارند، و هیچ فرد، یا گروه و دسته‌ای حق تحمیل فرد و یا افرادی را به مردم ندارند. جامعه اسلامی ایران، که با درایت و رشد سیاسی خود جمهوری اسلامی و ارزش‌های والای آن و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته‌اند و به این بیعت و پیمان بزرگ وفادار مانده‌اند.»

حضرت امام، حتی به خود اجازه نمی‌دهد که خواسته‌ای را بر مردم تحمیل کند. ایشان می‌گوید: «ما حق نداریم. خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملتمان یک چیزی را تحمیل بکنیم.»

آزادی رأی

تأکید امام بر آزاد بودن مردم در انتخاب، همیشگی بوده است. ایشان در این‌باره طی پیامی خطاب به مردم ایران فرموده است: «مردم در دادن رأی به اشخاص واجد شرایط آزاد هستند، و هیچ‌کس را حق الزام کسی نیست. و من امیدوارم که ملت شریف ایران در این امر مهم الهی که منحرفان از هر چیزی بیشتر با آن مخالفت کرده و

الهی است... حساب نکنید که خوب، دیگران هستند، من چه می‌کنم؟ خیر. برای هر فردی از افراد این ملت تکلیف است... ما مکلفیم به این که در امور دخالت کنیم. ما مکلفیم در امور سیاسی دخالت کنیم؛ مکلفیم شرعاً؛ همان‌طور که پیغمبر می‌کرد؛ همان‌طور که حضرت امیر می‌کرد.»

مثل نماز خواندن

حضرت امام رأی دادن را همپای خواندن نماز می‌داند. ایشان بر تأثیر رفتار و اعمال فردی انسان در تعیین سرنوشتشان تأکید می‌کنند و همه را مکلف و موظف می‌دانند که به این مهم توجه جدی داشته باشند. در بیانات ایشان آمده است: «باید همه شما، همه ما، زن و مرد، هر مکلف همان‌طور که باید نماز بخواند، همان‌طور باید سرنوشت خودش را تعیین کند.»

مسئله، مسئله اسلام است

طبق جهان‌بینی حضرت امام (ره)، رأی در انتخابات به هر شخصی، مسئله‌ای مهم در اسلام است. ایشان در این باره فرموده است: «از مسائلی که ما در پیش داریم، الآن قضیه انتخابات رئیس جمهور است. من کار ندارم کی رئیس جمهور می‌شود، به من مربوط نیست، من خودم یک رأی دارم به هر که دلم می‌خواهد می‌دهم، شما هم همین‌طور. اما اگر بخواهید در مقابل دنیا اظهار حیات بکنید که بگویید ما بعد از گذشتن چندین سال زنده هستیم، باید مشارکت کنید. اگر - خدای نخواسته - از عدم مشارکت شما یک لطمه‌ای بر جمهوری اسلامی وارد بشود، بدانید که آحاد ما، که این خلاف را کرده باشیم - خدای نخواسته - مسئول هستیم؛ مسئول پیش خدا هستیم. مسئله، مسئله ریاست جمهور نیست؛ مسئله، مسئله اسلام است.»

جمهوری فرموده است: «امروز شرکت در انتخابات ریاست جمهور نه فقط یک وظیفه اجتماعی و ملی است، بلکه یک وظیفه شرعی، اسلامی و الهی است که شکست در آن، شکست جمهوری اسلامی است، که حفظ آن بر جمیع مردم از بزرگ‌ترین واجبات و فرایض است و وسوسه در آن از شیطان بلکه عمال شیطان بزرگ است.»

حضرت امام خمینی (ره) علاوه بر تکلیف شرعی دانستن حضور، عدم حضور را موجب تکرار وقایع مشروطه می‌دانستند. از این رو از همه صاحبان تربیون دعوت می‌کردند که مردم را به سمت انتخابات دعوت کنند. ایشان در این باره گفته: «مردم در انتخابات موظفند، موظف شرعی هستند که اختلافات کوبنده را از آن دست بردارند. این یک امری است که بین همه هست، یعنی یک تکلیفی متوجه به همه هست، به من طلبه که این‌جا نشسته‌ام و به شما علما و همه علمای بلاد و همه قشرهای ملت، همه روشنفکران، همه نویسندگان، گویندگان، به همه تکلیف شرعی است که نگذارید مسئله، مثل مسئله مشروطیت بشود. عبرت بگیرید از آن‌جا، اگر مثل او بشود، آن‌هایی که مخالف با اسلام و جمهوری اسلامی هستند و بازیگر هستند، آن‌ها می‌آیند قبضه می‌کنند.»

تکلیف همگانی

تأکید بر تکلیف شرعی بودن، ترجیح‌بند همه سخنرانی‌های حضرت امام (ره) پیش از انتخابات‌های گوناگون بوده است. ایشان در جای دیگری خطاب به مردم گفته است: «تگوید که دیگران رأی می‌دهند. من هم باید رأی بدهم، تو هم باید رأی بدهی، آن روستایی هم که در کنار مزرعه خودش کار می‌کند باید رأی بدهد؛ تکلیف است. این یک تکلیف

می‌کنند و این نیز از اهمیت آن است، یکدل و یک جهت در روز انتخابات به سوی صندوق‌ها هجوم برند و آرای خود را به صندوق‌ها بریزند. و امید است علمای اعلام - کثرالله امثالهم - هم خود شرکت نمایند و هم ملت را ارشاد فرمایند.»

کور کورانه رأی ندهید

حضرت روح‌الله، هر چند که گروه‌ها را از تحمیل افراد به مردم بر حذر می‌داشت و بر آزادی مردم در انتخابات پافشاری می‌کرد، اما همواره تأکید می‌کرد که مردم رأی صحیح دهند. مردم را از دادن رأی کور کورانه بر حذر می‌داشت و می‌فرمود: «احدی شرعاً نمی‌تواند به کسی کور کورانه و بدون تحقیق رأی بدهد. و اگر در صلاحیت شخص یا اشخاصی تمام افراد و گروه‌ها نظر موافق داشتند، ولی رأی‌دهنده تشخیص بر خلاف همه آن‌ها بود، تبعیت از آن‌ها صحیح نیست، و نزد خداوند مسئولیت دارد. و اگر گروه یا اشخاص صلاحیت فرد یا افرادی را تشخیص دادند و از این تأیید برای رأی‌دهنده اطمینان حاصل شد، می‌تواند به آن‌ها رأی دهد.»

انتخاب اصلح

امام خمینی(ره) مردم را به انتخاب فردی دعوت می‌کرد که مفید فایده برای اسلام باشد. از نظر ایشان در نظر گرفتن منافع و مصالح شخصی در انتخاب و بی‌توجهی به مصالح اسلام پیروی از شیطان است. ایشان فرموده است: «انتخابات یک محکی هم برای خودتان است که ببینید آیا می‌خواهید انتخاب اصلح بکنید برای خودتان، یا برای

اسلام؟ اگر برای خودتان باشد، شیطانی است. و اما اگر انتخاب اصلح برای مسلمان‌هاست، «کی و از کجاست» مطرح نیست، از هر گروهی باشد، حزب باشد یا غیر حزب، نه حزب اسباب این می‌شود که غیر آن فاسد، و نه صد درصد حزبی بودن باعث صلاح آن‌هاست.»

وفاداری به اسلام

بنیانگذار انقلاب علاوه بر انذارها، ارشاداتی نیز در جهت انتخاب گزینه اصلح، به مردم ارائه کرده است. ایشان چشیدن طعم تلخ



فقر و مدافع اسلام ناب محمدی را گزینه اصلح می‌داند و مردم را از رأی دادن به مرفهین بی‌درد بر حذر داشته است. حضرت روح‌الله در توصیه‌ای بی‌نظیر و تاریخی فرموده است:

«مردم شجاع ایران با دقت تمام به نمایندگانی رأی دهند که متعبد به اسلام و وفادار به مردم باشند و در خدمت به آنان احساس مسئولیت کنند، و طعم تلخ فقر را چشیده باشند، و در قول و عمل مدافع اسلام پابرجان زمین، اسلام مستضعفین، اسلام رنج‌دیدگان

تاریخ، اسلام عارفان مبارزه‌جو، اسلام پاک‌پنستان عارف، و در یک کلمه، مدافع اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله وسلم - باشند. و افرادی را که طرفدار اسلام سرمایه‌داری، اسلام مستکبرین، اسلام مرفهین بی‌درد، اسلام منافقین، اسلام راحت‌طلبان، اسلام فرصت‌طلبان و در یک کلمه، اسلام آمریکایی هستند طرد کرده و به مردم معرفی کنند.»

کشور را به باد فنا ندهید

امام خمینی(ره) رأی اشتباه در انتخابات ریاست جمهوری را موجب فناى کشور می‌داند و می‌فرماید: «به زن و مرد و آن کسی که به حد رأی‌دادن قانونی رسیده واجب است این مسئله که در پای صندوق‌های تعیین رئیس‌جمهور حاضر بشوند و رأی بدهند. چنانچه سستی بکنید، کسانی که می‌خواهند این کشور را به باد فنا بدهند، ممکن است پیروز بشوند. باید همه شما، همه ما، زن و مرد، هر مکلف همان‌طور که باید نماز بخواند، همان‌طور باید سرنوشت خودش را تعیین کند.»

کلام آخر، راه همیشگی

و اما ایشان در آخرین کلام‌های خود در وصیت‌نامه‌اش دعوت به حضور مردم در انتخابات را فراموش نکرده و خطی همیشگی برای مردم ایران ترسیم کرده است. «وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات، چه انتخاب رئیس‌جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، در صحنه باشند» ❖



حضرت روح‌الله، هر چند که گروه‌ها را از تحمیل افراد به مردم بر حذر می‌داشت و بر آزادی مردم در انتخابات پافشاری می‌کرد، اما همواره تأکید می‌کرد که مردم رأی صحیح دهند

رأی مردم حق مردم

بازخوانی اهمیت
رأی مردم در بیانات
رهبر معظم انقلاب اسلامی



رهبر معظم انقلاب در مدت نزدیک به سه دهه رهبری جمهوری اسلامی، بارها بر حضور مردم در انتخابات تأکید کرده است. ایشان معتقد است حضور پررنگ مردم موجب قطع امید، سیلی خوردن دشمن و اقتدار جمهوری اسلامی می‌شود. به مناسبت برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ۹۶، نقیبی زدیم بر برخی از گفته‌های ایشان درباره حضور مردم در انتخابات. هرچند که بحر در لیوان نگنجد، اما تلاش شده تا نمایی شایسته از فواید حضور ملت در انتخابات در این مطلب ارائه گردد.

تکلیفی برای همه

رهبر معظم انقلاب، رأی دادن را حق مردم در تعیین سرنوشت می‌داند. علاوه بر این معتقد است که رأی دادن تکلیف مردم است. رهبری حضور در صحنه انتخابات را تنها برای گروهی خاص تکلیف و حق نمی‌داند، بلکه معتقد است همه گروه‌ها و سلاقی صاحب این حق و متعهد به این تکلیف هستند.

ایشان در اولین روز سال ۱۳۹۲، سالی که انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌شد، گفته است: «در انتخابات، همه‌ی سلیقه‌ها و جریان‌های معتقد به جمهوری اسلامی باید شرکت کنند؛ این، هم حق همه است، هم وظیفه همه است. انتخابات مال یک سلیقه خاص، مال یک جریان فکری و سیاسی خاص نیست. همه کسانی که به نظام جمهوری اسلامی و به استقلال کشور معتقدند، به آینده کشور اهمیت می‌دهند، دلشان برای منافع ملی می‌سوزد، باید در انتخابات شرکت کنند. رو گرداندن از انتخابات، مناسب کسانی است که با نظام اسلامی مخالفند.» ایشان در روز برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ گفته است: «همه برونند، همه رأی بدهند، طبق تشخیص خودشان عمل کنند و سهم خودشان را در اداره کشور و در تعیین مدیریت عالی اجرایی کشور، به عهده بگیرند. این

یک حق و در عین حال یک تکلیف است. حق آحاد مردم ماست که نظر بدهند؛ تکلیف آن‌ها هم همین است. به اعتقاد من، این هم تکلیف شرعی و هم تکلیف عقلی - یعنی عقلایی - است که این کار را انجام بدهند.»

رأی دادن؛ هم تکلیف، هم حق

رهبری انقلاب مثل همیشه تأکید می‌کنند که حضور در انتخابات علاوه بر حق، تکلیفی بر گردن مردم است و حتی آن را واجب شرعی می‌داند. ایشان در فاصله دو روز مانده به انتخابات ریاست جمهوری ۸۴ فرموده است:

«شرکت در انتخابات، هم حق مردم است و هم تکلیف شرعی و واجب شرعی است. دشمنان ملت ایران هم با این به شدت مخالفند. محاسبه هم محاسبه دو دو تا چهار تا است. کسانی که با نظام جمهوری اسلامی و با هویت اسلامی ملت ایران به شدت مخالفند و آن را بر خلاف منافع خودشان می‌دانند، به خاطر پشتیبانی مردم از نظام جمهوری اسلامی، درمانده‌اند؛ والا قدرت‌های مادی دنیا بمب اتم و توپ و تانک، اراده‌های خبیث، خدانشناسی، بی‌رحمی و سنگدلی کم ندارند. آن چیزی که تا امروز مثل سدی جلوی تعرض



رهبری حضور در انتخابات را حتی برای کسانی که نمی‌خواهند از نظام جمهوری اسلامی حمایت کنند، لازم می‌داند

آن‌ها را به نظام جمهوری اسلامی گرفته، حضور شما مردم است. حضور مردم در روز انتخابات، حضوری واضح‌تر از همه جای دیگر است. همه مردم کشور پای صندوق‌های رأی می‌آیند و می‌توانند بیایند؛ این یک حضور همگانی است. هرکس پای صندوق رأی می‌آید، در واقع رأی به جمهوری اسلامی، رأی به قانون اساسی و رأی به مواد غیرقابل تغییر قانون اساسی - یعنی اسلام و ارزش‌های اسلامی - می‌دهد. حضور مردم، یعنی دفاع از جمهوری اسلامی؛ یعنی دفاع از قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی. این برای دشمنان ملت ایران مطلوب نیست؛ لذا سعی می‌کنند حضور مردم را کم‌رنگ کنند.»

حتی اگر از نظام حمایت نمی‌کنید، بیایید

رهبری حضور در انتخابات را حتی برای کسانی که نمی‌خواهند از نظام جمهوری اسلامی حمایت کنند، لازم می‌داند. ایشان حضور مردم را حمایت از کشور ایران می‌دانند و در فاصله دو روز مانده به انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ فرموده است:

«بنده اصرارم بر حضور حداکثری و عمومی ملت ایران به خاطر این است که می‌بینم و می‌دانم که حضور یکپارچه مردم، حضور پرشوق و امیدوارانه و قدرتمندانه مردم موجب می‌شود که دشمن مأیوس بشود؛ وقتی دشمن مأیوس شد، کارایی خود را از دست خواهد داد... مصونیت کشور، وابسته به حضور مردم است؛ کم‌شدن فشارهای دشمنان، وابسته به حضور مردم است، وابسته به اتحاد و انسجام مردم با نظام و با دستگاه جمهوری اسلامی و حسن اعتماد متقابل بین مردم و مسئولین است. این حسن باید روزبه‌روز تقویت بشود. توصیه اول و اهمم حضور در پای صندوق‌های رأی است؛ این از همه چیز مهم‌تر است برای کشور. ممکن است بعضی‌ها - حالا به هر دلیلی - نخواهند از نظام جمهوری اسلامی حمایت بکنند اما از کشورشان که می‌خواهند حمایت کنند، آن‌ها هم باید بیایند پای صندوق رأی. همه باید بیایند پای صندوق‌های رأی، حضور خودشان را اثبات کنند. هر کسی که انتخاب خواهد شد - که تقدیر الهی را ما نمی‌دانیم - اگر چنانچه آرای بیشتری از مردم را داشته باشد، در صورتی که دارای رأی سدید و خوبی باشد، بهتر می‌تواند از آن رأی دفاع کند.»

همه بیایند حتی غیرمسلمان‌ها

اعتقاد رهبری به حضور در انتخابات فقط شامل گروه‌های مختلف سیاسی نیست، بلکه حتی غیرمسلمان‌ها را دعوت به حضور در صحنه انتخابات می‌کنند. ایشان در زمانی که زمام رهبری نظام را بر عهده نداشتند، گفته است: «حق رأی در جمهوری اسلامی

مخصوص مسلمانان نیست، مخصوص یک عده‌ای از مسلمانان، یک مذهب خاص نیست، مال همه است. رأی در مجلس شورای اسلامی و قانونگذاری مخصوص مسلمین نیست. غیر مسلمان‌ها هم نماینده انتخاب می‌کنند و حق رأی دارند.»

انتخابات‌ها را مهم بشمرید

معظم له علاوه بر این که رأی را حق و تکلیف مردم می‌داند طبق سنت همیشگی از مردم دعوت می‌کند تا در انتخابات حضور پررنگ داشته باشند. دعوت به انتخابات شامل همه انتخابات می‌شود حتی مرحله دوم انتخابات مجلس. ایشان در نیمه اردیبهشت ۹۵ و پیش از برگزاری مرحله دوم انتخابات مجلس دهم می‌گوید:

«انتخابات‌ها را مهم بشمرید؛ در انتخابات‌ها شرکت کنید؛ انتخابات‌ها را رها نگذارید؛ انتخابات مهم است. بنده بارها گفته‌ام و به مردم عزیزمان عرض کرده‌ام هم در این انتخابات که در اسفند بود، هم قبل از آن در انتخابات‌های مجلس و انتخابات‌های ریاست جمهوری که در انتخابات‌ها شرکت کنید؛ شرکت در انتخابات تعیین‌کننده است. بعضی توجه نمی‌کنند؛ وقتی شما پای صندوق رأی نیامدید، این احساسات راه این میل راه این کشش راه این هویت را منتقل نکردید به صندوق رأی، کار مشکل خواهد شد؛ در انتخابات شرکت کنید.»

انتخابات آبروی ملت است

رهبری، برگزاری انتخابات را عزت ملی و آبروی ملت می‌داند و انتخابات را یکی از دو رکن مردم سالاری دینی می‌داند. ایشان در سخنرانی نوروزی ۶۹ در حرم مطهر رضوی می‌فرماید: «برادران و خواهران عزیز! انتخابات در کشور ما بسیار مهم است، نه فقط انتخاب ریاست جمهوری؛ انتخابات مجلس هم همین‌جور است، انتخابات شوراهای هم همین‌جور است. انتخابات یکی از دو رکن مردم‌سالاری دینی است. مردم‌سالاری دینی روی دو ستون ایستاده است؛ یکی از این دو ستون رأی مردم است، انتخابات است. ما به برکت انتخابات به دنیا فخر می‌فروشیم. دشمنان برای کوبیدن ملت ایران و جمهوری اسلامی انتخابات ما را ندیده می‌گیرند و متهم می‌کنند. این نشان می‌دهد انتخابات خیلی مهم است. انتخابات بسیار مهم است. مایه عزت ملی است؛ مایه تقویت ملت ایران است؛ مایه آبروی ملت ایران است.»

مظهر خداپاوری، مردم‌باوری و خودباوری

رهبری حضور در انتخابات را مظهر سه باور بزرگ می‌داند. ایشان در سخنرانی سالانه ۱۴ خرداد در حرم حضرت امام خمینی (ره) و در فاصله چندروز مانده به انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ فرموده است:

«برادران و خواهران عزیز! ملت عزیز ایران! انتخابات مظهر هر سه باوری است که در امام وجود داشت و باید در ما وجود داشته باشد: مظهر خداپاوری است، چون تکلیف است. وظیفه ما است، تکلیف ما است که در سرنوشت کشور دخالت کنیم؛ تک‌تک احاد ملت



رهبری انقلاب
حضور مردم
در انتخابات
را نترسیدن از
نهیپ ابر قدرت‌ها
می‌داند. هر رأی را
نیز سرمایه‌گذاری
و سپرده‌گذاری
مردم می‌داند که
به آن سود تعلق
می‌گیرد

هم شاید بیشتر است؛ به خاطر این که تیره‌های موجود در ترکش
استیکار علیه شما مردم تمام شده. هر چه می‌توانستند، ضربه زدند؛
هر چه داشتند و به عقلشان رسیده، فعالیت کردند؛ این تیره‌های
آخر است. باید بایستید؛ باید به توفیق الهی، به فضل الهی، اراده و
عزم خود را به رخ دشمن بکشید تا بفهمد که در مقابل این ملت
نمی‌تواند مقاومت کند.»

قد بر افراشتن ملی

رهبری در جای دیگری حضور در انتخابات را سینه سپر
کردن در جلوی دشمن می‌دانند و می‌گوید:

«گفته اول اهمیت خود این انتخابات است؛ صرفاً این نیست
که ما می‌رویم پای صندوق رأی و یک برگه رأیی به نام
کسی و کسانی می‌اندازیم در صندوق؛ مسئله این است
که انتخابات در کشور ما قد بر افراشتن ملی است؛ ملت
با انتخابات در مقابل دشمن سینه سپر می‌کند، عرض
اندام می‌کند؛ اهمیت انتخابات این است. وقتی دشمن
مشاهده می‌کند که بعد از ۳۷ سال با این همه فشار، با این
تحریم‌های ظالمانه، با این تبلیغات غرض‌آلود و خباثت‌بار
نتوانسته است مانع مردم از بیعت با نظام بشود، عظمت این
انقلاب در چشم او هیبت پیدا می‌کند، ملت ایران عظمت
پیدا می‌کند؛ انقلاب او عظمت پیدا می‌کند؛ انتخابات این
است. انتخابات به معنای حمایت از عزت ملی و استقلال
ملی و به معنای ایستادگی ملت ایران است.»

رهبر معظم انقلاب معنای جمهوری اسلامی را حضور مردم
می‌داند و می‌گوید:

«دشمن می‌داند که قوام جمهوری اسلامی، متکی به رأی
و حضور مردم است. در جمهوری اسلامی اگر مردم در
صحنه نباشند، جمهوری اسلامی چیزی نیست. جمهوری
اسلامی که چهار تا مسئول از قبیل بنده نیستند؛ جمهوری
اسلامی یعنی حضور همگانی ملت ایران و حرکت عمومی
به سمت آرمان‌ها و آرزوهای بزرگ و عملی؛ این معنای
جمهوری اسلامی است.»

سپرده‌گذاری با سود قطعی

رهبری انقلاب حضور مردم در انتخابات را نترسیدن از نهیب
ابر قدرت‌ها می‌داند. هر رأی را نیز سرمایه‌گذاری و سپرده‌گذاری
مردم می‌داند که به آن سود تعلق می‌گیرد. ایشان در سال برگزاری
انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ گفته است:

«مردم سالاری دینی با حرف نمی‌شود؛ مردم سالاری دینی با شرکت
مردم، حضور مردم، اراده مردم، ارتباط فکری و عقلانی و عاطفی مردم
با تحولات کشور صورت می‌گیرد؛ این هم جز با یک انتخابات صحیح
و همگانی و مشارکت وسیع مردم ممکن نیست. این مردم سالاری،

این تکلیف را دارند. مظهر مردم‌باوری است، چون انتخابات مظهر
اراده آحاد مردم است؛ مردمنده که مسئولان کشور را به این وسیله
انتخاب می‌کنند. و مظهر خودباوری است، چون هر کسی که رأی
در صندوق می‌اندازد، احساس می‌کند که به سهم خود در سرنوشت
کشور دخالت کرده است، به سهم خود تعیین کرده است؛ این
خیلی چیز مهمی است. پس انتخابات هم مظهر خدا باوری است،
هم مظهر مردم‌باوری است، هم مظهر خودباوری است.»

مصونیت کشور در برابر دشمن

مردم باید همه توجه کنند، بدانند که حضور پرشور و پرونق در
انتخابات موجب می‌شود کشور مصونیت پیدا کند؛ موجب می‌شود
که طمع دشمن برای دست‌اندازی و تعرض و دشمنی و خباثت
نسبت به این کشور کم شود؛ حضور مردم این تأثیرات را دارد.
آن‌ها تلاش دارند که این اتفاق نیفتد. البته من به شما عرض بکنم؛
آن‌طوری که ما ملت خودمان را تجربه کرده‌ایم، آن‌طوری که لطف
و فضل الهی را مکرر آزموده‌ایم، این ملت در این نوبت هم مثل
نوبت‌های قبل، مشت محکمی به دهان دشمن خواهد زد. مردم
به توفیق الهی در این انتخابات یک آزمون افتخارآمیز دیگری را
به صحنه خواهند آورد و بر افتخارات خودشان خواهند افزود. این،
لطف الهی است؛ ان شاء الله تحقق پیدا خواهد کرد.

ایشان در جای دیگری عبارت مشت بر دهان دشمن را تکرار کرده
و یادآور شده است:

«عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی همیشگی در رسانه‌های دنیا به کار
افتادند که این انتخابات را بی‌رونق کنند. من عرض می‌کنم؛ عرض
کردم، باز هم تکرار می‌کنم: حضور مردم در انتخابات می‌تواند کشور
را پیش ببرد، از شر دشمن محفوظ و مصون نگه دارد؛ دشمن را
در توطئه‌های خودش دچار تزلزل و تردید بکند؛ دشمن را وادار به
عقب‌نشینی کند. انتخابات پرشور، مشت محکمی به دهان دشمن
است.»

صدای عموم مردم

رهبری حضور مردم را مهم‌تر از این می‌داند که چه کسی انتخاب
شود. ایشان در فاصله چند روز مانده به انتخابات مجلس نهم خطاب
به مردم گفته‌اند:

«حقیقتاً انتخابات، سیلی به چهره دشمنان این ملت است. آنچه
مهم است، این است که مردم حضور پیدا کنند؛ البته این هم مهم
است که به نامزدهای صالح رأی بدهند. هر دو مهم است، لیکن
حضور در درجه اول است. هر چه حضور مردم بیشتر باشد، پشتوانه
مجلس شورای اسلامی قوی‌تر باشد، مجلس محکم‌تر، تواناتر و
شجاع‌تری تشکیل خواهد شد؛ صدای عموم مردم را می‌تواند با
قدرت تمام به گوش دنیا برساند. این است که این حضور، حضور
بسیار بااهمیتی است؛ حضور بسیار با عظمتی است. و من تصور این
است که این دفعه، این نوبت انتخابات، حساسیتش از دفعات قبل



یکی از نقاط
تاریخی
صحبت‌های
رهبری، حق‌الناس
دانستن رأی
مردم و توصیه به
برگزار کنندگان
بر مراقبت از
حق‌الناس بوده
است.

عامل پایداری ملت ایران است. این که شما توانسته‌اید در طول این سی سال از نهیب ابرقدرت‌ها نترسید، این که ابرقدرت‌ها هم غیر از نهیب نتوانستند ضربه اساسی به شما بزنند، این که جوانان کشور در ورود به میدان‌های گوناگون این شجاعت و اخلاص را نشان می‌دهند، ناشی از مردم‌سالاری دینی است؛ این را باید خیلی قدر بدانیم. انتخابات



انتخابات است؛ در درجه دوم هم، رأی به کسی است که یا شما، یا آن برادر و خواهر دیگر، یا بنده حقیر تشخیص داده‌ایم که برای آینده کشور مفیدتر از دیگران است.»

رأی، حق‌الناس است

رهبر انقلاب تأکیدات خود را همیشه معطوف به مردم نمی‌کند، بلکه دست‌اندرکاران انتخابات را نیز مورد

خطاب قرار می‌دهد، به نحوی که در انتخابات‌های دهه اخیر، دیدار با دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات، پای ثابت جلسات ایشان بوده است. یکی از نقاط تاریخی صحبت‌های رهبری، حق‌الناس دانستن رأی مردم و توصیه به برگزار کنندگان بر مراقبت از حق‌الناس بوده است. ایشان در روز برگزاری انتخابات ریاست جمهوری یازدهم فرمودند:

«من به این حضرات محترمی که مسئولان صندوق‌ها و مسئولان بازشماری و قرائت آرا و این‌ها هستند، یک توصیه به این عزیزان دارم و آن این است که بدانند رأی مردم امانتی است دست آن‌ها و حق‌الناس است؛ یعنی حفظ امانت در این مسئله، حق‌الناس است. همان‌طور که می‌دانید حق‌الناس را انسان بیشتر بایستی رعایت کند و خروج از عهده حق‌الناس سخت‌تر است از خروج از عهده حق‌الله. لذا است که خیلی باید در این زمینه توجه کنند.»

ملت در هر صورت برنده است

معظم‌له بارها و بارها رأی مردم را به هر شخص و گروهی را باعث بالندگی جمهوری اسلامی می‌داند و می‌گویند:

اگر ملت ایران، خوب، قوی، جازم و عازم وارد میدان بشود و صندوق‌های رأی را از رأی خود و عزم خود پُر کند، ایران خواهد بالید، جمهوری اسلامی خواهد بالید و افتخار خواهد کرد؛ حالا هر که ببرد، هر که ببازد. در واقع بُرد و باختی برای ملت وجود ندارد؛ ملت در هر صورت برنده است.

آنچه روشن است، رهبری همیشه معتقدانه و مقتدرانه پای رأی مردم ایستاده است. تقویت نظام تحت رهبری‌اش را ناشی از انتخابات پرشور می‌داند و تمام تلاش خود را برای حضور پررنگ مردم در انتخابات کرده است. انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ نیز قطع به یقین چیزی شبیه به همه انتخابات این نظام، مایه بالندگی و افتخار مردم و نظام خواهد شد. ♦

سرمایه‌گذاری عظیم ملت ایران است؛ مثل این که شما سرمایه سنگین و عظیمی را در بانک می‌گذارید، بانک با آن کار می‌کند و شما از سودش استفاده می‌کنید؛ انتخابات یک چنین چیزی است. ملت ایران سرمایه‌گذاری عظیمی می‌کند، سپرده‌گذاری بزرگی را انجام می‌دهد و سود آن را می‌برد. آرای یکایک شما مردم سهمی است از همان سرمایه‌گذاری و سپرده‌گذاری.

امنیت، استقلال و ثروت ملی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، حضور مردم را تأثیرگذار بر همه ابعاد کشور می‌داند. ایشان در سخنرانی نوروزی سال ۱۳۹۲ گفته است:

«گسترش مشارکت و حضور گسترده مردم در انتخابات اهمیت دارد. شور انتخاباتی در کشور و حضور مردم پای صندوق‌های رأی می‌تواند تهدیدهای دشمنان را بی‌اثر کند؛ می‌تواند دشمن را ناامید کند؛ می‌تواند امنیت کشور را تأمین کند. ملت عزیز ما در همه نقاط کشور این را بدانند؛ حضور گسترده آن‌ها در پای صندوق رأی، در آینده کشور تأثیر دارد؛ در امنیت، در استقلال، در ثروت ملی، در اقتصاد، در همه مسائل مهم کشور تأثیر می‌گذارد. انتخابات باید به توفیق الهی، به کمک پروردگار، با همت ملت ایران، با مشارکت گسترده تحقق پیدا کند.»

هر رأی، اعتماد به نظام است

رهبری، رأی دادن به هر کسی در انتخابات را به معنای اعتماد به جمهوری اسلامی می‌داند و می‌گوید:

«رأی به هر نامزدی، رأی به جمهوری اسلامی است؛ رأی اعتماد به نظام و سازوکار انتخابات است. این که شما وارد عرصه انتخابات می‌شوید؛ چه آن کسی که نامزد ریاست جمهوری است، چه آن کسی که انتخاب می‌کند - مثل من و شما - نفس ورود در این میدان، به معنای اعتماد به جمهوری اسلامی و اعتماد به سازوکار



انتخاب مؤمنانه تبلیغ مسئولانه

شیوه‌های تبلیغ در فرهنگ اسلامی - ایرانی

حجت‌الاسلام دکتر حسن خیری

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق



ارشاد است، رشید کردن افراد است. این واژه رشد و رشید از واژه‌های شناخته‌شده فرهنگ اسلامی و قرآنی است، در این شیوه تبلیغی ممکن است همدلی هم صورت گیرد و از ابعاد عاطفی و جاذبه‌های خاصی که احیاناً مخاطب را مجذوب می‌کند استفاده شود. اما هرگز در آن شیوه‌های ناجوانمردانه و اغواگرانه و خلط واقعیت وجود ندارد. فرض کنید مثل شیوه همدلی که حضرت ابراهیم(ع) در ارتباط با ستاره‌پرستان و خورشیدپرستان و امثال این‌ها به کار گرفت که اگرچه راه همدلی را در پیش گرفت، اما اغواگرانه نبود، بلکه در نهایت زمینه رشد فکری و بینشی افراد را به همراه داشت، خود آن‌ها به یک معرفتی رسیدند که حرف پیامبر خدا را قبول کردند.

نظام مبتنی بر ارزش‌ها

ما مدعی هستیم نظاممان مبتنی بر معارف و آموزه‌های دینی است و دغدغه این را داریم که این نظام فقط بعد سیاسی ندارد، بلکه خاستگاه فرهنگی دارد و خاستگاه فرهنگی‌اش هم مبتنی است بر معارف اسلامی؛ طبیعتاً شیوه مطلوب تبلیغ باید از این آموزه‌ها اخذ شود و به طور مسلم باید به بحث اخلاق محوری در شیوه‌های تبلیغ توجه شود، یعنی ما قبل از این که بخواهیم افراد را مجذوب خودمان کنیم که رأی جمع بکنیم باید تلاشمان معطوف به این باشد که شیوه‌های تبلیغمان اخلاق اسلامی را ارتقا دهد و در همه رفتارهای ما نمود این وجود داشته باشد که ما به عنوان بنده خدا داریم تکلیفی را انجام می‌دهیم و به عنوان تکلیف وارد عرصه‌ای شده‌ایم که طبیعتاً مسئولیت‌زاست و این مسئولیت، ما را داشته که خود را در معرض انتخاب مردم قرار دهیم. اگر این عناصر در ما وجود داشته باشد طبیعتاً شیوه‌های تبلیغ ما هم در حدی که تکلیف از ما سلب شود و ادای تکلیف کرده باشیم متفاوت خواهد شد. بنابراین این‌جا

شاید بتوانیم تبلیغ را در وجه کلی به دو قسم تقسیم کنیم، شیوه تبلیغ ارشادی، شیوه تبلیغ متقاعد سازی. اقدام‌کننده در شیوه تبلیغ اقناعی، با هر وسیله‌ای فرد را متقاعد می‌کند که حرف او را بپذیرد. در این حالت ممکن است سوءاستفاده‌های عاطفی و اخلاقی شود، اغواگری در آن وجود داشته باشد، خلط واقعیت‌ها وجود داشته باشد، کوچک کردن چیزهای بزرگ، بزرگ کردن چیزهای کوچک وجود داشته باشد، مقایسه‌های نامطلوب وجود داشته باشد، استفاده از این شیوه‌ها در انتخابات‌های جهان وجود دارد. در حوزه‌های بازرگانی نیز وجود دارد، از این شیوه‌ها استفاده می‌کنند و طبیعتاً علوم مختلفی هم به این‌ها پرداخته‌اند، علوم ارتباطات و مخاطب‌شناسی. برای پاسخ به این پرسش که چگونه مخاطب را مجذوب خودمان کنیم. این یک طرف قصه است.

اما شیوه تبلیغ ارشادی، تبلیغی است که دغدغه اساسی در آن انتقال واقعیت‌هاست. چگونه مردم را آگاه کند و بر اساس نیازهای واقعی و تولید احساس نیازهای واقعی، فرد را متقاعد کند که کاری را انجام دهد، لذا مبنای آن



از منظر ما اهانث
به یک مؤمن و
ترو شخصیت
یک فرد مؤمن
مبارزه با خداست
پس ممکن است
در این چار قاب
باشد و باید هم
باشد بالاخره سبقت
است و مسابقه
است ولی سبقت
و مسابقه ای که
به سمت خیرات
است «فاستبقوا
الخیرات» است

اسراف جایگاه خودش را پیدا می کند. به هیچ وجه ما از شیوه تبلیغی اسراف گرانه استفاده نخواهیم کرد. نیازهای کاذب تولید نخواهیم کرد، دروغ نخواهیم گفت و اغوا نخواهیم کرد، ترو شخصیت نخواهیم داشت و رفتارهایی که منجر به اهانث شود، اتفاق نخواهد افتاد. از منظر ما اهانث به یک مؤمن و ترو شخصیت یک فرد مؤمن مبارزه با خداست پس ممکن است در این جا رقابت باشد و باید هم باشد بالاخره سبقت است و مسابقه است ولی سبقت و مسابقه ای که به سمت خیرات است «فاستبقوا الخیرات» است «وسارعوا الی مغفره من ربکم» هست، خب این ها عناصر کلیدی است که ما را واداشته است که تبلیغی انجام دهیم پس ما در واقع بسیار مراقب هستیم که کوچک ترین خطای ما نه تنها ما را در آن کار موفق نمی کند و در پیشگاه خدا حجت نخواهیم داشت، بلکه کار ما چون ابزاری شده و گناه است. در واقع راه شیطان را در پیش گرفته ایم. این را باید بپذیریم که در



چنین جامعه ای ادای تکلیف می کنیم. باید جامعه را به پیش بریم و خودمان را هم اگر توانایی و استعداد داریم در معرض قرار بدهیم. همه اینها مبتنی است بر سرکوب هوای نفس. ما به عنوان بنده خدا وارد کار می شویم. اگر چنین وضعیتی را پیش گرفتیم شیوه تبلیغ ما کاملاً متفاوت خواهد بود از شیوه تبلیغ دیگران. در این حالات چه بسا در میانه راه به این نتیجه برسیم که فرد دیگری که دارد تبلیغ می کند و سوابقش و برنامه اش را ارائه داده است از ما بهتر است پس طبیعتاً در این جا سخنگوی او خواهیم شد. ما به عنوان تکلیف داریم وارد می شویم، کنار خواهیم کشید، اما اگر ما آمدیم به هر بهانه ای خواستیم خودمان را نشان بدهیم، طبیعتاً این شیوه، شیوه مطلوبی نخواهد بود.

همسویی شعارها با اهداف نظام

گاهی ما مصداقی وارد بحث می شویم که فلان کاندیدا که دارد کارش را انجام می دهد برنامه اش را ارائه کرده است، تبلیغ دارد می کند، آیا این شعارهایی که دارد می دهد برنامه اش منطبق است با شاکله کلی برنامه های نظام یا چشم انداز

نظام یا نه؟ این یک بحث است. یک وقت هم هست که ما به عنوان ناظر فرایند، این انتخابات را داریم نظارت می کنیم و با یک دید کلی به این قضیه نگاه می کنیم. اگر این طور باشد، باید بگوییم متأسفانه خیلی در شعارهای انتخاباتی مان عقلانیت حاکم نیست به رغم این که گفته می شود و باید هم باشد که ما تکلیف مدار باید باشیم، به نیازها باید توجه کنیم، باید حرمت رقبا را نگاه داریم، باید در یک عرصه سالم الگو باشیم برای دیگر کشورها، اما در مرحله عمل هم در احزاب ما هم در جبهه های ما و هم در کاندیداهای مستقل کمتر مشاهده می شود که توجه به این نکات داشته باشند. بیشتر رأی آوردن و جاذبه تولید کردن برای این که مردم به آن ها استقبال نشان بدهند و اقبال بکنند مورد توجه قرار می گیرد تا این که در یک فرایندی بخواهیم شعارهای انقلابمان را تکامل ببخشیم و الگو و سرمشق باشیم برای دیگر کشورها که می خواهند از مردم سالاری دینی ما درس بگیرند، لذا

وقتی که نگاه می کنیم ماهیتاً خیلی تفاوت نمی توانیم قائل شویم بین کاری که ما داریم انجام می دهیم با کاری که بقیه دارند انجام می دهند؛ یعنی باز این جا هم نگاه می کنیم می بینیم که به هم حمله می کنند، مسائل اخلاقی را رعایت نمی کنند، تخریب جناح مخالف به طور جدی صورت می گیرد، و مردم را در یک آشفتگی انتخاب و دوگانگی قرار می دهند به جای این که انتخابات وسیله آرامش مردم باشد و احساس کنند که این انتخابات با توجه به تجربیات گذشته از انتخابات های گذشته بهتر شده است، اسلامی تر شده است، اخلاقی تر شده است، متأسفانه این ها را انسان کمتر مشاهده می کند. معمولاً برنامه محور هم نیستیم بیشتر شعارزده هستیم و به رغم این که باید بر اساس آموزه های دینی مان برنامه محور باشیم اخلاق محور باشیم، و عرضه کردنمان عرضه توانایی ها و استعدادهایمان باشد، ما هم مثل بقیه مثل یک حزبی که بر پایه یک مادی گرایی و عقلانیت ابزاری شکل گرفته است درصدد این هستیم که هر طور شده است رأی بیاوریم و احساسمان این است که گویا اگر ما رأی نیاوریم به اسلام و مسلمین لطمه خورده است، گویا ما خودمان را مساوی می دانیم با



نظام‌ماندگاری
اسلامی است و این
نظام اسلامی را باید
سرمایه تلقی کنیم،
وقتی سرمایه تلقی
کردیم معنایش
این است که ما
وارث هستیم

کنند، بعد از انتخابات این پشتوانه قوی باقی می‌ماند، اقتدار نظام را تأمین می‌کند. اگر گروه‌های مرجع در زمان انتخابات اخلاق را رعایت کردند، بعد از آن هم مردم اعتمادشان بیشتر می‌شود. مسائل اجتماعی و پدیده‌های اجتماعی، شبکه پیچیده‌ای است.

نظام‌ماندگاری اسلامی است و این نظام اسلامی را باید سرمایه تلقی کنیم، وقتی سرمایه تلقی کردیم معنایش این است که ما وارث هستیم. گذشتگان این را در اختیار ما قرار داده‌اند. اگر ما درست استفاده نکنیم، این‌طور نیست که فقط به خودمان خسارت وارد کرده باشیم، یک دسترنجی از خودمان را ضایع کرده باشیم، بلکه زحمات پیامبران را، زحمات صلحا را علما را در طول تاریخ، هدر داده‌ایم؛ یعنی اجحاف، ظلم و بی‌انصافی که صورت می‌گیرد منحصر به خود ما نمی‌شود و احیاناً اگر خدای ناکرده بی‌اخلاقی صورت گیرد باعث بی‌اعتمادی مردم به اسلام شود، اجحاف در حق اسلام صورت گرفته است.

این ظلم مضاعفی است. باید اعتماد به نظام اسلامی هر روز بیشتر شود به این اعتماد و حفظ این ارزش‌ها به عنوان سرمایه توجه کنیم. نکته بعدی که ضرورت بحث اخلاق را حساس‌تر می‌کند این است که در کشور ما تنوع و تکثر وجود دارد. هم از نظر مذهبی هم از نظر قومیت‌ها و زبان. در انتخابات‌ها باید توجه کرد که خدای ناکرده به قومیت‌ها توهین نشود، به مذاهب توهین نشود. این همبستگی، سرمایه است. احیاناً به صورت ابزاری از بعضی کانون‌های اسلامی استفاده نشود. فرض کنید از مساجد از هیئات، از نماز جمعه از احزاب، شخصیت‌ها استفاده ابزاری نشود. به نظر می‌رسد از نظر ضوابط و مقررات قانون کمبودی نداریم، مهم این است که مخلصانه بیاوریم و آن را اجرا کنیم و مصالح جمعی را بر مصالح فردی و مقطعی حزبی و شخصی خودمان ترجیح دهیم.

انتخابات نمادی است از مشارکت و مردم‌سالاری دینی در نظام جمهوری اسلامی، بنابراین توجه کنیم که آن را به پای دعوای و نزاع‌ها قربانی نکنیم. از این فرصت استفاده کنیم برای نشان دادن سطح زندگی اجتماعی و سیاسی‌مان. ❖

بعضی از ارزش‌ها، لذا ما باید توجه داشته باشیم که اخلاق، اسلام و حفظ ارزش‌ها، نکاتی است که باید در عمل به آن بپردازیم. در مطبوعات عملکرد مثبت جناح رقیب را شفاف و واقعی نمی‌بینیم و دنبال خرده‌گیری و دنبال سیاه‌نمایی هستیم، بعضاً مشکلات خودمان را کتمان می‌کنیم، توجیه می‌کنیم. این‌ها کارهای اسلامی نیست توجیه‌گری کار یک فرد مسلمان نیست پذیرش خطا و این که عاقلانه بیاوریم

خود را در معرض قرار بدهیم، این‌ها چیزهایی است که اگر اتفاق افتاد آن وقت می‌توانیم بگوییم در راستای چشم‌انداز است چون چشم‌انداز به ما می‌گوید که ما می‌خواهیم هویت انقلاب اسلامی را ایجاد بکنیم. هویت انقلاب اسلامی یعنی هویت ایشار، گذشت، اغماض، تکلیف‌مداری، بنده خدا بودن، الگوی دیگر کشورها بودن، خب این‌ها چیزهایی است که در این شعارها باید مطرح شود. اگر تابلویی را بلند کرده‌ایم که یک ارزشی را دارد نشان می‌دهد، واقعاً باید پایبند به آن ارزش باشیم، این‌جا معلوم می‌شود که آیا واقعاً

ما در راستای هویت انقلاب اسلامی و چشم‌انداز حرکت می‌کنیم یا نه. بنابراین این‌جا مسابقه‌ای در خیرات است. اگر مسابقه‌ای در خیرات بود، در مسیر انقلاب است و بالعکس اگر مسابقه‌ای در خیرات نبود در مسیر انقلاب نیست.

گروه‌های مرجع

در بحث‌های اخلاقی و قانونی در این تبلیغات انتخاباتی و خود انتخابات، دستگاه‌ها و افراد حقیقی و حقوقی زیادی درگیر می‌شوند، هر کدام تعهدی دارند به تناسب مسئولیت و کاری که دارند و توانی که دارند عمل می‌کنند، فرض کنید مطبوعات است که در اختیار دستگاه‌هاست در اختیار جناح‌ها و احزاب است باید ضوابط را رعایت کنند. این‌ها هر کدامشان به میزانی که مردم به آن‌ها اعتماد دارند مسئولیتشان بیشتر و رعایت‌کردن اخلاق، برای آن‌ها پرسنیده‌تر است. در این موارد صرفاً بحث انتخابات هم نیست، بحث اخلاق اجتماعی است؛ یعنی آثار و پیامدهای عدم رعایت اخلاق یا اخلاق‌مداری فقط به خود انتخابات منحصر نمی‌شود، بلکه این‌ها تولید فرهنگ می‌کند و آثارش همواره باقی می‌ماند. اگر مردم احساس آرامش



نظر گرفتند؛ یک سیستم حکومتی در ادامه نظام و تفکر ولایت فقیه است که در واقع شکل متکامل ولایت فقیه است.

مراحل نظریه ولایت فقیه

نظریه ولایت فقیه در فرآیند خود چند مرحله را طی کرده است؛ از آغاز عصر غیبت، یعنی اوایل قرن سوم تا دهم هجری قمری نظریه ولایت فقیه در قالب یک چارچوب کلی به اسم نیابت مطرح بود، هیچ تحقق خارجی هم نداشت. تعاملی با خارج نداشت. متأثر از شرایط زندگی سیاسی نبود. از قرن دهم تا قرن سیزدهم، در حاشیه سلاطین عادل، تحقق خارجی پیدا کرد و با شرایط زندگی سیاسی نوعی ارتباط پیدا کرد. از آن به بعد در دوره مشروطه علما به این حقیقت توجه کردند که از حاشیه سیاست وارد متن آن شوند و به جای دنباله‌روی از سلاطین صفوی، خودشان رهبری حرکت‌ها را به دست بگیرند و در نهضت مشروطه تا حدودی موفق شدند و ولایت فقیه یک نمود دیگری پیدا کرد.

در گام چهارم که با انقلاب اسلامی شروع شد، فقها با استفاده از تجربه‌های گذشته، زمام رهبری نظام اسلامی را به دست گرفتند و «ولایت فقیه» نمود جدیدی پیدا کرد؛ یعنی از حاشیه بیرون آمد و کاملاً در متن قرار گرفت و محور یک نظام سیاسی و حکومت دینی شد. نظام مردم‌سالاری دینی که در ادامه این مرحله از ولایت فقیه مطرح شده است، بازسازی مجددی از نظام ولایی است. اما ماهیت این نظام چیست؟

مفهوم مردم‌سالاری دینی

مقام معظم رهبری تعبیر خوبی داشتند که مردم‌سالاری دینی مفهومی بسیط است نه ترکیبی. این‌طوری نیست که در این عبارت دو مفهوم داشته باشیم که با هم ترکیب شده باشند. دموکراسی آن را از غرب گرفتیم و آوردیم با دین سنجاق کردیم و یک اصطلاح واحد شده است. ایشان معتقدند که مردم‌سالاری دینی یک امر بسیط است و در جوهره تفکر دینی وجود دارد، از درون دین آن را اخذ کردیم، خوب اگر از مباحث درون دینی است، باید همه لوازمش دینی باشد. انتخابات آن هم باید دینی باشد. بنابراین، این سؤال جدی پاسخ مثبت دارد که آیا انتخابات در جمهوری اسلامی



معمای انتخابات در نظام مردم‌سالاری دینی

یکی از سؤالات جدی که می‌بایست بدان پرداخته شود، این است که اقلیت و اکثریت تا چه اندازه در حوزه فکری ما جایگاه دارد. برای نمونه اینکه گفته می‌شود فلان دسته و گروه اکثریت را دارد یا فلان گروه اقلیت را. آیا اصلاً در نظام مردم‌سالاری دینی معیار اکثریت است و اقلیت مقبولیت ندارد، ولو بر حق باشد. اقلیت و اکثریت از تفکر غربی وارد حوزه فکری ما شده است اما چقدر با اعتقادات و اندیشه سیاسی خود ما هماهنگی دارد؛ در جامعه علمی ما در این زمینه کم کار شده است. با اینکه فرض کنید در رقابت‌های انتخاباتی به فلان کاندیدا می‌گویند شما به نفع رقیبت و یا هم‌فکر کنار برو، می‌گویند من نمی‌توانم کنار بروم چون من از طرف حزب نمایندگی دارم و اصلاً حزب به من اجازه کنار رفتن نمی‌دهد. در تفکر دینی ما حزب چقدر معنا و جایگاه دارد؟ آیا شایسته‌سالاری مطرح است یا تفکر حزبی؟ آیا در بحث مردم‌سالاری دینی که مطرح شده و به زیبایی هم مقام معظم رهبری مطرح کردند و متأسفانه در جامعه جا نیفتاد، چقدر ما می‌توانیم سیستم حکومتی و سیاسی خود را با این نظام منطبق کنیم؟ مقام معظم رهبری یک نظریه جامعی را در

حجت‌الاسلام دکتر محسن مهاجرنیا
عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

در دموکراسی‌های موجود، فضیلت مقابل آزادی قرار گرفته، با آزادی بافضیلت، همه دموکراسی‌های موجود آزادی محور هستند، حقوق بشری و حق محور هستند. بنابراین یک چیزی مثل عدالت و فضیلت عملاً در دنیای غرب در حاشیه است و اصلاً طرفدار ندارد

برخاسته از دین است؟ نوع رفتارها، نوع شعارها و برنامه‌ها آیا واقعاً دینی است؟ این از جمله سؤالاتی است که جامعه انتظار دارد نخبگان فکری به آن پاسخ دهند.

اصولاً نظام مردم‌سالاری دینی چیست؟ ماهیت انتخابات در این نظام چیست؟ آیا انتخابات همان بیعت است یا تفاوت دارد؟ آیا ملاک انتخابات همان چیزی است که در تفکرات غربی وجود دارد یا این که ریشه‌های دینی هم دارد؟

اگر مردم‌سالاری دینی را به نظام سیاسی تعریف کنیم که منبع و منشأ آن از دین است و در دوره غیبت در فقدان معصوم و فقدان نص تشکیل شده است، آن‌گاه این سؤال پیش می‌آید که:

آیا راه تشخیص اهمیت و ضرورت مردم‌سالاری دینی، فقه سیاسی و اجتهاد دینی است یا با عقل بشری آن را تشخیص می‌دهیم؟

آیا مردم‌سالاری دینی مختص دوره غیبت است یا در عصر حضور هم می‌شود آن را تشکیل داد؟

ظاهراً دو دیدگاه وجود دارد: یکی این که مردم‌سالاری دینی محصول تجربه بشری است که در دوره معاصر شکل گرفته است و با دین هم سازگاری دارد و یا دست کم تناقض ندارد. دیدگاه دوم معتقد است مردم‌سالاری دینی ریشه دینی دارد و در متون اسلامی در قالب اصطلاحاتی مانند «ولایت» به کار رفته است و دارای سه سطح است: «ولایت نبوی»، «ولایت علوی» و «ولایت ولوی» یا ولایی، همه این‌ها مردم‌سالاری دینی هستند.

مبانی مردم‌سالاری دینی

در تفکر کسانی که مردم‌سالاری دینی را امری درون دینی می‌دانند، همانند مقام معظم رهبری، ده مبنا برای مردم‌سالاری دینی ذکر شده است:

۱. فضیلت‌محور است. در دموکراسی‌های موجود، فضیلت مقابل آزادی قرار گرفته، با آزادی یا فضیلت، همه دموکراسی‌های موجود آزادی‌محور هستند، حقوق بشری و حق‌محور هستند. بنابراین یک چیزی مثل عدالت و فضیلت عملاً در دنیای غرب در حاشیه است و اصلاً طرفدار ندارد.

۲. اصل دیگر را هدایت‌محور می‌گویند، فلسفه سیاست در دموکراسی دینی بر هدایت مبتنی است. در حالی که در دنیای امروز چیزی به نام هدایت وجود ندارد و

اصلاً هیچ حکومتی حق ندارد که بگوید من می‌خواهم مردم را هدایت کنم و مردم را سعادتمند کنم و به بهشت ببرم. ۳. مردم‌سالاری دینی متکی بر ایمان دینی است.

۴. آمان‌گرایی را تعقیب می‌کند. ۵. مردم‌سالاری دینی بر عقلانیت متکی است.

۶. تکلیف‌محور است؛ یعنی همه شهروندان بر مبنای تکلیف حرکت می‌کنند؛ یعنی اگر رأی می‌دهند و رأی می‌گیرند بر مبنای تکلیف است.

۷. مردم‌سالاری دینی، شایسته‌سالاری و اصلاح‌محور است. دنبال صلاحیت‌هاست یعنی چه؟ یعنی قواعد پیشینی برای مردم‌سالاری دارند. بر خلاف دنیای غرب که اصلاً می‌گویند که ما تمام قواعد و ضوابط پیشینی را حذف کردیم. عدالت همان چیزی است که امروز ما در جامعه جعل می‌کنیم. عدالت ضوابط قبلی الهی از پیش تعیین‌شده‌ای ندارد.

۸. مردم‌سالاری دینی قانون‌محور است، که البته قانون، هم قانون وضعی بشری و هم قانون الهی.

۹. مردم‌سالاری دینی رضایت‌مندی مردم را در پشت سرش دارد.

۱۰. مردم‌سالاری دینی بر مبنای انتخاب مردمی است.

اگر همین اصول تحلیل و تبیین شود، شاید بتوان برای مردم‌سالاری دینی یک چهارچوب نظری تهیه کرد. بنابراین مردم‌سالاری دینی قطعاً با نظام مردم‌سالاری و دموکراسی موجود معاصر متفاوت است. بجز همین عقلانیت، انتخاب مردمی و رضایت‌مندی و قانون‌محوری هیچ‌کدام از اصول، در نظام‌های دیگر مبنا نیست.

شایسته‌سالاری

یک تمایز خیلی جدی وجود دارد؛ در دنیای غرب هیچ نظامی دنبال شایسته‌سالاری نیست. همه نظام‌های دموکراسی می‌گویند آزادی هست. در واقع ریاست و قدرت این‌ها ملک مشاع همه شهروندان است. هر کسی دوست دارد بیاورد و کاندیدا شود و هر کسی هم دوست دارد به هر کسی رأی بدهد. چیزی به اسم شایستگی معنا ندارد. تقسیم‌بندی‌ها یا بر اساس فعالیت حزبی است. یا بر اساس مسائل منطقه‌ای و فدرالی و غیره است،

بنابراین شایسته‌سالاری ویژگی خاص مردم‌سالاری دینی است.

یکی از این اصول، انتخاب مردمی بود. می‌خواهیم بدانیم این انتخاب مردمی چیست؟ ماهیتش چیست؟ فقه به این مردم‌سالاری چگونه نگاه می‌کند؟ آیا همان چیزی هست که در دنیای غرب مطرح است؟ یعنی همین انتخاباتی است که امروزه در کشور ما برگزار می‌شود؟ خوب شکلا و ظاهراً یکی هستند.

در آمریکا انتخابات برگزار می‌شود و با فرایند خاص خودشان بالاخره رئیس جمهورشان را انتخاب می‌کنند. ما هم رئیس جمهور را انتخاب می‌کنیم. ظاهر کار یکی است. اگر بر اساس ظاهر عمل کنیم، یکی می‌شود، ولی وقتی به باطنش نگاه می‌کنیم، شما بر اساس قانون اساسی دنبال شایسته‌سالاری هستید و دنبال حاکمیت خدا هستید. کسی را باید انتخاب کنید که در این مسیر گام بردارد و تکلیف‌محور باشد و شرایط دیگر، در چنین حالتی می‌بینید خیلی متفاوت است. صورتشان یکی است ولی باطن کار خیلی متفاوت است. در تعریف انتخابات معمولاً چنین گفته می‌شود:

«فرایندی است که از طریق آن حکومت حاکمان، کارگزاران و نمایندگان ملت انتخاب می‌شوند» اگر به قانون اساسی هم مراجعه کنیم از مجموع مواد همین تعریف به دست می‌آید. اما این تعریف در اندیشه غربی مبتنی بر یک سری پیش‌فرض‌ها و اصولی است که در واقع این صورت را معنا می‌کنند.

در تفکر غربی (بر اساس دیدگاه جان لاک به عنوان پدر دموکراسی غربی) اولین اصل در دموکراسی این است که:

مردم‌سالاری، مبتنی بر حقوق طبیعی است. انسان‌ها حق دارند که خودشان سرنوشت سیاسی خود را انتخاب کنند. این حق طبیعی است، مثل حق حیات و حق آزادی است. انتخاب هم یک حق طبیعی است، مبتنی بر اومانیسم غربی و همین‌جور مبتنی بر آزادی و اراده انسان‌ها. انسان‌ها می‌خواهند که نوع نظام را خودشان انتخاب کنند و به دل‌خواهشان (حکومت مردم برای مردم) هر جوری دوست دارند و دنبال حاکمیت مردم هستند، حاکمیت مردم یعنی حاکمیتی که بریده از همه مسائل



در دنیای غرب هیچ نظامی دنبال شایسته‌سالاری نیست. همه نظام‌های دموکراسی می‌گویند آزادی هست. در واقع ریاست و قدرت این‌ها ملک مشاع همه شهروندان است. هر کسی دوست دارد بیاورد و کاندیدا شود و هر کسی هم دوست دارد به هر کسی رأی بدهد. چیزی به اسم شایستگی معنا ندارد. تقسیم‌بندی‌ها یا بر اساس فعالیت حزبی است. یا بر اساس مسائل منطقه‌ای و فدرالی و غیره است. بنابراین شایسته‌سالاری ویژگی خاص مردم‌سالاری دینی است



در نصوص و متون
اسلامی و فقه ما در
گذشته انتخابات
به سبک امروزی
وجود نداشت، اما
مکانیزمی مقارن
با انتخاب حاکم
اسلامی وجود
داشت به نام بیعت،
که از صدر اسلام و
حتی قبل از اسلام
مطرح بود و اسامی
آمد آن را امضا
کرد

الوہیتی و ماورایی است، کاملاً همین مردمی که در همین جامعه هستند. و اصل بعدی شان این است که چون قدرت، ملک مشاع است، مال همه مردم است؛ همه آن‌ها در آن سهم دارند و همه آزادانه می‌توانند در این سهم تصرف کنند.

بنابراین افرادی که به عنوان رئیس، وکیل، نماینده و غیره انتخاب می‌شوند، همه این‌ها از باب وکالت است، یعنی این‌که آن‌ها وکیل هستند از طرف مردم بروند و اعمال قدرت کنند. وکیل هستند تا زمانی که موکل بخواهد. هر زمانی که او اراده کند و این وکیل را نخواهد، عزل می‌کند. بنابراین قدرت موقت است. در تفکر غربی هیچ قدرتی مطلق نمی‌تواند باشد، چون همه‌اش از باب وکالت هست و وکالت همواره به اراده موکل است.

آن‌ها بنا را بر رأی اکثریت گذاشتند که هر آنچه اکثریت گفت حکم عقلایی است. اگر اجماع باشد که مطلوب است و اگر اجماع نبود رأی اکثریت ملاک است.

انتخابات در تفکر غربی جزو عقود جایز هست. چون وکالت هست و وکالت هم جوری است که اگر شما عقد وکالت بستی این طوری نیست که شما تا قیامت به پای این وکالت بایستی بلکه تا زمانی که قید کردی، دو روز می‌خواهد وکیل باشی یا دو سال، یا چهار سال یعنی دقیقاً زمان‌مند و عقدش هم عقد جایز است، طبق اصطلاح حقوقی‌ها، زمام وکالت به دست موکل است و هر وقت که موکل اراده کرد، می‌تواند عقد را به هم بزند. اما در مردم‌سالاری دینی، آیا انتخابات همین معنا را دارد یا نه؟ انتخاباتی که در تفکر اسلامی هست دقیقاً همین جوری است و یا این‌که مبتنی بر آن اصولی است که بیان شد؟

در نظام مردم‌سالاری دینی، انتخابات ابزار حاکمیت الهی است. دنبال شایسته سالاری است. با تکلیف به میدان می‌آید؛ هم کسی که کاندیدا می‌شود و هم کسی که رأی می‌دهد. هر دو با احساس وظیفه و تکلیف پای صندوق رأی می‌روند. یک فرد مسلمان زمانی که این نوع نظام را تأیید می‌کند یا مخالفت می‌کند، هر دو طرفش قیامتی پشت سرش دارد و او دنبال این است

که با ایمان خود و با هدایت الهی که در نظر می‌گیرد وارد این معرکه شود. ظاهر آن با انتخابات غربی یکی است، ولی تفاوت‌های جدی وجود دارد. انتخاب در نظام مردم‌سالاری دینی و انتخاب در نظام مردم‌سالاری غیر دینی دو چیز متفاوت هستند.

لذا این سؤال مطرح است که ماهیت انتخاباتی که در نظام مردم‌سالاری دینی انجام می‌شود چیست؟ در نصوص و متون اسلامی و فقه ما در گذشته، انتخابات به سبک امروزی وجود نداشت. اما مکانیزمی مقارن با انتخاب حاکم اسلامی وجود داشت به نام بیعت، که از صدر اسلام و حتی قبل از اسلام مطرح بود و اسلام آمد آن را امضا کرد. الان در تفکر اهل سنت و در کشورهای عربی کسی که حاکم و خلیفه می‌شود، شما می‌بینید صف می‌بندند و با او بیعت می‌کنند.

انتخابات و بیعت

این سؤال باید پاسخ داده شود که آیا انتخابات همان بیعت است یا این‌که چیز دیگری است؟ اهل سنت می‌گویند بله، انتخابات همان بیعت است و بیعت را هم به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که شبیه انتخابات غربی است. همین قرارداد اجتماعی از دل آن در می‌آید. متفکرین جدید اهل سنت صریحاً اعلام می‌کنند که تفکر قرارداد اجتماعی که در غرب مطرح شد، حتی افتخار هم می‌کنند که این را ما از صدر اسلام تا الان داشتیم و استناد می‌کنند به سقیفه به این طرف و بنابراین می‌گویند بیعت نوعی انتخاب است که در دوره امروز هم مطرح است. اما در تفکر شیعی و نگاه فقهی دیدگاه‌ها واحد نیست. ما دو دیدگاه داریم:

یک دیدگاه معتقد است به این‌که بیعت اصلاً منطبق بر انتخابات نیست، در بعضی از شقوقش ممکن است به صورت من وجه تطبیق کند، اما اختلاف ماهوی با هم دارند.

یک دیدگاه هم معتقد است مقوله انتخابات مبتنی بر حقوق فطری و یک بحث کاملاً عقلی است. ما در شرایطی که نمی‌دانیم حاکم چگونه انتخاب کنیم و چه نوع حکومتی را انتخاب کنیم، به انتخابات تن می‌دهیم. جایی

که خود دین گفته است حکومت اسلامی واجب است و رهبر، پیامبر یا امام یا ولی فقیه است. پس انتخابات برای چیست؟

بنابراین می‌گویند آن بیعتی که در فقه اسلامی داریم از بحث انتخابات متفاوت است. دلیل دیگر عدم انطباق بیعت و انتخاب این است که می‌گویند ریشه‌های بیعت را وقتی باز می‌کنید می‌بینید که اصلاً دو مقوله هستند؛ بیعت یعنی فرمانبرداری، یعنی تسلیم حاکم شدن، یعنی هم‌پیمان حاکم شدن، بیعت یعنی آماده خدمتگزاری به حاکم، در حالی که می‌گویند ما در انتخابات نوکر انتخاب می‌کنیم، دولت پاسخگو می‌خواهیم انتخاب کنیم. ما می‌خواهیم افرادی را انتخاب کنیم که از طرف ما بروند و نوکری بکنند. در حالی که ما در بیعت آقا انتخاب می‌کردیم، توی انتخابات به معنای امروزی ما نماینده انتخاب می‌کنیم چون همه ما شهروندان که نمی‌توانیم برویم و حاکم شویم. یک نفر که آدمگی دارد می‌گوییم از طرف ما برود کارها را انجام بدهد.

در حالی که در بیعت نمی‌گوییم که از طرف ما برو این کارها را انجام بده، می‌گوییم که با شما پیمان می‌بندیم که اگر ما را هدایت کنید و با آموزه‌های دینی در مسیر بیاورید، ما اطاعت کنیم، بنابراین می‌بینیم که ماهیتش خیلی متفاوت است. و همین جور می‌گویند که بیعت جزو عقود لازمه است. شما اگر با کسی بیعت کردید دیگر نمی‌توانید پس بگیرید. در حالی که انتخابات از باب وکالت می‌شود و جزو عقود جایزه می‌شود.

در دنیای امروزی تجربه کرده‌اند که یکی از عاقلانه‌ترین راه‌های تشکیل حکومت و گزینش کارگزاران همان بحث انتخابات است.

چه کنیم که در متون و نصوص شما نمی‌توانید معادل‌سازی کنید و ریشه‌های دینی برایش پیدا کنید. چه کار کنیم. می‌گویند عقلانی است و حکم عقل است. حکم عقل به ما می‌گوید که حصر چیزی که عقلانی بود می‌شود از آن استفاده کرد. و بعضی‌ها مثل آیت‌الله جوادی آملی، می‌گویند که هر آنچه عقل تشخیص

در بیعت، اکثریت را داریم؛ در انتخابات هم می‌گویند دنیای امروز مبتنی بر اکثریت است. بنابراین می‌توانیم بگوییم که انتخابات در این زمینه هم با بیعت نقطه اشتراک دارد و می‌تواند همان انتخابات باشد



داد، عقل بدون هوای و هوس، می‌تواند به عنوان حکم دینی هم تلقی شود. بنابراین این تجربه بشری را می‌توان به عنوان یک مسئله دینی تلقی کرد. کسانی که می‌گویند می‌شود انتخابات را منطبق کنیم بر همین بیعتی که در نصوص دینی داریم بیشتر رویکرد روشی دارند. می‌گویند زمانی که ما سراغ بیعت و انتخابات می‌رویم می‌بینیم خیلی با هم شباهت دارند. چیزهایی گفتند، همه آن‌ها تقریباً رویکرد روشی دارند محتوایی به آن نگاه نمی‌کنند چپی می‌گویند. ما کجاها دست به انتخابات می‌زنیم، جایی که دلیل قطعی نداریم، اگر دلیل داشتیم که خوب با دلیل عمل می‌کردیم، بنابراین در این مورد هم انتخابات با بیعت برابر و مساوی است. و همین‌طور در بیعت یک وجه مشترک دیگری هم پیدا کردیم و آن اکثریت بودن است. حاکم اسلامی وقتی که با او بیعت می‌کنند، زمانی مشروعیت دارد که اکثریت مردم با او بیعت می‌کنند، این را فقها تصریح می‌کنند.

در بیعت اکثریت را داریم؛ در انتخابات هم می‌گویند دنیای امروز مبتنی بر اکثریت است، بنابراین می‌توانیم بگوییم که انتخابات در این زمینه هم با بیعت نقطه اشتراک دارد و می‌تواند همان انتخابات باشد. خوب نهایتاً می‌گویند که ما می‌توانیم وجه شرعی برای انتخابات درست کنیم. بالاخره یک جاهایی هم تفاوت دارند، اما می‌توانیم تطبیق بدهیم. (تطبیق روشی)

یعنی تطبیق آن‌ها روشی است، روش بیعت کردن؛ حالا دست دادن و حضور یا هر چیزی روش اکثریتی، چون اکثریت دموکراسی امروز هم دو معنا دارد که یک دموکراسی روشی داریم که اکثریت شرکت‌کننده و یک دموکراسی غیر روشی داریم که می‌گویند مهم نیست نحوه روی کار آمدن چطور می‌باشد، مهم این است که دموکراسی باشد و جامعه و مردم به حقوق و آزادی‌های خود دست پیدا کنند، ولو این‌که با دموکراسی و اکثریت هم سر کار نیامده باشند.

در این مورد شهید آیت‌الله مطهری یک دیدگاه خیلی قشنگی دارند و می‌گویند که: بیعت همان انتخابات است اما

در بیعت قواعد پیشینی هست ولی در انتخابات قواعد پیشینی وجود ندارد.

اما کسانی که می‌خواهند انتخابات را یک‌جوری در فقه بیاورند و با بیعت تطبیق بدهند و همان‌طور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انتخابات را به گونه‌ای تعریف کردند که به صورت من وجه منطبق بر بیعت باشد، چرا؟ چون انتخابات در غرب جزو عقود جایز است، می‌توانی به هم بزنی ولی در جمهوری اسلامی، شما اگر به کسی رأی دادی نمی‌توانی پس بگیری، شما اگر رأی دادی رهبر انتخاب کردی، دل‌خواهی نیست که هر موقع خوش آمد بیایی و آن را پس بگیری دیگر تمام شد، شما در ورودی آزاد بودی و انتخاب داشتی، می‌توانستی رأی ندهی، ولی حال که رأی دادی دیگر جزو عقود لازم شد، مثل بیعت، بیعت اگر رأی دادی باید اطاعت کنی وگرنه گناه کردی، در قانون اساسی ما و در مردم‌سالاری دینی که در ایران حاکم است.

و قرائت مقام معظم رهبری این است که انتخابات هم مبتنی بر قواعد پیشینی است، مثل بیعت با یک

تفاوت‌های خاص خودش. ❖

کمی پررنگ‌تر از انتخابات امروزی است.

رأی (به معنای انتخاب) صرفاً انتخاب کردن است، اما دیگر تسلیم و اطاعت و غیره پشت سرش نیست، اما در بیعت این‌ها را داریم. بنابراین شهید مطهری از نظر روشی می‌گویند که بیعت و انتخابات یکی است اما از لحاظ محتوایی یک تفاوت‌هایی با هم دارند. بنابراین، می‌توان گفت انتخابات یک فرایندی در راستای شکل‌گیری قدرت در همه حوزه‌های خودش است و بیعت هم به همین صورت است، اما با این تفاوت که آن عقد جزو عقود لازمه است و دیگری جزو عقود جایز است. حال، مهم‌ترین تفاوت را این‌طور می‌توانیم تقریر کنیم که بیعت یکسری قواعد پیشینی دارد، اما انتخابات قواعد پیشین در دنیای امروزی ندارد. در دنیای امروز من وقتی می‌خواهم بروم انتخاب کنم، هیچ چیزی از قبل در ذهنم نیست، من خالی‌الذهن پای صندوق می‌روم، دوست دارم به هر یک از این کاندیداهای ریاست جمهوری رأی بدهم، ولی در بیعت دوست‌داشتنی نیست. از قبل یک قاعده تکلیف، شایسته‌سالاری و حساب و کتاب اعتقادی داریم، بنابراین



انتخاب اصلح و مطلوب

دکتر محمدعلی الستی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

راهکارهای مشارکت افزایی مردم

دست‌دهندگان قدرت نیز ناپدید می‌شوند و هیچ سازمان و شخصیت حقوقی نیز مسئولیت اشتباهات آن‌ها را بر عهده نمی‌گیرد، این بزرگ‌ترین آسیب و خطری است که عرصه تبلیغات انتخاباتی را تهدید می‌کند.

مشارکت گروه‌های مختلف مردم در انتخابات مجلس یا ریاست جمهوری به دلایل گوناگون تقویت و یا تضعیف می‌شود. بدیهی است که رسانه‌ها، به خصوص رسانه ملی باید با شناخت دقیق علل مشارکت‌افزا و عواملی که وجود آن‌ها به کاهش مشارکت‌های مردمی می‌انجامد البته از نگاه خود مردم، بر غنای محتوایی و اثربخشی مطالب و همچنین برنامه‌های خود بیفزایند، البته باید توجه داشت که برخورداری از عناصر قوام‌بخش می‌تواند حضور گسترده مردم را رقم بزند. از سوی دیگر رسانه‌ای چون رسانه ملی می‌تواند با شفاف‌سازی، نقشی اساسی در مرتفع کردن عوامل کاهش‌دهنده حضور مردم در صحنه انتخابات ایفا کند.

در این میان باید توجه داشت که برنامه‌های صداوسیما باید به گونه‌ای طراحی و تولید شود که مخاطب از هر گروه و قشری حس دلسوزی رسانه ملی را دریابد و در برخورد با محتوای برنامه‌ها احساس تک‌گویی و مونولوگ در او شکل نگیرد.

برای مثال می‌توان از برنامه‌های میزگردمحور، جلسات پرسش و پاسخ و حتی نمایش‌های رادیو و تلویزیونی برای طرح نظر مخالفان و موافقان، البته همان‌گونه که هست استفاده کرد، در این میان آنچه از اهمیتی خاص برخوردار است، پرهیز از تحریف به منظور پاسخگویی به سوالات ذهنی مخاطب است.

بی‌تردید در چنین شرایطی وقتی گروه‌های مختلف مشاهده می‌کنند که سازمان صداوسیما حتی بهتر و شفاف‌تر از خود آن‌ها افکار و عقایدشان را مطرح می‌کند، نه تنها به ملی بودن این رسانه ایمان آورده و در پی جایگزینی کردن آن با دیگر رسانه‌ها بر نمی‌آیند، بلکه پاسخ‌های اصولی و منصفانه به نقدها و ایرادات خود را نیز دریافت می‌کنند و در می‌یابند که این عوامل مشارکت حداکثری مردم را در پی دارد و از اثرگذاری عناصر کاهش‌دهنده مشارکت‌های مردمی می‌کاهد. ❖

بر اساس نظام حکومتی جمهوری اسلامی ایران، هر انتخاباتی اعم از انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر باید تبلوری جدی از جمهوریت و اسلامیت موجود در عنوان این نظام باشد، از این رو بدیهی است که سامانه و دستگاه نظارتی بر این جریان ضامن حفظ این دو ویژگی است و تمام کسانی که از این فیلتر عبور می‌کنند و صلاحیت آن‌ها در ابعاد مختلف به تأیید می‌رسد، صالح محسوب می‌شوند. در چنین شرایطی جمهوریت نظام در صیانت از آرای مردم تبلور یافته و محقق می‌شود و می‌توان گفت از میان کاندیداهای انتخاباتی، شخص یا اشخاصی که با رأی و نظر مردم انتخاب شده و به قوه مقننه یا قوه مجریه راه می‌یابند، عنوان اصلح بر آن‌ها قابل اطلاق است، از این رو می‌توان گفت که اصلح بودن صفتی ذاتی برای کاندیداها محسوب نمی‌شود که مردم با کشف این صفات آن‌ها را برگزینند، بلکه کسانی که با آرای مردمی انتخاب می‌شوند، به دلیل قرار گرفتن در دایره انتخابی مردم عنوان اصلح را به خود اختصاص می‌دهند.

آسیب‌شناسی تبلیغات انتخاباتی

به علت توسعه‌نیافتگی جامعه مدنی در کشور ما که ریشه در نبود یا ضعف نهادهای مدنی از جمله سندیکاها و اتحادیه‌های صنفی، احزاب، تشکلات و سازمان‌های مردم‌نهاد و رسانه‌های مستقل، به‌ویژه مطبوعات آزاد دارد مردم به شکلی توده‌وار و مستقیم در تعامل با بازیگران سیاسی قرار دارند؛ بدین ترتیب چون نهادهای مدنی امکان ایجاد قدرت پرسشگری را در مردم ندارند، پاسخگویی صاحبان قدرت و یا رقبای انتخاباتی آن‌ها به مونولوگ‌های کلیشه‌ای و یا تبلیغات عوام‌فریبانه و پوپولیستی همراه با دامن زدن به سطحی‌نگری تبدیل می‌شود، علاوه بر این زمینه نقد فعال نیز برای آن‌ها فراهم نمی‌شود و از



آیین قالی شویی در مشهد اردهال
شکل گیری نهضت علمی شیعه
امامت در روزگار بدعت‌ها
روز ارتش، بایادی از بزرگمرد ارتش

شکل‌گیری نهضت علمی شیعه

کدام امام مدرسه‌های دینی را پایه‌گذاری کرد؟



پیامبر(ص) شمشیر بکشد و به اسارتشان بگیرد و... از طرف دیگر در زمان امامت آن حضرت، شرایط نابسامان حکومت بنی‌امیه موجب بروز سردرگمی‌های بسیاری نسبت به دین در میان مردم شده بود و نیاز به حرکتی محکم و متقن برای ارائه تصویر واقعی دین در جامعه احساس می‌شد. از این رو در دوران امامت ۲۰ ساله‌شان، حوزه علمیه تأسیس کرده و بیش از پانصد نفر، شخصیت علمی، فقهی، کلامی، عقلی، عرفانی، عبادی و جهادی تربیت کردند.

امام باقر(ع) در دوران امامت خویش، با وجود شرایط نامساعدی که بر عرصه فرهنگ اسلامی سایه افکنده بود، با تلاشی جدی و گسترده، نهضتی بزرگ در زمینه علمی طراحی کردند. تاجایی که این جنبش دامنه‌دار به بنیان‌گذاری و تأسیس یک دانشگاه بزرگ و برجسته اسلامی انجامید که پویایی و عظمت آن در دوران امام صادق(ع)، به اوج خود رسید.

امام(ع) با برقراری مدرسه علمی و از راه تبیین چالش‌های علمی، تحکیم مبانی معارف و اصول ناب اسلامی با تکیه بر آیات رهنمون‌گر قرآن با کج‌اندیشی‌ها مبارزه و تمام ابواب فقهی و اعتقادی را از دیدگاه قرآن بررسی کردند. ایشان همچنین به پرورش دانشمندان و فرهیختگان عصر خود برای به ثمر نشستن جنبش بزرگ علمی پرداختند؛ به گونه‌ای که دانشمندی چون «جابر بن یزید جعفی» هرگاه می‌خواست سخنی در باب علم به میان آورد، با آن توشه‌ای که از دانش داشت می‌گفت: «جانشین خدا و میراث‌دار دانش پیامبران محمد بن علی(ع) برایم این گونه گفت...» و به دلیل ناچیز دیدن موقعیت علمی خود در برابر جایگاه امام(ع)، از خود نظری به میان نمی‌آورد.

با نگاهی کوتاه به مستندات فقهی و تفسیری شیعه، به خوبی می‌توان دریافت که بخش زیادی از روایات فقهی، اخلاقی و تفسیری شیعه از امام باقر(ع) نقل شده است. «وسائل الشیعه» و کتب تفسیری مانند «البرهان» از بحرانی و «صافی» از فیض کاشانی، حاوی روایات زیادی در زمینه تبیین مسائل فقهی و توضیح آیات قرآن و شأن نزول آن‌هاست که از آن حضرت روایت شده است. علاوه بر این‌ها، مقدار زیادی اخبار تاریخی درباره امیرالمؤمنین(ع) و جنگ صفین نیز از آن حضرت نقل شده است. همچنین، در حوزه اخلاق، رهنمون‌ها و توصیه‌های گهرباری از امام باقر(ع) روایت شده؛ جملات قصاری که در نهایت زیبایی برخاسته از روح معصوم و کمالات درونی امام(ع) است. طبق پژوهش‌های موجود، ۱۳۰ هزار حدیث و روایت درباره مسائل گوناگون از ایشان به یادگار مانده است.

آن حضرت در باب کمال فرموده‌اند: «الکمال کل الکمال، التفقه فی الدین و تقدیر المعیشه و الصبر علی النائبه، تحت العقول: کمال به تمامه در چند چیز است؛ فقاقت در دین، اندازه‌گیری در دین، اندازه‌گیری در معیشت، شکیبایی بر سختی.»

اولین روز از ماه گران‌قدر رجب، مصادف است با ولادت حضرت امام محمد باقر(ع)، پنجمین امام شیعیان؛ امام بزرگواری که لقب ایشان، «باقرالعلوم» به معنی شکافنده علوم است. آن حضرت به عنوان پرچمدار تعلیم و تعلم، با شناخت و معرفتی که به علوم و دانش‌های مختلف داشتند، تحولات بزرگی را در جامعه آن دوران رقم زدند که شرایط را برای پایه‌گذاری مکتب شیعه جعفری توسط فرزندشان، امام جعفر صادق(ع) فراهم کرد. در این مکتب دانشمندان و علمای بسیاری تربیت شدند که هر کدام در رشته‌های مختلف بانی تحول و پرورش علوم طی سالیان بعد از خود بودند.

امام محمد باقر(ع) در حماسه عاشورای حسینی کودک خردسالی بودند که همه صحنه‌های هجرت، شهادت، حماسه و اسارت را از نزدیک دیدند و به خوبی با این موضوع مواجه شدند که جهل می‌تواند از انسان‌ها چه موجود شقی و خطرناکی بسازد... موجودی که شقاوتش به حدی باشد که روی خاندان

امامت در روز گار بدعت‌ها

نگاهی به زندگی و زمانه حضرت هادی علیه السلام



از مهم‌ترین فعالیت‌های ایشان در این شرایط این بود که به مردم از راه‌های گوناگون آگاهی داده و منصب امامت و مقام علمی خود را طی سخنان خویش و در مناظرات و پرسش و پاسخ‌های علمی، آشکار کرده و تثبیت کنند

شدن آن نشد. بر اساس نوشته شیخ طوسی، تعداد دست‌پروردگان ایشان و کسانی که از آن حضرت، در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی، روایت نقل کرده‌اند، بیش از ۱۸۵ نفر است که در میان آنان، می‌توان چهره‌های برجسته علمی و فقهی چون «ابوب بن نوح»، «حسن بن علی ناصر»، «عبدالعظیم حسنی» و «عثمان بن سعید» را نام برد.

ارزش‌های انسانی

امام هادی (ع) ارزش‌های انسانی را گوهرهای ناب می‌دانستند که جوییده آن، در واقع به دنبال دُر و یاقوت است و اگر بتواند با تلاش‌های خود به آن برسد، سرمایه‌ای اندوخته که کسی را چنین سرمایه گران‌سنگی به دست نیامده است. ایشان در سرزنش کسانی که این ارزش‌ها را سبک شمرده و کرامت را در ک نمی‌کنند، فرمودند: «هر که ارزش بزرگواری را نداند، شایسته خواری و خفت است.» و یا در جای دیگری از ایشان نقل شده است: «هر که قدر خود نداند، از شر او ایمن نباش.»

امام هادی (ع) در مبارزه با عادت‌ها و سنت‌های باطل جاهلی، تلاش فراوان داشت؛ یکی از اصحاب ایشان می‌گوید: روزی انگشتم زخم برداشت و در راه، با مرکب‌سواری برخورد کردم و شانه‌ام آسیب دید و پس از آن، وارد جمعیتی شدم و لباس‌هایم پاره گشت. همین که خدمت ابوالحسن، امام هادی (ع)، رسیدیم، گفتیم: خداوند مرا از شر این روز آسوده بدارد، چه روز شومی است! حضرت از شنیدن این سخن ناراحت شدند و به من فرمودند: «...ای حسن! روزگار را چه گناهی است که چون به سزای کردار خویش می‌رسی، آن را شوم می‌شماری؟... به راه خطا مرو و روزها را مؤثر در احکام الهی ندان و نقشی به عهده آن‌ها مگذار!...» ❖

سوم رجب سال ۲۵۴ هجری، امام علی النقی (ع)، ملقب به هادی به شهادت رسیدند؛ ایشان در سن ۸ سالگی و با شهادت پدرشان امام جواد (ع) به مقام امامت رسیده و دوران امامتشان ۳۴ سال به طول انجامید. آن حضرت با این که شدیداً تحت نظر بودند و در دوره‌ای زندگی می‌کردند که جامعه از نظر سیاسی در خفقان بود، از پای ننشستند و فعالیت‌های خود را به شیوه‌ای متناسب با اوضاع زمان، پیش بردند.

متوکل، علویان را در محاصره اقتصادی قرار داده بود. به شاعران درباری مال فراوانی می‌داد تا در اشعار خود به ائمه علیهم‌السلام بی‌احترامی کنند. او اکثر سادات جلیل‌القدر آن زمان را دستگیر و زندانی کرده بود. از هولناک‌ترین اقدامات او در دوره حکومتش، انهدام و تخریب مرقده امام حسین علیه‌السلام بود. اوضاع معیشتی مردم و خصوصاً علویان در زمان خلفای عباسی مخصوصاً متوکل و بقیه خلفای هم‌عصر امام هادی (ع)، بسیار دشوار بود.

از مهم‌ترین فعالیت‌های ایشان در این شرایط این بود که به مردم از راه‌های گوناگون آگاهی داده و منصب امامت و مقام علمی خود را طی سخنان خویش و در مناظرات و پرسش و پاسخ‌های علمی، آشکار کرده و تثبیت کنند. همچنین عدم مشروعیت حکومت بنی عباس را تبیین می‌کردند.

شناسایی و جذب افراد با استعداد و تربیت آنان بر اساس اصول اسلامی و مجهز ساختن آنها به انواع دانش‌های مورد نیاز جامعه، از رسالت‌های مهم امامان معصوم علیهم‌السلام بود و محدودیت‌های اعمال شده از سوی حکومت‌های وقت، هر چند انجام این رسالت را در حد مطلوب، با مشکلاتی مواجه ساخت و بسیاری را از دست‌یابی به این سرچشمه‌های زلال دانش و معرفت، محروم کرد، ولی موجب تعطیل

زیارت جامعه کبیره

یکی از یادگارهای حضرت هادی علیه‌السلام، «زیارت جامعه» است. امام (ع) در این زیارت، به توصیف جایگاه امامت و در واقع، به امام‌شناسی برای

تمامی دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته و آنها را با مقام آن بزرگواران آشنا می‌سازد. یکی از ویژگی‌های این زیارت‌نامه، عمومی بودن آن است؛ بدین معنا که می‌توان آن را در تمامی زیارت‌های مربوط به دوازده امام خواند و بهره‌مند شد. در فرازی از این زیارت پر محتوا

می‌خوانیم: «هر انسان شریفی، در برابر شرافت شما، سر فرود آورد و هر گردن فرازی، به فرمان شما درآید و فروتن گردد... نام شما در ردیف نام‌های دیگران است و پیکرتان با سایر پیکرها... چه شیرین است نام‌های شما و چه گرمی است جان‌هایتان و چه بزرگ و والاست مقام شما...»

می‌توان در اختناق سیاسی حاکمان وقت دانست. افزون بر این نکته، زندگی امام جواد(ع) چندان طولانی نبوده است که اخبار فراوانی هم از آن در دسترس ما قرار گیرد. با همه دشواری‌های اجتماعی و اختناق حاکم، امام جواد(ع) فعالیت فرهنگی را پیش می‌گیرند و از انجام مأموریت خود به عنوان فرزندی از خاندان پیامبر(ص) شانه خالی نمی‌کنند. ایشان در مکتب خود شاگردان خوبی را تربیت می‌کنند و از این طریق بر جامعه و مردمان عصر خود تأثیر می‌گذارند.

اگر نگاهی به تاریخ بیندازیم می‌بینیم در زمان امام باقر(ع) و امام صادق(ع) شرایط اجتماعی مساعد بود و به همین جهت تعداد شاگردان و راویان حضرت صادق(ع) بالغ بر چهار هزار نفر می‌شد، ولی از دوره امام جواد(ع) تا امام عسکری به دلیل فشارهای سیاسی و کنترل شدید فعالیت آنان از طرف دربار خلافت، شعاع فعالیت ایشان بسیار محدود بود و از این نظر تعداد راویان و پرورش‌یافتگان مکتب آنان نسبت به زمان حضرت صادق(ع) کاهش بسیار چشمگیری را نشان می‌دهد.

بنابراین، این‌که تعداد راویان و اصحاب ایشان حدود ۱۱۰ نفر بوده و جمعاً ۲۵۰ حدیث از آن حضرت نقل شده، نباید تعجب کنیم، زیرا از یک‌سو، شدیداً تحت مراقبت و کنترل سیاسی بوده‌اند و از طرف دیگر، زود به شهادت رسیده‌اند. در عین حال باید توجه داشت در میان همین تعداد محدود اصحاب و راویان آن حضرت، چهره‌های درخشان و شخصیت‌های برجسته‌ای مانند علی بن مهزیار، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، زکریا بن آدم، محمد بن اسماعیل بن بزیع، حسین بن سعید اهوازی و احمد بن محمد بن خالد برقی بودند که هر کدام در صحنه علمی و فقهی وزنه خاصی به شمار می‌رفتند و برخی دارای تألیفات متعدد بودند.

اما بارزترین ویژگی که مردم حضرت امام جواد(ع) را با آن می‌شناسند، باب‌الحوائج بودن ایشان است. در بین عرفا و علما معروف است که اگر کسی از خداوند متعال، علم بخواهد به وجود مقدس امام باقر(ع) و امام صادق(ع) توسل پیدا کند، یا اگر کسی طالب معنویت است به حضرت علی(ع) متوسل شود. اما درباره امام جواد(ع) مشهور است که می‌گویند، برای طلب رزق و روزی در دنیا و برآورده شدن حاجات مادی و دنیوی، توسل به امام جواد(ع) بسیار مجرب است و در حکایات و احوالات مؤمنان، بسیار ذکر شده است و اساساً لقب ایشان، جواد است و جود، وصف کسی است که زیاد می‌بخشد، بنابراین اعطای این لقب برای ایشان بی‌جهت نبوده است.

مزار مطهر آن حضرت در کاظمین، واقع در کشور عراق در کنار مزار جدش «امام کاظم(ع)» است و زائران بسیاری دارد. ❖



او باب‌الحوائج است

دهم رجب تولد امام محمد تقی(ع) است؛ امام نهم که نامش «محمد»، کنیه‌اش «ابو جعفر» و معروف‌ترین القاب او «تقی» و «جواد» است، در ماه رمضان سال ۱۹۵ هجری قمری در شهر مدینه دیده به جهان گشود. پدر ایشان، حضرت رضا(ع)؛ امام هشتم شیعیان بود.

تولد امام جواد(ع) که اواخر عمر امام رضا(ع) رخ داد، یک کرامت الهی بود. ایشان بارها از حضرت جواد(ع) به عنوان مولودی پرخیز و برکت یاد می‌کرد، چرا که نداشتن فرزندی به عنوان جانشین، موجب برخی شبهه‌ها به امامت ایشان هم شده بود و تولد جواد الائمه(ع) پاسخ محکمی بود برای افراد سست‌ایمانی که شبهاتی را به امامت حضرت امام رضا(ع) وارد کرده بودند.

هر چند آگاهی‌های تاریخی درباره زندگی امام جواد(ع) چندان گسترده نیست، اما همه مورخان و عالمان دینی اتفاق نظر دارند که ایشان پس از شهادت امام رضا(ع) در هشت سالگی به امامت رسید و دوران امامتش هر چند کوتاه، اما پربار بوده و همچنین این امام بزرگوار بیش از ۲۵ سال عمر نکرده‌اند.

دلیل کم بودن آگاهی‌های تاریخی از زندگی ایشان را

وداع با اسوه صبر

در رثای بانوی کربلا، حضرت زینب سلام الله علیها



خطبه منطقی
حضرت زینب(س)
در مجلس یزید،
حاضران را سخت
تحت تأثیر قرار
داد، به گونه ای که
یزید نسبت به اسرا،
اندکی نرمش و
انعطاف نشان داد و
از هر گونه واکنش
سخت پرهیز کرد

فرمان تو کشانده، خواهد دانست که زینکار کیست و خوار و بی یار چه کسی است. در آن روز، داور، خدا و دادخواه، مصطفی و گواه بر تو، دست و پا ست. اما ای دشمن و دشمن زاده خدا! من هم اکنون تو را خوار می دارم و سرزنش تو را به چیزی نمی شمارم، اما چه کنم که دیده ها گریان است و سینه ها بریان و دردی که از کشته شدن حسین(ع) به دل داریم، بی درمان. سپاه شیطان (یعنی عبیدالله بن زیاد و سپاهیان او)، ما را به جمع سفیهان می فرستند تا مال خدا را به پاداش هتک حرمت خدا بدو دهند. این دست جنایت است که به خون ما می آلاینند و گوشت ماست که زیر دندان می خایند و پیکر پاک شهیدان است که گرگان بیابان از هم می ربایند. اگر ما را به غنیمت می گیری، غرامت خود را می گیریم، در آن روز، جز کرده زشت، چیزی نداری.»

یزید از اطرافیان خود نظر خواست که با اسیران چه کند؟ هر چند بعضی گفتند: این ها را نیز به سرنوشت رفتگانشان مبتلا گردان، ولی نعمان ملایمی داشته باشد. در اثر روشنگری حضرت زینب(س)، یزید مجبور شد جنایت و قتل امام حسین(ع) را به گردن این زیاد بیندازد و او را لعن کند. ❖

این بود: کاش سران قبیله من که در بدر کشته شدند، می بودند و می دیدند که طایفه خزرج چگونه از شمشیرهای ما به ناله آمدند، تا از خوشحالی فریاد می زدند: ای یزید! دست تو شل میاد! ما بزرگان بنی هاشم را کشتیم و آن را به حساب جنگ بدر گذاشتیم و این پیروزی را در برابر آن شکست قرار دادیم. هاشم با حکومت بازی کرد، وگرنه، نه خبری از آسمان آمد و نه وحی ای نازل شد. من از نسل خندف نیستم اگر از فرزندان احمد انتقام نگیرم.

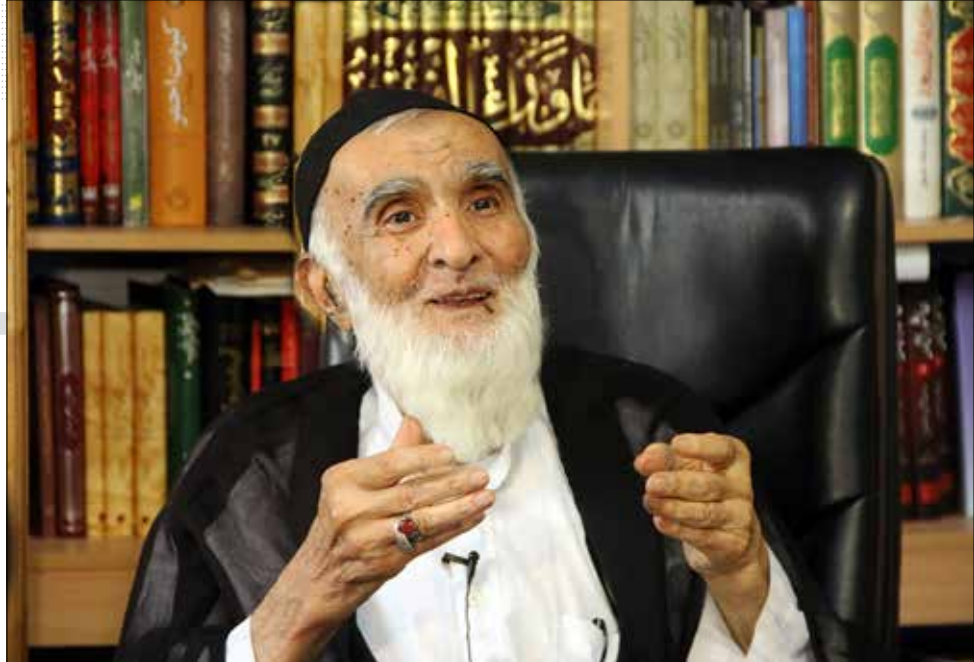
ناگهان حضرت زینب(س) از گوشه مجلس با سخنان یزید به مقابله برخاست و با صدای رسا، خطبه ای ایراد کرد. خطبه حضرت زینب(س) در کاخ سبز یزید، حقانیت امام حسین(ع) و باطل بودن اعمال یزید را آشکار ساخت. خطبه منطقی حضرت زینب(س) در مجلس یزید، حاضران را سخت تحت تأثیر قرار داد، به گونه ای که یزید نسبت به اسرا، اندکی نرمش و انعطاف نشان داد و از هر گونه واکنش سخت پرهیز کرد.

سخنان حضرت زینب(س) خطاب به یزید در کتاب «زندگانی حضرت فاطمه» اثر دکتر شهیدی به این صورت آمده است:

«به زودی آن که تو را بر این مسند نشانده و گردن مسلمانان را زیر

این که اسوه صبر باشی، اما خطبه خوانی ات رعشه بر اندام ظلم بیندازد، از همه مصائب گذر کنی و نشکنی، بایستی و حق حرف بزنی، کار هر کسی نیست. فقط زینب(س)، دختر امیر مؤمنان علی(ع) و فاطمه زهرا(س) می تواند پس از مشاهده آنچه در واقعه کربلا بر خاندان پیامبر رفت، این همه با صلابت رفتار کند. پانزدهم رجب سالگرد وفات حضرت زینب(س) است، همان شیرزن کربلا که ستون های کاخ ظلم را با خطبه های کوبنده اش لرزاند و علی وار از بیان حق هیچ ابایی نداشت.

آن طور که در تاریخ نوشته اند و می دانیم، پس از شهادت امام حسین(ع) و یارانش، خاندان پیامبر(ص) به اسارت گرفته شدند و با گذر از شام به قصر یزید رسیدند. یزید مجلسی ترتیب داده بود و اشراف و سران کشوری و لشکری شام در آن شرکت داشتند. او در حضور اسرا، اشعار کفرآمیز خواند و درباره پیروزی خود مطالبی گفت و آیات قرآن را به نفع خود تأویل کرد. سپس با چوبدستی، که در دست داشت، نسبت به سر بریده فرزند پیامبر(ص) اسائه ادب کرد و کینه ای که نسبت به پیامبر(ص) و اسلام در دل داشت، علنی ساخت و اشعاری را خواند که مضمون آن ها



سازندگان فروتن زیباترین لحظه‌های شوق

یادبود استاد «حاج علی آهی»، مداح و پیر غلام اهل بیت (ع)

سید محمد سادات اخوی

۱

«پیرمرد»، روی صندلی قدیمی «مسجد» نشسته و میکروفونی که معلوم است هم‌سن و سال نوه اوست؛ مقابلش به عصای «پایه» تکیه کرده است. صدای پیرمرد (که - به رسم مداحان اصیل - پالتویی بلند بر تن و «عرقچین» مشکی بر سر دارد)، در هوای گرفته مسجد می‌پیچد. شبی از شب‌های «ماه رجب» است و همه می‌دانند که شب به شب، حال پیرمرد، خوش‌تر خواهد شد... تا برسند به شب‌های «ماه مبارک رَمَضان».

دیر رسیده‌ام...
آمده‌ام به سفر «شناسایی»!
قرار است برای «تلویزیون»، گفتگویی مفصل کنیم با پیرمرد...
اما به‌قدری این گفت‌وگو برایم مهم است که تصمیم گرفته‌ام چند روز پیش‌تر به مسجدش بیایم و او را ببینم. سراپا گوش می‌شوم تا سخنرانی‌اش را خوب بشنوم... و درباره شخصیت پیرمرد، بیشتر بدانم...

۲

پیرمرد مدام اسم بزرگانی را به عنوان مراجع سخن و زندگی و تحصیلش در ادبیات فارسی... ادبیات عرب... علوم دینی... اقتصاد دین... اصول اعتقاد در شعر... می‌برد...
ریز و ریزتر می‌شوم... گمان نمی‌کنم به این زودی‌ها بتوانم روبه‌رویش بنشینم و گفتگوی جان‌داری بکنم. مسجد را رها می‌کنم و به شامگاه «پنجشنبه‌ای از دهه هفتاد» پناه می‌برم. درست به همان اندازه که فرزندش را می‌شناسم؛ او را نمی‌شناسم.

«مرد» را به جلسه فرهنگی - مذهبی‌مان دعوت کرده‌ایم و او بی‌آن که از تعداد مخاطبان و «هدیه سخنران» پرسد، نگاهی به من کرده و پذیرفته است.
پیش از این هم پیشینه تواضعش را دیده‌ام... درست در سال «شصت و نه»... وقتی که شش - هفت نفر بوده‌ایم و از او برای سخنرانی در همین جلسه دعوت کرده‌ایم...

و او از «شرق تهران» تا «جنت‌آباد» در غرب تهران آمده بود.
اما این‌بار، موضوع فرق می‌کند... جمعیتی بیش از آن روز مخاطبان اویند... ساختمانی و دفتر و دستکی داریم...
او نیز «استاد» بسیاری از شاعران نسل انقلاب و مؤلف کتاب «عروض»ی است که مرجع بسیاری از هم‌نسلان من است در شعر.
برای همین و بیش از گذشته، مؤدب می‌شوم و اصرار می‌کنم که فرستادن «آژانس» را بپذیرد...
و او باز نپذیرفته...
حالا هم خودش آمده...
پایدها!

با دمپایی‌هایی ساده و بلوزی که آستین کوتاه است و روی شلوارش انداخته شده...
با کیف و کتابی که زیر بغل اوست...
مشغول توجیه مجری می‌شوم تا او را با توصیفی شایسته معرفی کند.
می‌گویم: «آخر آخرش، بگو: ادیب و کتاب‌شناس شایسته... استاد حسین آهی»!
استاد، سخنم را شنیده است...

در هاله‌ای از شرم و فروتنی می‌گوید: «استادش مهم نیست... اما بفرمایین: این آهی... تا پدر زنده‌ن، آهی شایسته ایشونه».

بعدها که اثر ارزشمند «پیرمرد» با مقدمه وزین فرزندش منتشر می‌شود؛ معنای سخن استاد را بهتر فهمیدم... کتابی در توصیف و مرور قواعد «قافیه» اثری که فخر کتابخانه‌هاست... به خاطر نظر نافذ پدر... و استواری تحلیل دقیق پسر. نمی‌دانم تواضع، موروثی است یا نه.

۳

یکی - دو روز به «عید نوروز سال ۱۳۹۲» خورشیدی مانده و خبر، از درون، تهیام کرده است: حاج‌علی‌رضا بهاری (فرزند ذاکر نامی اهل بیت، حاج شاه‌حسین، از دنیا رفته است. خاطره‌های گوناگون... از کودکی تا چند روز پیش از اتفاق، به یادم آمده‌اند. بیماری پیش آمده، ضعیف‌ترم کرده است...

مدام درون سینه‌ام خالی می‌شود. به‌رغم حال و احوال، تصمیم گرفته‌ام که در مراسم «تشییع» او حاضر شوم... قرار، در «خانه مداحان» است.

ساعت رسیدن جنازه او را پرسیده‌ام و راهی می‌شوم... جوری که - به خیال خودم - در خلوتی برسم. حافظ‌ام بسیار ضعیف شده و کسانی را نمی‌شناسم. بغضی پنهان، آماده شوفاژشدن و گریستنی به اندازه رودی خروشان است. از در حیاط بزرگ خانه مداحان در خیابان «فخرآباد» که وارد می‌شوم؛ عزیزم «محمد بهتویی» - مدیر وقت «روابط عمومی» خانه - پیش می‌آید به استقبال و مرحمت...

از دور، متوجه شلوغی «حسینیة خانه» و دو ردیف از بزرگانی می‌شوم که روی صندلی‌هایی در دو سوی در ورودی حسینیة نشسته‌اند... ده - دوازده نفر از پیشکسوتان مداحی. ناگهان برمی‌خیزند. در یک لحظه، خیال می‌کنم یا از پشت سرم، جنازه را وارد

حیاط کرده‌اند... یا بزرگی پیش آمده و پشتم به اوست... می‌ایستم و برمی‌گردم... دو تصورم اشتباه‌اند. شرمگین احترام بزرگان می‌شوم... و به قدم‌هایم شتابی می‌دهم تا بیش از این، بر پا نیاستند. در ردیف چپ «هشت» ورودی، «پیرمرد» ایستاده است... دو دست را - به احترام - بر سینه می‌گذارم و پیش می‌روم... تا جایی که ممکن است خم می‌شوم تا پاسخ شایسته‌ای به احترام‌شان داده باشم... اما بیش از همه، شرمندۀ مرحمت پیرمرد شده‌ام.

تلاش می‌کنم دستش را ببوسم... نمی‌گذارد و پیشانی‌ام را می‌بوسد... جمله‌هایی از سر شرم می‌گویم... جمله‌هایی - به التفات - می‌گوید که «زهره‌پوری» اند و شرمندۀ می‌کنند. از همیشه ریز‌ترم... مقابل «سرو»، بوتۀ لب پرچین، چیست؟! فهمیده‌ام که همه مسیر کارهای ناقابل را برای تاریخ مداحی اصیل (در رسانه و غیره)، به‌دقت رصد کرده است... نمی‌دانم تدبیر، موروثی است یا نه.

۴

مقایلم نشسته است. قرار است «انجمن ادبی خانه مداحان» نوگیری شود... از جلسه انجمن، نمی‌دانم... جز مختصر توصیف‌هایی از دوستان اهل ادب... تصویر پیرمرد در قاب ترحیم نشسته و جای او در «خانه مداحان» خالی است. استاد «حاج محسن طاهری» و «حاج حسن آهی» نیز در سوی دیگر میز نشسته است... و دیگرانی بزرگوار که به احترام و لطف، آمده‌اند...

بی‌خبر که برای ناچیزی مانند من، چنین آدابی لازم نبوده است. مشغول سخن می‌شویم. از این در و آن در می‌گوییم. سال‌های خانه‌نشینی بسیار دورم کرده است از هیاهوی انجمن‌ها و گروه‌های ادبی. به‌قدر لازم، مواد

تشکیل‌دهنده‌شان را شناخته‌ام و - پنهان چرا؟! - گاهی از ته دل خواسته‌ام که برکنار بمانم. حالا، همان مصداق جستن ملخک است... انگار سرانجام به دام افتاده‌ام... طرحی داده‌ام تا مگر اطاعت امر کرده و از اصل ماجرا گریخته باشم. «تیر خلاص»، بر گجگاهم می‌نشیند. «حاج حسن»، از پدر یاد می‌کند و آخرین روزهای حضورش در این عالم... و تأکید و التفاتش به گفتگو با من... برای انجمن ادبی. بغض، پنجه به گلویم می‌اندازد.

۵

زنده‌یاد استاد «حاج علی آهی»، یکی از رشیدترین نمونه‌های «ستایشگری اصیل» ما در قرن حاضر بود. مردی که در عرصه علم و عمل... فعالیت اجتماعی و تقوا... ادبیات و مداحی... شاگردی استادان ادیب و پیروی دقیق استادان علوم دینی، هم‌زمان پیش رفته بود. گاهی با مرور اسم بزرگانی که استادان او در علوم دینی و ادبیات بوده‌اند... با نگاه به فعالیت‌های اجتماعی گوناگونش در ساخت بناهای خدمات اجتماعی... و با شمارش مداحان شاخصی که ثمر پرورش اویند؛ به این نتیجه می‌رسم که انگار با مردی مواجهیم که دو یا سه «عمر» داشته است!

هرچند ظرفیت‌ها و شایستگی‌های آدم‌ها با هم متفاوت است اما زنده‌یاد استاد آهی ثابت کرد به‌صورت کلی، مداحی اصیل ما، «باید» ترکیبی از دانایی در علوم گوناگون عقلی و نقلی... حضور اجتماعی مداح... دقت‌های ادبی و ظریف‌گری... همت عالی در شاگردی ادبی، اخلاقی و معارفی بزرگان... و خدمت به مردم باشد. روحش شاد!... که - به شایستگی - کار دوری را برای مخاطبان مداحان نسل‌های بعد، دشوار کرد. ❖

هفدهم فروردین‌ماه
یک‌هزار و سیصد و نود و شش خورشیدی



از دور، متوجه
شلوغی «حسینیة
خانه» و دو ردیف
از بزرگانی
می‌شوم که روی
صندلی‌هایی در دو
سوی در ورودی
حسینیة نشسته‌اند...
ده - دوازده نفر
از پیشکسوتان
مداحی. ناگهان
برمی‌خیزند...



آیین قالی شویی در مشهد اردهال

در ۸۰۰ متری امامزاده روان است. بردن این قالی، نماد جریان حرکت دادن جنازه مطهر امامزاده است. به دنبال این دسته، گروهی دیگر که هر یک چوبدستی بلندی را به دست دارند، حرکت می‌کنند و با تکان دادن چوبدستی در هوا به نبردی نمادین با قاتل امامزاده می‌پردازند. قالی کنار چشمه بر زمین می‌آید و آب چشمه را به نشانه غسل دادن امامزاده بر آن می‌افشانند و آن‌گاه دوباره آن را با شور و هیجان به سوی بنا بازمی‌گردانند. پیش از ورود قالی به آرامگاه، چوب به‌دستان با دوییدن و تکان دادن چوب‌ها و فریاد و شعارهای مهیج، نبرد با قاتل امامزاده را دنبال می‌کنند. رسیدن حاملان قالی به درگاه ورودی امامزاده و سپردن آن به اهالی روستای خاوه اردهال که می‌بایست آن را به درون ببرند، همراه با تشریفات خاصی است. در این مراسم، مردم حاضر در حالی که بر سر و روی خود می‌زنند با شعارهای گوناگون، چوب به‌دستان را همراهی می‌کنند. این مراسم در فهرست میراث معنوی کشور ثبت شده و در دسامبر ۲۰۱۲ در فهرست میراث فرهنگی و معنوی یونسکو نیز به ثبت رسیده است. ❖

سال‌هاست مراسم قالی‌شوین، به یاد شهادت سلطان علی بن محمد با شور و غوغای وصف‌ناپذیر، همراه عزاداری و نوحه‌خوانی در مشهد اردهال برگزار می‌شود. ممکن است قالب اصلی این مراسم، اندکی تغییر یافته باشد، ولی یکی از رسوم سنتی و مذهبی است که سابقه کهنی دارد. چند روز قبل از جمعه (به‌ویژه شبی که فردای آن مراسم برقرار خواهد شد) سیل جمعیت، از پیر و جوان و زن و مرد، به این محل هجوم می‌آورند. صبح این روز، مردم زیادی از فین، چوب به‌دست، بر سر چشمه آبی در کنار حرم (یعنی در محل شستن قالی) گرد هم می‌آیند و با شعار «یا حسین»، «یا حسین» به طرف مرقد سلطان علی بن محمد باقر حرکت می‌کنند. در کنار مردم، علمای دینی نیز در این مراسم حضور پیدا می‌کنند. مراسم را با تلاوت آیاتی از قرآن آغاز می‌کنند. سپس مردم به نوحه‌خوانی و عزاداری می‌پردازند و در نهایت اهالی فین، چوب به‌دست، یکی از قالی‌های داخل حرم را برای شستن از خادمان امامزاده تحویل می‌گیرند. قالی را لوله می‌کنند و حسین گویان، قالی را به طرف چشمه آبی می‌برند که

نامه‌نگاری مردم کاشان و فرستاده امام باقر (ع)

آن حضرت فرزند خود، جناب علی بن محمد را روانه کاشان کردند. علی بن محمد سرانجام در سال ۱۱۶ هجری قمری به همراه تعدادی از اهالی منطقه توسط نیروهای حکومتی در دربند ازناوه کشته شد. پیکر او در مشهد اردهال به خاک سپرده شد. مراسم قالی‌شوین هر سال در دومین جمعه مهرماه به یاد شهادت علی بن محمد در مشهد اردهال برگزار می‌شود.

شاید از خود بپرسید علی بن محمد باقر چگونه به ایران آمده و گذارش به کاشان افتاده است. بر اساس برخی گزارش‌های تاریخی، عده‌ای از دوستداران اهل بیت (ع) از اهالی چهل حصاران و فین کاشان، نامه‌ای خدمت امام باقر (ع) نوشتند با این مضمون که چون از محضر شما دور هستیم یکی از آزادگان خود را برای راهنمایی و تربیت ما و تعلیم احکام به جانب ما بفرستید.

۲۶ جمادی‌الثانی، برابر با ۶ فروردین امسال، سالروز شهادت علی بن محمد باقر، فرزند امام محمد باقر (ع) بود. امامزاده‌ای که از او در منابع و میان مردم بیشتر با نام سلطان علی یاد می‌شود و مقبره‌اش در شهری به نام مشهد اردهال، نزدیکی کاشان، زائران فراوان و آیین خاص خود را دارد. آیینی که البته به سبب اصالت و زیبایی‌اش ثبت جهانی هم شده است.

تقویم تاریخ

قمری

شمسی

۲۸ جمادی الثانی

در این روز حضرت عبدالمطلب (ع)، پیامبر (ص) را در اطراف کعبه طواف داد و برای شیر دادن به حلیمه سعیدیه سپرد.

۱۰ رجب

عبدالله رضیع (شیرخواره) یا علی اصغر، فرزند سید الشهداء امام حسین (ع)، متولد ۱۰ رجب سال ۶۰ هجری است.

۱۵ رجب

پیامبر (ص) در مکه و سال‌های نخست پس از هجرت در مدینه، به سوی بیت المقدس نماز می‌گزارد، اما خداوند در سال دوم هجرت با نزول آیه قبله، او را خشنود کرد و مسلمانان را به تغییر قبله به سوی کعبه فرمان داد.

۱۵ رجب

در پی فشار طاقت‌فرسای مشرکان قریش بر مسلمانان، پیامبر اکرم (ص) در سال پنجم هجری به تعدادی از پیروان خود دستور داد تا برای در امان ماندن از اذیت و آزار مشرکین، به سرزمین حبشه مهاجرت کنند. جمعی از مسلمانان که ۱۱ مرد و ۴ زن بودند به سرپرستی عثمان بن مظعون به حبشه مهاجرت کردند و زمینه‌ساز مهاجرت بعدی مسلمانان به سرپرستی جعفر بن ابیطالب (ع) شدند. این مهاجرت‌ها، طی سالیان متمادی، سبب نفوذ و گسترش دین اسلام در قاره آفریقا شد.

۱۸ رجب

پیامبر خدا صلی‌الله علیه و آله در سال ششم هجرت، نمایندگانی را به کشورهای خارجی، از جمله مصر فرستاد. حاکم مصر هر چند دعوت پیامبر را نپذیرفت، ولی همراه پاسخ نامه‌اش، هدایایی از جمله کنیزی به نام ماریه برای پیامبر فرستاد. این کنیز بعدها افتخار همسری پیامبر را پیدا کرد و فرزندی برای رسول خدا آورد که پیامبر نامش را ابراهیم گذاشت. پیامبر به شدت به ابراهیم علاقه‌مند بود ولی ابراهیم در ۱۸ ماهگی بیمار شد و از دنیا رفت. در آن روز که ابراهیم از دنیا رفت خورشید گرفت و مردم مدینه گفتند: خورشید به خاطر مرگ ابراهیم گرفته است. رسول خدا (ص) به منبر رفت و به مردم فرمود: ای مردم همانا خورشید و ماه دو نشانه از نشانه‌های قدرت حق تعالی هستند که تحت اراده و فرمان او هستند و برای مرگ و حیات کسی نمی‌گیرند و هر زمان دیدید آن دو یا یکی از آنها گرفت نماز بگزایید.

اول فروردین

دکتر ابوالحسن شیخ، پدر علم شیمی نوین در نخستین روز از سال ۷۶ درگذشت. از این دانشمند برجسته به عنوان بنیانگذار و پدر علم نوین شیمی ایران یاد می‌شود.

دوم فروردین

روز جهانی آب اولین بار در ۲۲ مارس سال ۱۹۹۲ میلادی، در کنفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل رسماً مطرح شد. در این کنفرانس از کلیه کشورها خواسته شد، این روز را به عنوان روز ترویج و آگاه‌سازی مردم در مورد آب اختصاص دهند.

هفتم فروردین

روز ۲۷ مارس، هر سال که مصادف با هفته اول فصل بهار است، به نام روز جهانی تئاتر یا هنرهای نمایشی انتخاب و بیانیه ویژه آن صادر می‌شود.

۱۶ فروردین

مرگ محمد علی شاه، پادشاه مستبد قاجار در سال ۱۳۰۳ شمسی، که مجلس را به توپ بست و آغازگر دوران استبداد صغیر بود.

۲۳ فروردین

مجلس شورای اسلامی در ۲۳ فروردین ۱۳۶۰، قانون تربیت بهداشت کاران دهان و دندان را تصویب کرد. در این قانون، مجلس، وزارت بهداشت و درمان را موظف کرد که داوطلبانی را برای تربیت در این دوره، جذب کند و پس از دادن آموزش‌های لازم، آنان را در مناطق محروم به خدمت گمارد.

۲۳ فروردین

۱۲ آوریل، روز بین‌المللی فضاوردی است. یونسکو، به مناسبت پرواز یوری گاگارین به کیهان، این روز را، روز جهانی فضاوردی و اکتشافات کیهانی اعلام کرد و کلمه روسی «سپوتنیک» (ماهواره)، با وارد شدن به زبان‌های مختلف، به یک کلمه بین‌المللی تبدیل شد. ❖

سال‌های سرنوشت‌ساز پر حادثه

سرنوشتی نظام طاغوت شاهنشاهی «جمهوری دموکراتیک»، «جمهوری»، «حکومت اسلامی» و ... از جمله نظام‌هایی بود که مطرح شد، ولی امام راحل از همان ابتدا تأکید فراوانی بر استقرار نظام حکومتی جمهوری اسلامی داشتند، به طوری که بر جمهوری اسلامی نه یک کلمه کمتر و نه یک کلمه بیشتر تأکید کردند.

همه‌پرسی در روزهای ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ در سراسر ایران برگزار شد. برگه رأی، دو قسمتی بود و شامل نیمه «آری» - به رنگ سبز - و نیمه «نه» - به رنگ قرمز - بود و روی آن چنین درج شده بود. رأی‌دهندگان، می‌بایست بخش موردنظر خود را از برگه جدا می‌کردند و در صندوق رأی می‌انداختند و می‌توانستند قسمت دیگر را همراه با خود ببرند. گفته شده بود اگر کسانی رأی‌شان برای نوع حکومت بعدی حکومت «جمهوری اسلامی» نباشد می‌توانند آن نوع حکومت دلبخواه خود را در برگه بنویسند و در صندوق بیندازند.

«جمهوری اسلامی» انتخاب امام و مردم

۱۲ فروردین هزار و سیصد و پنجاه و هشت، نقطه عطفی در تاریخ کشورمان است. سالروز انتخابی بزرگ که با به ثمر رسیدنش، ساختار سیاسی ایران پس از قرن‌ها تغییر کرد و واژه شاهنشاهی برای همیشه کنار رفت تا یک حکومت اسلامی برای کشوری اسلامی رقم بخورد، حکومتی که بنا به انتخاب امام خمینی (ره) و همراهی و انتخاب مردم در این روز برای همیشه جمهوری اسلامی نام گرفت.

همان‌طور که همه می‌دانیم در این روز با رأی اکثریت قاطع مردم، نظام سیاسی کشور پس از ۲۵۰۰ سال از نظام سلطنتی به نظام جمهوری اسلامی و حکومت مردمی تغییر یافت. رأی ۹۸/۲ درصدی مردم به جمهوری اسلامی مسیر را برای هرگونه چون و چرای تعداد اندک مخالفان بست و ۱۲ فروردین روز «جمهوری اسلامی» نام گرفت. در زمان تعیین نظام سیاسی کشور پس از

سال‌پر حادثه

سال ۱۳۵۸ نقطه آغازی بود برای شروع سال‌های پرتناق انقلاب اسلامی که در ادامه وقایع سال‌های ۵۹ و ۶۰ هم به دنبال آن پیش آمدند و به ترتیب سال‌های پرحادثه ایران را پس از استقرار جمهوری اسلامی رقم زدند. پس از برگزاری همه‌پرسی موفق سال ۵۸، انتخابات مجلس خبرگان برای تدوین قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، تشکیل نهادهای انقلابی مانند سپاه پاسداران، بسیج، بنیاد مستضعفان، واقعه بزرگ تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران، استعفای دولت موقت و وقوع انقلاب دوم پیش آمد. ضمن این‌که دشمنان انقلاب به سرکردگی آمریکا به هر طریق ممکن می‌کوشیدند تا انقلاب را از ریشه بخشکانند و این‌گونه، عده‌ای از بهترین یاران امام و انقلاب، در این سال به دست دشمنان اسلام و انقلاب، در

داخل کشور ترور شدند. استاد شهید مرتضی مطهری، شهید سید محمدعلی قاضی طباطبایی تبریزی، شهید دکتر محمد مفتاح، شهید حاج مهدی عراقی و فرزندش احسان، شهید تیمسار قرنی و دیگر یاران با وفای امام، به دست عوامل منحرف گروه گمراه «فرقان» به شهادت رسیدند که ضربه جبران‌ناپذیری به انقلاب و اسلام و روحانیت بود.

همچنین وفات عالم مجاهد و مفسر قرآن، مرحوم آیت‌الله سید محمود طالقانی که امام از او به «بودن زمان» تعبیر کرد؛ ترورهای ناموفق برخی دیگر از یاران امام مثل آقای هاشمی رفسنجانی و موسوی اردبیلی، محاکمه و اعدام عوامل مجرم و آدم‌کش رژیم پهلوی مثل امیر عباس هویدا، نخست وزیر شاه و سران شکنجه‌گر و قاتل ساواک در شهرهای مختلف، از دیگر حوادث سال ۵۸ بود که هر کدام، چه مثبت و چه منفی، در روند انقلاب بی‌تأثیر نبود.

روایت‌های سینمایی

هر چند هنوز در سینما و تلویزیون آن‌طور که بایسته است به اتفاقات پیرامون انقلاب اسلامی پرداخته نشده، اما این روزها فیلم سینمایی «ماجرای نیمروز» به کارگردانی محمد حسین مهدویان در حال اکران است و پرداخت خوب، دقیق و هنرمندانه‌ای به ترورهای سال ۱۳۶۰ به دست گروه مجاهدین خلق داشته است. گروهک‌های ضد حکومت مانند مجاهدین دست به ترورهای موفق و ناموفق مقامات ارشد حکومت می‌زنند. «سیانور» هم به کارگردانی بهروز شعبی و نویسندگی مسعود احمدیان دیگر فیلمی است که در این باره ساخته شده است. داستان فیلم برگرفته از روایات رسمی دولت ایران از وقایع درونی سازمان مجاهدین خلق ایران پیش از انقلاب ۱۳۵۷ ایران است. این فیلم بازگو کننده اختلافات میان دو دسته در سازمان مجاهدین خلق و درگیری میان چهرهای کلیدی آن مانند تقی شهرام، مرتضی صمدیه لباف و مجید شریف واقفی در متن یک داستان عاشقانه نافرجام است. دیدن این فیلم هم خالی از لطف نیست. می‌توان به ادامه این روند و ساختن فیلم درباره دیگر وقایع مهم انقلابی امیدوار بود و به این فکر کرد که هیچ ماجرای نتوانست آفتاب انقلاب را در ایران کمرمق کند.

فروردین‌های انقلاب

انقلاب البته از سال‌ها قبل روزهای کم و بیش پر حادثه‌ای را پشت سر گذاشته بود. از زمانی که نخستین جرقه‌های انقلاب با روشنگری‌های امام خمینی آغاز شده بود، شاه در صدد سرکوب انقلابیون بود و صفحات تقویم در ماه‌ها و سال‌های مختلف شاهد اتفاقات کوچک و بزرگی بود که همه انقلاب را پیش بردند و به نتیجه رساندند. به طور مثال می‌توان به دوم فروردین ۱۳۴۲ که مصادف بود با سالروز شهادت امام جعفر صادق (ع) اشاره کرد. در این روز نظامیان رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه در قم حمله کردند که به کشته و زخمی شدن جمع زیادی از طلاب منجر شد. یورش نظامیان حکومت شاه به مدرسه فیضیه قم سرمنشأ بسیاری از رخدادهای سیاسی در روند انقلاب است که برای کشف ریشه‌های آن باید حوادث سال‌های ۱۳۴۰ به بعد را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم. همچنین از دیگر اتفاقات جالبی که می‌توان به آن اشاره کرد، انتشار مقاله‌ای در روزنامه گاردین است. این مقاله که ۱۴ فروردین ۱۳۵۷ قبل از پیروزی انقلاب منتشر شده، به روند اعتصاب زندانیان سیاسی در ایران پرداخته است. در واقع آتش آن‌قدر شور شده که صدای غربی‌ها هم درآمد و مقاله‌ای درباره وضعیت تلخ زندانیان سیاسی در حکومت شاه منتشر شده است.

و اتفاق مهم دیگر این‌که رابطه ایران و آمریکا در ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ برای همیشه قطع شده است. قطع رابطه‌ای که هنوز هم ادامه دارد و طی چهار دهه گذشته نه شیطان بزرگ دست از دخالت‌ها و زیاده‌خواهی‌اش برداشته و نه ما دست از آرمان‌ها، ارزش‌ها و حفظ کشورمان. این مورد آخر، خود به‌خوبی بیانگر بخشی از ادامه اتفاقات پس از برگزاری همه‌پرسی است. مشارکت حداکثری مردم و رأی بیش از ۹۸ درصدی به برقراری جمهوری اسلامی به عنوان حکومت ایران، هر چند مشیت محکمی بر دهان اندک مخالفان و دولت‌های غربی بود، اما در ادامه تلخی‌های مختلف یکی پس از دیگری گریبان جامعه را گرفتند و نشان دادند مخالفان قصد دارند به هر طریق ممکن به انقلاب ضربه بزنند. ♦



روز ارتش

با یاد از بزرگمرد ارتش

تقویم فروردین ماه، یک مناسبت ملی و یک اتفاق تلخ را در خود جای داده که هر دو به نوعی به نام ارتش جمهوری اسلامی ایران گره خورده است؛ ۲۹ فروردین ۱۳۵۸، روزی که از سوی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره)، به نام روز ارتش نامگذاری شد و ۲۱ فروردین ۱۳۸۷ که سپهبد علی صیاد شیرازی، از فرماندهان بزرگ ارتش، توسط سازمان مجاهدین خلق ترور شد و به شهادت رسید.

اصل ۱۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح دارد: ارتش جمهوری اسلامی ایران، باید ارتشی مکتبی و مردمی باشد و از افراد شایسته استفاده کند تا به اهداف انقلاب اسلامی، مؤمن، و در راه تحقق آن فداکاری کنند.

اما دلیل نامگذاری روز ارتش چه بود؟ از ۱۹ بهمن ۵۷ و دیدار همافران نیروی هوایی ارتش با امام خمینی(ره)، ارتشی‌ها با سرعت بیشتری به انقلاب اسلامی پیوستند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از همان اولین روز، کار خود را برای دفاع از انقلاب اسلامی ایران شروع کردند. اولین درگیری و ناآرامی در منطقه ترکمن صحرا و در نزدیک مرزهای شوروی(سابق) توسط گروهک‌های چپ و مزدوران استکبار، با هدف خودمختاری منطقه آغاز شد که با اعزام یگانی از کارکنان داوطلب نیروی زمینی ارتش سرکوب شد.

ارتش به سراغ کنترل ناآرامی‌های سایر مناطق مثل کردستان و آذربایجان غربی رفت. همزمان جنگ روانی علیه ارتش در داخل و خارج کشور به راه افتاده بود و به دنبال آن بودند تا ارتش را یک نیروی ضد مردمی و عامل امپریالیسم معرفی کنند که همچنان سرکوب مردم را ادامه می‌داد و بایستی منحل می‌شد و جای خود را با یک ارتش خلقی یا بی‌طبقه توحیدی عوض می‌کرد. همین جوسازی‌ها سبب شد تا شهید سپهبد ولی‌الله قرنی، اولین رئیس ستاد مشترک ارتش، در نامه‌ای استعفای خود را در روزهای اول فروردین ۱۳۵۸ به امام خمینی(ره) تقدیم کند.

کمتر از یک ماه بعد، سپهبد قرنی توسط گروهک فرقان ترور شد و به شهادت رسید تا علاوه بر آثار جنگ روانی سنگینی که به طور مستقیم و غیر مستقیم توسط دشمنان

خارجی، طیف ضد انقلاب، منافقین، حزب توده و عناصر ناآگاه در ارتش جریان داشت، بی‌انضباطی، سستی و عدم تمکین از فرماندهان نیز به مشکلات ارتش اضافه شود.

مشکلات فراوان ارتش سبب شد تا فرماندهان وقت ارتش جمهوری اسلامی ایران، با درخواست وقت ملاقات از امام خمینی(ره) برای بیرون رفتن از این وضعیت چاره‌اندیشی کنند و از امام(ره) بخواهند ایشان فرماندهی خود بر کل نیروهای مسلح را مجدداً اعلام نمایند، تا با استفاده از این حکم حکومتی، قوام و انضباط به ارتش برگردد. امام خمینی(ره) هم با صدور پیامی تاریخی در ۲۹ فروردین سال ۵۸ خطاب به ملت، سنگ بنای روز ارتش را گذاشتند. با پیام تاریخی و حیات‌بخش امام خمینی(ره) در سال ۱۳۵۸، ارتش تولدی نو یافت و ارتش جمهوری اسلامی ایران پا به عرصه وجود گذاشت.

فرماندهی وحدت در جبهه‌ها

طی سال‌های نخستین جنگ تحمیلی هنوز هماهنگی‌های لازم بین دو نیروی سپاه و ارتش شکل نگرفته بود که این هماهنگی‌ها با برنامه‌ریزی‌های شهید صیاد شیرازی شکل گرفت. شهید سپهبد علی صیاد شیرازی، فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و عضو شورای عالی دفاع بود که سبمت‌های مختلف و تجربه‌های موفقیتی در عرصه جنگ تحمیلی داشت. او پس از پیروزی انقلاب ایران، در بحبوحه غائله سال ۱۳۵۸ ضد انقلاب در کردستان، به فرماندهی عملیات شمال غرب کشور برگزیده شد و در نبردهای کردستان به همراه دکتر مصطفی چمران نقش مهمی ایفا کرد. وحدت در جبهه‌ها و در بین نیروهای مسلح، یکی از دستاوردهای فرماندهی خوب

طی سال‌های نخستین جنگ تحمیلی هنوز هماهنگی‌های لازم بین دنیروی سپاه و ارتش شکل نگرفته بود که این هماهنگی‌ها با برنامهریزی‌های شهید صیاد شیرازی شکل گرفت

احیاگر ماشین جنگی ارتش

یک محقق عراقی با افشای نکاتی از کینه و دشمنی رژیم بعث و منافقین از این فرمانده دلیر، از لایه‌لای اسناد رژیم ساقط شده صدام می‌گوید: نام صیاد شیرازی بیش از هر افسر ارتش ایران در سرویس‌های امنیتی و جاسوسی رژیم صدام دیده می‌شد که اطلاعات آن عمدتاً از سوی منافقین و مزدوران صدام در کردستان ایران تهیه و تنظیم شده بود. به گفته دکتر الجنابی برابری سندی که زمان آن به نبردهای سنگین چزابه برمی‌گردد، از صیاد شیرازی به عنوان احیاگر ماشین جنگی ارتش جمهوری اسلامی ایران نام برده شده است.

سرویس‌های امنیتی عراق در خصوص این فرمانده ایرانی از چند تن از اسیران ایرانی بازجویی می‌کنند و بالاخره در گزارش روزانه خود به ستاد عالی ارتش صدام که دیکتاتور عراق آن را مطالعه می‌کرد در خصوص شهید صیاد شیرازی می‌نویسند: این فرمانده ایرانی وحدت عملیاتی بین نیروهای سپاه و ارتش را به شدت پشتیبانی می‌کند و از افسران مورد اعتماد رهبری ایران است. وی با انتقال تجربیات و آموزش نظامی به پاسداران و بسیجیان موافقت نموده و جاده

صاف‌کن بن‌بست‌هایی شده

است که در زمان بنی‌صدر

رئیس‌جمهوری مغرول شده

ایران بین ارتش و سپاه

به‌وجود آمده بود.

عملیات فتح‌المبین خشم

ارتش بعثی عراق را از

صیاد دوچندان کرد و

قابلیت‌های او در کنار سایر

فرماندهان سپاه و ارتش در عملیات

آزادسازی خرمشهر منجر به آن شد پرونده

عملکرد صیاد شیرازی در استخبارات عراق

قطرتر شود تا این‌که با تماس‌های

عمیق‌تر منافقین با رژیم صدام در سال

۱۳۶۳ فهرستی از اسامی فرماندهان و مسؤولین

جنگ در ایران توسط رژیم صدام به منافقین

داده شد که از آنها خواسته شده بود به ترور و

کشتن این افراد اقدام کنند. منافقین در این



صیاد دل‌ها

زمینه ناکام ماندند تا اینکه سال‌ها پس از پایان جنگ، در حالی که شمارش معکوس سقوط رژیم صدام آغاز شده بود بالاخره به وعده‌ای که به صدام جنایتکار داده بودند اقدام کردند و این افسر شجاع را به شهادت رساندند.

سپهبد علی صیاد شیرازی پنج روز قبل از شهادتش، در ۱۶ فروردین ۱۳۷۸، همزمان با عید غدیر از سوی فرمانده کل قوا به درجه سرلشکری نائل شد. درجه این فرمانده غیور ارتش مجدداً پس از شهادت از سوی فرمانده کل قوا، به سپهبدی ارتقا یافت. این شهید، بامداد ۲۱ فروردین ۱۳۷۸، به وسیله عوامل مسلح مجاهدین خلق در پوشش رفتگر، مقابل منزل مسکونی‌اش واقع در تهران و در برابر دیدگان فرزندش به شهادت رسید. مردم پیکر او را با شکوه هر چه تمام‌تر بدرقه کردند، به طوری که تشییع پیکر شهید صیاد شیرازی یکی از پرمعیت‌ترین تشییع‌های بعد از انقلاب بود. او در وصیتنامه‌اش که در تاریخ

۱۹ دی ماه ۱۳۷۱ آن را نگاشته است این‌گونه با معبودش راز و نیاز می‌کند: «خداوند! این تو هستی که قلبم را ملامت از عشق به راهت، سلامت، نظامت و ولایت قرار دادی؛ خدایا! تو خود می‌دانی که همواره آماده بوده‌ام آنچه را که تو خود به من دادی در راه عشقی که به راهت دارم نثار کنم.

اگر جز این نبودم آن هم خواست تو بود. پروردگارا رفتن در دست توست، من نمی‌دانم چه موقع خواهم رفت، ولی می‌دانم که از تو باید بخواهم مرا در رکاب امام زمانم قرار دهی و آن‌قدر با دشمنان قسم‌خورده دینت بجنگم تا به فیض شهادت برسم. خداوند! ولی امرت، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را تا ظهور حضرت مهدی(عج)، زنده، پاینده و موفق بدار.»

او بود. این شهید بزرگوار معتقد بود ارتشی و سپاهی یک لشکر الهی هستند.

پس از حوادث کردستان، شهید صیاد شیرازی با درجه سرگردی به همراه رحیم صفوی به غرب اعزام می‌شود و با همکاری ارتش و سپاه سندهج را فتح می‌کنند. این عملیات در کردستان موجب می‌شود تا او با درجه سرهنگی به فرماندهی عملیات غرب منصوب شود. در این دوره با ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهور معزول ایران به اختلافاتی می‌خورد و این اختلافات موجب خلع دو درجه، برکناری، و دستور محاکمه نظامی صیاد شیرازی می‌شود.

پس از خلع بنی‌صدر و با حضور شهید محمدعلی رجایی در سمت ریاست جمهوری، صیاد شیرازی بار دیگر با دریافت دو درجه، به ارتش بازگشت و برای پایان دادن به ناهماهنگی ارتش و سپاه، قرارگاه مشترک عملیاتی سپاه و ارتش، تحت عنوان قرارگاه حمزه سیدالشهدا را راه‌اندازی کرد، با تأسیس قرارگاه حمزه سیدالشهدا، لشکرهای ۶۴ ارومیه و ۲۸ کردستان، تیپ ۲۳ هوابرد و تیپ ۳۰ گرگان، شهرهای بوکان و اشنویه را آزاد کرد.

او با مشارکت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در عملیات‌های طریق‌القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، رمضان، مسلم‌بن عقیل، مطلع‌الفجر، محرم، والفجر ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، عملیات خیبر، بدر و قادر شرکت کرد و پیروزی‌های بزرگی را برای ایران به ارمغان آورد. شهید صیاد شیرازی در سال ۱۳۶۷ در عملیات مرصاد که در خلال آن مرزهای غربی ایران مورد هجوم مجاهدین خلق قرار گرفته بود، با طراحی عملیاتی تحت عنوان عملیات مرصاد، نیروهای متجاوز را شکست داد. ❖

سمپوزیوم سنت پیامبر (ص) و امام علی (ع) در آلبانی

بکتاشیه آغاز شد. وی در این سخنرانی بیان کرد: سنت پیامبر (ص) و سنت امام علی (ع) یکی است و از یک منشأ سرچشمه می‌گیرد. اندیشه مکتب بکتاشیسم هم بر همین مبنا استوار است.

اندیشمندانی از کشورهای فرانسه، آلمان، ترکیه، آذربایجان، عراق، روسیه، بوسنی، کوزوو و مقدونیه، شرکت داشتند. کنفرانس در دو بخش تشریفاتی و علمی برگزار شد و بخش تشریفات آن (مراسم افتتاحیه) با سخنرانی حاجی دده ادموند ابراهیمی، رهبر مرکز جهانی

کنفرانس بین‌المللی مرکز جهانی بکتاشیه تحت عنوان «سنت پیامبر (ص)، امام علی (ع) و بکتاشیه» با مشارکت و همکاری بنیاد سعدی شیرازی (رایزنی فرهنگی ایران در آلبانی) و حمایت کمیته مطالعات و تحقیقات علویون، برگزار شد. در این کنفرانس



کهنسال‌ترین گنبدشوی حرم امام رضا (ع) در گذشت

کار شد. او برای نخستین بار سال ۱۳۷۵ برای شست‌وشوی حرم رضوی دعوت شد و توفیق داشت هر سال به طور متوسط بین پنج تا ۱۰ بار عملیات نظافت و شست‌وشوی گنبد امام رضا (ع) را انجام دهد.

عمران و توسعه حریم حرم رضوی فعالیت کرد تا سال ۸۴ که بازنشسته شد و پس از گذشت یک ساعت از اعلام حکم بازنشستگی‌اش به دستور تولیت آستان قدس رضوی بار دیگر برای فعالیت در کارهای ویژه مخصوص و موردی در حرم امام رضا (ع) دعوت به

اسدالله زرین‌مهر، معروف به «عمو اسدالله»، کهنسال‌ترین گنبدشوی حرم امام رضا (ع)، در روزهای نخست امسال و در سن ۷۲ سالگی در گذشت. عمو اسدالله کهنسال‌ترین گنبدشوی حرم رضوی، در سال ۱۳۲۳ متولد شد، او حدود ۵۰ سال در سازمان



بزرگ‌ترین قرآن مطلای جهان

در سایه عمل به دستورات وحی سامان پذیرد. بزرگ‌ترین قرآن کریم کتابت شده نقره و طلای جهان توسط راین اکبرخانزاده کتابت و توسط استاد عسگری قلمزنی شده است. هدیه این نسخه از قرآن به طور کامل صرف امور خیریه خواهد شد.

وحی کار پربرکتی است که خداوند توفیق آن را به شما عطا و مرحمت کرده است. او ادامه داد: از خدای بزرگ می‌خواهیم توفیق ادراک صحیح و عمل به مضمون قرآن را به همه امت اسلامی عطا بفرماید و آنچه خیر و فلاح این نظام و مملکت است

بزرگ‌ترین قرآن کریم کتابت شده به وسیله نقره و طلا در جهان، ظهر یکشنبه به دست آیت‌الله العظمی جوادی آملی، در محل بنیاد بین‌المللی علوم و حیاتی اسراء رونمایی شد. این استاد برجسته حوزه پس از رونمایی از این اثر هنری گرانقدر بیان داشت: کار کتابت



رویارویی صحنه‌ها و چهره‌های کربلا در یک کتاب

دفتر نشر فرهنگ اسلامی کتاب «رویارویی صحنه‌ها و چهره‌ها در تاریخ کربلا» را به قلم حمید محمد قاسمی منتشر کرد. این کتاب به گفته نویسنده تلاشی است پژوهشی برای کشف و در مقابل هم قراردادن چهره‌ها و صحنه‌هایی که



حادثه کربلا را شکل داده‌اند. به همین منظور نویسنده تمامی متن کتاب را در قالب جدولی تنظیم کرده که ویژگی‌های افراد و موقعیت‌های مختلف را پیش روی هم قرار می‌دهند و از این منظر سعی در مقایسه آن‌ها دارند. این کتاب از منظر اعتقادی

به این مهم پرداخته است و گروه‌هایی مانند اهل ایمان و کفرپیشگان، تحریف‌کنندگان و تحریف‌ستیزان، مؤمنان مخلص و نفاق‌پیشگان، بصیرت‌مندان و فریب‌خوردگان، هدایت‌یافتگان و گمراهان، بلندنظران و کوتاه‌نظران و... پرداخته است.

«محمد(ص) مثل گل بود» ۲۱۰ هزار تایی شد

کتاب «محمد(ص) مثل گل بود» اثر حجت‌الاسلام غلامرضا حیدری ابهری، از سوی نشر بوستان فدک تجدید چاپ شده و به شمارگان ۲۱۰ هزار نسخه رسیده است. مجموعه هشت جلدی «محمد(ص) مثل گل بود» اثری است که از

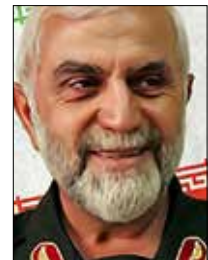


این نویسنده خلاق منتشر شده و با استقبال قابل توجه مخاطبان نیز روبه‌رو شده است. در این کتاب ۴۰ محور از سیره و سبک زندگی پیامبر مکرم اسلام(ص) با زبانی روان و صمیمی بیان شده و خواننده - می‌تواند کودک یا پدر و مادر او باشد - با تمثیل‌هایی

که حیدری ابهری آورده غیر مستقیم وارد زندگی شخصی پیامبر می‌شود. ساختار کتاب به گونه‌ای طراحی شده که کودکان حضور پیامبر(ص) را در زندگی عادی خود حس کنند و به راحتی بتوانند از آن حضرت الگو بگیرند.

خاطرات همسر شهید همدانی رونمایی می‌شود

کتاب «آم و هب» شامل خاطرات همسر سردار شهید حسین همدانی، به‌زودی توسط نشر ۲۷ بعثت منتشر و رونمایی خواهد شد. حمید حسام از پژوهشگران دفاع مقدس است که پس از چاپ و عرضه دو کتاب موفقش، «وقتی ماه گم شد»



و «آب هرگز نمی‌میرد» این بار خاطرات پروانه چراغ‌نوروزی، همسر و همراه ۴۰ ساله شهید همدانی را گردآوری و تدوین کرده است. حسام در نگارش کتاب جدید خود، با سپری کردن ۹ ماه، این اثر را برای چاپ به نشر ۲۷ بعثت سپرده که پس از

سپری کردن روند چاپ، طی روزهای آینده در مراسمی در نمایشگاه بین‌المللی پیش روی کتاب تهران، رونمایی می‌شود.

صدور انقلاب با زبان هنر ممکن می‌شود

گذاشته و هنر نیز برای انتقال پیام دین کمک کرده و هر دو تأثیر متقابلی داشته‌اند. در همه ادیان، آموزه‌ها و معارف دینی در هنر تجلی یافته و باعث تعالی، شکوفایی و رشد هنر شده است.

فرارسیدن هفته هنر انقلاب اسلامی و سالروز شهادت سید شهیدان اهل قلم، سیدمرتضی آوینی، این هفته را فرصتی برای شناساندن ابعاد مختلف هنر انقلاب اسلامی دانست. او به پیوند ناگسستنی دین و هنر اشاره و خاطر نشان کرد: همواره دین روی هنر تأثیر

حجت‌الاسلام زکریا اخلاقی با اشاره به نقش هنر در ترویج مفاهیم دینی و انسانی به اقشار مختلف جامعه گفت: با توجه به بین‌المللی بودن زبان هنر، صدور انقلاب اسلامی با زبان هنر ممکن می‌شود. این شاعر و مدرس حوزه علمیه ضمن گرامیداشت



جشنواره مردمی موسیقی انقلاب اسلامی

حماسی بسیاری سرود. گاهی هم خودم سوزه‌هایی را در ذهن می‌پروراندم و به شاعری می‌گفتم تا شعرش را بسراید. در سوسنگرد و در دزفول آثاری خواندم که محتوایشان درباره شهدا و حماسی بود و چندین بار در صداوسیما هم پخش شد.

اجرای، مجتبی نامخواه، عضو شورای سیاست‌گذاری و جمعی از اصحاب رسانه حضور داشتند. در این نشست صادق آهنگران با بیان یک خاطره گفت: یادم هست در اوایل جنگ تحمیلی اشعار بسیاری خوانده شد. حبیب‌الله معلمی — که روحش شاد — اشعار

نشست خبری نخستین جشنواره مردمی موسیقی انقلاب اسلامی استان خوزستان با عنوان «بانگ بیداری» در حسینیه هنر برگزار شد. در این نشست صادق آهنگران، دبیر جشنواره، محمد گلریز نماینده هیئت داوران، علیرضا عالی‌پور، دبیر



باز نشر یک آلبوم موسیقی به مناسبت تولد حضرت علی(ع)

بهیچانی روی جلد آلبوم است. آلبوم «امیر عشق» به آهنگسازی سیدافشین قریشی، تنظیم محسن جلیلی، صدای محسن دایی نبی، هم‌خوانی امین روانه بازار شده است.

آلبوم موسیقی «امیر عشق» به مناسبت سالروز ولادت حضرت علی(ع) دوباره منتشر شد. آلبوم یادشده شامل شش قطعه تصنیف، یک قطعه دوتنوازی تنبور و سازهای کوبه‌ای و با خوشنویسی نستعلیق اثر استاد عباس اخوین و نقش رلیف ورق طلا اثر استاد تاهما



تدوین برنامه‌های راهیان نور ۹۶



سردار یعقوب سلیمانی، دبیر قرارگاه مرکزی راهیان نور سپاه و بسیج، در جلسه قرارگاه مرکزی راهیان نور سپاه و بسیج که در سالن رضوی سازمان بسیج مستضعفین در حال برگزاری است، با اشاره به اهمیت دیدار دست‌اندرکاران و مسئولان راهیان نور با امام

خامنه‌ای اظهار در اسفند ۹۶ اظهار کرد: تمام برنامه‌های سال ۹۶ راهیان نور کشور بر اساس توصیه‌ها و صحبت‌های امام خامنه‌ای در ۱۶ اسفند ۹۶ تدوین و عملیاتی می‌شود. دبیر قرارگاه مرکزی راهیان نور سپاه و بسیج در پایان اظهار کرد: کتاب «تا بهشت» کتابی

است که برگرفته از سخنان رهبر انقلاب در سفرهای رهبر انقلاب به مناطق عملیاتی دفاع مقدس است که ۱۷ اسفند به چاپ رسیده است و در این کتاب، به سخنان امام خمینی (ره) در خصوص دفاع مقدس هم پرداخته شده است.

ارکستر ملی با محمد اصفهانی روی صحنه می‌رود



ارکستر ملی قصد دارد ۳۱ فروردین و اول اردیبهشت و همچنین ۱۴ و ۱۵ اردیبهشت‌ماه با خوانندگی محمد اصفهانی روی صحنه برود. به گفته فریدون شهبازیان رهبر ارکستر ملی، قرار است در اجرایی که ۳۱ فروردین‌ماه و اول اردیبهشت برگزار می‌شود،

قطعاتی از آلبوم‌های «تنها ماندم» و «هفت‌سین» آقای اصفهانی را اجرا کنیم که در میان آن‌ها، قطعاتی مانند «تو ای پری کجایی»، «لوح آسمان‌ها» و «حیلت رها کن عاشقا» نیز اجرا می‌شوند. همچنین آثار بی‌کلامی به آهنگسازی من و حسین

دهلوی توسط این ارکستر نواخته خواهد شد.

آمادگی مجلس برای حل مشکل مساجد خالی از روحانی



رئیس مجلس شورای اسلامی در همایش مدیران و موسسین حوزه‌های علمیه خواهران در مرکز فقهی ائمه اطهار (ع) با تأکید بر اینکه به جای ارزش بخشیدن به کارمندی دولت که نیروهای اضافه زیادی دارد باید به تولید بها بدهیم، بیان کرد: بخشی از تحول اقتصادی

به این عنصر محوری باز می‌گردد و مبلغان و روحانیت می‌توانند با تبیین دستورات دینی به این مسئله کمک کنند. علی لاریجانی با تأکید بر حمایت مجلس از حوزه و روحانیت و با بیان اینکه حوزه باید مستقل از دولت‌ها باشد ولی از کمک دولتی بهره

ببرد تصریح کرد: متأسفانه الان خیلی از مساجد ما از وجود روحانی خالی است که اشکال بزرگی است و در حالی که ما روحانی هم کم نداریم؛ مجلس برای رفع این مشکل و برای استقرار روحانی مقیم در مساجد هر نوع حمایتی را انجام خواهد داد.

بایرامی برای رمان «لم یزرع»، حاتمی کیا برای فیلم «بادیگارد»، حسام برای کتاب «وقتی مهتاب گم شد»، روح الامین برای مجموعه آثار تجسمی عاشورایی و انقلابی، شجاعی طباطبایی برای راه اندازی جشنواره «هولوکاست» و دبیری این جشنواره، ضرابی زاده برای کتاب «گلستان یازدهم» و مهدویان برای نویسندگی و کارگردانی فیلم «ایستاده در غبار» به عنوان نامزدهای دریافت این جایزه ملی انتخاب شده بودند و نهایت هم شجاعی طباطبایی موفق به کسب این عنوان شد.

این هنرمند لوح تقدیر و تندیس زرین خود را از احمد رضا درویش، محسن مؤمنی شریف، رئیس و محمد حمزه زاده، معاون سینمایی حوزه هنری دریافت کرد.

شجاعی طباطبایی چهره هنر انقلاب در سال ۹۵ جایزه خود را به خانواده شهید مدافع حرمی که در کشور لبنان دفن شده است، تقدیم کرد. او گفت: خود را در جایگاهی نمی بینم که این جایزه شامل حال من شود. بزرگان زیادی در عرصه های مختلف هنر هستند که باید این جایزه را دریافت کنند.

او با بیان این که جشنواره هولوکاست یک کار جمعی بود، عنوان کرد: ماه پیش در کشور لبنان یک کلاس و کارگاهی برگزار کردم. در جایی به نام مزار شهدای مدافع حرم با شهیدی آشنا شدم که ۱۳ سال در زندان های رژیم صهیونیستی اسیر بود و پس از آزادی به دفاع از حرم حضرت زینب (س) پرداخته و در نهایت شهید می شود.

چهره سال هنر انقلاب در سال ۹۵، در پایان گفت: نکته جالب، نامه های دختر او بود که بر سر مزار این شهید دیده می شد. این جایگاه و جایزه را به خانواده این شهید و دختر او زینب، تقدیم می کنم.

پیش از شجاعی طباطبایی مؤمنی شریف در سخنانی درباره این هنرمند گفت: جشنواره کاریکاتور هولوکاست در شرایط ویژه ای برگزار شد. از جهتی نشان دهنده این بود که ادبیات و هنر ما بعد بین المللی پیدا کرده است.

او ادامه داد: از طرف دیگر سه وزیر امور خارجه کشورهای مختلف و سازمان یونسکو به ما فشار آوردند که این جشنواره برگزار نشود؛ این جشنواره برگزار شد و از طرف برخی رسانه ها چندان دیده نشد.

این هنرمند با اشاره به این که رهبر معظم انقلاب از این کار حمایت کردند، افزود: مقام معظم رهبری به آقای شجاعی فرمودند که آقای شجاعی حسابی مشغول به کوبیدن و رفتن به جلو هستید. هر چه آن ها را عصبانی کرد ما را خوشحال تر کرد. در این راه پافشاری کردید و صبوری به خرج دادید تا در این زمینه به موفقیت رسیدید. ❖



چهره هنر انقلاب

مسعود شجاعی طباطبایی، چهره برتر هنر
انقلاب شد و جایزه اش را به شهید مدافع حرم
تقدیم کرد

برگزاری هفته هنر انقلاب از جمله اقدامات نیک حوزه هنری است که هر سال همزمان با شهادت سید و سالار شهیدان اهل قلم، سید مرتضی آوینی و روز هنر انقلاب برگزار می شود. در پایان این هفته هم چهره برتر سال در هنر انقلابی معرفی شده و مورد تجلیل قرار می گیرد.

امسال محمدرضا بایرامی، ابراهیم حاتمی کیا، حمید حسام، حسن روح الامین، سیدمسعود شجاعی طباطبایی، بهناز ضرابی زاده و محمدحسین مهدویان، نامزدهای چهره سال هنر انقلاب شدند و در نهایت هم شجاعی طباطبایی عنوان چهره برتر این عرصه انتخاب شد.

اما دلایل انتخاب این هنرمندان چه بود؟ آن طور که فاضل نظری معاون هنری حوزه هنری بیان می کند،



مردی با تمام خصال پسندیده

در مسیر کریمانه زیستن

وقف در سیره امیر مؤمنان (ع)

معاد و معاش



مردی با تمام خصال پسندیده

حجت الاسلام محمدباقر پور امینی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

همگان بر این حقیقت تاریخ اسلام هم‌داستانند که امیرالمؤمنین (ع) جامع تمام خصال خیر بود. علم، فضل، شجاعت، فصاحت، بلاغت، عدالت، سخاوت، مروت، زهد و دیگر ویژگی‌های پسندیده، از بارزترین نمای زندگی کریمانه حضرتش بود. سیره آن گرمای سرشار از این ویژگی‌هاست.

شعبی کوفی (متوفی ۱۰۵ق.) از عالمان نامی عصر خویش - که برخی او را از دشمنان علی (ع) خوانده‌اند - از جندب بن عبدالله آورده که گفت: پس از بیعت با عثمان به عراق رفتم و فضائل علی (ع) را به مردم یادآور می‌شدم. کسی نمی‌دیدم که سخن ناگوار به من نگوید! بهترین جمله‌ای که در این مورد شنیدم، این کلام بود که گفتند ... این سخنان را رها کن و سخنی بگو که سودی برایت داشته باشد. من به گوینده پاسخ می‌دادم: این مطالب، هم مرا سود می‌رساند و هم تو را. آن‌گاه او از نزد من بر می‌خاست و رهایم می‌کرد.

حسن بصری (متوفی ۱۱۰ق) یکی از فقهای بزرگ و مفتیان عصر تابعیان است که در دوران جوانی، خلافت

امیرمؤمنان (ع) را درک کرد و همراه خانواده‌اش به بصره آمد. شخصیت و روایات حسن بصری در نزد عامه اهل سنت مقبول است؛ هم‌اکنون علی (ع) به عنوان ربانی این امت و بهترین فرد امت پیامبر (ص) و نخستین مؤمن و نمازگزار با وی و از همسر و دو فرزندش به عنوان بهترین کسان پس از وی یاد می‌کند و نیز، به نقل از عبدالله بن مسعود گفته است که در قیامت، علی (ع) بر کرسی نور نشسته است و فقط کسی می‌تواند از صراط بگذرد که ولایت او و اهل بیت او را داشته باشد. زبیر بن بکر (متوفی ۲۵۶ق) که با بنی‌هاشم روابط مناسبی نداشته است، از عمرو بن عبید معتزلی (متوفی ۱۲۸ق) نقل می‌کند که: نزد حسن بصری نشسته بودیم که شخصی وارد شد و نزد سر او نشست. گفت: ای ابا سعید! از تو درباره علی بن ابی طالب رضی الله عنه پرسیدند و گفته بودی: اگر در مدینه می‌ماند و همچنان خرمای آن را می‌خورد، برایش بهتر بود از کارهایی که کرده است. حسن بصری سر برداشت و گفت: برادرزاده! سخن باطلی بود که گفتم تا خونم محفوظ بماند. به خدا سوگند آنچه با فقدان علی از دست دادید، تیری از تیرهای خدا بود که دشمن خدا را هدف گرفته بود. علی نه دزد اموال خدا بود و نه غافل در برابر امر الهی. ربانی (عالم الهی) این امت بود با علم و فضیلت و سابقه‌ای که در دین داشت. علم آیات محکم قرآن به او داده شده بود. حرام آن را حرام می‌داشت و حلال آن را حلال می‌دانست. این ویژگی‌ها او را به باغ‌های زیبا و بوستان‌های دلگشا (در قیامت) کشانید. این است علی بن ابی طالب رضی الله عنه، ای انسان زشت!

همچنین احمد بن حنبل (متوفی ۲۴۱ق)، پیشوای حنابله می‌گوید: «آن فضائلی که با سندهای صحیح برای علی (ع) است، برای هیچ‌یک از صحابه نیست.» قاضی عضالدین ایجی (متوفی ۷۵۶ق.) از متکلمان برجسته سنی است و کتاب «مواقف» او، از مفصل‌ترین کتب کلامی اهل سنت به شمار می‌آید؛ او نیز معتقد است در علی (ع) صفاتی وجود دارد که او را از سایر صحابی ممتاز می‌سازد؛ علم، زهد، کرم، شجاعت، حسن خلق، قدرت جسمانی فوق‌العاده، خوشاوندی نسبی با پیامبر (ص) و دامادی او، همسری فاطمه (س) و فرزندان چون حسن (ع) و حسین (ع) و سپس فرزندان مانند صادق (ع) و رضا (ع) که همگان بر برتری ایشان نسبت به عالمین اتفاق دارند.

با بررسی تاریخ می‌بینیم که برخی با این فضیلت‌ها برخورد‌های شگفت داشتند و در پوشیدن و پنهان داشتن، بلکه انکار آن و اظهار جهل نسبت به آن، تمام توان خویش را به کار بردند. این کار، از واپسین روزهای زندگانی رسول خدا (ص) آغاز شد. ❖



در مسیر کریمانه زیستن

حجت‌الاسلام والمسلمین عباس سرشته
پژوهشگر و نویسنده

برابر بندگان خویش است و هنگامی که آن را به عنوان وصفی برای انسان ذکر کنند، به معنای دارا بودن صفات برجسته انسانی و شرافت و شخصیت است.

«الْكَرَمُ أَعْطَفُ مِنَ الرَّحْمِ: بخشش بیش از خویشاوندی محبت آورد.» (حکمت ۲۴۷) «عطف» به معنای مایل‌تر و بامحبت‌تر است و از ماده «عطف» (بر وزن وقت) گرفته شده است. در بعضی از منابع لغت، «کرم» را بخشش توأم با سهولت و بدون سخت‌گیری گفته‌اند، از این‌رو «کریم» کسی است که به راحتی به افراد نیازمند بخشش می‌کند. توجه به این نکته نیز لازم است که در منابع لغت برای واژه «کرم» دو معنا ذکر شده است:

آفات و آسیب‌هایی جدی وجود دارد که برخی به رفتار و عمل انسان برمی‌گردد و برخی به جنبه‌های شناختی و معرفتی.

تعریف کرامت و بخشش در نهج‌البلاغه

«أُولَى النَّاسِ بِالْكَرَمِ مَنْ عَرَفَتْ بِهِ الْكَرَامُ: شایسته‌ترین مردم به کرم، آن کسی است که به واسطه او شناخته شوند. (معرف کریمان، از همه کریم‌تر است)» (حکمت ۴۳۶) «کرم» در اصل به معنای شرافت است و به شخصی که دارای صفات برجسته باشد کریم گفته می‌شود. به گفته راغب در مفردات، هرگاه کرم به عنوان صفت خداوند به کار رود و گفته شود: خداوند کریم است، یعنی دارای انواع بخشش‌ها در

از میان همه مخلوقات الهی، تنها موجودی که به کرامت ویژه توصیف شده، انسان است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَجَعَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا: ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم.» (اسراء/ ۷۰) این کرامت، برتری‌ها، امتیازات، ظرفیت‌ها و توانمندی‌هاست که به صورتی ذاتی و بالقوه در وجود انسان نهاده شده و رسالت انسان، به فعلیت رساندن آن‌هاست. در مسیر کرامت ویژه انسانی، موانع،

۱. جود و بخشش

۲. شخصیت و شرافت

و ممکن است که هر دو به یک معنا بازگشت کنند، زیرا یکی از نشانه‌های شخصیت و شرافت انسان، جود و بخشش است، ولی در هر حال معنای این کلمه در گفتار حکیمانه بالا همان جود و بخشش است.

«وَأَمَّا نَحْنُ فَأَبْذَلُ لِمَا فِي أَيْدِينَا وَ أَسْمَحُ عِنْدَ الْمَوْتِ بِنَفْسِنَا ... وَ أَمَّا مَا (بنی هاشم) آنچه را در دست داریم بخشنده‌تر و برای جانبازی در راه دین سخاوتمندتریم» (حکمت ۱۲۰)

عنایت الهی

«مَنْ قَصَرَ فِي الْعَمَلِ ابْتِلَىٰ بِالْهَمِّ وَ لَا حَاجَةَ إِلَهَ فِيمَنْ لَيْسَ لِلَّهِ فِي مَالِهِ وَ نَفْسِهِ نَصِيبٌ: آن کس که در عمل کوتاهی کند، دچار اندوه گردد، و آن

را که از مال و جانشش به‌ره‌ای در راه خدا نباشد خدا را به او نیازی نیست.» (حکمت ۱۲۷)

ممکن است این اندوه و غم در آستانه انتقال از این دنیا باشد که چشم برزخی پیدا می‌کنند و سرنوشت رقت‌بار خود را می‌بینند و فریادشان بلند می‌شود و می‌گویند: «زَبَّ اِزْجَعُونَ * لَعَلِّي اَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ: پروردگارا! مرا باز گردانید، شاید در برابر آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم.» (المؤمنون/۹۹ و ۱۰۰)

نیز ممکن است اشاره به غم و اندوه در سرای آخرت باشد، همان‌گونه که قرآن از زبان آن‌ها نقل می‌کند که می‌گویند: «يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ: ای افسوس بر من از کوتاهی‌هایی که در اطاعت فرمان خدا کردم.» (الزمر/۵۶)

نیز شاید این غم و اندوه در خود دنیا باشد، زیرا گاه انسان بیدار می‌شود و از کوتاهی‌هایی که کرده افسوس می‌خورد و غم و اندوهی جانکاه او را فرا می‌گیرد، چرا که می‌بیند دیگران با اعمال صالح سرای جاویدان خود را آباد کرده‌اند و او با کوتاهی‌هایش سرای جاوید خود را ویران کرده است. البته جمع میان این سه تفسیر نیز مانعی ندارد.

سپس امام(ع) در ادامه این سخن، جمله پرمعنایی می‌گوید که در واقع شرحی است از کوتاهی در عمل. می‌فرماید: «خدا به کسی که در مال و جانش نصیبی پیرای او نیست، اعتنایی ندارد؛ وَلَا حَاجَةَ إِلَهَ فِيمَنْ لَيْسَ لِلَّهِ فِي مَالِهِ وَ نَفْسِهِ نَصِيبٌ» اشاره به این‌که کسانی مورد عنایت پروردگار در دنیا و آخرتند که از بذل جان و مال در راه خدا دریغ ندارند و به بیان دیگر، ایمان و یقین و وفاداری خود را به اسلام در عمل ثابت می‌کنند. درست است که جان و مال همه از سوی خداست و اگر انسان در بذل آن‌ها اقدام کند، در واقع به خودش خدمت کرده است، زیرا خدا از همگان بی‌نیاز است؛ ولی خداوند روی الطاف بیکرانیش آن را به عنوان حاجتی از سوی خود گرفته است. این سخن درباره مؤمنانی که دارای مقامات بالا هستند نیست، آن‌ها فقط نصیبی از جان و مالشان را در راه خدا صرف نمی‌کنند، بلکه هر چه دارند در راه خدا می‌دهند. جمله «لَا حَاجَةَ إِلَهَ» به معنای بی‌اعتنایی و اعراض خداوند از چنین افرادی است که چیزی از جان و مال را در راه او نمی‌بخشند، زیرا کسی که به چیزی با شخصی نیاز ندارد، طبعاً اعتنایی هم به او نمی‌کند، بنابراین جمله «لَا حَاجَةَ إِلَهَ» با توجه به این‌که خدا به هیچ‌کس نیاز ندارد، کنایه از بی‌اعتنایی است و منظور از بی‌اعتنایی این است که خدا آن‌ها را از مواهب خاص و عنایات ویژه‌اش محروم می‌سازد.



انسانی که به آخرت قائل است و سعادت و رشد و تعالی را در رسیدن به آخرت می‌داند، ابزار و شیوه‌های رشد خود را در مسیر دیگری جستجو می‌کند

این تعبیر مانند بیان کنایه‌آمیز دیگری است که در آیه ۶۷ سوره «توبه» درباره منافقان آمده است: «تَسُوا اللَّهَ فَنَسِيْهُمْ: آن‌ها خدا را فراموش کردند و خداوند نیز آن‌ها را فراموش نمود.»

یعنی از رحمت خود محروم ساخت. بعضی از مفسران نهج‌البلاغه در تفسیر «صیب» معنای دیگری ذکر کرده‌اند که با ظاهر عبارت سازگار نیست. گفته‌اند منظور از «صیب» کسانی هستند که خدا آن‌ها را به بلاهایی در مال یا جان‌شان گرفتار می‌کند و این ابتلا به بلا نشانه اعتنای پروردگار به آن‌هاست، زیرا خدای متعال به کسی که اعتنا ندارد مصیبتی هم بر او وارد نمی‌کند؛ ولی روشن است که منظور از «صیب» در مال و جان، بذل بخشی از مال و جان در راه خداست نه گرفتار خسران مالی و بلاهای نفسانی شدن. از آنچه در تفسیر دو جمله بالا آمد روشن می‌شود که هر دو با هم کمال ارتباط را دارند، زیرا کسانی که کوتاهی در عمل کنند (یعنی اعمالی دارند ولی کوتاهی می‌کنند) خداوند آن‌ها را مبتلا به غم و اندوه می‌کند که این خود نوعی اعتنای به آن‌هاست و اما کسانی که مطلقاً عملی نداشته باشند؛ نه در بذل مال و نه در بذل جان، خدا اعتنایی به آن‌ها ندارد و حتی غم و اندوه بیدارکننده نیز بر آنان عارض نمی‌کند. از این‌جا روشن می‌شود کسانی مانند ابن ابی الحدید که این دو جمله را مستقل از یکدیگر شمرده‌اند راهی صحیح نپیموده‌اند.

کرامت کریمان

انسان‌ها ذاتاً به دنبال رشد و تعالی هستند، اما آنچه که مهم است این‌که هر کسی رشد و تعالی را از نگرش خود تعریف می‌کند و ابزار و شیوه‌هایی که با باور و اعتقاد او هم‌خوانی دارد برای رشد و تعالی به کار می‌گیرد؛ انسانی که به دنیا و مادیات اعتقاد دارد و باور و ایمان راسخ به دنیای آخرت ندارد، قطعاً

همه رشد را در داشتن ثروت و قدرت و ابزارهای رشد را در مادیات می‌بیند، سعی می‌کند همه ثروت‌ها برای خود جمع کند، حتی اگر با کشتن انسان‌های دیگر باشد.

اما انسانی که به آخرت قائل است و سعادت و رشد و تعالی را در رسیدن به آخرت می‌داند، ابزار و شیوه‌های رشد خود را در مسیر دیگری جستجو می‌کند و جامعه با بخشش و کرامت رشد می‌کند، اندوخته‌های خود را در انباشتن و تکثیر ثروت نمی‌بیند، بلکه زاد و توشه سفر خود را بخشیدن به نیازمندان و سبک کردن بار خود می‌داند، لذا بخشش، کرم، جود و سخاوت‌مندی را در زندگی خود نهادینه می‌کند، نهادینه کردن جود و بخشش در وجود خود بزرگ‌ترین سرمایه انسان برای رشد و تعالی است که این نوع نگرش و عمل را فقط در دین اسلام و به خصوص در مکتب حیات بخش اهل بیت (ع) می‌توان جستجو کرد.

سخن حکیمانه مورد بحث حضرت امیر (ع): «أُولَى النَّاسِ بِالْكَرَمِ مَنْ عَرَفَتْ بِهِ الْكَرَامَ: شایسته‌ترین مردم به کرم، آن کسی است که به واسطه او شناخته شوند. (معرف کریمان، از همه کریم‌تر است)» (حکمت ۴۳۶) به همین معنا آمده و اشاره به افراد صاحب فضیلت و باشخصیت است.

وقتی کسی اشخاص کریم، باشخصیت و بزرگوار را معرفی می‌کند، مفهومش این است که او این اشخاص را دوست می‌دارد و کرم و کرامت را ارزش می‌شمرد. اگر چنین است خودش از همه بیشتر باید به این موضوع اهمیت بدهد. کسی که حاتم طایی را مدح و ستایش می‌کند، باید خودش سهمی از سخاوت و کرم داشته باشد. از آن فراتر کسی که امام بزرگواری را به صفات برجسته‌ای می‌ستاید، امیر مؤمنان (ع) را به جود، سخاوت، شجاعت، علم و درایت و امام حسین (ع) را به ایثار و شهادت در راه خدا می‌ستاید و

همچنین هر یک از ائمه (ع) را به صفات برجسته‌ای توصیف می‌کند، چگونه می‌تواند خودش از تمام این اوصاف بیگانه و تهی باشد. آری آن‌کس که کرامت کریمان را می‌ستاید از همه شایسته‌تر است که راه آن‌ها را بیاماید و در نقطه مقابل، بیچاره‌ترین مردم کسانی هستند که خوبی‌های خوبان را توصیف می‌کنند، اما خودشان هرگز در عمل در مسیر آن‌ها نیستند.

در حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده می‌خوانیم: «إِنَّ مِنْ أَشَدِّ النَّاسِ خُسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ عَمِلَ بَغْيَرَةً: شدیدترین حسرت‌ها در روز قیامت حسرت و افسوس کسی است که از عدالتی تعریف و تمجید کرده ولی خودش به غیر آن عمل نموده است.» (وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۹۵) کسی عطا و بخشش می‌کند که پدرش پیش از او بخشش داشته و به عکس، فرزندان بخیلان، بخل را پیشه می‌کنند. شاعر می‌گوید: «إِنَّ الْعُرُوقَ إِذَا اسْتَسْرَ بِهَا الثَّرَى أَثَرَى التَّبَاتِ بِهَا وَ طَابَ الْفَرْعُ: هنگامی که خاک ریشه‌ها را خوب تغذیه می‌کند/گیاه و مزرعه‌ای که از طریق آن ریشه‌ها می‌روید خوب و پاکیزه است.»

این کلام را با سخنی از از سالار شهیدان امام حسین (ع) پایان می‌دهیم، آن‌جا که فرمود: «إِنَّ الدَّعَى ابْنَ الدَّعَى قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ الْإِسْلَةِ وَالْذِلَّةِ وَ هِيَهَاتَ مَنَا الذِّلَّةُ يَا بَنِي اللَّهِ ذَلِكَ وَ رَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَ خَجُورٌ طَابَتْ وَطْهُرَتْ، وَ أُنُوفٌ حَمِيَّةٌ، وَ نَفُوسٌ أَبِيَّةٌ، مِنْ أَنْ نُوْثِرَ طَاعَةَ اللَّهِامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِبَرَامِ: آگاه باشید! مرد آلوده، فرزند آلوده، مرا در میان شمشیر و ذلت مخیر ساخته است. هیاهات که من ذلت را بپذیرم و او به مقصد خویش برسد! خداوند و رسولش و مؤمنان و نیاکان پاک‌دامن و مادران پاکیزه من، از این ابا دارند که اطاعت لئیمان را بر قربانگاه بزرگواران ترجیح دهیم.» (منتخب میزان الحکمه، ح ۱۲۰۰، ۴۳۴) ❖



انسان‌ها ذاتاً به دنبال رشد و تعالی هستند، اما آنچه که مهم است این‌که هر کسی رشد و تعالی را از نگرش خود تعریف می‌کند و ابزار و شیوه‌هایی که با باور و اعتقاد او هم‌خوانی دارد برای رشد و تعالی به کار می‌گیرد

وقف در سیره امیر مؤمنان (ع)

امام علی (ع) از بزرگ‌ترین واقفان اسلام است

سیده معصومه محمدی

در طول تاریخ اسلام، واقفان زیادی وجود داشته‌اند که آغازگر این حرکت، شخص پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) است. حضرت علی (ع) نیز یکی از بزرگ‌ترین و تاثیرگذارترین واقفان اسلام است. آن حضرت رقبات، املاک و اموال گوناگونی را وقف کردند. در این رابطه وقف‌نامه یا وصیت‌نامه‌ای از آن حضرت وجود دارد که از امام کاظم (ع) در روایتی نقل شده است. در این گزارش به مقوله وقف در سیره امیر مومنان (ع) پرداخته شده است.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: شما در کتاب‌ها خوانده‌اید، از اهل منبر و خطبا هم زیاد شنیده‌اید که امیرالمؤمنین اوقاف زیادی دارد. فرمود: «لا وقف إلا فی ملک». کسی که مالک نباشد، نمی‌تواند وقف کند. این اوقاف، املاک امیرالمؤمنین بود. امیرالمؤمنین این املاک را به ارث که نبرده بود، با کار خودش تولید کرده بود. در آن وضعیت کم‌آبی، امیرالمؤمنین چاه می‌زد، آب بیرون می‌آورد، مزرعه درست می‌کرد، آباد می‌کرد، بعد وقف می‌کرد. بعضی از اوقاف امیرالمؤمنین، قرن‌ها مانده. پیداست چیزهای ریشه‌دار و مهمی بوده است. به هر حال، تولید ثروت چیز خوبی است. اگر چنانچه در این تولید ثروت، قصد صرف او برای کار خیر، برای پیشرفت کشور، برای کمک به محرومان باشد، حسنه هم هست، ثواب هم دارد.

حضرت امیرالمؤمنین (ع) بزرگ‌ترین تولیدکننده سرمایه بودند؛ ولی نان جو می‌خورد و خودشان در نهج‌البلاغه فرمودند که من می‌توانم مغز گندم را با عسل مصفا مخلوط کنم که بهترین غذاست، ولی به فقرا توجه می‌کنم. این‌طور نیست که امیرالمؤمنین (ع) اهل درآمد نباشد و ایشان از همه سرمایه‌گذاران دوران خودش سرمایه‌گذارتر بوده؛ زمین‌های زیادی را آباد و قنات‌های متعددی حفر و بسیار کار و کارگری کرده و مزد گرفته است اما در عین حال نان جو می‌خورد.

نهادهای وقف، کارکردهای مختلفی دارد که نیازمند مطالعات



گوناگونی است. یکی از همین مطالعات، بررسی موقوفات و واقفان است. موقوفات انجام گرفته در طول تاریخ تنوع و تعدد فراوان داشته و می توان گفت که در هر زمینه ممکن تا آن جا که جامعه نیاز داشت، موقوفاتی تعیین شده اند. مطالعه این موقوفات از جنبه های مختلف می تواند اهمیت وقف را نشان دهد.

اصولا وقف را از نظر کارکردی می توان به سه حوزه عبادی، آموزشی و بهداشتی تقسیم کرد. در حوزه عبادی به مسجد و اهمیت آن در توسعه دینی، فرهنگی و اجتماعی می توان اشاره کرد. در حوزه آموزشی می توان به مراکز علمی، دانشگاه ها، نظامیه ها، دارالحکمه ها و غیره و اهمیت آن ها در گسترش علم و تعلیم و تعلم اشاره کرد. در حوزه بهداشتی نیز تأسیس بیمارستان ها، درمانگاه ها و مراکز بهداشتی در جهان اسلام اهمیت ویژه ای در این رابطه داشته اند.

در حقیقت، وقف، موقوفات و واقفان اهمیت به سزایی در گسترش مفهوم و معنای وقف در جامعه داشته اند. گسترش این مفهوم با توجه به نمونه های آن می تواند خود عاملی برای توسعه هر چه بیشتر وقف گردد. برای آشنایی با این وقف نامه مهم، ترجمه آن در ادامه آورده می شود:

این، آن چیزی است که وصیت کرده و دستور داده است به آن در اموال و دارایی اش، بنده خدا، علی، برای خشنودی خدا تا مرا به واسطه آن به بهشت برد و دوزخ را از من برای خاطر آن دور سازد و آتش جهنم را برای من روا ندارد، در روزی که گروهی روسفید و گروهی روسیاه می شوند.

وصیت چنین است: املاکی که در ینبع و اطراف آن دارم و نسبت آن ها به من شناخته شده است، همه آن ها و بندگان در آن ها صدقه است، جز بندگانم رباح، ابونیرز و جبیر که این سه تن آزادند و هیچ کس بر آن ها تسلطی ندارد. ایشان غلامان من هستند و در اموال یادشده پنج سال کار می کنند و حق برداشت مخارج و هزینه زندگی خود و فرزندان شان را دارند.

با حفظ این مراتب آنچه در وادی القری دارم و همه از اموال خودم است اختصاص به فرزندان فاطمه دارد و بندگان در این املاک صدقه اند (و در راه خدا مصرف می شوند) و آنچه در دیمه دارم و افرادی که در آن جا هستند نیز صدقه است، جز زریق که مانند غلامان یادشده است و آنچه در اذینه دارم با آنان که در آن جا هستند نیز صدقه است، و فقیرترین - چنان که می دانید - نیز صدقه است و باید در راه خدا مصرف شود.

آنچه از اموال در اینجا یاد کردم همه صدقه لاطم قلعی است و این حکم در زندگی و پس از مرگ من جاری خواهد بود، باید در آنچه سبب خشنودی خدا و در راه خداست به مصرف رسد و خویشانم از بنی هاشم و

بنی مطلب، نزدیک و دور بهره برند. نظارت بر این اوقاف و صدقات با حسن بن علی است، از آن ها به قدر ضرورت خود بدون زیاده روی بهره می برد و در مواردی که رضای الهی در آن است صرف می نماید، در این کار بر او باکی نیست. اگر خواست بخشی از آن ها را بفروشد تا قرضی را ادا کند، بفروشد باکی بر او نیست و اگر بخواهد می تواند املاک برجسته و نفیس قرار دهد. فرزندان علی و غلامان و اموال وی اختیارشان در دست حسن بن علی است.

و اگر خانه حسن بن علی جز خانه صدقه باشد و خواست که آن را بفروشد می تواند بفروشد، بر او باکی نیست. اگر بخواهد می تواند بفروشد و قیمتش را به سه بخش تقسیم کند؛ قسمتی را در راه خدا مصرف نماید و قسمتی را به بنی هاشم و بنی مطلب و قسمتی را به فرزندان ابوطالب بدهد، در مواردی که خدا می پسندد از این سه قسم به مصرف رساند.

اگر پیشامدی برای حسن رخ داد در حالی که حسین زنده باشد، این کارها بدو موکول می شود، باید آنچه را به حسن دستور دادم، وی انجام دهد. برای اوست آنچه برای حسن نوشتم و بر اوست آنچه بر عهده حسن بود.

برای فرزندان دو فرزند فاطمه از صدقه علی آن چیزی قرار دادم به جهت خشنودی خدا عزوجل و حفظ حرمت رسول الله (ص) و تعظیم و بزرگداشت و رضای خدا و رسول است. اگر برای حسن و حسین پیشامدی رخ داد، آخرین این دو نفر در فرزندان علی جستجو می کند، اگر کسی را از آنان یافت که صلاحیت و اسلام و امانت او را ببینند، کارها بدو محول می سازد، و اگر کسی را در آن ها نیافت که واجد شرایط باشد به یکی از فرزندان ابوطالب که دارای صلاحیت باشد کارها را محول می کند و اگر دید بزرگان و صاحب نظران فرزندان ابوطالب در گذشته اند به یکی از مردان بنی هاشم که او را واجد شرایط می داند، می سپارد. بر آن کسی که کارها بدو محول می گردد، شرط می شود که اصول اموال خود را حفظ کند و بهره آن را انفاق نماید در آنچه او را بدو دستور داده ام؛ از سبیل الله و بر خویشان از بنی هاشم و بنی مطلب، دور و نزدیک، چیزی از آن اصول به فروش نمی رسد و بخشیده نمی شود و به ارث منتقل نمی گردد.

آنچه در اختیار محمد بن علی (ابن الحنفیه) است در اختیار او می ماند و پس از او به اولاد فاطمه منتقل می شود و آن دو برده که نامشان را در صحیفه کوچک آورده ام، آزادند. این است آنچه علی در اموالش دستور می دهد، از روزی که به مسکن آمده، و این وصیت برای خشنودی خدا و پاداش در آخرت انجام گرفته و از خدا در هر حال یاری می خواهم. بر هیچ فرد مسلمانی که ایمان به خدا و روز واپسین دارد، حلال نیست که در اموالم کاری کند جز



وقف، موقوفات و واقفان اهمیت به سزایی در گسترش مفهوم و معنای وقف در جامعه داشته اند. گسترش این مفهوم با توجه به نمونه های آن می تواند خود عاملی برای توسعه هر چه بیشتر وقف گردد



«فدک» دارای نخل و اندکی آب که از کوه ریزش می‌کند.

۱۳. عین اُبی تُیْزَر: چشمه‌ای است در «ینبع» پر آب و دارای نخل‌های بسیار، منسوب به «أبو تُیْزَر» یکی از غلامان حضرت امیر(ع).

۱۴. عین موات: چشمه‌ای است در «وادی القری».

۱۵. عین فاقه: چشمه‌ای است در «وادی القری» و «عین حسن» نیز نامیده می‌شود.

۱۶. عین ینْبُع: «ینبع» دهی است نزدیک کوه «رَضوی» و از مدینه هفت منزل فاصله دارد، دارای چشمه‌های پر آب و گوارا و زمینی حاصل‌خیز. بعضی چشمه‌های آن‌جا را تا یکصد و هفتاد چشمه گفته‌اند. این ملک در وقفنامه

عمومی ذکر شده با قید هر چه در اطراف آن است و صدقه بودن بردگانی که در آن‌جا به کار مشغول‌اند جز سه تن از آن‌ها؛ «رباح»، ابو «تیزر» و «جبیر» که آزادند.

۱۷. فقرِین: نام دو جاست در اطراف مدینه که پیامبر(ص) به امیرالمؤمنین(ع) بخشیده و اصل این نام به معنی چاه یا حفیره‌ای است که برای به کار گذاشتن نخل حفر می‌کنند. این زمین حاصل‌خیز در عصر ما نیز معروف است و به زبان محلی «الفقیِر» نامیده می‌شود.

۱۸. الْقَصْبِیَّة: باغی است در حدود «فدک».

۱۹. وادی القری: نام صحرای وسیعی است میان مدینه و شام، دارای ده‌های بسیار که پیامبر(ص) آن‌جا را فتح نمود. حضرت امیر در آن‌جا املاکی داشت و وقف نمود، بعضی از آن‌ها با نام مخصوص ذکر شده و بعضی را نام نبرده‌اند. ❖

منابع:

۱. دکتر حسن بشیر، فرهنگ وقف، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۲. موقوفات امیرالمؤمنین(ع)، مجله میقات، زمستان ۱۳۷۹، شماره ۳۴
۳. سایت‌های مختلف اینترنت

«فدک».

۵. بُئْر المَلِک: چاهی است که در صحرای «قنّاء» واقع است.

۶. البُعْبُغَةُ: چاهی است نزدیک «رشاء» در اطراف مدینه.

۷. البُعْبُغَات: چند چشمه است در «ینبع» به نام‌های «خِیْف الأَرَاک» و «خِیْف لیلی» و «خِیْف بسطاس».

۸. البَيْضَاء: صحرایی است در «حَرَّة الرِّجْلَاء» دارای مزارع و باغ‌ها.

۹. خانه‌ای در مدینه: این خانه در محله «بنی زُرَیق» در شهر مدینه واقع است و حضرت آن را وقف نمود تا خاله‌هایش در آن سکنی داشته باشند و پس از آن‌ها در اختیار

نیازمندان از مسلمین باشد.

۱۰. دِیمَة: معلوم نشد کجاست. املاک آن‌جا وقف و بردگان آن صدقه‌اند جز «زُرَیق» که آزاد است؛ چنانچه در وقفنامه عمومی آمده است.

۱۱. ذات کما: چهار چاه است در «حَرَّة الرِّجْلَاء» به نام‌های «ذوات العشاء» و «فَعِین» و «مَعِید» و «رعوان». مجموعاً از جمله موقوفات آن حضرت است.

۱۲. رعیه: صحرایی است در حدود

دستوری که داده‌ام و از نزدیک یا دور خلاف امر من انجام دهد.

سپس آن حضرت در ادامه وصیت‌نامه فرمودند: این است آنچه علی در اموال خود دستور می‌دهد از روزی که به مسکن آمده است. شاهدان بر این وصیت ابوشمر بن ابرهه، صعصعه بن صوحان، یزید بن قیس و هیاج بن هیاج هستند. این وصیت را علی ابن ابیطالب به دست خود پس از گذشتن ۱۰ روز از جمادی‌الاول سال سی و هفت نوشته است.

موقوفات حضرت علی(ع)

چند موضع از موقوفات حضرت علی(ع) را که نام آن‌ها را در کتاب‌های حدیثی و تاریخی یافته‌ایم در این‌جا می‌آوریم:

۱. الأُخْمَر: صحرایی است در «الرِّجْلَاء» بین مدینه و شام، نیمی از آن از موقوفات آن حضرت و نیم دیگر متعلق به وراثت بود.

۲. أُذْبِیَّة: در صحرای «إِصْم» در اطراف مدینه واقع است.

۳. أُذْبِیَّة: نام یکی از وادی‌های «قَبْلِیَّة» در اطراف مدینه است.

۴. الأَسْحَن: صحرایی است در حدود



در حوزه آموزشی وقف، می‌توان به مراکز علمی، دانشگاه‌ها، نظامیه‌ها، دارالحکمه‌ها و غیره و اهمیت آن‌ها در گسترش علم و تعلیم و تعلم اشاره کرد



کسی که در مسند مسئولیت در نظام اسلامی قرار می‌گیرد می‌باید تعلق خاطر فکری و قلبی کامل به گفتمان خودی داشته باشد و هم از حیث نظری و هم از حیث قلبی و نیز رفتاری وابستگی به رقیب دشمن نداشته باشد

را در خلوت و جلوت به دوستی برگزین. (نامه ۵۳)

علم و دانش در خصوص حوزه مسئولیت

در حدیثی بسیار مهم از امام صادق (ع) نقل شده است که فرموده‌اند: «از نظر من فرق نمی‌کند که کار را به خائن واگذار کنم یا به ناشی و ناوارد» (تحف العقول، ص ۳۶۷)

تجربه کاری

امام علی (ع) در نامه به مالک اشتر، با تأکید بر لزوم تجربه‌مندی در امور می‌فرماید: افراد باتجربه را به عنوان کارگزار انتخاب نما. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) و نیز فرمودند: «اندیشه پیرمرد را در جنگ و هر کاری، از صلابت و دلاوری جوان بیشتر دوست دارم.» (حکمت ۸۳)

شجاعت

«باید که برگزیده‌ترین وزیران تو کسانی باشند که سخن حق بر زبان آرند، هر چند، حق تلخ باشد و در کارهایی که خداوند بر دوستانش نمی‌پسندد کمتر تو را یاری کنند، هر چند، که این سخنان و کارها تو را ناخوش آید.» (نامه ۵۳)

پشتکار و دوری از تنبلی

امیرالمؤمنین علی (ع) چنین سفارش کرده‌اند: «لا تتکل فی امورک علی کسان: و در کارهای خود بر افراد سست و تنبل تکیه مکن.» (میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۹۳)

ساده‌زیستی

علی (ع) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَّةٍ الْعَدْلَ أَنْ يَقْدَرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ: خداوند بر پیشوایان دادگر مقرر فرموده که خود را در معیشت با مردم تنگدست برابر دارند تا بینوایی را رنج بینوایی به هیچان نیاورد و موجب هلاکتش گردد.»

فروتنی در برابر مردم

همچنین در عهدنامه‌شان به محمد بن ابی‌بکر، زمانی که وی را به ولایت مصر منصوب کرد در این خصوص به عنوان یک دستور نوشتند: «أَخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَ أَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ: با ایشان فروتن، نرمخوی و گشاده‌رو باش.» (همان، نامه ۲۷)

مشورت

امام علی (ع) در عهدنامه خویش به مالک اشتر در این خصوص به ایشان می‌فرماید: «با دانشمندان فراوان گفتگو کن و با حکیمان فراوان بحث کن که مایه آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانون است.»

حسن تدبیر

حسن تدبیر معیاری ضروری برای زمامداران و مدیران است. به بیان امیرالمؤمنین (ع): «چهار چیز دلیل برگشت (روزگار، اوضاع و احوال دولت‌ها و حکومت‌هاست): بدی تدبیر، زشتی تدبیر، کمی عبرت‌گرفتن و بسیاری مغرور شدن.»

سعه صدر

مدیر اسلامی باید بداند که در مصدر امور با فراز و نشیب‌های گوناگونی مواجه بوده و برای دستیابی به اهداف، سختی‌های فراوان در پیش دارد. سعه صدر آن‌قدر مهم است که حضرت علی (ع) آن را ابزار حکومت می‌دانند: «أَلْهَ الرِّئَاسَةَ سَعَةُ الصَّدْرِ» (نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۷۶).

قلعیت

حضرت در خصوص قاطعیت خود فرموده‌اند: به جان خویش سوگند، که در پیکار و سرکوبی آن‌ها که با حق ستیز کنند و در ماندن در گمراهی همچنان پای بشارند، کمترین نرمش و سازش نخواهم داشت. پس، ای بندگان خدا پرهیزگار باشید و از خدا به خدا پناه برید.» (خطبه ۲۴) ❖



در مسند مسئولیت

ویژگی‌های لازم جهت احراز مناصب حکومتی در گفتار امام علی (ع)

دکتر فرزاد جهان بین
استاد دانشگاه شاهد

کسی که در مسند مسئولیت در نظام اسلامی قرار می‌گیرد می‌باید تعلق خاطر فکری و قلبی کامل به گفتمان خودی داشته باشد و هم از حیث نظری و هم از حیث قلبی و نیز رفتاری وابستگی به رقیب دشمن نداشته باشد. امام علی (ع) در بیانی زیبا در این خصوص به مالک می‌نویسند: بدترین وزیران تو، وزیری است که وزیر بدکاران پیش از تو بوده است و شریک گناهان ایشان. مبدا که اینان همراهِ و همدم تو شوند، زیرا یاور گناهکاران و مددکار ستم پیشگان بوده‌اند. در حالی که تو می‌توانی بهترین جانشین را برایشان بیابی از کسانی که در رأی و اندیشه و کردانی همانند ایشان باشند، ولی بار گناهی چون بار گناه آنان بر دوش ندارند، از کسانی که ستمگری را در ستمش و بزهکاری را در بزهش یاری نکرده باشند. رنج اینان بر تو کمتر است و یاری‌شان بهتر و مهربانی‌شان بیشتر و دوستی‌شان با غیر تو کمتر است. اینان

کرده‌ام.» مسائل داخلی جامعه خود را خوب می‌شناخت، همچنین تجربه امت‌های گذشته را خوب می‌دانست و احوال مردم برایش مهم بود و همه را در نظر می‌گرفت تا به کمک آن دانش‌ها و تجارب، وضع جامعه خود را بهبود بخشد.

از نظر اطلاعات و کسب آگاهی‌های لازم از جامعه خودش از طرق گوناگون بسیار فعال بود و از طرفی این فعالیت علمی مانع آن نمی‌شد که فعالیت یدی، فیزیکی و بدنی نداشته باشد، بلکه حضرت از فعال‌ترین انسان‌های زمان خودش بود؛ از لحاظ کار تولیدی و اقتصادی، کار مفید و خلاق تا همه افراد جامعه از آن بهره‌مند شوند.

به عبارت دیگر یک بُعد از ابعاد شخصیتی امام(ع)، تلاش برای گسترش علم و ترویج آگاهی و دانش بود که در قالب آموزش‌هایی به شاگردانشان ارائه می‌کردند. در عرصه علوم مختلف اسلامی، اکثر علوم به امیرالمؤمنین(ع) ختم می‌شود. علوم قرآنی مطلقاً از سوی ایشان ترویج پیدا کرده و تأسیس شده است. علوم مربوط به عربیت و قواعد عربی نیز از طریق حضرت به شاگردانشان آموزش داده شده است. تفسیر آیات قرآن کریم و شأن نزول آیات بسیاری از طریق حضرت امیرالمؤمنین(ع) به شاگردانشان منتقل شده است. ابن عباس یکی از شاگردان معروف ایشان است که می‌گوید: من هر آنچه از قرآن و مسائل علوم قرآنی گرفته‌ام، همه را در محضر و پیشگاه امیرالمؤمنین(ع) یاد قرآنی و حدیث است و بنابراین یک بُعد فعالیت‌های ایشان، گسترش دانش، حکمت و علم است.

بُعد دیگر از ابعاد شخصیتی امیرالمؤمنین(ع) تلاش برای ایجاد کار و تولید و رفع نیازمندی‌های فرد، جامعه و خانواده است. حضرت مرتب در این زمینه، کار کشاورزی انجام می‌دادند و نخلستان‌های متعددی را پیرامون مدینه تأسیس کردند و حجم وسیع و مساحت زیادی از سرزمین مدینه توسط ایشان بارور شده و به تولید محصولات رسیده است؛ به طوری که مردم تا سالیان سال و حتی اکنون از آن استفاده می‌کنند. همچنین امیرالمؤمنین(ع) چاه‌های زیادی را حفر کردند و از این چاه‌ها برای آبیاری باغ‌ها استفاده می‌کردند. قنوات متعددی را ایجاد و بسیاری از آن‌ها را وقف کردند. خلاصه این‌که فعالیت عمرانی، کشاورزی و باغداری وسیعی توسط حضرت در آن زمان انجام شده است.

شاید اوج این فعالیت‌ها زمانی است که ایشان از لحاظ سیاسی و حکومتی در جایگاه حاکمیت قرار ندارند. در ۲۵ سالی که به اصطلاح از لحاظ سیاسی خانه‌نشین بودند، اما فعالیت اجتماعی، تولید و کارآفرینی داشته‌اند. بنابراین از این لحاظ به هیچ وجه نباید قائل به



معاد و معاش

امام علی(ع) برای تولید و ارتقای معیشتی جامعه تلاش می‌کرد

دکتر مصطفی عباسی مقدم
استاد دانشگاه کاشان

یکی از ابعاد شخصیتی امیر مؤمنان علی(ع) که شاید کمتر به آن توجه شده است، بُعد تلاشگری، فعالیت فردی و اجتماعی و تولیدی ایشان است. حضرت امیر(ع) به همه ابعاد زندگی توجه داشتند؛ نه فقط برای تحقق ارزش‌های معنوی و دینی، بلکه در جهت کسب درآمد و منافع، و برای ارتقای وضعیت جامعه، به‌خصوص ارتقای معیشت مردمی که با او ارتباط داشتند و معیشت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرد. ایشان برای این منظور همواره در حال برنامه‌ریزی و تلاش بودند تا معاش مردم نیز در کنار معادشان تأمین شود. حضرت با توجه به جایگاه بلند علمی و معنوی خود، هم تلاش علمی و مطالعاتی انجام می‌داد و هم نسبت به آنچه که پیرامونش می‌گذشت حساس بود و مسائل را با دقت زیر نظر داشت. تاریخ را خوب می‌دانست، طبق آنچه که در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «من آن قدر در احوال گذشتگان و اقوام پیشین مطالعه کردم که انگار با آن‌ها زندگی

علی(ع)، تنها، یگانه مرد میدان عبادت یا شجاعت نبود، بلکه الگوی میدان مدیریت و تولید و خدمت هم بود و از دیدگاه امیرالمؤمنین(ع)، انسان ارزشمند، انسان مولد و انسانی است که نفس‌اش، زندگی‌اش و گام‌هایی که برمی‌دارد، منفعت، خدمت و فایده‌ای به مردم برساند

خانه‌نشینی ایشان باشیم.

داستانی است که می‌گوید حضرت یک گونی خرما داشت. از ایشان پرسیدند این‌ها چیست؟، فرمود: یک نخلستان خرماسست، پرسیدند: چگونه؟ فرمودند: این‌ها هسته‌های خرماسست که می‌خواهم نخلستان بزرگی را به وسیله آن ایجاد کنیم. ایشان اگر در عبادت خدا هزار هزار رکعت نماز می‌خواندند، در ایجاد کار و تولید محصولات و برای رفع نیازهای مردم هم هزار هزار، بلکه میلیون میلیون کار انجام می‌دادند و آثار فعالیت‌های ایشان تا قرن‌ها پابرجا مانده است. اگر آن‌ها که نمی‌خواهند کرامت امیرالمؤمنین(ع) نمایان شود اجازه دهند، آثار اقدامات ایشان نمایان‌تر از این خواهد بود و الهام‌بخش همه مؤمنین در مسیر فعالیت، خیرخواهی و کمک به مردم و اقتصاد و عزت و کرامت جامعه اسلامی خواهد بود.

حضرت همچنین در اقدامات و کمک‌هایی که انجام می‌دادند فقط به مسلمانان کمک نمی‌کردند و به پیروان سایر ادیان و فقرای هر طایفه هم کمک می‌کردند و یک فعالیت انسانی را انجام می‌دادند. این بُعد از شخصیت امیرالمؤمنین(ع) در تلاشگری هم باید مورد توجه قرار گیرد و درسی باشد برای همه ما در این روزگار که به خوبی از آن استفاده کنیم و فرهنگ کار، تلاش، کارآفرینی، تولید و اشتغال را برای همه اعضای جامعه ترویج کنیم و آن را به عنوان ارزش دینی و قرآنی مورد توجه قرار دهیم.

وقتی در قرآن کریم یاد می‌شود که «نیست برای انسان مگر آنچه حاصل تلاش اوست.» یعنی آن انسانی ارزشمند است که خودش به چیزی برسد و تولید بیشتری داشته باشد. امروزه افراد زیادی در جامعه هستند که بسیاری از افراد هیچ تولید علمی و معنوی و مادی ندارند، ولی بسیار و در حد وسیع از نعمت‌ها استفاده می‌کنند. این انسان از نظر قرآن انسان مطلوبی نیست. انسان مطلوب از منظر قرآن و سیره پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین(ع) کسی است که بیشترین تولید را داشته باشد. تولید دانش، تولید اخلاق، ارشاد، هدایت و تولید محصولی که به کار مردم بیايد و یا محصول و دستگاهی که بتواند حوائج مردم را برآورده کند و تولید خدماتی که جامعه را گامی به جلو ببرد و در جهت آسایش جامعه باشد.

بنابراین در یک کلام، علی(ع)، تنها، یگانه مرد میدان عبادت یا شجاعت نبود، بلکه الگوی میدان مدیریت و تولید و خدمت هم بود و از دیدگاه امیرالمؤمنین(ع)، انسان ارزشمند، انسان مولد و انسانی است که نفس‌اش، زندگی‌اش و گام‌هایی که برمی‌دارد، منفعت، خدمت و فایده‌ای به مردم برساند. ❖

سه شرط خدمت به مردم

مهدی مستقیمی

امام علی(ع) دارای بهترین گفتار و سخنان در موضوعات مختلف است که سید رضی بخش‌هایی از سخنان آن حضرت را جمع‌آوری و آن را نهج‌البلاغه نامید. در یکی از فرازهای این کتاب شریف، شرایط لازم برای خدمت به مردم برشمرده شده است.

امیرالمؤمنین علی(ع) در مورد خدمت به مردم طی سخن بسیار زیبایی می‌فرماید: «لَا يَسْتَقِيمُ قَضَاءُ الْحَوَائِجِ إِلَّا بِثَلَاثٍ - بِاسْتِصْفَاءِهَا لِعَظَمَةٍ وَ بِاسْتِكْتَامِهَا لِتَظَهَرِ - وَ بِتَعَجُّلِهَا لِتَهْنَأَ: برآوردن نیازهای مردم پایدار نیست، مگر به سه چیز؛ کوچک شمردن آن تا خود بزرگ نماید، پنهان داشتن آن تا خود آشکار شود و شتاب در برآوردن آن، تا گوارا باشد.» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۰۱)

امام علی(ع) در این سخن، شرط کمال تأمین نیاز مردم را در سه چیز خلاصه کرده است و می‌دانیم که تأمین مطالبات و حل مشکلات مردم، از مهم‌ترین مستحبات و بهترین طاعات محسوب می‌شود که امام علی(ع) در این فراز به آن اشاره کرده است:

۱. کوچک شمردن: افراد بسیاری هستند که وقتی درخواست نیازمندی را اجابت می‌کنند آن عمل را بزرگ می‌شمارند و همه جا فریاد می‌زنند تا همه خبردار شوند که کاری انجام داده، این‌گونه رفع نیاز دیگران ارزشی ندارد، انجام خواسته‌های مردم زمانی ارزش دارد که انسان آن عمل را کوچک بشمارد و این نشانه بزرگی شخص است.

۲. پنهان داشتن: تأمین نیاز حاجت‌مندان زمانی ارزش دارد که پنهانی انجام شود تا آبروی تقاضاکننده نزد همه محفوظ بماند.

۳. سرعت در عمل: شتاب در تأمین نیاز دیگران یکی از ارزشمندترین کارهایی است که حضرت به آن اشاره دارند.

در حدیثی از امام صادق(ع) در این رابطه می‌خوانیم: «مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ طَلَبَ وَجْهِ اللَّهِ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ أَلْفَ أَلْفٍ حَسَنَةٍ يَغْفِرُ فِيهَا لِأَقْرَبِهِ وَ جِيرَانِهِ وَ إِخْوَانِهِ وَ مَعَارِفِهِ: کسی که برای برآوردن حاجت برادر مسلمانش تلاش و کوشش کند، برای جلب رضای پروردگار، خداوند متعال هزار هزار حسنه در نامه اعمال او می‌نویسد و حتی به سبب آن بستگان و همسایگان و برادران دینی و آشنایانش مشمول غفران الهی می‌شوند.» (کافی، ج ۱، ص ۱۹۷، ح ۶)



انسان کامل

امام علی(ع)، بهترین الگو و سبک زندگی را ارائه دادند

حسین علیزاده

پژوهشگر مسائل فرهنگی و دینی

برخی می‌گویند: امام علی(ع) ۲۵ سال در دوره خلفا خانه‌نشین بود. آیا حضرت(ع) در آن مدت در گوشه عزلت نشسته بودند؟! ابتدا این‌گونه نیست. ایشان را از سمت سیاسی کنار زدند، اما ایشان تمام فعالیت‌های فردی و اجتماعی یک انسان فعال و خلاق را داشتند.

رفتار ایشان با خدمتگزار تأکید شده است. امام علی(ع) با قنبر، غلامشان به بازار رفتند و دو پیراهن خریدند؛ آن یکی که ارزش کمتری داشته را خودشان برداشتند و دیگری را به قنبر دادند و گفتند: تو چون جوان هستی باید این پیراهن را بر تن کنی. این روایت‌ها نشان می‌دهد که حضرت علی(ع) در تمام زمینه‌های فردی و اجتماعی مشغول به اعمال خیر و خدمت بوده و در همه‌گونه حق‌خواهی و رعایت ارزش‌ها، سرآمد و بسیار فعال بودند. در علوم و زمینه‌های مختلف می‌اندیشیدند و در زمینه علوم قرآنی نیز بهترین قاری و مفسر قرآن کریم بودند و بعد از پیامبر اکرم(ص) شخص اول در زمینه علوم قرآنی است و یکی از شاگردان معروف او ابن عباس، معروف به «حبر الامه» است.

در زمینه احادیث هم کسی بهتر و بیشتر از امام علی(ع) احادیث پیامبر اسلام(ص) را نمی‌شناخته و به‌خوبی او نقل نکرده است. در فقه، اخلاق، عقاید اسلامی و دین‌شناسی سرآمد بود. در ادبیات عرب، شاعر و شعرشناس و از مؤسسين است. مانند مورخی حکیم از تحلیل تاریخ و فلسفه آن سخن می‌گفته است. ایشان حتی در کارهای خانه به همسرشان کمک می‌کردند و کارهای بیرون خانه را هم انجام می‌دادند و در آیین همسررداری و تربیت فرزند هم بهترین روش را مد نظر داشته‌اند. در کشاورزی، آبیاری، دامپروری (اشاره به علاقه مرغان خانگی به ایشان و این‌که مرانیدشان نوحه‌گرند!) نیز الگو و فعال بوده‌اند. در مسائل سیاسی - اجتماعی حضور داشتند و حتی در شغل‌هایی متعدد کارآفرینی داشتند. حضرت علاوه بر این‌ها حتی کارگر روزمزد و مقنی نیز بوده‌اند و چاه و قنات حفر می‌کردند.

حضرت(ع) همچنین در مدیریت سرآمد بودند. ایشان بالاترین هنر

در مورد ابعاد مختلف شخصیتی امیرالمؤمنین(ع) ده‌ها هزار کتاب و مقاله نوشته شده که عمدتاً در کتابخانه تخصصی امیرالمؤمنین(ع) در مشهد موجود است، اما هنوز برخی از ابعاد زندگی ایشان مورد بحث کامل قرار نگرفته است و یکی از این مسائل که مسکوت مانده همین است که امیرالمؤمنین(ع) فردی بسیار پرکار و فعال بودند و همزمان در چندین شغل مثبت و مفید اجتماعی و خانوادگی نقش داشتند که حیرت‌آور است.

امام علی(ع) اصلی‌ترین کاتب وحی و قرآن، بهترین امام جماعت، قاضی، وکیل مدافع مظلومان و در نتیجه فقیه و حقوقدان بوده‌اند. ایشان همچنین عارف، خطیب و سخنران، نویسنده، حاکم، مشاور، سرباز، افسر، فرمانده، بسیجی، دست راست پیامبر(ص) و سفیر و کارگزار ایشان، بهترین همسر، بهترین برادر، بهترین پدر و بهترین فرزند برای حضرت ابوطالب(ع) بوده است. حضرت(ع) مؤذن، امام جمعه، مدیر، منشی، نامه‌نویس و برنامه‌ریز بوده است. ایشان با آن همه عبادت و فعالیت‌های مهم حتی کفششان را خود پینه می‌زدند و در زمانی که حاکم جامعه اسلامی با وسعت آن زمان بودند، چندان نیازی به خدمتگزار نداشته‌اند، حتی در روایتی آمده که در زمان حکومت حضرت، ابن عباس به ایشان وارد شد و دید که حضرت کفششان را پینه‌دوزی می‌کردند. ایشان از ابن عباس می‌پرسند که این کفش چقدر می‌ارزد؟ ابن عباس می‌گوید ارزشی ندارد! حضرت با قید قسم می‌فرمایند که حکومت من بر شما در نظر من ارزشش از این کفش کمتر است، مگر این‌که بتوانم حقی را اقامه کنم یا باطلی را کنار بزنم و حقی را جایگزین کنم. (این روایت را من از آثار استاد مطهری نقل می‌کنم.)

همچنین در روایت دیگری بر حسن



روایت‌ها نشان می‌دهد که حضرت علی (ع) در تمام زمینه‌های فردی و اجتماعی مشغول به اعمال خیر و خدمت بوده و در همه گونه حق خواهی و رعایت ارزش‌ها، سرآمد و بسیار فعال بودند

احترام به افکار عمومی) علاوه بر این تأکید می‌کنند که ای مالک! مهربانی به رعیت و لطف به آن‌ها را از ژرفای قلبت انجام بده؛ یعنی این شعور و آگاهی را در قلب خودت رسوخ بده. امام علی (ع) در این نامه به بهترین همراه و کارگزار خود توصیه می‌کند که نسبت به یهودیان، مسیحیان و حتی مشرکینی که هنوز مسلمان نشده‌اند درنده نباش، زیرا که مردم دو گروه‌اند: یا مسلمان شده‌اند و برادر دینی تو هستند، یا انسانی هستند که از جهت خلقت برابرید، همچون تو آدمیزاد هستند و حقوق شهروندی آن‌ها را باید رعایت کنی. عجیب است که آن حضرت در این نامه معروف به حاکمی مانند معاویه نمی‌گوید که درنده نباش، بلکه به حاکمی مانند مالک اشتر با آن همه فضایل که خودشان او را راهی کرده‌اند توصیه می‌کنند که در مقام حاکم همچون درندگان نباشد که حقی را از کسی ضایع کند... تا بتواند بالاترین حقوق را برای شهروندان تأمین کند!

غیر از حقوق انسان‌ها، اقلیت‌ها و زیردستان، حتی حقوق حیوانات هم از سوی حضرت علی (ع) شدیداً رعایت می‌شد و به دیگران هم توصیه می‌کردند که رعایت کنند. نهج‌البلاغه علی (ع) کتاب حقوق بشر، ارزش‌ها، حقوق شهروندی، عدالت و ضد گرسنگی است. حضرت با دوست و دشمن بهترین رفتار را داشتند که برای ما الگوی زندگی است و بهترین سبک زندگی را به انسان‌ها ارائه داده‌اند.

اینجانب یک‌بار در کاری تحقیقی، درصد برآمد که فقط مشاغل، مأموریت‌ها و فعالیت‌های امام علی (ع) را که در این گفتار برخی را بر شمردم، فهرست کنم، واقعا عاجز شدم و نتوانستم. آری! کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست / که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم! ❖

نباش زیرا خدا تو را آزاد آفریده است»، اما ایشان این‌قدر برای علم ارزش قائل است که می‌فرماید: «هرکس به من حرفی، جمله‌ای یا علمی یاد بدهد، من را برده و بنده و خدمتگزار خود کرده است.» همان امام علی (ع) که می‌فرماید که بنده کسی نباش، می‌فرماید حتی اگر هم شده بندگی و بردگی کن تا چیزی یادگیری. ایشان در زمینه دانش‌آموزی و یادگیری از بهترین معلم؛ یعنی پیامبر (ص) نیز بسیار فعال و مشوق بودند. حتی در احادیث آمده که من اگر از کسی چیزی یاد بگیرم دوست دارم که بندگی او را کنم.

این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که حضرت علی (ع) جامعیتی در تمام ابعاد از کودکی تا زمان پیری داشته‌اند و این حرف کاملاً نادرستی است که بگوییم حضرت خانه‌نشین بوده‌اند، زیرا ایشان را خانه‌نشین کردند، ولی حضرت نپذیرفتند که خانه‌نشین شوند و مشاور و راهنمای خلفا بودند و برای خودشان و جامعه فعال‌ترین عنصر مفید و کارساز تلقی می‌شدند.

نامه معروف به مالک اشتر

یک نمونه از روش سیاسی و حکومتی آن حضرت نامه ۵۳ ایشان در نهج‌البلاغه، همان نامه معروف به مالک اشتر است. ببینید نگاه حضرت به سرزمین‌هایی که فتح شده و هنوز بسیاری از مردم آن هم مسلمان نبوده‌اند چگونه بوده است!

در این نامه ایشان خطاب به مالک می‌گویند که مردم این سرزمین‌ها حق دارند درباره تو آن چیزهایی را بگویند که تو درباره حاکمان پیش از خود می‌گویی. ایشان همچنین به مالک اشتر یاد می‌دهند که خوبی انسان بر زبان دیگران جاری می‌شود؛ به این معنی که اگر انسان خوب باشد، دیگران به خوبی او شهادت می‌دهند! (یعنی بهترین نوع توجه و

مدیریت را داشته و نسبت به اشخاص و بزرگان جامعه دید باز و وسیعی داشتند. یک شغل دیگر حضرت هم راهنمایی مسلمانان، اصحاب و تابعین و مشاوره به خلفا بود.

در روایتی می‌گویند خلیفه دوم ذوق پیدا کرده بود که خودش در جنگ با ایران یا رومی‌ها شرکت کند، اما وقتی با حضرت مشورت کرد، حضرت در مقام مشاور به او فرمودند تو خودت مستقیم به جنگ نرو، چون اگر لطمه‌ای به تو وارد شود و صدمه‌ای ببینی یا از دنیا بروی، می‌گویند: بزرگ مسلمین را کشته‌ایم. دشمن پیروز می‌شود و اسلام شکست می‌خورد.

حقوق انسان‌ها و رعایت ارزش‌ها برای ایشان بسیار مهم بوده است. در داستانی از منابع مختلف آمده است که حضرت (ع) به شخصی از اهل کتاب می‌رسند که تکدی‌گری می‌کرده است. حضرت وقتی که او را دیدند همکارانشان را توبیخ کردند که چرا این مسئله را رسیدگی نکرده‌اید و آن‌ها گفتند که یا امیرالمومنین (ع) این نفر اهل ذمه است، اما ایشان گفتند این فرد تا زمانی که جوان و نیرومند بود جامعه از او کار کشیده است، حالا که پیر شده است او را رها کردید. دستور دادند که از بیت‌المال برای او مستمری تعیین شود. به اصطلاح امروز منظور امام علی (ع) این بود که او را بیمه کنیم. همچنین در روایت دیگری هم آمده که زن بیوه‌ای باری را حمل می‌کرد، حضرت بار او را به منزل برد و به او در پختن نان و پچه‌داری کمک کرد تا آن زن بتواند برای آن‌ها نانی بپزد. اتفاقاً این زن در حین کار علی را نفرین می‌کرد، چون مدعی بود علی (ع) باعث شده که نان‌آورش در جنگ کشته شود. بعداً زن فهمید این فرد، علی (ع) و خلیفه است.

همچنین حضرت در احادیث یادآور می‌شوند که: «ای انسان بنده دیگری

فصاحت و بلاغت

نگاهی به

ترجمه سید جعفر شهیدی

از کتاب شریف نهج البلاغه

بردن، فصاحت و بلاغت همواره در متون جزو ویژگی‌های نشر ادبی و به‌نوعی هنرمندانه بوده و هر کسی از پس بهره‌گیری درست از آن بر نمی‌آید. همچنین هر کسی نمی‌تواند چنین متنی را ترجمه کند، چرا که باید به تمام ظرایف فکری گوینده و زبان مقصد آشنا باشد و از پس آن برآید. مرحوم شهیدی به سبب عمری فعالیت در عرصه پژوهش‌های دینی و تسلط کامل به زبان عربی در ترجمه‌ای که از نهج‌البلاغه ارائه کرده، همه این موارد را مد نظر قرار داده است.

در این ترجمه کوشش مترجم بر این بوده است که تا حد ممکن صناعات لفظی را نیز در ترجمه رعایت کند؛ اما بر این دقیقه آگاه بوده است که نباید معنی فدای آرایش لفظ شود. بدین رو در حد توانایی کوشیده است هر دو جنبه رعایت شود. ممکن است مطالعه‌کنندگان در متن عربی، به فعلی برخوردند که ماضی است و در نتیجه مضارع آمده است و یا حال است و در فارسی صفت به کار رفته باشد.

این دگرگونی را از ناآشنایی مترجم ندانند، چه خاصیت تعبیر هر زبان در این‌گونه موارد با زبان دیگر متفاوت است و رعایت فصاحت گاه چنین تغییری را رخصت می‌دهد. اهمیت این ترجمه بر ترجمه‌های دیگر آن است که علاوه بر صحت، امانت، اتقان و تطبیق یکایک واژگان عربی به فارسی، در مراعات ویژگی ادبی این اثر، جاودانگی؛ یعنی به کار بردن صنایع لفظی و آرایه‌های ادبی از استعاره، تشبیه، جناس، موازنه، مراعات نظیر و به‌ویژه سجع است که در برگردان فارسی تا آن‌جا که ممکن بوده، مورد توجه قرار گرفته، اما با این‌همه معنی فدای آرایش لفظ نشده است. این ترجمه از نهج‌البلاغه توسط انتشارات علمی فرهنگی به چاپ رسیده است.

چند سطر زیر نمونه خوبی هستند از شیوه ترجمه زنده‌یاد شهیدی در



این اثر و به‌خوبی دقت او به ظرایف را نشان می‌دهند: «و دل مرد خردمند را دیده‌ای است که بدان پایان کار خویش نگرد و به ژرفی و بلندی آن راه برد. دعوت‌کننده‌ای خواند و امیری حکومت راند. پس دعوت‌کننده را پاسخ دهد و فرمانروا را فرمان برید. به دریاهاى فتنه درشدند و بدعت‌ها را گرفتند و سنت‌ها را وانهادند. مؤمنان به گوشه‌ای رفتند و گمراهان دروغ‌زن به زبان آمدند و سخن گفتند...» (خطبه ۱۵۴) ❖

سخنان حضرت علی(ع) که در نهج‌البلاغه و به همت سید رضی گردآوری شده‌اند، همواره از دو وجه بسیار مورد توجه بوده‌اند؛ یکی رعایت فصاحت و بلاغت در کلام و سخن و دیگری چند بعدی بودن سخنانشان که آن گنجینه‌ای برای همه زمان‌ها ساخته است و می‌تواند نسخه‌ای باشد که در

هر عصری بتواند راه درست را برای حل مشکلات زندگی بشر پیش رویش قرار دهد. گره خوردن این دو ویژگی در بستر یک متن و همچنین از همه مهم‌تر اندیشه والای مولا علی(ع) لایه‌ای این کلمات، ما را با کتابی هر چند همه‌فهم و ساده روبه‌رو کرده که مولا در آن بهترین شیوه‌های بیان را انتخاب کرده تا به قامت فهم هر مخاطبی برسد، اما دشواری‌های خاص خودش را هم دارد.

شاید با خودتان بگویید چه دشواری! یکی از اساسی‌ترین موضوعاتی که همواره پیرامون همه کتاب‌ها و به‌خصوص کتاب‌های دینی به خاطر حساسیتی که دارند وجود دارد، بحث ترجمه است. بنابراین، این‌که کلام مولا توسط چه کسی و با چه سطح آگاهی و نگاهی ترجمه شود نکته بسیار مهمی است. هر چند در کشور ما ترجمه‌های بسیار خوبی

از این کتاب وجود دارد، اما به یک دلیل قصد داریم به شما پیشنهاد دهیم ترجمه مرحوم سید جعفر شهیدی را هم از نظر بگذرانید.

گفتیم یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نهج‌البلاغه فصاحت و بلاغت است. فصاحت یعنی درست سخن گفتن و با کلماتی صحیح و زیبا مطلب را بیان کردن و بلاغت یعنی سخن درست گفتن و کلام فصیح(درست و زیبا) را در جای مناسب خود به کار

نهاده‌آفرین و تاثیرگذار
آبادین‌داری دشوار است؟
دگرگزینی به جای خودگزینی
علمای شیعه و دفاع از سرمایه‌های ملی

آیا دین‌داری دشوار است؟ پای‌بندی به شریعت به مثابه حرکت به سمت بلندی یک کوه است که هر گام آن با زحمت و صرف انرژی زیاد همراه است و حرکت به سوی ولنگاری و آلودگی، به مثابه حرکت به سرپایینی است که نیازی به صرف انرژی و زحمت ندارد. از این امر در روایات با دو عنوان «شهوت» و «کراهت» یاد شده است. برای نمونه، حضرت امیر(ع) می‌فرماید: «فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ يَقُولُ إِنَّ الْجَنَّةَ حُقِيتْ بِالْمَكَارِهِ وَ إِنَّ النَّارَ حُقِيتْ بِالشَّهَوَاتِ وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ مَا مِنْ طَائِعَةٍ لِلَّهِ شَيْءٌ إِلَّا يَأْتِي فِي كُرْهِهِ وَ مَا مِنْ مَعْصِيَةٍ لِلَّهِ شَيْءٌ إِلَّا يَأْتِي فِي شَهْوَةٍ فَزَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا نَزَعَ عَنِ شَهْوَتِهِ وَ قَمَعَ هَوَى نَفْسِهِ: رسول خدا(ص) می‌فرمود: بهشت با سختی‌ها و جهنم با لذایذ همراه و لبریز است و بدانید که هیچ اطاعت الهی نیست، مگر آن‌که با زحمت انجام می‌شود و هیچ معصیتی نیست، مگر آن‌که در لذت و خوشی تحقق می‌پذیرد. خداوند رحمت کند کسی را که از امیال شهوانی خود فاصله بگیرد و هوای نفس خود را ریشه‌کن کند.»

رموز دشواری سیر به کمال

لبریز بودن بهشت از سختی‌ها، حکایت از دشواری اعمال صالح دارد و در برابر، لبالب بودن آتش با شهوات، بازگوکننده هم‌صدایی گناهان و ولنگاری‌ها با امیال نفسانی است؛ از این رو، اعلام شده که اطاعت الهی همراه با زحمت، و معصیت الهی با شهوت و لذت همراه است.

شاید یکی از رموز دشواری سیر به کمال آن است که نفس آدمی به لجام‌گسیختگی و گسیختن همه مرزها و موانع اشتیاق دارد. به عبارت روشن‌تر، نفس، طالب آزادی، رهایی و بی‌قیدوبندی است و از هر چه که به عنوان لگام آن تلقی شده و مانع افسارگسیختگی‌اش می‌شود، بیزار است. قرآن از این میل نفسانی با عنوان میل به پرده‌داری یاد کرده است؛ چنان‌که در سوره قیامت چنین آمده است: «بَلْ يَرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجَرُ أَمَامَهُ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ: (انسان شک در معاد ندارد)، بلکه او می‌خواهد (آزاد باشد و بدون ترس از دادگاه قیامت) در تمام عمر گناه کند! (از این رو) می‌پرسد: قیامت کی خواهد بود؟!»

از سوی دیگر، روح و جان دین و شریعت، لگام بر نفس و خواهش‌های نفسانی است؛ چنان‌که امام‌صادق(ع) فرمود: «المؤمن ملجم: مؤمن لگام دارد.» لگام، افساری است که بر دهان اسب می‌بندند و مراد از لگام‌دار



آیا دین‌داری دشوار است؟

بررسی زحمت پایبندی به شریعت در برابر همراهی با امیال نفسانی

حجت‌الاسلام والمسلمین علی نصیری
رئیس مؤسسه معارف وحی و خرد

هنگامی که انسان به یگانگی خداوند، ارسال انبیا و... ایمان آورد، قدم بعدی این است که به دستورهای خداوندی عمل کند. در مقابل اجرای فرامین خداوند، خواهش‌های نفسانی و لذات مادی قرار دارد که انسان باید با آن‌ها مبارزه کند تا بتواند کار درست را انجام دهد، اما بسیاری از انجام این کارها ناتوان و مشغول به لهو و لعب می‌شوند، گرچه می‌دانند این کارها درست نیست، اما توان مقابله با آن را ندارند. به همین دلیل معمولاً گفته می‌شود دین‌داری سخت است. در این نوشتار به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود.

به رغم اذعان به این نکته که پای‌بندی به شریعت با زحمت همراه است، باید توجه داشت که آموزه‌های دینی بر مخالفت با هواها و امیال نفسانی تأکید داشته و آن را رمز نیل به سعادت می‌داند

بودن مؤمن آن است که او به انجام تمام احکام شریعت مقید و ملتزم شده و مادامی که در قید ایمان است، از این لگام خلاصی ندارد.

مبارزه با خواهش‌های نفسانی

به‌رغم اذعان به این نکته که پای‌بندی به شریعت با زحمت همراه است، باید توجه داشت که آموزه‌های دینی بر مخالفت با هواها و امیال نفسانی تأکید داشته و آن را رمز نیل به سعادت می‌داند. در دین از «تزکیه نفس» و پیراستن آن از امیال و هواها سخن به میان می‌آید و هواپرستی با شرک برابر دانسته شده است؛ چنان‌که خداوند متعال در سوره مبارکه شمس فرمود: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا: که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد، و هر که آلوده‌اش ساخت، قطعاً در باخت» و در سوره جاثیه چنین آمده است: «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ: پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانید؟»

پیام بلند این آیات آن است که سعادت جاودان و هدایت الهی در گرو مبارزه با نفس و خواهش‌های نفسانی است که از آن در آیات و روایات به «جهاد با نفس» تعبیر شده است.

افزون بر قرآن، در آموزه‌های اهل بیت (ع) نیز بر اصل مبارزه با نفس تأکید فراوان شده است. از نمونه‌های روشن مدعا روایت ذیل است که در معتبرترین منبع روایی شیعه، یعنی کافی شریف، منعکس شده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّ النَّبِيَّ (ص) بَعَثَ بِسَرِيَّةٍ فَلَمَّا رَجَعُوا قَبِلَ مَرْحَباً يَقُومُ قَضُوا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قَالَ جِهَادُ النَّفْسِ: امام صادق (ع) فرمود: پیامبر سربه‌ای را گسیل داشت و زمانی که آنان بازگشتند، فرمود: آفرین به کسانی که جهاد اصغر را به انجام رساندند و جهاد اکبر مانده است. گفته شد: ای رسول خدا، جهاد اکبر چیست؟ فرمود: جهاد با نفس. چنان‌که آن حضرت در جایی دیگر فرمود: «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ: دشمن‌ترین دشمن تو نفس توست که در میان دو پهلویت جای دارد.»

از سویی دیگر، به تعبیر حضرت امیر (ع) چه معامله‌ای از این برتر است که انسان چند روزی در این دنیا با عمری کوتاه، با امیال و خواهش‌های نفسانی خود مبارزه کند و در برابر، سعادت و راحتی دایم نصیب او

گردد؟! امام در بخشی از خطبه متقین چنین فرموده است: «صَبَرُوا أَيَّاماً قَصَاراً أَعْقَبَتْهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً تَجَاوَزَ مُرِبَّحَةً يَسَّرَهَا لَهُمُ رَبُّ كَرِيمٌ: چند روزی کوتاه را بردباری پیشه کردند و به دنبال آن آسایشی طولانی نصیب آنان شد؛ تجارتی سودآور که پروردگار کریم برای آنان فراهم آورد.»

از این نکته نیز نباید غافل بود که نفس آدمی همان‌گونه که به ولنگاری عادت می‌کند و ترک آن‌ها برایش دشوار است، با عادت دادن نفس به دین‌داری و رعایت شعائر دینی، پای‌بندی به این امور آرام آرام برای نفس آسان می‌گردد و دیگر بسان گذشته ترک گناه یا انجام فرامین دینی برای شخص سخت و دشوار نخواهد بود.

ایمان در مقابل شرک

در کنار عبودیت به عنوان مهم‌ترین وظیفه بندگان در برابر خداوند، باید بر توحید در عبودیت نیز تأکید کرد؛ به این معنا که بندگی خداوند باید از هرگونه شائبه «شرک جلی» و «شرک خفی» پاک و پیراسته باشد.

از سویی دیگر، باید اذعان کرد که بسیاری از مردم به وجود خداوند ایمان دارند و از این جهت باید آنان را جزو دین‌داران و الهیون دانست، اما با این حال بسیاری از آنان در مقام باور و بیشتر در مقام عمل دچار شرکاند؛ یعنی معتقدند که گرچه خداوند هستی را به تنهایی آفریده است، اما پس از آفرینش، اداره همه یا بخشی از هستی را به دیگران واگذار کرده است اعم از فرشتگان، جتیان، خورشید و ماه. از این پدیده با عنوان «شرک جلی» یا «شرک آشکار» یاد می‌شود که متأسفانه امروزه مظاهر آن در شبه قاره، آسیای جنوب شرقی، چین، بخش‌هایی



در کنار عبودیت به عنوان مهم‌ترین وظیفه بندگان در برابر خداوند، باید بر توحید در عبودیت نیز تأکید کرد؛ به این معنا که بندگی خداوند باید از هرگونه شائبه «شرک جلی» و «شرک خفی» پاک و پیراسته باشد



برای پرستش فراهم می‌سازد، شرک در ربوبیت و تدبیر هستی، آنان را به پرستش واداشته است. بنابراین سه گونه شرک که در حقیقت انحراف در توحید تلقی می‌شود، در میان مردم وجود دارد که عبارتند از: ۱. شرک در خالقیت؛ ۲. شرک در ربوبیت؛ ۳. شرک در عبادت.

از این میان، رایج‌ترین نوع شرک همان شرک در ربوبیت است که به دنبال خود شرک در عبودیت را در پی دارد.

از نوع دیگر شرک در فرهنگ دینی با عنوان «شرک خفی» یاد می‌شود. در این نوع از شرک، انسان بر این باور نیست که خداوند در اداره هستی شریک و همکار دیگری نیز دارد، بلکه در مقام عمل و منش به گونه‌ای رفتار می‌کند که برای غیر خداوند نقش و تأثیری به صورت استقلالی قائل است.

نجات از این نوع شرک بسیار سخت و دشوار است و در روایات از آن به حرکت موری در تاریکی شب بر روی سنگ صاف، یاد شده است و قرآن تصریح می‌کند که اکثر مؤمنان به آن دچار هستند: «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» و بیشترشان به خدا ایمان نمی‌آورند جز این‌که [با او چیزی را] شریک می‌گیرند.»

در برابر چنین شرکی، توحید ربوبی یا توحید افعالی قرار دارد؛ به این معنا که انسان بر اساس چنین توحیدی، به مرتبه‌ای می‌رسد که همه فعل و انفعالات، کنش و واکنش‌های عالم را از آن خداوند می‌انگارد.

روش‌های ازدیاد ایمان

۱. اهتمام به ادای سر وقت تمام نمازها
۲. انجام بخشی از نوافل مثلاً ۴ رکعت برای ظهر به ویژه نافله شب
۳. تلاوت روزانه حداقل یک حزب قرآن (۵ صفحه)
۴. ادای حداقل یک نماز در مسجد و به صورت جماعت
۵. اهتمام به سه روز روزه در ماه
۶. اهتمام به زیارت اهل بیت (ع)
۷. اهتمام به پیوند معنوی با ولی عصر (ع)
۸. پرهیز از گناهان، به‌ویژه گناهان مربوط به چشم، زبان و بطن
۹. استغراق در ذکر، دعا و مناجات با خداوند
۱۰. مطالعه سیره اخلاقی اولیای الهی
۱۱. مطالعه مستمر تاریخ به خاطر عبرت‌های آن
۱۲. انجام وظایف اجتماعی، به‌ویژه احسان به والدین و برادران دینی ❖

از آفریقا و آمریکای جنوبی دیده می‌شود.

بررسی آیات قرآن و واقعیت‌های تاریخ بشری نشان می‌دهد که مهم‌ترین انحراف بشر، پدیده شرک بوده است؛ به این معنا که اصل وجود خداوند برای آنان مسلم بوده است، اما با این حال چنین باوری پدید آمد که هستی را تنها یک خداوند نیافریده است، بلکه خدا یا خدایان دیگر در فرآیند آفرینش دخالت داشتند یا معتقدند که به‌رغم وحدت خداوند در آفرینش، اداره هستی به چند خدا واگذار شده که از آنان به عنوان رب‌النوع آدمیان یاد می‌کنند.

این باور از گذشته‌های دور در میان مردم رواج یافت و متأسفانه همچنان نشانه‌های آن میان شماری از ملل دیده می‌شود. به عنوان مثال مشرکان و بت‌پرستان معتقداند که هر یک از آسمان‌ها، زمین، باران، خورشید، روزی و مرگ، خدایی مخصوص به خود دارند که عهده‌دار اداره آن‌ها هستند.

قرآن در این باره چنین می‌فرماید: «وَلَيْسَ سَأَلْتَهُمْ مِنْ خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَّسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِيَقُولَنَّ اللَّهُ فَاَنَّا يُؤْفِكُونَ: و اگر از ایشان بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را رام کرده است؟ حتماً خواهند گفت: «الله»؛ پس چگونه [از حق] بازگردانیده می‌شوند؟»

از آن‌جا که اعتقاد به اداره هستی، عملاً زمینه را

خودسازی و رشد فکری و تعالی انسان است، چرا که کسی که ایثارگر است، هرگز فداکاری خود را از دست دادن تلقی نمی‌کند، بلکه از دست دادن در راه خدا را به دست آوردن می‌بیند: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنْ يُخِزِبَ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل/۹۶)

روحیه شهادت‌طلبی و آماده‌بودن برای پذیرش مرگ در راه خدا، نقطه اوج ایثار است. پذیرش آگاهانه و مؤمنانه مرگ در مسیر مجاهدت در راه خدا، ناشی از نگرش صحیح به مقوله مرگ و زندگی است. امیرالمؤمنین (ع) که خود برترین الگوی ایثار و شهادت پس از پیامبر اعظم (ع) است، زندگی ذلیلانه و تحت سلطه را مرگ می‌داند و مرگ افتخارآمیز و عزتمند را حیات «الموت فی حیانتکم مقهورین و الحیات فی موتکم قاهرین» کشته شدن در راه خدا انسان را به مقام شهادت و حضور بر سر سفره فیض الهی می‌رساند: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران/۱۶۹)

شوق ایثار و شهادت در پرتو انقلاب اسلامی، در جامعه احیا و به یک فرهنگ تبدیل شد و این فرهنگ، ضامن پیروزی و شکست‌ناپذیری جامعه انقلابی است. ایستادگی ملت ایران در برابر زیاده‌خواهی سلطه‌گران جهانی، ناشی از قدرتی است که روحیه ایثار و شهادت‌طلبی به جامعه بخشیده است. از همین رو جبهه معارض فرهنگی در صدد تضعیف این روحیه است، آنان می‌دانند که فرهنگ ایثار و شهادت زیرساخت جهاد نرم و سخت علیه جبهه استکبار و سرمایه معنوی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی است، لذا احیا، تقویت و شکوفاسازی فرهنگ ایثار و شهادت، به عنوان یکی از مهم‌ترین ارزش‌های گفتمان فرهنگی انقلاب اسلامی ایران، رسالتی دائمی است که با راهبردهای نوآورانه و رویکردهای اثربخش می‌تواند انجام پذیرد و ایفای صحیح این مسئولیت پاداشی معادل اجر شهیدان خواهد داشت. ❖

معنای حیات است که به آن جامعه حیات می‌بخشد. از این رو نگاه اسلام به حیات، منشأ استمرار حیات جوامع اسلامی است. «زندگی» نه خوردن و خوابیدن و لذت‌های مادی و طبیعی، که حرکت به سوی لقاءالله و درک لذت حضور است. این آرمان جز با پذیرش دشواری‌های راه حق و عبور از موانع فراوان مقدور نیست:

«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (انشقاق/۶) در فرهنگ ناب اسلامی، حیات جاودان و متعالی نتیجه فنای فی‌الله است و فنای فی‌الله یعنی گذشتن از هر چه غیر اوست. مراتب عالی گذشت در راه خدا، «ایثار» است. ایثار یعنی ترجیح منافع و مصالح دیگران بر منافع خویش؛ یعنی دگرگزینی به جای خودگزینی. ایثار یعنی در هنگامه خطر و فداکاری، پیشی‌گرفتن از دیگران و در هنگام برخورداری و بهره‌برداری، قرارگرفتن پشت سر دیگران؛ نخستین دهنده و آخرین گیرنده؛ درست عکس آنچه دنیامداران در پی آنند که در هنگامه فداکاری و جان‌فشانی، غایب‌اند و ولی هنگام برخورداری، مجالی به دیگران نمی‌دهند!

اگرچه نگاه دنیاگرا و غالب در فرهنگ مادی، خود را محور همه محاسبه‌ها و منافع خود را ملاک ارزیابی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها قرار می‌دهد، ولی نگاه آخرت‌گرای فرهنگ اسلامی، «ایثار» را یک فضیلت برجسته اخلاقی و ارزش متعالی تلقی می‌کند که ثمره



دگرگزینی به جای خودگزینی

ایثار و شهادت در پرتو انقلاب اسلامی، به یک فرهنگ تبدیل شد

حجت‌الاسلام دکتر علی ذوعلم
عضو هیئت علمی پژوهشگاه

فرهنگ و اندیشه اسلامی

گفتمان فرهنگی انقلاب اسلامی بر مبنای نگرش توحیدی به انسان و سرنوشت او، غایات و آرمان‌های انسان را ترسیم می‌کند. اساسا تفاوت فرهنگ‌ها به همین نگرش وابسته است. درک عمومی یک جامعه از



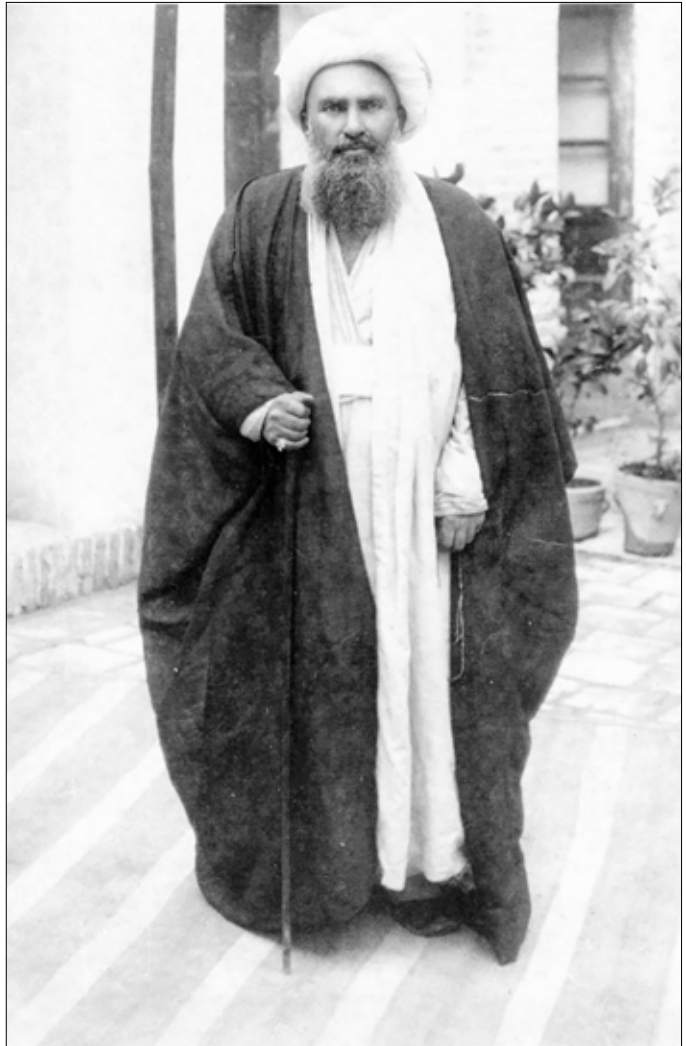
اگرچه نگاه دنیاگرا و غالب در فرهنگ مادی، خود را محور همه محاسبه‌ها و منافع خود را ملاک ارزیابی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها قرار می‌دهد، ولی نگاه آخرت‌گرای فرهنگ اسلامی، «ایثار» را یک فضیلت برجسته اخلاقی و ارزش متعالی تلقی می‌کند

فعالیت عالمان شیعه در عرصه‌های اجتماعی و به‌ویژه اقتصادی، به دلایلی تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته و به همین دلیل اطلاعات کمتری در این زمینه وجود دارد. اما در دوره هجوم نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی غرب در تاریخ معاصر ایران و عراق، مدارک درخور توجهی وجود دارد که از نقش مؤثر علمای شیعه در مقابله با این تهاجم حکایت می‌کند.

علمای شیعه، بر خوردار از منزلت اجتماعی بالا در جامعه ایران، بر اساس مبانی و اصول دینی خاص و با تکیه بر سرمایه اجتماعی عظیم توده مردم، از سرمایه‌های ملی ایران حفاظت کرده‌اند. توجه آنان به کارکردهای مثبت و منفی مصرف کالاهای داخلی و خارجی، عاملی تأثیرگذار بر تضعیف نفوذ نظامی دشمن، افزایش ثروت و سرمایه ملی، ممانعت از خروج نیروی کار ایران و مانند آن بوده است. آنان با مقابله با قراردادهای استعماری مثل رویتر، رژی ۱۹۱۹ و وثوق الدوله و قرارداد نفت ایران و انگلیس، مانع تاراج و از بین رفتن منابع زیرزمینی و روی‌زمینی از جانب بیگانگان شدند. ذهنیت عمومی جامعه ما، به‌ویژه نسل جوان این است که وظیفه و اقدامات عملی علما، بیشتر در مباحث خاص دینی - مثل برپایی مراسم دینی، وعظ، خطابه و امام جماعت بودن و پاس‌خوایی به سوالات و شبهات اعتقادی و شرعی مردم - بوده است؛ بنابراین به فعالیت‌های علمای شیعه در عرصه‌های خاص اقتصادی، سیاسی، بین‌المللی و فرهنگ اجتماعی کم‌توجهی شده و این مباحث کمتر بیان شده است. امروز نسل جوان ما نمونه‌های زیادی از این اقدامات علما در حفظ موارث دینی، مقابله با شبهات اعتقادی، مناظرات مذهبی، عقیدتی و ... را سراغ دارند؛ اما اگر از نقش علمای شیعه در حفظ اقتصاد ملی یا هویت ملی یا منافع ملی کشور سخن بگوییم، قطعاً اطلاعات کمتری در این زمینه وجود دارد. این در حالی است که چون اسلام دینی جامع است و برای همه عرصه‌های زندگی بشر برنامه دارد، بالطبع عالمان اسلامی که وظیفه تبلیغ دین و حراست از آموزه‌های دینی و اجرای آن را در جامعه بر عهده دارند؛ باید در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز فعال باشند.

دوره صفویه

با ظهور صفویه و اعلام تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور، بدیهی بود مناصبی مثل صدارت و قضاوت که با امور شرعی ارتباط داشت باید به عالمان دینی سپرده می‌شد، زیرا نیازمند فقاقت و آگاهی به شریعت بود. به همین جهت از اواخر دولت شاه اسماعیل، احساس شد که دولت برای اداره جامعه سیاسی ایران بر اساس فرهنگ تشیع، نیازمند حضور فقها در مناصب حکومتی است. این احساس نیاز، موجب دعوت از فقه‌های شیعه در مناصب فوق و مهاجرت علمای شیعه به ایران، تقویت حوزه‌های علمای دینی در ایران، در شهرهایی مثل اصفهان، قزوین، تبریز و مشهد بود که این حوزه‌ها ادامه‌دهنده راه فقه‌های اصیل شیعه در عراق، به‌ویژه شهرهای حله و نجف بود. شاهان صفوی نیز از



شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری

علمای شیعه و دفاع از سرمایه‌های ملی

حجت‌الاسلام دکتر مهدی ابوطالبی



در دوره افشاریه جایگاه سیاسی علما تا حدی تضعیف شد. از آنجا که نادر شاه تمایل شدیدی به تصمیم‌گیری مقتدرانه و فردی داشت، سعی می‌کرد سایر نهادها و مناصب تصمیم‌گیرنده و واسطه را حذف یا بی‌اعتبار کند

مانند ائمه جمعه، قضات، شیخ الاسلام‌ها، صدرها و سایر مناصب حکومتی علما، به‌جز منصب ملاباشی که به همان شیخ الاسلام داده شده بود، مورد توجه و عنایت قرار گرفت و آن‌ها ملازمان شرعی دولت محسوب می‌شدند. کریم خان به دلیل اعتقاد و ارتباط گسترده مردم به این قشر و نیز میل و علاقه و ارادتی که از اعتقاد وی نشأت می‌گرفت، به علما و روحانیون پاک و وارسته توجه و عنایتی خاص داشت. در زمان کریم خان سرپرستی هر یک از محلات شهرها بر عهده یکی از روحانیون محلی قرار می‌گرفت که معمولاً عهده‌دار انجام مراسم مذهبی هفتگی و سنتی نیز بودند. در عصر زندیه آیین دادرسی همانند دوره صفوی از نظر ماهوی بر اساس فقه امامیه بود و کتاب شرایع، منبع اصلی نظام حقوقی شرعی قلمداد می‌شد. مجموع این اقدامات کریم خان موجب شد بسیاری از شیعیان و علمایی که در دوره نادرشاه به بغداد و عتبات مهاجرت کرده بودند به ایران بازگشتند.

دوره قاجار و پهلوی

در دوره قاجار نیز رابطه محکمی بین مردم و علما به عنوان نواب عام امام زمان (عج) وجود داشت. جایگاه و شأن اجتماعی علما در این دوره فوق‌العاده بود. به همین دلیل نقش آن‌ها در مسائل مختلف سیاسی - اجتماعی پررنگ بود؛ از جمله این نقش‌ها می‌توان به اقدامات حمایتی آن‌ها از سرمایه‌های ملی اشاره کرد. در دوره پهلوی اول به دلیل برخوردهای دین‌ستیزانه رضاخان، جایگاه سیاسی علما تضعیف شد، ولی به دلیل نوع اقدامات رضاخان و وابستگی شدید او به بیگانگان، از طرف علمای شیعه مخالفت‌های زیادی با او شد. علمایی مانند حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی، سید حسن مدرس، شیخ محمدتقی بافقی و حاج آقا حسین قمی به مقابله با رضاخان پرداختند و با قیام‌هایی علیه اقدامات رضاخان به طور مستقیم با او درگیر شدند و برخی مثل مدرس و آقا نورالله به شهادت رسیدند. رضاخان برای کاهش فشار این گروه از علمای دینی، به علمای عتبات متوسل شد و با تظاهر به دین‌خواهی سعی کرد توجه آنان را جلب کند و دست کم خود را از اتحاد جبهه مذهبی علیه خود برهاند، از آنجا که چهره سکولار و سیاست لائیک او از ابتدا روشن نبود، علما فکر می‌کردند می‌توان شم شیر او را در جهت اصلاح نابسامانی‌ها به کار برد، اما بعد از به سلطنت رسیدن رضاخان و به دنبال شهادت حاج آقا نورالله اصفهانی در سال ۱۳۰۶ و سپس تبعید شهید مدرس و سرکوب همه نیروهای مذهبی، سیاست این دسته از علما در برابر رضاخان جنبه منفی‌تری به خود گرفت و سرانجام پس از قیام مسجد گوهرشاد به نفرت و تضادی برگشت‌ناپذیر مبدل شد. تشکیل حوزه علمیه در قم باعث شد نقش علما در حمایت از سرمایه‌های ملی پررنگ‌تر شود که مهم‌ترین آن‌ها نقش علما در نهضت ملی شدن نفت بود. بعد از کودتای ۲۸ مرداد، دوباره فضای استبدادی و خفقان بر کشور حاکم شد که نتیجه این فضا و اقدامات ضد فرهنگی محمدرضا پهلوی، نهضت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی شد. ❖

آن‌ها در سمت‌هایی مانند شیخ الاسلام و امامت جمعه بهره برده بودند. بنابراین از این دوره به بعد، شاهد شکل‌گیری جدی جایگاه سیاسی - اجتماعی فقیهان در میان مردم و دولتمردان هستیم. علما و فقهایی که به ایران آمدند، علاوه بر حضورشان در منصب حکومتی و کمک به اجرای امور، بر اساس احکام شرع مقدس به ابتکارانی در فقه دست زدند و به تربیت شاگردان و مجتهدانی پرداختند که مروج اندیشه‌های فقهی اساتید خود بودند و به برخی از آن‌ها در مناصب اداری - دینی مسئولیت‌هایی بر عهده گرفتند. جایگاه سیاسی - اجتماعی علما، بر اساس همان ولایت فقهی به معنای نیابت عام آن‌ها از امام زمان بود. با روی کار آمدن شاه طهماسب، به دلیل توجه و اعتقاد شدید وی به تشیع فقه‌اقتی و ظهور محقق کرکی، یکی از فقه‌های برجسته تاریخ شیعه، روند نفوذ و حضور فقه‌ها در مناصب حکومتی بسیار سرعت گرفت. در دوره سلطنت شاه عباس اول به دلیل روحیه و شیوه استبدادی وی در اداره حکومت و تمایل وی به این که همه کارها زیر نظر شخص او انجام شود، قدرت آن‌چنانی برای مقام صدر و شیخ الاسلام که مربوط به فقه‌ها می‌شد، باقی نمانده بود. از سلطنت شاه عباس دوم تا اواخر دوره صفویه، قدرت فقه‌ها به مرور رو به فزونی رفت. روابط هر سه شاه آخر صفوی (شاه عباس، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین) با علما، نیرومندتر و شمار عالمان و فقیهانی که به نوعی در ارتباط با کارهای حکومتی بودند، بیشتر شد. شاه عباس دوم با تشکیل یک شورای فقهی و با هدف حل یک مسئله خاص درباره هندوهای مقیم اصفهان، همکاری علما را جدی‌تر کرد. او بیش از پدربزرگ خود با علما آمد و شد داشت و این سنت تا آخرین سال‌های روزگار صفوی دنبال شد، البته نباید تصور کرد قدرت از دست شاه و درباریان بیرون رفته و علما اختیار تام امور حکومتی را در دست داشتند. با وجود نفوذ زیاد علما، تصمیم‌گیرنده نهایی شاه و درباریان بودند و اگر اراده می‌کردند، در مواردی مانع اجرای فرامین شرعی از سوی مقامات دینی می‌شدند.

بحث اعتقاد به نیابت و جانشینی فقه‌های شیعه از معصومین (ع) یک باور عمومی به حساب می‌آمد. این باور که تا دوره‌های بعدی ادامه داشته و بلکه شاید پررنگ‌تر هم شده است، سهم بسزایی در نقش علمای شیعه در حمایت از سرمایه‌های ملی در زمان هجوم استعمار به ایران داشت.

دوره افشاریه و زندیه

در دوره افشاریه جایگاه سیاسی علما تا حدی تضعیف شد. از آنجا که نادرشاه تمایل شدیدی به تصمیم‌گیری مقتدرانه و فردی داشت، سعی می‌کرد سایر نهادها و مناصب تصمیم‌گیرنده و واسطه را حذف یا بی‌اعتبار کند. شواهد تاریخی نشان می‌دهد در دوره زندیه تا حدود زیادی فضای نامناسب دوره نادرشاه در زمینه جایگاه سیاسی علما برچیده شد. در سازمان اداری و حکومتی زندیه از همان ابتدا دستیابی به قدرت مقامات مذهبی یا دانایان امور شرعیه



تشکیل حوزه
علمیه در قم باعث
شد نقش علما
در حمایت از
سرمایه‌های ملی
پررنگ‌تر شود که
مهم‌ترین آن‌ها
نقش علما در
نهضت ملی شدن
نفت بود

نابودی روحانیت به عنوان یک قشر اجتماعی را اتخاذ کرد. دوران رضاشاه اوج سرکوب و انزوای روحانیت بود. از سال ۱۳۰۵ ه. ش به بعد، با کشف حجاب زنان، تغییر لباس مردان، تأسیس محاکم عرفی و تشکیلات دادگستری، موجبات خروج بسیاری از مناصب حقوقی و قضایی از دست روحانیان فراهم شد. به علاوه گسترش ناسیونالیسم افراطی ایرانی، نوعی بی‌اعتنایی نسبت به مذهب



و مبلغان دین را به دنبال داشت. در سال‌های ۳۲- ۱۳۲۰ ه. ش با سقوط رضاشاه، فضای اجتماعی و سیاسی برای فعالیت نهادهای دینی و روحانیون مساعد شد و بدین ترتیب روحانیت، بخشی از نفوذ از دست رفته خود را، دوباره به دست آورد. نتیجه این نقش‌آفرینی، نهضت ملی شدن صنعت نفت بود، که مرهون ائتلاف نیروهای مذهبی و ملی به رهبری آیت‌الله کاشانی بود. پس از آن سختگیری بر روحانیت بیشتر شد و مشابه سیاست‌های پهلوی اول در عصر محمدرضا پهلوی نیز تداوم یافت و سکولاریزم، پارادایم حاکم بر جامعه شد. در چنین شرایطی، روحانیت از قدرت سیاسی حاکم فرسنگ‌ها فاصله گرفت، اما با ظهور شخصیت عظیم و استثنایی امام خمینی (ره) در میان روحانیت، نقطه عطفی در سیر این تحول ایجاد شد. از سال ۱۳۴۲ به دلیل نوسازی به سبک غربی که پیامدهای آن تخریب باورهای دینی و نادیده انگاشتن ارزش‌ها، تضییع حقوق مردم و... بود، واکنش منفی بخش‌هایی از روحانیت به رهبری حضرت امام خمینی برانگیخته شد که خود، سرآغاز نهضت اسلامی پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ گردید. در نهایت می‌توان گفت که با توجه به کارویژه‌های فوق و انسجام و سازمانی که در درون نهاد روحانیت نسبت به سایر نیروهای اجتماعی وجود داشت، موقعیت ویژه‌ای برای

نهادآفرین و تاثیرگذار

نگاهی به تحولات روحانیت از پهلوی اول تا
آغاز قیام امام خمینی (ره) با تمرکز بر نقش
آیت‌الله العظمی بروجردی

محمد اسماعیل زاده

با توجه به ادعاهای دین‌خواهانه رضاخان قبل از کسب قدرت مطلق، تصور می‌رفت بار دیگر روحانیت دارای نقشی ممتاز در تاثیرگذاری بر نهادهای حاکمیتی گردد. ولی رضاشاه پس از استفاده ابزاری از دین برای تثبیت قدرت خود، مبارزه شدیدی را علیه روحانیت سامان داد. رضاشاه نه تنها روحانی‌زدایی به ارث رسیده از گذشته در بخش‌های فرهنگی و قضایی دولت را در پیش گرفت، بلکه سیاست

از سال ۱۳۴۲ به دلیل نوسازی به سبک غربی که پیامدهای آن تخریب باورهای دینی و نادیده انگاشتن ارزش‌ها، تضییع حقوق مردم... بود، واکنش منفی بخش‌هایی از روحانیت به رهبری حضرت امام خمینی برانگیخته شد که خود، سر آغاز نهضت اسلامی پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ گردید

آیت‌الله بروجردی، که مجتهدی روشن‌فکر و خردمند بود، نشان می‌دهد که حوزه یاد شده از هر جهت رشد کرد. در این‌جا به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. در بخش تصحیح و نشر کتاب، که ابزار پیشرفت حوزه بود، با تشویق ایشان، شماری از کتاب‌های اساسی، که به کار طلاب می‌آمد، چاپ شد و در اختیار آنان قرار گرفت. ۲. به لحاظ شمار، بر تعداد طلاب افزوده شد و شهریه منظمی که پرداخت می‌گردید، زمینه را برای تحصیل بیشتر طلاب و ماندن در قم برای رشد علمی بیشتر و رسیدن به مراتب عالی‌تر فراهم می‌کرد، گرچه مقدار آن کمتر از آن چیزی بود که زندگی طلاب را تأمین کند که همین سبب مهاجرت برخی از آنان به شهرهای دیگر و یا استخدام در آموزش و پرورش و دانشگاه شد.

۳. ایجاد ارتباط با شیعیان خارج از کشور و اعزام نمایندگانی به برخی از کشورهای اروپایی، که خود نشان از رشدی داشت که حوزه علمیه به آن دست یافته بود.

۴. تأسیس مجله مکتب اسلام (ماهنامه) و مکتب تشیع (ابتدا سالانه که هفت سال انتشار یافت و بعد فصلنامه از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۳۸) قدم بعدی بود که زمینه را برای نگارش مقالات علمی دینی طلاب فراهم کرد.

۵. ایجاد ارتباط با علمای مصر و شرکت در تأسیس دارالتقرب و اعزام نماینده‌ای با نام محمد تقی قمی به آن مرکز. این امر در ایجاد اندیشه وحدت شیعه و سنی در حوزه‌های روحانیت شیعه مؤثر افتاد. بنیاد این تفکر از آیت‌الله بروجردی بود و تقریباً در سده‌های اخیر، آن هم در سطح مرجعیت، بی‌سابقه می‌نمود.

۶. تربیت نسلی از فضلا که در دوره بعد، شمار زیادی از آنان، هم به لحاظ علمی و هم سیاسی، نقش فعالی در حوزه علمیه عهده‌دار شدند. انتشار منشورات، مجلات و کتاب‌های نسل جدید دانش‌آموختگان حوزه، که از زمان آیت‌الله بروجردی آغاز شده بود، به تدریج جنبشی فکری در بین طلاب جوان ایجاد کرد که توانست در دهه ۴۰ نقش فعالی در صحنه فعالیت‌های فکری و فرهنگی عهده‌دار شود. ثمره این کار این شد که گروه مؤثری از روحانیان پس از سال ۱۳۴۴ نقطه ثقل فعالیتشان را بر تشریح مبانی فکری اسلام متمرکز کردند و به کارهای فرهنگی پرداختند. در واقع عدم وجود بنیادهای فرهنگی جدی به منظور پاسخگویی به شبهات ضد دینی و تبلیغات متجددان، که وسایل ارتباط جمعی را نیز در اختیار داشتند، از یک سو و تلاش فکری غیر مستقیم برای نامشروع نشان دادن حکومت از سوی دیگر، از نکاتی بودند که مورد توجه این گروه قرار داشتند.

از جمله افراد این گروه، شهیدان مطهری، بهشتی و باهنر بودند. تمام این فعالیت‌ها و بسیاری از اقدامات دیگری که در این‌جا ذکر نشدند، باعث تقویت جایگاه دین و مذهب در جامعه شد. ❖

این نهاد فراهم آمد و همین امر موجب شد که در چندین حرکت ضد بیگانه و ضد حکومتی نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا کند، اگرچه روحانیت شیعه، در دوران پهلوی متحمل ضربات سهمگینی شد، ولی نقش بی‌بدیل آن مخصوصاً در بدنه جامعه امتداد داشت. این جایگاه با فعالیت مرحوم آیت‌الله حائری در تأسیس حوزه علمیه قم در سال ۱۳۰۱ شمسی ایجاد شده بود. در دوره مرجعیت ایشان در قم، افزون بر ایجاد حوزه علمیه قم، شاهد ایجاد بیمارستان و اقدامات خدماتی دیگر هستیم. این اقدامات در حالی انجام می‌گرفت که در دوره پهلوی، حوزه‌های علمیه واقعاً تضعیف شده بودند. رضاشاه علاوه بر مجالس وعظ و سوگواری، بسیاری از مدارس علمیه را نیز تعطیل کرده بود و آن‌ها را در اختیار دانش‌آموزان مدارس جدید قرار داده بود. برای نمونه، می‌توان به مدرسه نواب مشهد اشاره کرد که آن را در اختیار دانشجویان دانشسرای عالی قرار دادند. این اقدامات تا آن‌جا به پیش رفت که آیت‌الله کاشانی بلافاصله پس از برکناری رضاشاه، در نامه‌ای به تاریخ ۱۳۲۰/۷/۱۷ خطاب به نخست‌وزیر وقت، از حیل‌ها و روش‌های گوناگونی که برای نابودکردن نظام طلبگی و از میان‌بردن مدارس قدیم و کشف حجاب زنان به کار رفته‌اند، سخن گفت. به تبع همین تضعیف ارزش‌های دینی بود، که حوزه‌های علمیه در وضعیت نامناسبی قرار گرفتند. شمار طلاب و فضلاء حوزه‌ها رو به کاهش گذاشت و این عوامل منجر به فشار مالی و سیاسی بر روحانیان در ایران شد. امام خمینی نیز در اطلاعیه‌ای که به سال ۱۳۲۳ انتشار یافت، به این موضوع اشاره کردند. در این اطلاعیه، فهرستی از تلاش‌های ضد مذهبی دولت ارائه شده و از جمله، بر ترویج فساد و فحشا، از بین بردن مدارس دینی و موقوفات آنان و ترویج کتاب‌های ضد شیعی تأکید شده است. ولی تمامی این عوامل سبب عقب‌نشینی روحانیت از عرصه نگردید. آنان مسجدها و تکیه‌ها را در دست داشتند، که از آن‌ها به عنوان پایگاه ارتباط مردمی استفاده می‌کردند. بر این اساس روحانیت در آن دوران با عزمی مضاعف مدرسه‌های دینی را اداره می‌کرد، انجمن‌ها و کتابخانه‌های اسلامی را در دانشگاه‌ها و استان‌ها بر پا می‌داشت. این عامل‌ها سبب شد که عده‌ای که از رواج فساد در جامعه نگران بودند، به عنوان واعظ به زاغه‌ها رفتند و جلسات دینی و نماز برپا کردند، در مراسم عزاداری حضور یافتند و در جلسات مذهبی شرکت جستند.

مرجع مقتدر

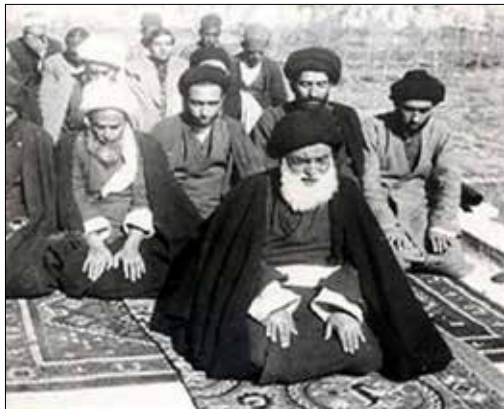
پس از درگذشت آیت‌الله حائری یزدی و با فاصله‌ای قریب به ۱۰ سال، دوران مرجعیت آیت‌الله بروجردی آغاز گردید که فصل درخشانی از مرجعیت شیعه به شمار می‌رود. بررسی وضعیت عمومی حوزه علمیه قم در دوره مرجعیت



پس از درگذشت
آیت‌الله حائری
یزدی و با فاصله‌ای
قریب به ۱۰ سال،
دوران مرجعیت
آیت‌الله بروجردی
آغاز گردید که
فصل درخشانی از
مرجعیت شیعه به
شمار می‌رود

طرح تقریب

فعالیت‌های تقریبی آیت‌الله بروجردی از
مهم‌ترین خدمات ایشان به جهان اسلام بود



اجتناب از طرح مسائل تاریخی مربوط به خلافت پیامبر (ص) و بعضی از موضوعات حساسیت‌آفرین و تأکید بر اصل «مرجعیت علمی اهل بیت (ع)» در اولویت طرح علمی تقریبی قرار داشت. ایشان معتقد بود با این رویکرد می‌توان راهی به روی پیروان مذاهب اسلامی گشود که به مطالعه و بررسی مذهب اهل بیت روی آورند. چنانچه همین رویکرد در گرایش تقریبی «دارالتقریب» قاهره متمر ثمر واقع شد. در این رویکرد هیچ یک از مبانی و اصول کلامی و عقیدتی مذهب هم فدا نمی‌شود. «طرح لزوم گسترش گفتگوهای فقهی و ترک مجادلات کلامی و تاریخی» از جمله راهکارهای سیاسی و علمی آن مرحوم در تحقق روزافزون وحدت امت اسلامی است که به نظر می‌رسد لزوم تشکیل کارگروه‌های متعدد علمی و نیز تقویت دیپلماسی جوامع اسلامی برای تحقق این منویات مهم و کاربردی بسیار ضروری است.

حجت الاسلام والمسلمین کاظم صدیقی، امام جمعه موقت تهران:

آیت‌الله العظمی بروجردی به عنوان اولین کسی که در زمینه تقریب تلاش‌های بسیاری کرد، مطرح است. با همکاری و تلاش‌های این فقیه بزرگ جهان تشیع بود که دارالتقریب مصر با همکاری شیخ شلتوت بنیان نهاده شد و دانشگاه الازهر نیز مذهب شیعه را به عنوان یکی از مذاهب پنج‌گانه مطرح کرد و کرسی مذهب جعفری در دانشگاه الازهر راه‌اندازی شد.

حجت الاسلام والمسلمین محسن اراکی، دبیر کل مجمع جهانی

تقریب مذاهب اسلامی:

مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی، نابغه، متفکر، فقیه تمام عیار و از آن فقهایی بودند که حقا می‌توان جایگاه نیابت ولی عصر (عج) را برای ایشان جایگاه شایسته‌ای دانست و لذا یکی از مهمترین دغدغه‌های مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی دغدغه مسائل و مشکلات امت اسلامی بود. اینکه یک مرجع، دغدغه «امت» را داشته باشد، نشان‌دهنده این است که اسلامی فکر می‌کند و با مکتب اهل بیت کاملاً آمیخته و شاگرد حقیقی این مکتب است. ❖

آیت‌الله العظمی بروجردی از شاگردان آخوند خراسانی بود که بعد از بازگشت از نجف در بروجرد ساکن شد. چند سال پس از درگذشت مؤسس حوزه علمیه قم، به دعوت مراجع سه‌گانه قم (حجت، خوانساری، صدر) به قم آمد و ریاست حوزه علمیه قم را بر عهده گرفت. پس از درگذشت سید ابوالحسن اصفهانی، بروجردی مهم‌ترین مرجع شیعیان شناخته بود و در دهه ۱۳۳۰ش مرجع عام شیعیان محسوب می‌شد. در دوران او حوزه علمیه قم گسترش پیدا کرد و تعداد طلاب به صورت بی‌سابقه‌ای افزایش یافت. با حمایت‌های ایشان آثار حدیثی و فقهی متعددی احیاء و منتشر شد. مجموعه بزرگ جامع احادیث الشیعه تحت نظر او تدوین شد. آیت‌الله بروجردی به تقریب بین مذاهب اسلامی اعتقاد داشت و در این راستا نماینده‌ای برای عضویت در دارالتقریب مصر فرستاد. فتاوی معروف محمود شلتوت برای به رسمیت شناخته شدن فقه شیعه نزد اهل سنت نتیجه فعالیت‌های آیت‌الله بروجردی بود. اعزام مبلغ به مناطق مختلف ایران و خارج کشور، ایجاد مراکز بزرگ علمی و مذهبی، ساخت مساجد و مدارس در ایران و کشورهای مختلف، درخواست برای گنجاندن درس تعلیمات دینی در دوره ابتدایی مدارس ایران و... از مهم‌ترین اقدامات دینی، سیاسی و اجتماعی او است. در ادامه، اظهار نظر چند تن از اساتید حوزه و دانشگاه را در خصوص شخصیت و خدمات آیت‌الله بروجردی آورده‌ایم.

دکتر محمدعلی آذرشب، استاد دانشگاه تهران:

براساس مکتب آیت‌الله الطلوعی بروجردی امکان ندارد شخصی در حوزه‌های علمیه شیعه به درجه اجتهاد برسد مگر اینکه از احادیث اهل تسنن اطلاع داشته باشد، به عبارت دیگر آیت‌الله العظمی بروجردی معتقد بودند بین احادیثی که از طرق اهل تسنن و احادیثی که از طرق شیعه وارد شده ارتباط کاملاً موثق وجود دارد. به همین جهت شاگردان ایشان که در این مکتب رشد کرده بودند این موضوع را بسیار خوب پی‌گیری کرده و کار فوق‌العاده‌ای در زمینه احادیث مشترک بین اهل تسنن و تشیع آغاز کردند، به عنوان اینکه هیچ‌گاه امکان ندارد شیعه‌ای که می‌خواهد به درجه اجتهاد برسد از احادیث اهل تسنن بی‌اطلاع باشد.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدحسین مختاری، رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی:

طرح پیشنهادی مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی مبنی بر



مراقبت ایام

قرآن در دوران بازگشت به معنویت
رجب، ماه ولایت است
ریسمانی میان خدا و بنده



قرآن در دوران بازگشت به معنویت

دکتر علی نصیری

رئیس مؤسسه معارف وحی و خرد

قرآن را باید تنها نامه پاک و پیراسته خداوند به بشریت دانست که خداوند در آن با زبانی دلنشین و جذاب و با پیامی از سر مهر و منطق با بندگان خود به گفتگو پرداخته و روشنی و تاریکی، هدایت و ضلالت را در آن بازشناسانده و هر چه زمینه سعادت آدمیان را فراهم آورده یا باعث نگون‌سازی آنان می‌شود را تبیین کرده است. کتابی از ناحیه خداوندی که همه هستی و انسان را آفریده و از تمام زوایای آشکار و پنهان عالم خبر دارد و به نیکی می‌داند که رخنه‌های وجود آدمیان در کجاست و آنان از چه زمینه‌ها و بسترهایی آسیب می‌بینند و در ورطه هلاکت گرفتار می‌شوند.

قرآن را از این جهت می‌توان به بروشوری تشبیه کرد که کمپانی‌های مختلف به هنگام عرضه کالاهای تولید شده خود در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌دهند و تأکید می‌کنند که لازم است پیش از استفاده و گشودن آن کالا، آن بروشور مطالعه شود.

در چنین بروشوری که در حقیقت می‌توان آن را کتابچه راهنمای استفاده بهینه از هر کالا نامید، آسیب‌های آن کالا

تذکر داده می‌شود؛ نظیر آن که گفته می‌شود این دستگاه در برابر نور مستقیم خورشید، حرارت، زمین ناصاف، آب و هرگونه مایعات، فراز و فرو جریان برق آسیب‌پذیر است. نیز قطعات دستگاه به تفکیک معرفی می‌شود، عمر مفید دستگاه و بازه زمانی ضمانت آن کمپانی و در کنار همه این‌ها، چگونگی استفاده از آن تبیین می‌گردد.

پیداست هر چه آن کالا پیچیده‌تر باشد، بروشور حجیم‌تر و مباحث مطرح شده در آن دقیق‌تر می‌شود تا جایی که گاه تذکر داده می‌شود دستگاه بدون حضور کارشناس مربوط باز نشود.

باری، انسان برترین و پیچیده‌ترین کالای کمپانی آفرینش الهی است که حقیقت او پس از گذار هزاران سال از تاریخ ظهور انسان، بر همگان پنهان مانده و به تصریح قرآن از جمله اسراری است که برای آدمیان دست‌یافتنی نیست. اهمیت وجود قرآن در دوران ما زمانی آشکار می‌شود که دریابیم جهان، گسترده‌ترین تحولات در عرصه علم و دین را تجربه می‌کند. در عرصه علم، بسیاری عصر ما را عصر انفجار اطلاعات می‌نامند؛ دورانی که مرزها و فاصله‌های طولانی جغرافیایی با کمک ابزارهایی همچون ماهواره و اینترنت به حداقل ممکن کاهش یافته و جهان پهناور دیروز به دهکده و بلکه به تعبیر دیگر اندیش‌وران به خانه‌ای جهانی تبدیل شده است.

چنان‌که به اذعان عموم صاحب‌نظران، عصر ما را باید دوران بازگشت به دین و معنویت دانست؛ زیرا همگان نیک به خاطر دارند که جهان پس از دوران رنسانس و ظهور مدرنیته و با تفوق علم و تجربه، با موجی از خداگریزی روبه‌رو شد و مکاتبی همچون مارکسیسم، اومانیزم و پوزیتیویسم با تمام توان به جنگ ادیان الهی آمدند و در کنار انکار همه مظاهر متافیزیکی، دین را افیون ملت‌ها دانستند و نزدیک به چهار سده بر طبل کفر نواخته و پرچم الحاد را بر بام برخی از کشورها برافراشتند.

اما اینک در سایه لطف بیکران الهی، عموم تفکرات الحادی از رونق افتاده و شماری از آن‌ها به تاریخ سپرده شدند و جهان بازگشت به دین و اخلاق را تجربه می‌کند. تأثیر بازگشت به خدا، اخلاق و معنویت را حتی در دهه‌های فیلمی که هالیوود تولید می‌کند، می‌توان مشاهده کرد به گونه‌ای که امروزه معنویت و معناگرایی را از شاخصه‌های سینمای امروز می‌شمارند و آموزه‌هایی همچون حیات پس از مرگ، حیات برزخی، امکان اخبار از غیب، ارتباط زندگان با مردگان و به عکس، در این نوع از فیلم‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرد.

اقبال روزافزون مردم به مراکز پرستش اعم از مسجد، کلیسا، کنیسه و معبد و نیز ظهور معنویت‌های نوگرا که البته با آفاتی روبه‌رو هستند، همگی از موج خداگرایی و آخرت‌باوری در میان جهانیان حکایت دارد. باری، انسان امروز تشنه حقیقت و معنویت است، با این حال نمی‌داند که کشتی ایمان و باور خود را در ساحل کدام دین و آیین

قرآن را از این جهت می‌توان به روشوری تشبیه کرد که کمپانی‌های مختلف به هنگام عرضه کالاهای تولید شده خود در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌دهند و تأکید می‌کنند که لازم است پیش از استفاده و گشودن آن کالا، آن روشور مطالعه شود

سیوطی و التمهید استاد معرفت در زمینه تفسیر ترتیبی در مراحل آغازین، خلاصه تفسیر نمونه و خلاصه تفسیر المیزان قابل توصیه است. در زمینه تفسیر موضوعی دو کتاب پیام قرآن از آیت‌الله مکارم و معارف قرآن از آیت‌الله مصباح جزو آثار خوب به شمار می‌روند.

سیر مطالعاتی پیشنهادی درباره حدیث

نخست عنایت داشته باشید که مطالعات حدیثی دو حوزه اساسی دارد:

۱. علوم حدیث؛

۲. معارف حدیث.

علوم حدیث نیز شامل چهار دانش اساسی است که عبارتند از:

۱. تاریخ حدیث؛ ۲. درایة الحدیث؛ ۳. رجال الحدیث؛ ۴. فقه الحدیث

معارف حدیثی شامل جوامع حدیثی و کتب شروح روایات است.

منابع علوم حدیث را در یک نگاه کلی می‌توان به سه دسته اساسی تقسیم کرد:

۱. منابع عمومی

مراد آن دسته از کتاب‌هایی است که به زبان فارسی و بیشتر برای آشنایی آغازین با علوم حدیث فراهم شده‌اند. در این بخش می‌توانید کتب حدیثی از مؤلفان ذیل را دنبال کنید: (اسامی بدون القاب است) استاد شانه‌چی، زین‌العابدین قربانی، مجید معارف، احمد پاکتچی، مهدی مهریزی، عبدالهادی مسعودی، کاظم طباطبایی، مهدی غلامعلی، کتب حدیثی این ناچیز و ...

۲. منابع متوسط

یعنی آن دسته از منابعی که به زبان عربی فراهم شده و سطح مباحث در آن‌ها از گستردگی بیشتری برخوردار است. در این بخش کتب حدیثی از مؤلفان ذیل پیشنهاد می‌شود: هاشم معروف الحسینی، احمد حاج حسن، علامه عسکری، حسینی جلالی، نورالدین عتر، صبحی صالح، عمر فلاته، محمد مصطفی اعظمی و ...

۳. منابع اصیل

مراد از منابع اصیل آن دسته از منابعی است که به عنوان منابع مادر دانش حدیث از آن‌ها نام برده شده و عموماً به عنوان معتبرترین و قدیمی‌ترین منابع از آن‌ها یاد می‌شود. مقدمه ابن‌صلاح، معرفه علوم الحدیث حاکم نیشابوری و مقیاس الهدایه از علامه مامقانی از این دسته‌اند.

با توضیحی که داده شد شما می‌توانید مطالعات حدیثی را بر اساس سه مرحله و سه سطح از منابع دنبال کنید. در زمینه معارف حدیثی، توصیه اصلی این‌جانب، مطالعه میدانانی و کامل «کافی» شریف است که مناسب است در حضور استاد یا به صورت مطالعه و در ضعیف‌ترین حالت با مطالعه فردی دنبال شود. ❖

پهلو زند. از این‌جا می‌توان به اهمیت قرآن به عنوان تنها کتاب آسمانی دست‌نخورده پی برد که می‌تواند اسلام را به عنوان کامل‌ترین دین در میان دوازده دین زنده کنونی دنیا به جهانیان معرفی کند. به‌رغم برخورداری قرآن از جایگاه رفیع هدایت آدمیان، این کتاب همان‌گونه که خود اعلام کرده، حتی در میان مسلمانان مهجور است و عموماً از آن به هنگام ازدواج، خرید خانه و بر سر گور مردگان برای تبرک و تیمن بهره می‌گیرند.

مردم از این جهت بسان بندگانی می‌مانند که نامه مولای خود را بر بالای طاقچه‌ای گذاشته و هر روز در برابر آن کرنش کرده و آن را می‌بوسند، در حالی که در آن اعلام شده که آنان آزادند و آنان به خود زحمت گشودن آن را نمی‌دهند تا خود را از یوغ بندگی آزاد کنند.

سیر مطالعاتی قرآن

مطالعات قرآن نیز در یک نگاه کلان به دو بخش اصلی علوم و معارف قرآن تقسیم می‌شود. مراد از علوم قرآن، دانش‌های پیرامونی این کتاب آسمانی است که مباحثی همچون تاریخ قرآن، قرائات، زبان قرآن، تاریخ تفسیر، مبانی و روش‌های تفسیری و ... را در بر می‌گیرد.

مقصود از معارف قرآن، مطالعات ناظر به درون‌مایه آیات و سوره است که از آن به تفسیر قرآن یاد می‌شود و عمدتاً به دو صورت مطالعات ترتیبی (تفسیر ترتیبی) و مطالعات موضوعی (تفسیر موضوعی) قابل پیگیری است.

منابع علوم قرآن نیز بسان منابع علوم حدیث در سه سطح قابل تقسیم‌اند:

۱. منابع عمومی

مراد آن دسته از کتاب‌هایی است که به زبان فارسی و بیشتر برای آشنایی آغازین با علوم قرآنی فراهم شده‌اند. کتب مؤلفان ذیل به عنوان منابع عام قابل معرفی هستند: میر محمدی، محمدباقر حجتی، مهدوی‌راد، بابایی، محمود رجبی، سعیدی روشن، جوان آراسته، مؤدب، رضایی، قائمی‌نیا، و چند کتاب از این ناچیز.

۲. منابع متوسط

یعنی آن دسته از منابعی که به زبان عربی فراهم شده و سطح مباحث در آن‌ها از گستردگی بیشتری برخوردار است. کتب مؤلفان ذیل را می‌توان در عداد کتب متوسط در زمینه علوم قرآن معرفی کرد:

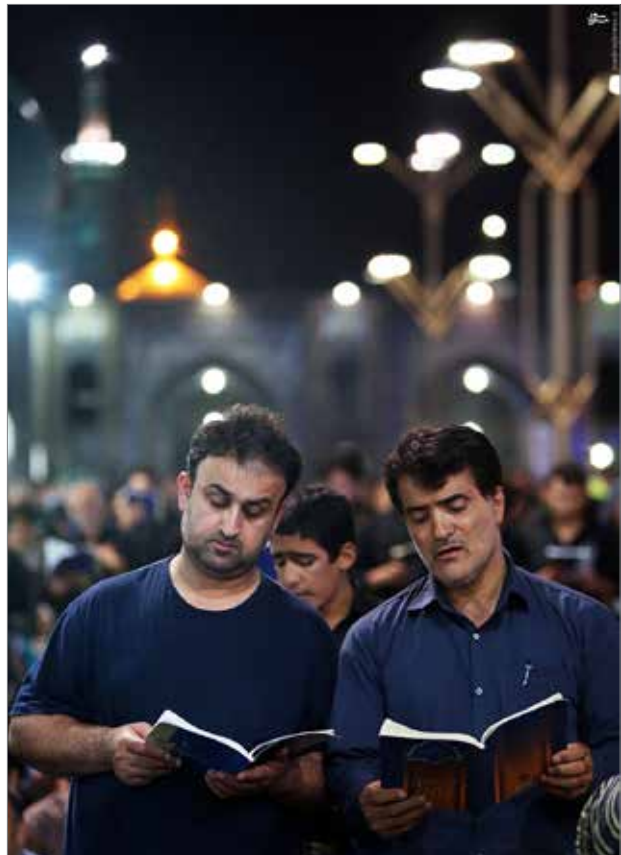
آیت‌الله خویی، علامه عسکری، محمود رامیار، شهید صدر، جعفر مرتضی‌عاملی، صبحی صالح، عبدالرحمن العک، بنت الشاطی، میلانی، و ...

۳. منابع اصیل

مراد از منابع اصیل آن دسته از منابعی است که به عنوان منابع مادر دانش حدیث از آن‌ها نام برده شده و عموماً به عنوان معتبرترین و قدیمی‌ترین منابع از آن‌ها یاد می‌شود. در زمینه علوم قرآن سه منبع را می‌توان به عنوان منابع اصیل برشمرد که عبارتند از: البرهان زکشی، الاتقان



باری، انسان برترین
و پیچیده‌ترین
کالای کمپانی
آفرینش الهی است
که حقیقت او پس
از گذار هزاران
سال از تاریخ‌ظهور
انسان، برهمگان
پنهان مانده و به
تصریح قرآن از
جمله اسرار است
که برای آدمیان
دست‌یافتنی نیست



دو سوی دعا

چه کسانی بیشتر به دعا
احتیاج دارند؟

سیده معصومه محمدی

دعا، صمیمی‌ترین شیوه ارتباط بندگان با خداوند است که از رهگذر آن هر کس به فراخور نیازها و مقتضیات خویش با ساحت قدس ربوبی به راز و نیاز می‌پردازد. یکی برآورده شدن نیازهای خرد و کلان دنیوی را می‌طلبد، دیگری شرمنده از سیاهی نامه عمل خویش بخشایش الهی را درخواست می‌کند. بنده‌ای دیگر

که گام در راه پرورش و فراز سلوک معنوی نهاده و شراب معنا، پیمانه جاننش را لبالب ساخته، توشه‌ای افزون‌تر طلب می‌کند.

در مرتبه‌ای بس فراتر، اولیای الهی از آن‌که بنا بر ضرورت با اینای زمان درآمیخته و از غرقه‌شدن در دریای عشق و تماشای جلوه جمال و جلال حق، ساعاتی محروم مانده‌اند، با اشک سوز عذر تقصیر می‌آورند و توفیق جبران گذشته را از دوست انتظار می‌برند.

باری، در این سوی دعا هزاران بنده با اشک و آه جویای خواسته خودند و در سوی دیگر وجودی ایستاده که خداوندگاری زینده اوست و خود را بیش از همه به دو صفت: «رحمان» و «رحیم» موصوف کرده و در نخستین آیات کتابش، خود را کریم‌تر از هر کریمی دانسته است. خدایی که از راز درون بندگان بهتر از خود آنان آگاه است و از میزان صدق و نیازشان حتی اگر بر زبان جاری نکنند، باخبر است. هم‌او که چنان به بندگان نزدیکی است که در پاسخ پرسش آنان حتی به پیامبرش اجازه وساطت در پاسخگویی نمی‌دهد و چنان بردبار است که از اصرار فزون از حد بندگان رنجور نمی‌شود و چنان بر قله جود و سخا ایستاده که هر چه ببخشد، خزینه‌های کرمش پایان نمی‌گیرد. او چنان قدرتمند است که در راه اجابت خواست بندگان، هر مانعی را از سر راه بر می‌گیرد. از همه شیرین‌تر آن‌که نه بارگاه او حاجبی دارد و نه لختی آسایش می‌طلبد تا نیازداران را براند و به زمانی دیگر حواله دهد. آیا چنین معبودی زینده راز و نیاز، دعا و حاجت‌خواهی نیست؟

نیازمندان به دعا

امیرالمؤمنین علی(ع) در این باره می‌فرماید: «مَا الْمُتَبَلِّغُ الَّذِي قَدْ اَشْتَدَّ بِهِ الْبَلَاءُ - يَخُوجُ إِلَى الدَّعَاءِ - الَّذِي لَا يَأْمَنُ الْبَلَاءُ: أَنْ كَسَّ بِهِ

شَدَّتْ بِهِ بَلَا مَبْتَلَاست از کسی که مبتلا نیست ولی در هیچ لحظه ایمن از بلا نمی‌باشد، محتاج‌تر به دعا نیست.» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۰۲) امام(ع) در این گفتار حکیمانه به نکته‌ای اشاره می‌کند که بسیاری از افراد از آن غافلند، مردم غالباً به افراد گرفتار توجه دارند به خصوص برای گرفتارانی که به شدت مبتلا شده‌اند؛ گرفتاری مالی یا انواع بیماری‌ها، مسائل مختلف و کسانی که به آنان علاقه‌مندند دعا می‌کنند که خدا آن‌ها را از گرفتاری رهایی بخشد و از کسانی که ظاهراً سالم و بدون گرفتاری هستند غافلند؛ در حالی که آن‌ها نیز به همان اندازه و گاه بیشتر نیاز به دعا دارند، زیرا هر لحظه ممکن است نعمت عافیت، آرامش، غنا و ثروت از آن‌ها گرفته شود. با این توجه، هر دو گروه نیازمند دعا هستند، در حالی که مردم معمولاً به یکی توجه داشته و از دیگری غافلند. اضافه بر این، افرادی که در عافیتند گاه گرفتار غرور و غفلت فوق‌العاده‌ای می‌شوند در حالی که مبتلایان، نه مغرورند و نه غافل و پیوسته به در خانه خدا رفته و دعا می‌کنند، و از این نظر حال عافیت‌مندان از مبتلایان سخت‌تر است.

همچنین امام(ع) در سخن دیگری در مورد دعا می‌فرماید: «تَقَدَّمُوا بِالْدَّعَاءِ قَبْلَ نَزُولِ الْبَلَاءِ: پیش از آن‌که بلا نازل شود دعا کنید.» (بحارالانوار، ج ۹۰ ص ۳۸۰) امام صادق(ع) هم در این باره می‌فرماید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ فِي الشَّدَّةِ فَلْيَكْثِرِ الدَّعَاءَ فِي الرَّخَاءِ: کسی که دوست دارد به هنگام شدت و بلا دعایش مستجاب شود، در زمانی که در راحتی و آرامش است زیاد دعا کند.» (بحارالانوار، ج ۹۰ ص ۳۸۱) ❖

منابع:

۱. علی نصیری، درسمانه اخلاق اسلامی، انتشارات وحی و خرد، ۱۳۹۲، قم.
۲. عباس سرشته، دعا در نهج‌البلاغه

رجب ماه ولایت است

در باب فضیلت‌های
ماه رجب



دکتر محمدعلی فتح‌الهی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

فرهنگی

رجب، ماه ولایت است، شعبان، ماه رسالت و رمضان، ماه خداوند. بندگان صالح خداوند برنامه‌های ویژه و مضاعف عبادی خود را از ماه رجب آغاز می‌کنند و آن را مقدمه اساسی درک لیل‌القدر می‌دانند. گرچه اعتکاف ماه رجب سنت پسندیده‌ای است که در کشور رایج شده است، اما برای آنان که اهل سیر و سلوک‌اند، و لحظات این جهان را مجالی برای گفتگو و خلوت با خداوند می‌شناسند، همه لحظات ماه رجب فرصت طلایی برای قرب و توشه برگیری است.

خوشا به حال رجبیون که در قیامت به آنان خطاب خواهد شد: «أین الرجبیون!» شیرینی و ابتهاج گفتگو با خداوند به‌خوبی در ابیات ذیل بازتاب یافته است: من آنچه خواندم همه از یاد من برفت/الا حدیث دوست که تکرار می‌کنم * ایام خوش آن بود که با دوست به سر شد/باقی همه بی‌حاصلی و بی‌خبری بود.

ماه رجب، ماه بارش رحمت الهی و ریسمانی بین خدا و بندگان است تا به آن چنگ زنند. این سیاست الهی است که برای راه انداختن معنوی انسان‌ها، ابتدا عنایت ویژه و لطف علی‌حده‌ای برای آن‌ها دارد که بدون هیچ‌گونه زحمت و تلاشی در فضای زندگی بهشتی قرار گیرند و طعم معنوی آن را بچشند تا به تدریج، خود برای دستیابی به آن تلاش نمایند. فضای بهشتی دوران ده ساله مدینه پیامبر اسلام (ع) هم که برای بشریت اعطا شد و همچنین فضای ملکوتی جبهه‌های جنگ تحمیلی که برای مردم ایران عطا گردید، برای آن بود که بدانیم این فضاها، قابل تحقق هستند. در مرحله بعد باید خود تلاش کنیم که به آن مدینه فاضله و آن عطر و بوی بهشتی دست یابیم. با شروع ماه رجب، چه اتفاقی می‌افتد که روزهای عادی زندگی ما، یک دفعه رنگ حیات و بوی بهشت می‌گیرند و با معنویت و عالم غیب ارتباط

برقرار می‌شود و چگونه این تحول عظیم رخ می‌دهد. سخن مولای متقیان را به یاد می‌آوریم که فرمودند: «الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ بَيْنَ جُمَادَى وَ رَجَبٍ».

خصوصیات و آثار و برگات ماه شعبان، نسبت به ماه رجب و ماه رمضان، حالت وسطی دارد. همان‌طور که پیامبر اسلام (ص) خلیفه الهی بین امت است؛ ماه شعبان هم که ماه ایشان است واسط بین ماه خدا یعنی ماه رجب و ماه امت یعنی ماه رمضان است. همان‌طور که جایگاه خلافت و برزخیت کبری، محل تفصیل اجمال و تفریع اصول است؛ ماه شعبان هم ماه شعبه‌ها و شاخه‌های خیرات است و اگر کسی طغیان کند برای او، محل شعبه‌ها و شاخه‌های شرور و جهنم خواهد بود. در ماه شعبان، عنایات الهی وجود دارد؛ در عین حال که بندگان هم راه رفتن را آموخته‌اند.

گسترش سایه رحمت و ولایت الهی در ماه رجب باعث می‌شود که بندگان در سرایشی عرفان الهی قرار گیرند و در فضای عبادی حق غوطه‌ور شوند. اما با خروج از این ماه، هنوز حد وسطی لازم است که بندگان بتوانند با عمل و تمسک به برنامه‌های آن، که عبارت از دستورهای شرع مبین است، ارتباط خود را با حضرت حق برقرار داشته باشند. فروع گوناگون دین، همان شعبه‌های این ماه هستند. ماه شعبان است که بندگان را آماده ورود به ماه رمضان می‌کند که بتوانند با عبادات خود، رحمت واسعه الهی را جلب کنند.

پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود: «يَا عَلِيُّ، أَنْتَ بِمَنْزِلَةِ الْكَعْبَةِ تَوْتَنِي وَلَا تَأْتِي فَيَأْكُلُهَا هَؤُلَاءِ الْقَوْمُ فَسَلِّمُوا لَكَ فَأَقْبَلَهُ مِنْهُمْ، وَإِنْ لَمْ يَأْكُلُوا فَلَا تَأْتِهِمْ»؛ یا علی جایگاه تو همچون کعبه است. نزد تو می‌آیند و تو نزد دیگران نمی‌روی. اگر مردم آمدند و امر زعامت حکومت را به تو واگذار کردند، بپذیر، اما اگر نیامدند، سراغ آن‌ها نرو. پیامبر اسلام (ص)، علی (ع) را به منزله کعبه معرفی کرده‌اند که باید مردم به سوی آن حضرت بشتابند تا تشکیل حکومت بدهد. روشن است که این کار بدون زور و اجبار صورت می‌پذیرد و تنها ایمان و معرفت دینی باعث می‌شود که مردم با تحمل سختی‌ها، سراغ حضرت رفته و مقدمات حکومت او را فراهم نمایند. چنین جایگاه اساسی برای ایمان، در شکل‌گیری جوامع و حکومت دینی متصور است که به نوبه خود، پایه اصلی مردم‌سالاری دینی است. بنابراین حفاظت و مراقبت از ایمان دینی مردم، از جمله اصلی‌ترین وظایف حکومت است. ❖



برای آنان که اهل
سیر و سلوک‌اند،
ولحظات این
جهان را مجالی
برای گفتگو و
خلوت با خداوند
می‌شناسند، همه
لحظات ماه رجب
فرصت طلایی
برای قرب و توشه
برگیری است



مراقبت ایام

نگاهی به کتاب ارزشمند «المراقبات» اثر
آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی

سید جواد میرخلیلی

کتاب شریف المراقبات، از جمله آثار عالم ربانی و عارف بزرگ، مرحوم آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی در حوزه اخلاق و عرفان به شمار می‌رود. در این کتاب علاوه بر یادآوری و ذکر مهم‌ترین اعمال و مراقبات سال و ذکر نکاتی درباره سیر و سلوک، به مناسبت‌های مختلف در زمینه معارف اسلامی مباحث ارزنده‌ای ارائه شده است. این کتاب که به منظور مراقبت از اوقات شریف و قابل استفاده در طول سال نوشته شده است، همراه نکات مفید دیگر و تذکرات اخلاقی مؤلف که از ضمیر روشن و پاک او برمی‌خیزد، شیرینی و حلاوتی خاص به کام خواننده می‌چشاند که در سایر کتب، کمتر تجربه می‌کند.

میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، بر این باور است به کمک این کتاب به آسانی می‌توان از روزهای سال مراقبت کرده و برای یک بار بعضی از اعمال سال را انجام داد، چرا که در این کتاب به طور اختصار مهم‌ترین اعمال وارده و لازم‌ترین مراقبات را آورده است. ایشان در مقدمه اثر ارزشمند خود نوشته است: یقین داشته باش که هیچ‌گاه نمی‌توانی ظاهر خود را اصلاح نمایی مگر با اصلاح باطن. زیرا سرچشمه اعمال قلب است و از همین روست که از قلب صالح جز عمل صالح و از قلب فاسد جز عمل فاسد بر نمی‌آید. بنابراین مهم‌ترین کارها اصلاح قلب است. و قلب از ملکات نفسانی پیشین و خطورات قلبی تأثیر می‌پذیرد. خطورات قلبی نیز از محسوسات و ملکات نفسانی و خلق و خوی سرچشمه می‌گیرد. اکنون اگر کسی نتوانست قلب خود را از این راه اصلاح کند، چاره‌ای جز کوبیدن در لطف و بخشش خدای کریم و رحیم (برای توفیق، تأیید و هدایت) نخواهد داشت. به همین جهت اگر کسی واقعاً بفهمد که نمی‌تواند نفس و قلب خود را اصلاح نماید و چاره‌ای جز درخواست رحمت پروردگار خود ندارد - و خود را مانند کسی ببیند که در دریای عمیقی در حال غرق شدن یا در آتش گرفتار شده است - و خود، دل، عمل و کارش را به خدا سپرده و به عنایت او خوشبین باشد، حتماً نجات یافته، سعادتمند شده و به خواسته خود می‌رسد. زیرا او توانایی است که ناتوان نشده، بخشنده‌ای است که بخل نورزیده و امینی است که خیانت نمی‌کند و گفته‌اند - و چه خوب گفته‌اند -: مبارزه با فریب‌های نفس و شیطان پایانی ندارد؛ مگر این که عجز خود را به خوبی درک کرده و صادقانه به خداوند پناه بریم. پس باید عمل خود را به خدا سپرده، باطن، روح، قلب، بدن، ایمان و عمل را به خداوند تسلیم نماید که خداوند در حق کسی جفا و خیانت نمی‌کند.

ساختار کتاب

مؤلف، پس از مقدمه‌ای زیبا و سرشار از معنا، در شانزده فصل به هر کدام از ماه‌های قمری (از محرم تا ذیحجه) می‌پردازد و در خاتمه با تذکراتی اخلاقی کتاب را به پایان می‌رساند. در این کتاب به ترتیب فصول این مباحث آمده است:

مراقبات ماه محرم، مراقبات ماه نیک صفر، مراقبات ماه ربیع‌الاول، مهم‌ترین اعمال این ماه، مراقبات ماه ربیع‌الآخر، مراقبات ماه جمادی‌الاولی، مراقبات ماه جمادی‌الآخر، مراقبات ماه رجب، مراقبات ماه شعبان، مراقبات ماه مبارک رمضان، اعمال شب آخر ماه رمضان، مراقبت شب عید فطر، مراقبات روز عید فطر، مراقبات ماه شوال، مراقبات ماه ذی‌القعدة الحرام و اسرار مراقبات ماه ذی‌الحجه، به ترتیب عناوین فصول کتاب المراقبات هستند.

مترجم این کتاب، آقای ابراهیم محدث هم درباره این کتاب می‌نویسد: المراقبات، حاصل عمر عارف بالله و سالک الی الله، مرحوم آیت الله حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی قدس سره است. او در این کتاب علاوه بر یادآوری و ذکر مهم‌ترین اعمال و مراقبات سال و ذکر نکاتی درباره سیر و سلوک،



روندگان راه بندگی

تقریظ مرحوم علامه طباطبایی بر کتاب المراقبات

این کتاب دریای لبریزی است که در سنگ و پیمانه ننگد و مؤلف آن پیشوای والامقامی است که بلندای زیاد شخصیت او را هیچ مقیاسی قابل اندازه گیری نیست...

... برادرانم! زندگی دنیا بازیچه‌ای بیش نبوده و زندگی حقیقی سرای آخرت است. انسان در زندگی پست دنیا وظیفه‌ای جز آماده شدن برای زندگی آخرت، پیمودن راه نزدیکی به خداوند، پیشه کردن بندگی و تواضع در مقابل خدا ندارد. حجابی بین او و پروردگارش نیست و چاره‌ای جز ایستادن در پیشگاه خداوند نمی‌باشد.

بنابر این انسان باید در جایگاه نیاز ایستاده و علامت بندگی را در خود آشکار نماید؛ به پروردگار عزت روی نموده و متوجه ساحت بزرگی و عظمت او شود و با نام‌ها و صفات نیکوی او و به وسیله دعا به او نزدیکی جوید و با مراقبت در روزها و شب‌های مختلف و ماه‌ها و سال‌ها به او متوسل و خود را در مسیر ورزش بادهای انس و نسیم‌های قدس او قرار دهد. چنان که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: در طول زندگانی شما نسیم‌هایی از رحمت‌های پروردگار می‌وزد، بهوش باشید! به آن رو کنید و به آن پشت نکنید.

به جان خودم سوگند، روش گذشتگان مقرب و روندگان راه بندگی، یعنی محمد و آل پاک او و سایر پیامبران، راستگویان، شهدا و صالحین همین بوده است و آنان چه همراهان خوبی هستند.

به باور مرحوم علامه، این کتاب المراقبات از بهترین کتاب‌هایی است که در این زمینه نگارش یافته است. در این کتاب لطایفی که اهل ولایت خدا از آن مراقبت نموده و نکات ظریفی که در دل سرگشتگان محبت خدا خطور کرده و تمام مطالبی که مربیان درباره عبادت خدا فهمیده‌اند، وجود دارد.

به مناسبت‌های مختلف در زمینه معارف اسلامی مباحث ارزنده‌ای دارد. مسائلی از قبیل ذکر برخی از وقایع تاریخ اسلام، حقیقت قرآن، آداب قرائت قرآن، آداب و شرایط دعا، راز عدم استجابت برخی از دعای نیکان، بعثت، غدیر، ولایت، اخلاص، ریا، عالم‌های مختلف هستی، اسرار حج، مباحله، آداب وعظ، آداب افطار و سحری، حقیقت عید و آداب آن و ...

شرافت ماه رجب

در فصل هشتم و در باب ماه رجب آمده است:

این ماه، ماه بسیار شریفی است به این جهت که؛
۱. از ماه‌های حرام است.

۲. از اوقات دعاست و حتی در زمان جاهلیت به این مطلب مشهور بوده و مردم آن زمان منتظر این ماه بوده تا در آن دعا کنند.

۳. این ماه، ماه امیرالمؤمنین (علیه السلام) است؛ همان‌طور که در بعضی از روایات آمده است چنانچه شعبان، ماه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و رمضان ماه خدای تعالی است.
۴. شب اول آن یکی از چهار شبی است که تأکید به زنده نگهداشتن آن به عبادت شده است.

۵. درباره روز نیمه آن آمده است که محبوب‌ترین روزها نزد خداوند بوده و زمان انجام عمل «استفتاح»

۶. روز بیست و هفتم این ماه، مبعث پیامبر اکرم (ص) است.

روزی که زمان ظهور رحمت خداوند است؛ چیزی که از اول خلقت تاکنون مانند آن دیده نشده است.

این گوشه‌ای از فضایل این ماه بود و به باور وی ما توان فهم تمام فضایل این ماه شریف را نداریم.

درباره مؤلف

عالم عامل، فقیه کامل، اخلاقی مهذب، استاد باتقوا، مرحوم آیت الله حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی تحصیلات خود را در نجف اشرف نزد علمای برجسته عصر خود به پایان رسانید. مراتب سلوک و اخلاق را از مظهر انوار هدایت، انسان ملکوتی، استاد بزرگ، مشهور به مولی حسینی همدانی اخذ کرده و فضایل نفسانی را نزد او تکمیل نمود. در فقه و اصول، شاگرد علامه شیخ آقا رضا همدانی و سایر علما بود. سپس به ایران بازگشته، در سرای ایمان، یعنی شهر قم، ساکن و مشغول به وظایف علمی و عملی خود گردید و مصداق بارزی از آنچه درباره علامات ایمان و آثار یقین می‌گویند بود. آتش محبت خدای متعال و جانشینان او علیهم السلام چنان در دل شریفش زبانه می‌کشید که گویی قلب او پاره‌ای از آتش بود.

تألیفات او عبارتند از:

۱. اسرار الصلوة

۲. سیر الی الله معروف به رساله لقایه

۳. المراقبات یا اعمال السنه (همین کتاب)

۴. رساله‌ای در فقه

۵. رساله‌ای در اصول

لازم به ذکر است که این دو کتاب آخر چاپ نشده است. ❖



ریسمانی میان خدا و بنده

لحظه لحظه ماه رجب را
غنیمت شماریم

سید حسین امامی

رجب، ماه پربرکتی است که اعمال بسیاری برای آن ذکر شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «هر کس یک روز از ماه رجب را روزه بگیرد، مستوجب خشنودی خدا می شود»

و غضب الهی از او دور می گردد و دری از درهای جهنم بر روی او بسته می شود. اعمال ماه های رجب و شعبان به منظور آماده ساختن روح برای شرکت در میهمانی ماه مبارک رمضان است. برای درک عظمت ماه رمضان باید از قبل خود را آماده کنیم.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «ماه رجب، ماه استغفار امت من است. پس در این ماه بسیار طلب آمرزش کنید که خدا آمرزنده و مهربان است.»

روزه ماه رجب

مرحوم شیخ صدوق کتابی دارد با عنوان «فضایل الاشهر الثلاثة» و در آن روایات مربوط به فضایل سه ماه «رجب، شعبان و رمضان» را گرد آورده که خود بیانگر عظمت و امتیاز این سه ماه بر سایر ماه های سال است. از امام کاظم (ع) درباره عظمت ماه

رجب این چنین نقل شده است: «رجب شهر عظیم یضاعف الله فيه الحسنات و یمحو فيه السيئات و من صام یوما من رجب تباعدت عنه النار مسيرة سنة و من صام ثلاثة أيام وجبت له الجنة: ماه رجب، ماه بزرگی است که در آن حسنات چند برابر و گناهان در آن محو می شود. کسی که یک روز در ماه رجب روزه بگیرد، آتش جهنم به اندازه یکصد سال از او فاصله می گیرد، و کسی که سه روز در آن ماه روزه بگیرد، بهشت برای او واجب می شود.»

امام رضا (ع) نیز در باب روزه ماه رجب فرمودند: «من صام أول یوم من رجب رغبة فی ثواب الله عز وجل و جهت له الجنة و من صام یوما فی وسطه شفع فی مثل ربيعة و مضر و من صام فی آخره جعله الله من ملوک الجنة و شفعه فی أبيه وأمه وابنه و ابنته و أخیه و

عمه و عمته و خاله و خالته و معارفه و جرانه و این کان فیهم مستوجب للناز؛ هر کس اولین روز از ماه رجب را به امید ثواب خداوند - عز و جل - روزه بگیرد، بهشت برای او واجب می‌شود، و هر کس یک روز از وسط آن را روزه بگیرد شفاعتش در افراد کثیری به تعداد قبیله ربیعہ و مضر (قبیله‌های پرجمعیت آن زمان) قبول خواهد شد و هر کس یک روز از آخر آن را روزه بگیرد، خداوند او را از سلاطین بهشت قرار می‌دهد و شفاعت او را در مورد پدر، مادر، پسر، دختر، خواهر، برادر، عمو، عمت، دایی، خاله، آشنایان و همسایگانش می‌پذیرد؛ هر چند در بین این افراد، مستحق آتش نیز وجود داشته باشد.»

در حدیث دیگری از امام کاظم (ع) آمده است: «إن نوحا ركب السفينة أول يوم من رجب فأمر من معه أن يصوموا ذلك اليوم وقال: من صام ذلك اليوم تباعدت عنه النار مسيرة سنة: حضرت نوح (ع) در روز اول ماه رجب بر کشتی سوار شد و به همراهان خود فرمان داد که آن روز را روزه بگیرند و فرمود: هر کس این روز را روزه بدارد، آتش جهنم به فاصله یک سال از او دور می‌شود.»

شب بخشش فراوان

شب اولین جمعه ماه رجب به «لیله الرغائب» اشتها دارد و توصیه شده روزه روزه گرفته شود و در آن شب دوازده رکعت نماز خوانده شود.

صاحب کتاب «وسائل الشیعة» روایت ذیل را در علت نامگذاری آن آورده است:

ولكن لا تغفلوا عن ليلة أول جمعة منه فإنها ليلة تسميها الملائكة: ليلة الرغائب، وذلك إنه إذا مضى ثلث الليل لا يبقى ملك في السموات والأرض إلا ويجمعون في الكعبة وحواليها ويطلع الله عليهم فيقول لهم يا ملائكتي سلوني ما شئتم، فيقولون: يا ربنا، حاجتنا إليك أن تغفر لصوام

رجب. گویا فرشتگان این نام را بر آن گذاشتند و آنان در آن شب از خداوند می‌خواهند که آرزوهای روزه‌داران ماه رجب را برآورده ساخته و آنان را ببامرزد.

در این شب دوازده رکعت (شش نماز دو رکعتی) و خواندن دعای پس از آن توصیه شده است.

در روایت ذیل از رسول خدا (ص) چنین آمده که از اعمال شب اولین جمعه ماه رجب غافل نباشید: «لا تغفلوا عن ليلة أول جمعة من شهر رجب فإنها ليلة تسميها الملائكة ليلة الرغائب، ما من أحد يصوم يوم الخميس أول خميس من رجب ثم يصلي ما بين العشاء والعتمة اثنتي عشرة ركعة، فإذا فرغ من صلاته صلى على سبعين مرة يقول: اللهم صل على محمد وآله ثم يسجد ويقول في سجوده سبعين مرة: سبوح قدوس رب الملائكة والروح، ثم يرفع رأسه ويقول: رب اغفر وارحم وتجاوز عما تعلم، إنك أنت العلي الأعظم، ثم يسجد سجدة ويقول فيها ما قال في الأولى ثم يسأل الله حاجته في سجوده فإنها تقضى.

علامه مجلسی در بابی مستقل به آن پرداخته است. «باب عمل خصوص ليلة الرغائب زائدا على اعمال»

افزون بر محدثان، فقیهان شیعه نیز از نماز لیلہ الرغائب یاد کرده‌اند که دلیلی بر اعتبار آن است. شگفت آن که در روایات اهل سنت نیز از این نماز یاد شده، اما عموم عالمان عامه آن را بدعت دانسته‌اند.

این در حالی است که آنان تأیید می‌کنند که اصحاب رسول خدا (ص) بر این نماز مواظبت داشتند و آن را ترک نمی‌کردند.

رغائب جمع رغیبه است. رغیبه به معنای چیزی است که مورد رغبت و میل و همچنین به معنای بخشش فراوان است؛ بنا بر معنای اول لیلہ الرغائب، شبی است که میل و توجه به عبادت در آن بسیار است

و بندگان خدا در این شب گرایش زیادی به رفتن به در خانه خدا و ارتباط و انس با او دارند. بنابراین خداوند در این شب عنایت خاصی به بندگان خود دارد و خوب است که انسان از خدا بخواهد هر آنچه که بندگان صالح و ارواح طیبه در این شب به آن رغبت دارند، به ما هم عنایت کند.

لیلہ الرغائب نامی عربی است به معنی شب بخشش بسیار که به نخستین شب جمعه ماه رجب گفته می‌شود. در آموزه‌های دینی و اسلامی آمده است که در این شب فرشتگان بر زمین نزول می‌کنند تا رحمت الهی را به جامعه بشری عرضه نمایند.

برای این شب عملی از رسول خدا (ص) ذکر شده است که فضیلت بسیاری دارد و آن بدین قرار است: روز پنجشنبه اول آن ماه - در صورت امکان و بلامانع بودن - روزه گرفته شود، چون شب جمعه شد؛ مابین نماز مغرب و عشاء ۱۲ رکعت نماز اقامه شود که هر دو رکعت به یک سلام ختم می‌شود و در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد، سه مرتبه سوره قدر، ۱۲ مرتبه سوره توحید خوانده شود و چون ۱۲ رکعت به اتمام رسید، ۷۰ بار ذکر اللهم صل علی محمد النبی الامی و علی آله گفته شود.

پس از آن در سجده ۷۰ بار ذکر «سبوح قدوس رب الملائكة والروح» گفته شود. پس از سر برداشتن از سجده، ۷۰ بار ذکر رب اغفر وارحم و تجاوز عما تعلم انک انت العلی الاعظم گفته شود. در این جا می‌توان حاجت خود را از خدای متعال درخواست نمود. ان شاء الله به استجابت می‌رسد.

فرشته‌ای در آسمان هفتم

مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی (ره) در کتاب المراقبات فرموده: یکی از مهم‌ترین مراقبات ماه رجب این



افزون بر محدثان، فقیهان شیعه نیز از نماز لیلہ الرغائب یاد کرده‌اند که دلیلی بر اعتبار آن است. شگفت آن که در روایات اهل سنت نیز از این نماز یاد شده، اما عموم عالمان عامه آن را بدعت دانسته‌اند



چیستی هنر متعهد

در مسیر سیمرغ
مردی در آسمان اشراق
شاعر دریا شدن

سید
محمد



تغزل بهاریه

بهار حرف کمی نیست ما نمی فهمیم
زبان تازه تقویم را نمی فهمیم
درخت پا شد و زخم زمین مداوا شد
هنوز چیزی از این حرف‌ها نمی فهمیم
چرا از آب نگفتن؟ چگونه نشکفتن؟
چگونه این همه اعجاز را نمی فهمیم
نشسته بر سر هر کوچه یک تذکر سبز
دلا! قبول نداریم، یا نمی فهمیم؟
نگاه باغ، پر از بازی پرستوهاست
دل عبور نداریم تا نمی فهمیم
زمان، زمان بروز صفات باران است
چگونه باز نگوییم ما نمی فهمیم

محمدعلی شیخ الاسلامی

ناگهان

شیشه‌های خانه بی‌غبار شد
آسمان نفس کشید
دشت بی‌قرار شد
بهار شد!

دلم گرفته هوای بهار کرده دلم
هوای گریه بی‌اختیار کرده دلم
رها کن از لب بام آن دو بافه گیسو را
هوای یک شب دنباله‌دار کرده دلم
بیا بیا که برای سرودن بیتی
هزار واژه خونین قطار کرده دلم
به هر تپش که نفس تازه می‌کند باری
مرا به زیستن آمیدوار کرده دلم
کنون که آخر پیری نمانده دندان
غزال خوش خط و خالی شکار کرده دلم
بخند ای لب خونین، لب ترک خورده
دلم شکسته هوای انار کرده دلم

سعید بیابانکی

بهار بهار
صدا همون صدا بود
صدای شاخه‌ها و ریشه‌ها بود
بهار بهار
چه اسم آشنایی؟
صدات می‌اد... اما خودت کجایی
وا بکنیم پنجره‌ها رو یا نه؟
تازه کنیم خاطره‌ها رو یا نه؟
بهار اومد لباس نو تنم کرد
تازه‌تر از فصل شکفتنم کرد
بهار اومد با یه بغل جوونه
عید آورد از تو کوچه تو خونه
حیاط ما یه غریبل
باغچه ما یه گلدون
خونه ما همیشه
منتظر یه مهمون
بهار اومد لباس نو تنم کرد
تازه‌تر از فصل شکفتنم کرد
بهار بهار یه مهمون قدیمی

یه آشنای ساده و صمیمی
یه آشنا که مثل قصه‌ها بود
خواب و خیال همه بچه‌ها بود
آخ... که چه زود قلک عیدایمون
وقتی شکست باهات شکست دلامون
بهار اومد بر فارو نقطه‌چین کرد
خنده به دل مسردگی زمین کرد
چقد دلم فصل بهار و دوست داشت
واشدن پنجره‌ها رو دوست داشت
بهار اومد پنجره‌ها رو وا کرد
من و با حسی دیگه آشنا کرد
یه حرف یه حرف، حرفای من کتاب
شد
حیف که همش سوال بی‌جواب شد
دروغ نگم، هنوز دلم جوون بود
که صبح تا شب دنبال آب و نون بود

محمدعلی بهمنی

بهار آمد و باز آمدند لک‌لک‌ها
نگاه پنجره پر شد، پر از چکاوک‌ها
صدای خنده گل‌ها در آسمان پیچید
زمین شکفت و جوان شد ز رقص پیچک‌ها
گشوده شد قفس چله‌ها به دست نسیم
گذشت از سر کاج، ابر بادبادک‌ها
نگاه گربه همسایه را به حوض حیاط
گره زد از سر دیوار برق پولک‌ها
برای آن که بخندند کودکان در شهر
هزار بار شکستند بغض قلک‌ها
بهار حادثه‌ای مثل روز روشن بود
چه چشم‌ها که ندیدند پشت عینک‌ها
دوباره مثل همیشه به خانه‌اش نرسید
کلاغ قصه که ترسید از مترسک‌ها

ناصر فیض



با شیطنتی درخت را پیر کشید
یک کوچه بن‌بست به تصویر کشید
نوروز، میان بوم نقاشی خود
تقویم دل مرا پر از تیر کشید
*
در هر وجب از خاک تو را می‌جوید
چون دشت عطشناک، تو را می‌جوید
نوروز رسید و باز دلتنگ توام
دلتنگ‌ترین تاک تو را می‌جوید

عبدالرحیم سعیدی راد

دس نیگردار آ بهار، خاک و گلم مونده هنو
دس پاچم نکن، نیگا: فرش دلم مونده هنو
هنو ایوون چشم‌گرت و خاکش پاک نشده
خیلی وقته این چشا ابری و نمناک نشده
آدما میگن تو داروی جوونی رو داری
روی زخم دل عاشقا، تو مرهم میذاری
هر کی عاشق می‌شه نور چشم تو پناهشه
اگر کم بیاره، دست تو تکیه‌گاهشه
آ بهار هر کیو دیدم، بوی پاییز و می‌داد
بوی کوچه‌های تاریک و غم‌انگیز و می‌داد
آ بهار، هر کیو دیدم، خنده‌هاش دروغی بود
برق چشم همه‌شون چراغ بی‌فروغی بود
نکنه وقتی میای باز دوباره خواب بمونم
مث به حباب آواره روی آب بمونم
آ بهار یادت باشه وقتی میای، صدام کنی
قربون برق چشات یادت نره نگام کنی
آ بهار چیکار کنم، خاک و گلم مونده هنو
رسیدی پشت در و فرش دلم مونده هنو

امیر حسین مدرس

بهار آمده اما هوا هوای تو نیست
مرا ببخش اگر این غزل برای تو نیست
به شوق شال و کلاه تو برف می‌آمد...
و سال‌هاست از این کوچه رد پای تو نیست
نسیم با هوس رخت‌های روی طناب
به رقص آمده و دامن رهای تو نیست
کنار این همه مهمان چقدر تنه‌ایم؟!
میان این همه ناخوانده، کفش‌های تو نیست
به دل نگیر اگر این روزها کمی دو دلم
دلی کلافه که جای تو هست و جای تو نیست
به شیشه می‌خورد انگشت‌های باران... آه...
شبیه در زدن تو... ولی صدای تو نیست
تو نیستی دل این چتر، وا نخواهد شد
غمی‌ست باران... وقتی هوا هوای تو نیست! ...

اصغر معاذی



در مسیر سیمرغ

نگاهی به بهانه‌های
مرغانی منطق الطیر عطار
در مسیر حق

زینب مرتضایی فرد

جهانی‌شان نمی‌گذارد که پا در مسیر وصال حق بگذارند.

بلبل؛ مرد عشق‌های ناپایدار

بلبل عاشق است. گرد گل می‌گردد و عمرش را به پای خواندن برای او می‌گذارد. او نمی‌تواند از گل دل بکند. وقتی به دعوت دهد با سفر به بارگاه سیمرغ روبه‌رو و از سختی‌های راه مطلع می‌شود، عشق گل را بهانه می‌کند و از رفتن سر باز می‌زند.

بلبل در منطق الطیر، نماینده انسان‌هایی است که فریب مظاهر دنیایی را خورده و عمر خود را به پای عشق این ظواهر ناپایدار دنیا سپری کرده‌اند. در این دنیا هنوز بلبل‌های بی‌شماری زندگی می‌کنند که عمر خود را به پای عشق‌های به قول مولانا رنگی می‌گذرانند. بنده پول و ثروت و مقام می‌شوند و دل به این جهان گذرا می‌بندند.

طوطی؛ ظاهر پرست

طوطی‌ها همیشه در ادبیات ما بوده‌اند؛ از حکایات مولانا و عطار گرفته تا اشعار حافظ و طوطی در منطق الطیر، زاهد ظاهرپینی است که نه به وصل خداوند، بلکه به بهشت می‌اندیشد و بیش از این هم پاداشی نمی‌خواهد. او در برابر دعوت دهد می‌گوید که نمی‌خواهد جانش را به خطر بیندازد و به دیدار سیمرغ برود و همین که بتواند چشمه خضر را پیدا کرده و اندکی از آن بنوشد برایش کافی

۱۲۴ هزار پیامبر؛ عدد بسیار بزرگی است. خدا همه‌شان را از میان بندگانش برگزیده و فرستاده تا ما را از اسارت جهل و بندهای دنیوی رها کنند و راهمان را به سوی حقیقت محض که خداوند است، بگشایند. در واقع این همه پیامبر آمده‌اند تا ما را به مسیر درست راهنمایی کنند. اما اغلب ما در طول دوره‌های مختلف، همیشه آن‌طور که باید، پا به راه نگذاشته‌ایم و تا توانسته‌ایم مسیر درست را طی نکرده‌ایم. این حکایت طولانی را حکیم عطار نیشابوری، عارف بزرگ ایرانی، در داستان مشهور منطق الطیر روایت کرده است. داستان مرغانی که یکی از آن‌ها، یعنی دهد، قصد دارد همه‌شان را راضی کند که با هم به بارگاه سیمرغ بروند و هر یک عذر و بهانه‌ای می‌آورند تا راهی این سفر نشوند. بارها در این باره شنیده‌اید که برخی مرغان بهانه می‌آورند و با دهد همراه نمی‌شوند، اما کمتر گفته‌ایم چرا مرغان از پا نشسته‌اند. بهانه‌هایشان چه بوده که با دهد همراه نشده‌اند تا به بارگاه سیمرغ برسند. دهد در داستان عطار، نماد پیامبری است که می‌خواهد دل مردم را به خداوند وصل کند. مرغانی که نمی‌روند، نماد بسیاری از ما هستند، ما که هر یک بهانه‌ها و دلبستگی‌هایی داریم که ما را به بند این جهان گرفتار می‌کند. کاش پرنده‌ای که وجودمان را اسیر کرده، پیدا کنیم و به او پرواز را بیاموزیم. به مناسبت ۲۵ فروردین، سالروز بزرگداشت عطار نیشابوری، نگاهی کوتاه به بهانه‌های مرغانی می‌اندازیم که دلبستگی‌های این

بلبل عاشق است. گرد گل می گردد و عمرش را به پای خواندن برای او می گذارد. او نمی تواند از گل دل بکند. وقتی به دعوت هدهد با سفر به بارگاه سیمرغ روبه رو و از سختی های راه مطلع می شود، عشق گل را بهانه می کند و از رفتن سر باز می زند



در ادبیات عرفانی
فارسی بارها شاهد
بوده ایم که زیبایی،
بندی بر پای آدمی
شده است. طاووس
منطق الطیر هم
قربانی زیبایی اش
می شود. جمالش
بندی می شود بر
پایش و او را از
حرکت به سوی
سیمرغ باز می دارد

که با آب و طهارت سروکار دارند و مدعی کرامت و خوارق هستند. این دسته افراد همیشه از سوی عارفان حقیقی مورد نقد واقع می شده اند.

همای؛ پادشاه نشان لافزن

همای هر چند می گوید عزلت نشین است، اما با غرور وارد صحنه داستان می شود. از همت بلندش می گوید، از این که بالانشین است و شاهان همه از لطف او و حضور زیر سایه او توانسته اند به شاهی برسند. او که سخت دچار خودبزرگبینی است، سیمرغ را یار مناسبی برای خود نمی داند و می گوید ترجیح می دهد به خسرونشانی یا همان اعطای پادشاهی مشغول باشد و راهی سفر دور و دراز قله قاف نشود. همای در این داستان، نماد مردم لافزن و متکبر است که خود را والا نشان می دهند.

کوف؛ عزت طلب

شاید او را با این نام ننشاسید، اما اگر بگوییم جغد، ذهن همه می رود به سمت موجودی که روزها می خوابیده، شبها بیدار بوده و از نظر قدما منحوس بوده است. او در منطق الطیر نزد دیگر مرغان می رود و می گوید که از همه دنیا خرابه ای را انتخاب کرده و در آن زندگی می کند. او نماد مردم گوشه گیر و انزواطلب است و معتقد است عشق به سیمرغ و قدم نهادن در راه رسیدن به او کار مردانه و دشواری است که بیشتر به افسانه شبیه است. از این رو هر کسی از پس این کار بر نمی آید.

بوتیمار؛ تنگ چشم بخیل

نام دیگرش غم خورک است. بوتیمار در افسانه های ادبیات فارسی به تنگ چشمی و بخیلی آوازه دارد. مشهور است که بوتیمار همیشه در تشنگی به سر می برده، اما آن هنگام که به رودخانه و دریا می رسیده، غم بسیار می خورده که مبادا آب دریا تمام شود و او از تشنگی بمیرد، به همین علت آب نمی خورده است. این پرنده در منطق الطیر هم نماد مردم خسیس و لئیم است. خودش می گوید حاضر نیست از مقابل دریا تکان بخورد. مقابلش می نشیند و اگر قطره ای از آب دریا کم شود، دچار عذاب می شود.

صعوه؛ جاه نشین

صعوه، نوعی گنجشگ کوچک و نمادی است از مردان ضعیف و عاجزی که تحمل سختی را ندارند. او می گوید خیلی ضعیف است و هیچ زور بازویی ندارد. تأکید می کند حتی از یک مورچه ضعیف تر است و توان سفر به بارگاه سیمرغ را ندارد. بنابراین ترجیح می دهد در جایی که هست، بماند و مثل همیشه در چاه ها روزگار سپری کند. او می گوید من اگر به راه منزل سیمرغ بیفتم یا می میرم یا می سوزم، بنابراین در راه محال پا نمی گذارم و سمت درگاه او حرکت نمی کنم. ❖

است. او هر چند پشت میله های قفس که این جهان است، زندانی می شود، اما حاضر نیست پا در مسیر درست بگذارد. طوطی، همان زاهد ظاهر پرست شعر حافظ است که از حال عارفان و خداجویان آگاهی ندارد.

طاووس؛ خودشیفته ای در انتظار پادشاه

طاووس که در بهشت زندگی می کرده و با هیبت حضرت آدم به این کره خاکی آمده، اصل خود را از بهشت می داند و به زیبایی اش مغرور است. او با خود شیفتگی مدام از زیبایی های خود می گوید و بیان می کند که منتظر است دوباره به بهشت؛ یعنی همان جایی برگردد که روزگاری در آن به دور از هر زندگی خوش و خرم زندگی می کرده است. در ادبیات عرفانی فارسی بارها شاهد بوده ایم که زیبایی، بندی بر پای آدمی شده است. طاووس منطق الطیر هم قربانی زیبایی اش می شود. جمالش بندی می شود بر پایش و او را از حرکت به سوی سیمرغ باز می دارد.

کبک؛ ثروت پرست

او هم نزد سیمرغ نمی رود. چرا؟ چون پایش در گل گیر کرده است. نه این که فکر کنید واقعا این اتفاق افتاده است؛ آن طور که خودش روایت می کند، پایش در گل گوهر گیر کرده است. او اسیر طلا و سنگ های گران قیمت است. این عشق تا حدی بر او غلبه کرده که نمی تواند از آن دست بکشد و راهی سفر دیگری شود. او گوهرهای قیمتی را ارزشمندترین چیز زندگی اش می داند و روزگار را با اندوختن آن می گذراند. بنابراین کبک ثروتمندوز داستان ما می ماند و به بارگاه سیمرغ نمی رود.

باز؛ اسیر دست شاه

باز در گذشته روی دست پادشاهان جا داشته است. او را در شیوه هایی که هنوز هم با عنوان کله داری از آن یاد می شود، تربیت می کرده اند تا اهلی شود و روی دست شاه بنشیند، آن ها را در شکارها همراهی کند و همچنین نمایشگر قدرت شاه باشد. باز قصه عطار هم از تلاش دائمی برای نزدیکی به شاه گفته و به این موضوع می بالد. او حاضر است هر کاری بکند تا به حکومت و مرکز قدرت نزدیک باشد. باز در این داستان، نماد درباریانی است که می کوشند به پادشاه نزدیک شوند و این نزدیکی را به هر قیمتی حفظ کنند.

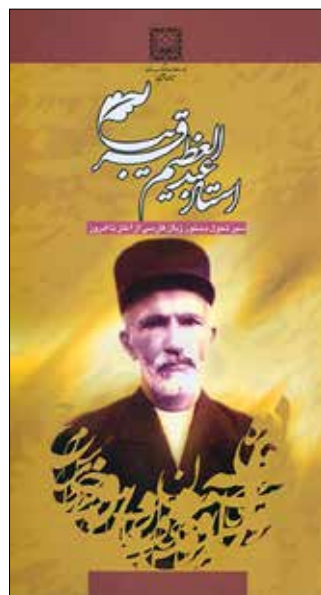
بط؛ مدعی داشتن کرامات خاص

در میان عارفان و صوفیان ایرانی همیشه بر سر انجام امور خرق عادت و کرامت بحث و جدل فراوان بوده است. بط یا به زبان امروزی ما مرغابی که عطار روایت می کند، مدام در آب است و غسل به جا می آورد. او خود را پاک از هر گناه و بدی می داند و مدام از کراماتش حرف می زند. روی آب می ایستد، سجاده بر آب می افکند و روی آب نماز می خواند. بط در این داستان، نماد زاهدان و عابدان و صوفیانی است

دکتر قریب ادبیات

بنیان‌گذار دستور زبان فارسی نوین

محمد محمدی



برای مردم چهره چندان شناخته‌شده‌ای نیست، او را به نام نمی‌شناسند و با آثارش آشنایی چندانی ندارند. اما زنده‌یاد عبدالعظیم قریب گرگانی، از چهره‌های برجسته کشور در حوزه زبان و ادبیات فارسی است. او علاوه بر عناوینی چون نویسنده، مدرس و متخصص دستور زبان و ادبیات فارسی، عنوان بنیان‌گذار دستور زبان فارسی نوین را هم در کارنامه فعالیت‌های خود جای داده است. هر چند به واسطه سریال تلویزیونی «روزگار قریب» دامادش، زنده‌یاد دکتر محمد قریب، برای همه شناخته‌شده است، اما کمتر کسی می‌داند پدرزن دکتر قریب این سریال، دکتر زبان و ادبیات فارسی بوده و تا این حد در شکل‌گیری و

پیشرفت دستور زبان نوین فارسی نقش داشته است.

عبدالعظیم قریب، فرزند میرزا علی سرشته‌دار، مرداد ۱۲۵۸ در گرگان، از توابع آشتیان متولد شد. مقدمات زبان فارسی و عربی را در زادگاه خود آموخت. در نوجوانی به تهران آمد و نزد اساتید بزرگ آن روزگار به تحصیل و فراگیری زبان و ادبیات عرب، علم اصول، هیئت و نجوم پرداخت. منطق و حکمت را در مدرسه سپهسالار جدید نزد میرزا طاهر تنکابنی و زبان فرانسوی را در مدرسه دارالفنون فراگرفت.

از سال ۱۳۲۰ قمری در مدرسه دارالفنون و سپس در دارالمعلمین مرکزی شروع به تدریس ادبیات فارسی کرد. استادان دارالمعلمین، کسانی چون ابوالحسن فروغی، شیخ مرتضی نجم‌آبادی و فاضل تونی نسبت به «جناب میرزا» احترام خاصی قائل بودند. میرزا عبدالعظیم خان قریب همچنین در مدرسه سیاسی و مدرسه ایران و آلمان تدریس می‌کرد و علاوه بر تدریس فارسی، سر درس آموزگاران آلمانی حضور می‌یافت تا سبک نوین تدریس را از آنان فراگیرد و به کار ببرد. هنگامی که دانشگاه تهران تأسیس شد، قریب از اولین کسانی بود که به مقام استادی دانشگاه برگزیده شد و در دانشکده ادبیات عهده‌دار تدریس دستور زبان فارسی شد و این سمت را تا پایان عمر به عهده داشت. همچنین به عضویت فرهنگستان ایران نیز انتخاب شد و از اعضای برجسته این فرهنگستان به شمار می‌رفت. عبدالعظیم قریب در زبان و ادبیات فارسی و عربی تسلط بی‌مانندی داشت و حدود ۵۸ سال از عمرش

را با عشق و علاقه صرف تدریس دستور زبان فارسی و تعلیم و تربیت فرهیختگان ایران کرد. زمانی که زنده‌یاد قریب تدریس را آغاز کرد، در مدارس به زبان فارسی اهمیتی داده نمی‌شد و متون مناسب برای تدریس این زبان به محصلان در دسترس نبود و یا اصلاً وجود نداشت. زنده‌یاد قریب قواعد زبان فارسی را به سبک دستورهای فارسی زبان اروپایی تدوین کرد و دستور زبان فارسی را در چهار جلد تألیف کرد. همچنین منتخباتی از نظم و نثر اساتید زبان فارسی را به نام فوائدالادب تهیه کرد که سال‌ها در مدارس تدریس می‌شد.

در واقع باید گفت قریب، نخستین استادی بود که دستور زبان فارسی را در قالبی ساده و روشن تدوین کرد و تدریس آن را به صورت ماده مستقل در مدارس رواج داد. استاد عبدالعظیم قریب در سال ۱۳۲۶ طی جشنی از سوی دانشگاه تهران مورد تقدیر قرار گرفت و به پاس خدمات علمی و فرهنگی خود به دریافت نشان ویژه دانشگاه تهران نائل شد و یکی از تالارهای دانشگاه نیز به نام این استاد بزرگ ادبیات فارسی نامگذاری شد. زنده‌یاد قریب، سوم فروردین ۱۳۴۴ در تهران درگذشت. مزارش در جوار حرم حضرت عبدالعظیم، در ایوان حرم مشرف به صحن آیت‌الله کاشانی واقع است. فرهنگستان زبان و ادب فارسی، برای قدردانی از خدمات فرهنگی او خانه قدیمش را در روستای گرگان بازسازی کرده و مرکز مطالعات دستور زبان فارسی قرار داده و مراسم افتتاح آن نیز در ۲۰ آبان ۱۳۷۸ برگزار شد. ❖

شاعر دریا شدن

به یاد سلمان هراتی،
تصویرگر طبیعت و
راوی راز و نیاز با خدا

محمد رضا جم‌منش



ویژگی خاص و لحن مختص به خود است. زبان شعر او صمیمی و ساده است، او تمام صداقت و صمیمیت خود را در قالب شعرهایش می‌ریخت. شعر او در عین ارتباط تنگاتنگ با طبیعت و راز و نیاز با خدا، دارای مضامین اجتماعی و پر شور است.

خواننده شعرهای سلمان هراتی، در وهله نخست بیش از هر چیز با ایدئولوژی شاعر مواجه می‌شود. بیشتر اشعار سلمان، مستقیم یا غیر مستقیم، به بازگویی جهان‌بینی، اعتقادات و برداشت‌های اجتماعی و سیاسی او می‌پردازد. سلمان هراتی شعر را برای ادای تعهد اجتماعی و حتی گاه سیاسی خود می‌داند. آن‌جا که سلمان از وطن می‌گوید، منظورش ایران معاصر است و در وصف آن، نه به تاریخ سرک می‌کشد و نه مختصات فرهنگ ملی را برجسته می‌کند، بلکه از ایرانی سخن می‌گوید که نام خیابان‌هایش را از شهیدان برگزیده‌اند، بهشت زهرایی دارد که آبروی زمین است، میزبان حضرت امام(ره) بوده و به واسطه جنگ، چندین تالستان است که در خون و آفتاب می‌رقصد.

زبان شعر سلمان هراتی، زبان شعر انقلاب است. او را می‌توان از

سلمان هراتی یکی از شاعران برجسته انقلاب اسلامی، اول فروردین ۱۳۳۸ همراه با بهار به دنیا آمد و در خانواده‌ای مذهبی رشد کرد. درس‌های دوره ابتدایی تا پایان دوران متوسطه را در زادگاهش خواند. سپس در دانشسرای راهنمایی تحصیلی پذیرفته شد و پس از دو سال در رشته هنر، مدرک فوق دیپلم گرفت. پس از پایان تحصیلات، در یکی از مدارس روستاهای دور لنگرود مشغول تدریس شد. تخلص او در اشعارش «آذرباد» بود و در شعرهایش می‌توانیم تأثیرپذیری او از سهراب سپهری را ببینیم، او حتی یکی از شعرهایش را تقدیم به سهراب سپهری کرده است. دوستی او با سیدحسن حسینی و قیصر امین‌پور زیانزد است، سیدحسن حسینی بعد از مرگ سلمان یکی از بهترین آثار ادبی‌اش؛ یعنی کتاب «بیدل، سپهری و سبک هندی» را تقدیم به او کرد و قیصر امین‌پور هم کلیات او را منتشر کرد.

هراتی از شاعران بنام عصر انقلاب است که زبان، اندیشه و دیدگاه نوینی در اشعارش جلوه‌گر است. شعر سلمان با تصاویر بدیع از طبیعت و حالات درونی انسان، ارتباط با خدا،

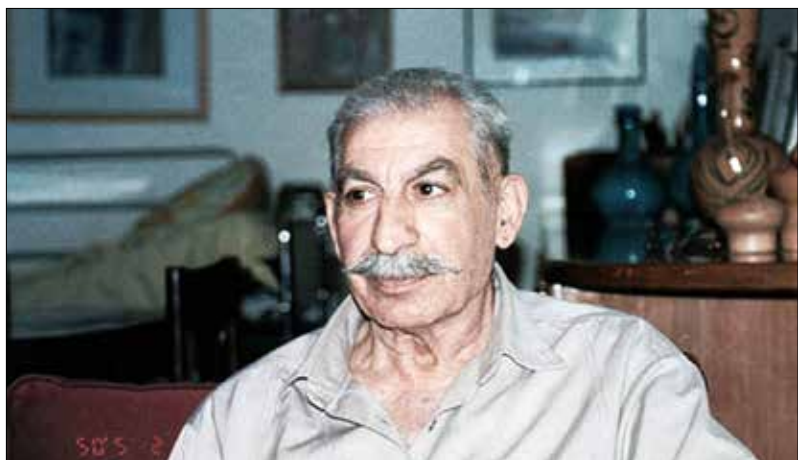
تأثیرگذارترین شاعران در حوزه زبان این دوره دانست. کمتر خواننده‌ای است که در ارتباط برقرار کردن با شعر سلمان به مشکل بیفتد. در شعر او، کلمات طوری در کنار هم چیده شده‌اند که هیچ کدامشان برای بقیه غریب نیست. او یکی از پانزده شاعر برگزیده بیست سال شعر جنگ هم محسوب می‌شود که در سال ۱۳۷۹ معرفی شد. او یکی از شاعران برجسته و توانا در عرصه انقلاب و شعر جنگ است که خیلی زود انقلاب را درک و آن را در اشعارش منعکس کرد. شعر سلمان، سرشار از عشق، ایمان و خلوص است که ارزش‌های بی‌بدیل هویت انسانی را نشان می‌دهد. در شعر او جنگ، عنصری ضد بشری و ویران‌کننده نیست، بلکه زیبا و واجب است و رنگ دفاع مقدس به خود می‌گیرد: وقتی که از هوای گرفته بودن به سمت جبهه می‌آیی تمام تو در معیت آفتاب است زیر کسای متبرک توحید...

سلمان هراتی ۹ آبان ۱۳۶۵ در لنگرود درگذشت. این شاعر ۲۷ سال عمر کرد اما از او آثار ماندگاری به‌جا مانده است. در ادامه یکی از مشهورترین اشعار او را با هم می‌خوانیم: پیش از تو آب معنی دریا شدن نداشت شب مانده بود و جرأت فردا شدن نداشت

بسیار بود رود در آن برزخ کبود
اما دریغ زهره دریا شدن نداشت
در آن کویر سوخته، آن خاک بی بهار
حتی علف اجازه زیبا شدن نداشت
گم بود در عمیق زمین شانه بهار
بی تو ولی زمینه پیدا شدن نداشت
دل‌ها اگر چه صاف ولی از هراس سنگ
آینه بود و میل تماشا شدن نداشت
چون عقده‌ای به بغض فرو بود
حرف عشق... این عقده تا همیشه سر
واشیدن نداشت ❖



خواننده شعرهای
سلمان هراتی،
در وهله نخست
بیش از هر چیز با
ایدئولوژی شاعر
مواجه می‌شود



داستان نویسی پر کار

کوتاه از زندگی نادر ابراهیمی،
عاشقانه نویسی که برای امام (ره) نوشت

نویسنده، روزنامه‌نگار، فیلمساز، ترانه‌سرا و مترجمی است که چهل و هفت سال از عمرش را صرف نوشتن کرده و اغلب ما او را با عاشقانه‌نویسی‌های بی‌نظیرش می‌شناسیم. «چهل نامه کوتاه به همسرم»، «بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم»، «یک عاشقانه آرام» و ... آثار شناخته‌شده زنده‌یاد نادر ابراهیمی هستند که قلمش برای بسیاری از ما آشناست. این نویسنده ۱۴ فروردین ۱۳۱۵ در تهران متولد شده و ۱۶ خرداد ۱۳۸۷ در سن ۷۲ سالگی در تهران درگذشت.

نادر ابراهیمی تحصیلات مقدماتی خود را در تهران گذراند و پس از گرفتن دیپلم ادبی از دبیرستان دارالفنون، به دانشکده حقوق وارد شد. اما این دانشکده را پس از دو سال رها کرد و سپس در رشته زبان و ادبیات انگلیسی لیسانس گرفت. از ۱۳ سالگی به یک سازمان سیاسی پیوست که بارها دستگیری، بازجویی و زندان رفتن را برایش در پی داشت. ارائه فهرست کاملی از شغل‌های ابراهیمی، کار دشواری است. او خود در دو کتاب «ابن مشغله» و «ابوالمشاغل» ضمن شرح وقایع

زندگی، به فعالیت‌های گوناگون خود نیز پرداخته است. از جمله شغل‌های او بوده‌است: کمک کارگری تعمیرگاه سیار در ترکمن‌صحرا، کارگری چاپخانه، حسابداری و تئویلداری بانک، صفحه‌بندی روزنامه و مجله و کارهای چاپ دیگر، میرزایی یک حجره فرش در بازار، مترجمی و ویراستاری، ایران‌شناسی عملی و چاپ مقاله‌های ایران‌شناختی، فیلمسازی مستند و سینمایی، مصور کردن کتاب‌های کودکان، مدیریت یک کتابفروشی، خطاطی، نقاشی و نقاشی روی روسری و لباس، تدریس در دانشگاه‌ها و...

در تمام سال‌های پرکار و بی‌کار یا وقت‌هایی که در زندان به سر می‌برد، نوشتن را که از ۱۵ سالگی آغاز کرده بود کنار نگذاشت. در سال ۱۳۴۲ نخستین کتاب خود را با عنوان «خانه‌ای برای شب» به چاپ رسانید که داستان «دشنام» در آن با استقبالی چشمگیر مواجه شد. تا سال ۱۳۸۰ علاوه بر صدها مقاله تحقیقی و نقد، بیش از صد کتاب از او چاپ و منتشر شده است که دربرگیرنده داستان بلند (رمان) و کوتاه، کتاب کودک و نوجوان، نمایشنامه، فیلمنامه و پژوهش در زمینه‌های گوناگون است. ضمن آن که چند اثرش به زبان‌های مختلف دنیا برگردانده شده‌است.

ابراهیمی در عرصه ادبیات کودکان، جایزه نخست براتیسلاوا، جایزه نخست تعلیم و تربیت یونسکو، جایزه کتاب برگزیده سال ایران و چندین جایزه دیگر را هم دریافت کرده است. او همچنین عنوان «نویسنده برگزیده ادبیات داستانی ۲۰ سال بعد از انقلاب» را برای داستان بلند و هفت‌جلدی «آتش بدون دود» به‌دست آورده است.

این نویسنده که بیشتر با داستان‌ها و عاشقانه‌هایش شناخته می‌شود، اثر ماندگار دیگری هم دارد با نام «سه دیدار با مردی که از فراسوی باور ما می‌آمد». کتاب، گزارش سه نوبت دیدار نویسنده با امام خمینی (ره) است. مجلدات اول و دوم کتاب را نادر ابراهیمی در بین سال‌های ۷۵ تا ۷۷ نوشته است. کتاب اگرچه ۳ جلدی است و نویسنده نیز بارها گفته که آن را در ۳ جلد نوشته، اما تنها دو جلد از آن در دست است و جلد سوم هرگز منتشر نشده است و حالا در سال‌های فقدان نادر ابراهیمی، کسی از سرنوشت جلد سوم خبر ندارد.

جلد نخست با عنوان «رجعت به ریشه‌ها» داستان بلندی درباره زندگی امام خمینی است، که نویسنده در آن کوشیده ابعاد مختلف شخصیتی او را در قالب داستان بررسی کند. این جلد شرح وقایع دوران کودکی امام خمینی و شکل‌گیری شخصیت ایشان است. کتاب نخستین‌بار توسط حوزه هنری در سال ۱۳۷۷ منتشر شده است. ❖

هنر از یک نوع خاص

حسن بنیانیان/رئیس سابق حوزه هنری: هر تحول اساسی در اداره یک جامعه که از آن به عنوان انقلاب نام می‌بریم، درون خود شعارهای محوری و اساسی دارد که تعیین‌کننده مسیر همه تصمیم‌گیری‌های ریز و درشت مسئولین و آحاد مردم وفادار به ارزش‌های آن انقلاب است. حال اگر هنرمندان وفادار به آن انقلاب بتوانند خلاقیت هنری خود را در خدمت تعمیق و استقرار شعارهای اصلی آن انقلاب قرار دهند، به آن آثار هنر انقلابی می‌گویند و البته موفقیت این هنرمندان وقتی تکمیل می‌شود که بین محتوای آثار، شعارهای انقلاب و نیازهای فطری انسان پیوند هم‌افزایی ایجاد شود. هنر انقلاب اسلامی، نوع خاصی از هنر است که وقتی در معرض استفاده مخاطب قرار گرفت، درک و تعهد مخاطب را از ارزش‌های انقلاب اسلامی افزایش دهد و یا آشنایی او را از تاریخ انقلاب و زحمات کشیده‌شده در باب پیروزی یا تداوم انقلاب افزایش دهد و در بیانی دیگر بتواند یاران جدیدی را برای حمایت از انقلاب به صحنه آورد و همچنین با افشای توطئه‌های دشمنان، تلاش‌های آن‌ها را نقش بر آب کند. ویژگی هنر انقلاب اسلامی، همراه‌سازی عقلانیت، آگاهی و احساس مخاطبین برای حمایت از انقلاب اسلامی است که از همه ظرفیت‌های علمی، تجربی و حماسی همه مردان و زنان آزاده اسلامی در طول تاریخ هزار و چهارصد ساله از ظهور اسلام تا امروز می‌تواند استفاده کند و به موازات آن از همه موفقیت‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بهره‌بردار؛ همان‌طور که از ظرفیت‌های اندیشه‌های ناب دین اسلام، با قرائت اسلام ناب محمدی (ص) می‌توان بهره جست. به عقیده من سرمایه‌گذاری روی استعدادهای جوان استان‌های مختلف بهتر جواب می‌دهد و از این راه بیشتر می‌توان به خلق آثار هنری انقلابی خدمت کرد.

چیستی هنر متعهد



انقلاب، خونی در رگ‌های هنر

علیرضا کمری/ محقق و نویسنده: هنر انقلاب اسلامی به هنری اطلاق می‌شود که دارای چند ویژگی باشد؛ یکی از بُعد هنری، یعنی معیارها و ارزش‌های زیباشناسانه داشته باشد، دیگری این‌که با ارزش‌ها، باورها و نگرش‌های اسلامی همسو و همخوان باشد و همچنین ارزش‌ها، نگره‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی در آن تجلی داشته باشد.

هنر انقلاب اسلامی الزاماً هنری نیست که شعارها و نمادهای انقلاب اسلامی در آن محسوس، مشهود و مستقیم به کار گرفته شده باشد، گاهی روح اثر، ترجمان و گویای فرهنگ و ارزش‌های انقلاب اسلامی است؛ در واقع هنر انقلاب اسلامی در همه ساحت‌های هنری مانند هنرهای تجسمی، ادبی، سنتی و نو می‌تواند جلوه بیابد.

هنر انقلاب اسلامی، هنری ملهم از فرهنگ، ارزش‌ها، باورها و نگرش‌های اسلامی است. این هنر، تعالی بخش و رشددهنده است، عدالت‌گرا و ستم‌ستیز است و به تعبیر فرهنگ قرآنی، نورپار و ظلمت‌گریز و بدی‌ستیز است. هنر انقلاب اسلامی با مفاهیم و نگرش‌های انقلاب اسلامی مانند استکبارستیزی و دفاع از مستضعفان همخوانی و همسویی دارد. تفاوت مقوله هنر با هنر انقلاب اسلامی در آن است که هنر می‌تواند شهوانی و فرودین باشد، اما هنر انقلاب اسلامی، هنری رحمانی، فرازین و آفاقی انفسی است؛ یعنی در عین حال که آن جهانی است این جهان را فراموش نمی‌کند. در عرصه کاری نیز که نوشتن، به‌ویژه در حوزه ادبیات و به شکل ویژه‌تر ادبیات و فرهنگ عاشوراست، تقید به طرح ابعاد حماسی، عبرتی و آموزه‌های عاشورایی شاخص‌تر است و هنر انقلاب اسلامی در حوزه نگارش و نوشتن چون خون در رگ‌های همه آثار جریان و سرپان دارد. ❖

مردی در آسمان اشراق

به احترام سید مرتضی آوینی و شاعرانگی‌های عارفانه‌اش

فؤاد زندی

به روایت تقویم، ۲۰ فروردین روز هنر انقلاب اسلامی نام گرفته است؛ به یاد مردی که هنر را معنایی تازه بخشید. او هنر را بلد بود، انقلاب را می‌فهمید، جبهه‌های جنگ را با همه وجودش احساس کرده بود و هنر ایران اسلامی را معنایی تازه بخشید. شهید مرتضی آوینی، هنرمند فیلمسازی که «سید شهیدان اهل قلم» لقب گرفته است، از سال ۱۳۵۸ همراه با گروه جهاد وارد عرصه مستندسازی شده بود. روز ۲۰ فروردین ۱۳۷۲ در اثر اصابت ترکش مین به شهادت رسید و به بهانه سالروز شهادت و گرامیداشت نامش، این روز با پیشنهاد هنرمندان حوزه هنری و تأیید رهبر معظم انقلاب، روز هنر انقلاب اسلامی نام گرفت.

دوربین در دست مردی عاشق

سیدمرتضی آوینی ۲۰ مهر ۱۳۲۶ در شهر ری به دنیا آمد. در سال ۱۳۳۳ کلاس اول دبستان را در خمین به پایان رساند، دو سال بعد به دلیل موقعیت شغلی پدر از خمین به زنجان رفتند. از آن‌جا که در زنجان مدرسه‌ای نبود، بنابراین پدرش مدرسه‌ای در این شهر دایر کرد و مرتضی توانست دوره ابتدایی را تمام کند. دبیرستان خود را هم در کرمان در رشته ریاضی پشت سر گذاشت. آوینی خدمت سربازی خود را هم در نیروی هوایی به پایان رساند و در سال ۱۳۴۴ وارد دانشکده هنرهای زیبا شد.

شهید آوینی در معماری و ادبیات به دنبال معنای واقعی هنر بود و در عین حال که دانشجوی هنر بود، به فلسفه و ادبیات علاقه فراوانی داشت. به گفته بسیاری از هم دوره‌ای‌هایش، آوینی دارای نبوغ ویژه‌ای در فلسفه و ادبیات بود. به نقاشی و شعر گرایش زیادی داشت، هم نقاشی می‌کرد و هم شعر می‌سرود.

در سال ۵۷ پس از بازگشت امام خمینی (ره) از تبعید و پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، به فرمایشات رهبر کبیر انقلاب به دقت گوش می‌داد. پس از انقلاب اسلامی، مرتضی آوینی به آرمان‌های امام (ره) و انقلاب به شدت گره خورد و راه حقیقی را یافت. در سال ۱۳۵۸ وارد جهاد سازندگی شد و پس از زمان کوتاهی به فیلمسازی روی آورد.

از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷ به همراه گروهی ساخت مجموعه مستند «روایت فتح» را آغاز کرد. ساخت مستند «روایت فتح» از عملیات خیبر شروع شد و تا عملیات مرصاد ادامه داشت. آوینی روش مستندسازی‌اش را که هدف آن ظاهر کردن واقعیت بود «مستند اشراقی» نام گذاشت. آثار



ارزنده این هنرمند برجسته موجب شکل‌گیری مؤسسه فرهنگی روایت فتح در اواخر سال ۱۳۷۰ شد که البته نباید نقش رهبر معظم انقلاب و فرمان و تأکید ایشان بر تداوم تولید مستندهای روایت فتح را در این میان نادیده گرفت.

شهید آوینی و گروه فیلمبرداران روایت فتح، بعد از این بود که سفر به مناطق جنگی را از سر گرفتند و طی مدتی کمتر از یک سال کار تهیه شش برنامه از مجموعه ده قسمتی «شهری در آسمان» را به پایان رساندند و مقدمات تهیه مجموعه‌های دیگری را درباره آبادان، سوسنگرد، هویزه و فکه تدارک دیدند. «شهری در آسمان» که به واقعه محاصره، سقوط و باز پس‌گیری خرمشهر می‌پرداخت در ماه‌های آخر حیات زمینی شهید آوینی از تلویزیون پخش شد، اما برنامه او برای تکمیل این مجموعه و ساختن مجموعه‌های دیگر با شهادتش در روز جمعه بیستم فروردین ۱۳۷۲ در فکه ناتمام ماند و بر اثر انفجار مین به شهادت رسید.

شهید آوینی در سال‌های ۵۸ و ۵۹ بیش از یکصد فیلم ساخته بود که بعضی عناوین مهم آن‌ها عبارتند از: مجموعه «خان‌گزیده‌ها»، مجموعه «شش روز در ترکمن‌صحرا»، «فتح خون»، مجموعه «حقیقت»، «گم‌گشتگان دیار فراموشی (بشاگرد)»، مجموعه «روایت فتح» و در چهارده قسمت اول از مجموعه «سراب» نیز مشاور هنری و سرپرست مونتاژ بود.

مردم او را نمی‌شناختند

جالب این‌جاست که تا قبل از شهادت، مردم آوینی را چندان نمی‌شناختند و تنها با آثارش روبه‌رو بودند. جامعه، مستندهای «روایت فتح» را می‌شناخت و نه آوینی را، چرا که این هنرمند به خود قول داده بود دیگر چیزی که حدیث نفس باشد را ننویسد و از خودش سخنی به میان نیاورد. او به این تصمیم خود وفادار مانده بود و چه بسا اگر به فیض شهادت نائل نشده بود، مردم سال‌های طولانی دیگری هم او را به نام و چهره نمی‌شناختند. شهید آوینی در تبیین ارتباط هنر با عرفان و تفکر می‌نویسد: «هنر از لحاظ مضمون و محتوا، عین تفکر و حکمت و عرفان است و تنها در نحوه بیان و تجلی از آنان متمایز می‌شود. مایه اصلی هنر نیز عشق و عرفان است. مسیحای عشق است که روح شیدایی در پیکر هنر می‌دمد و اگر نباشد این روح، هنر نیز جز جسد مرده

بیش نیست.» و در جایی دیگر می‌نویسد: «شایسته است که هنرمندان، خود را در این آینه عبرت بنگرند، مبدا که برای هنر شأن استکمالی مستقل از دین و کمال و فضیلت و حکمت و فرزانی قائل شوند؛ و اگر نه، این طمع خام آنان را خواهد فریفت که عکس رخ یار را در آینه جام، جمال خویشان انگازند و دل در این عکس منعکس ببازند و هنرشان حجاب اکبر شود. حجاب اکبر، هنری است که تعلق خویش را به آن میثاق ازلی و عهد الست انکار کند.»

اشراق آوینی

شهید آوینی عنوان اشراقی را فی‌البداهه و به گونه‌ای مکاشفه‌آمیز برای کار خود انتخاب کرد و تعبیر ایشان از آن نوعی شهود حقیقت بود. اشراق در لغت به معنی روشن کردن و نور دادن است. با اشراق هر چیزی روشن می‌شود، گویی که خورشید طلوع می‌کند و همه‌جا را غرق نور می‌کند. این هنرمند در آثارش به دنبال اشراق بود و البته باید تأکید کرد تعریف او از اشراق شباهتی به فلسفه اشراق سهروردی، فیلسوف بزرگ کشورمان، ندارد. او اشراق خاص خودش را دارد. از نگاه آوینی تجربه اشراق این است که انسان چنان به حقیقت نزدیک شود که حجاب نفس از میان برود. به همین دلیل فیلمسازی او بیش از آن‌که بر توان و تکنیک فیلمساز تأکید کند، به ادراک و برداشت او از حقیقت باز می‌گردد. از این رو در کار او شاهد تصویربرداری‌ها از تعاریف رایج، و روایتی شعرگونه که دوربین را به دل جنگ می‌برد، بدون هیچ ترسی از این‌که مبدا جانش از دست برود، با رزمنده‌ها ساده و صمیمی حرف می‌زند و جنگ را با روایت خاص خودش بیان می‌کند هستیم، کاری که کمتر در آثار اغلب فیلمسازان جنگی در جهان و مستندهای به جا مانده از آن‌ها دیده می‌شود.

نگاه متفاوت او به‌خوبی در نوشته‌ها و فیلم‌های به جا مانده‌اش مشهود است و فارغ از هرگونه تفسیری که این روزها این و آن به آوینی نسبت می‌دهند، باید این مرد را دید و خواند. باید فیلم‌هایش را با همه وجود تماشا کرد، باید نوشته‌هایش را خواند و فارغ از هرگونه قضاوتی اجازه دارد تا شاعرانگی‌های عارفانه «سید شهیدان اهل قلم» در جانمان بنشینند. او بیش از هر چیز تلاش کرد تا آرمان‌های مردم را در آثار و گفتارش جاری کند. هرگز آرمان‌های انقلاب را فراموش نکرد و به آنچه باور داشت سخت معتقد ماند. ❖



تا قبل از شهادت، مردم آوینی را چندان نمی‌شناختند و تنها با آثارش روبه‌رو بودند. جامعه، مستندهای «روایت فتح» را می‌شناخت و نه آوینی را، چرا که این هنرمند به خود قول داده بود دیگر چیزی که حدیث نفس باشد را ننویسد و از خودش سخنی به میان نیاورد



عده‌ای به او با نگاه قدسی می‌نگرند روایت رضا بر جی، مستندساز و عکاس جنگ از شهید آوینی

علی سمیعی

کسی به اسم خبرنگار وجود ندارد و واسطه‌ها را برداشت. حتی دوربین هم گاهی احساس نمی‌شود.

در مستندهای به جا مانده، ما با رزمندگانی روبه‌رو می‌شویم که خیلی راحت حرف دلشان را می‌زنند؛ چگونه این فضای صمیمی ایجاد می‌شد؟

ما دو هفته قبل از این که عملیات شود، گردان می‌رفتیم و در طول یک روز شاید یک یا دو دقیقه فیلم می‌گرفتیم و پس از مدتی دوربین برای بچه‌های رزمنده عادی می‌شد و حضورش را حس نمی‌کردند و به همین جهت روز عملیات، دیگر علامت پیروزی را نشان نمی‌دادند و یا این‌طور نبود که خیلی عصا قورت داده بخواهند حرف بزنند. پس از شب عملیات به دلیل همین عادی شدن دوربین، آنچه که می‌گفتند حرف دل بود. مرتضی اعتقاد داشت باید به تکنیک فیلمبرداری کاملاً اشراف داشته باشید و بعد که کاملاً پخته شدید، حجاب تکنیک را پاره کنید و حالا «روایت فتح» را بگیرید.

و می‌رسیم به سینمایی که شهید آوینی از آن با عنوان اشراق یاد می‌کند.

بله. در این اشراق، دوربین شهادت‌دهنده می‌شود و حقیقتی در واقعیت خلق می‌شود. حرف آقا مرتضی این بود که دوربین باید بخشی از شما باشد مثل یک چشم. او دغدغه داشت و با دغدغه‌هایش حرف می‌زد. وقتی امروز یک فیلمساز می‌خواهد برای مثال درباره ایدز فیلمی بسازد، تا وقتی دغدغه این موضوع را نداشته باشد، نمی‌تواند واقعیت را به‌خوبی نشان دهد.

مستندهای به جا مانده از شهید آوینی مستندهایی خاص هستند که از نگاه منتقدان با دیگر مستندهای به جا مانده از جنگ در دیگر کشورها کاملاً متفاوت هستند. کمی از حال و هوای مستندهای این هنرمند و تفاوت‌هایش با دیگر کارهای مشابه بگویید.

آقا مرتضی، نسبت به مستند دغدغه داشت؛ یعنی اگر موضوعی دغدغه شما باشد، خیلی راحت می‌توانید آن را به تصویر بکشید. آقا مرتضی به سینما، در نوع نگاه و ساختار، ادعای داشت. ایشان حاشیه‌های موضوع را می‌گرفت. جنگ از شلیک توپ است تا شلیک نفرات به همدیگر، ولی این خود جنگ نیست. بر این اساس قرار نیست شما اصلاً هیجان‌زده شوید، او می‌خواست در کمال سادگی با بیننده حرف بزند. آقا مرتضی اعتقاد داشت باید مستقیم با مردم حرف بزنیم؛ برای مثال میکروفون را حذف کرد و

رضا بر جی متولد اسفندماه سال ۱۳۴۳ در همدان، مستندساز و عکاس ایرانی است که در بسیاری از جنگ‌های دنیا حضور پیدا کرده است. او از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳ در زمینه عکاسی جنگ فعالیت داشته و از سال ۶۳ تا ۷۱ عکاس روایت فتح بوده است. روایت فتحی که با نام، شهید سید مرتضی آوینی گره خورده است. بر جی در کارنامه فعالیت‌های خود عکاسی در ۷۵ کشور جهان، تهیه‌کننده، کارگردان و تصویربردار ۱۵ سریال مستند، عکاسی و فیلم ۱۴ جنگ در دهه‌های ۶۰، ۷۰ و ۸۰ را دارد و «سواحل اشک و زیتون» (مستندی از جنگ ۳۳ روزه لبنان)، «سال‌های گلوله و زنبق»، «مادران صبرنیتسا»، «لعل بدخشان» و «در امتداد غدیر» برخی آثار شاخص این مستندساز محسوب می‌شوند. با او درباره هنر از نگاه شهید آوینی گفتگو کردیم.

از یادکاری‌های ماندگار او

♦ جاذبهٔ خاک به ماندن می‌خواند و آن عهد باطنی به رفتن، عقل به ماندن می‌خواند و عشق به رفتن... و این هر دو را خداوند آفریده است تا وجود انسان در آوارگی و حیرت میان عقل و عشق معنا شود.

♦ با بهاران روزی نو می‌رسد و ما همچنان چشم به راه روزگاری نو. اکنون که جهان و جهانیان مردانند، آیا وقت آن نرسیده است که مسیحای موعود سر رسد؟ و یحی الارض بعد موتها...

♦ راه کاروان عشق از میان تاریخ می‌گذرد و هر کس در هر زمره که می‌خواهد ما را بشناسد، داستان کربلا را بخواند، اگرچه خواندن داستان را سودی نیست اگر دل کربلایی نباشد...

♦ ای شقایق‌های آتش‌گرفته، دل خونین ما شقایقی است که داغ شهادت شما را بر خود دارد، آیا آن روز نیز خواهد رسید که بلبلای دیگر در وصف ما سرود شهادت بسراید؟

♦ تخیل بال پرواز است، وحی و الهام، هم می‌تواند رحمانی باشد و هم شیطانی، خیال هم می‌تواند مثل کبوترهای سفید در آسمان آبی حریت پرواز کند و هم می‌تواند مثل خفاشی سیاه از سقف مغازه تاریک نفس اماره وارونه آویزان شود.

♦ وطن پرستو بهار است و اگر بهار مهاجر است، از پرستو مخواه که بماند، پرستویی که مقصد را در کوچ می‌بیند از ویرانی لانه‌اش نمی‌هراسد. اگر مقصد پرواز است، پس قفس ویران بهتر.

را نیز تا اندازه‌ای در سینما جاری کرد، ولی متأسفانه فرصت بزرگ شدن پیدا نکرد. به همین دلیل معتقدم که اندیشه‌های آوینی باید دوباره بازخوانی شود. اما آنچه امروز دل مرا به درد می‌آورد این است که شاهد عده‌ای به شهید آوینی با نگاه قدسی می‌نگرند، البته در وارسته‌بودن آوینی شکی نیست، اما بپذیریم که این شهید اهل قلم یک انسان عادی بوده است و از دل جامعه ایرانی با همه عقاید مذهبی که وجود دارد بیرون آمده و در مسیر درستی قدم برداشته است. متأسفانه عده‌ای شهید مرتضی آوینی را آن‌گونه که دوست دارند مطرح می‌کنند. این در حالی است که باید آوینی را همان‌گونه که بود مطرح کنیم. این سید اهل قلم معتقد بود که سینمای اسلامی وجود ندارد، اما می‌توان مسائل مطرح در مباحث دینی را به عنوان سینمای دینی مطرح کرد، ولی در سایر هنرها، مفهوم اسلام به درستی دیده می‌شود.

به اعتقاد آوینی، هنری بودن مقوله سینما نسبت به سایر هنرهای دیگر، از حق دورتر است و به تبع به باطل نزدیک‌تر. سینما از نگاه آوینی به دلیل این‌که الگو قرار می‌گیرد باید تزکیه شود تا ناروایی‌هایی که در پیکره این هنر وجود دارد از بین برود. اما با این حال معتقدم اگر بتوانیم فارغ از جانبداری‌های شخصی، نگاه آقا مرتضی به سینمای اشراق را واکاوی کنیم، می‌توانیم در دیگر هنرها هم افکار ایشان را که مسیری درست و به‌حق داشته است وارد کنیم و از ثمراتش بهره ببریم. ❖

قبل از این‌که به بحث مهم اشراق سینمایی و تأثیر آن بر هنر آوینی بپردازیم، می‌خواهم بدانم از نگاه شما تا چه اندازه ایشان از فلسفه اسلامی و غرب تأثیر گرفته بود؟

موضوع خیلی مهمی است. یکی از خصوصیات شهید آوینی در فیلمسازی، آشنایی کامل او به فلسفه شرق و غرب و عرفان نظری بود. از سوی دیگر سوار بر تکنیک سینما بود و تکنیک را در جهت اهداف و نگاه خود به پیرامون به کار می‌گرفت. در سایه این دانش و آمیختن آن با فلسفه و عرفان بود که آوینی ساخته شد و حاصل این شناخت، ماندگار شدن مستندهای اشراق بود. به اعتقاد من شهید آوینی در سینمای ایران ظرفی از تصویر و فلسفه که بیشتر طرح بیان فلسفه ملاصدرا بود را ساخت. ولی متأسفانه آنچه که بیان کرده بود فرصت بزرگ شدن پیدا نکرد، از همین رو برای شناخت بیشتر شهید آوینی در درجه نخست باید دیدگاه او به جهان هستی و در ادامه سینما را دریافت.

اگر نگاه اشراقی آوینی بازنگری شده و به دور از هرگونه جانبداری وارد عرصه همه هنرها شود، چه نتیجه‌ای خواهد داشت؟

ای کاش خودش می‌ماند تا سینمای اشراق را تکامل می‌بخشید، نظریاتش را درباره این موضوع به وضوح شرح می‌داد و زمینه ورود آن به دیگر هنرها را هم فراهم می‌کرد، اما حالا کار خیلی سخت است. ما می‌دانیم که اشراقیون در فلسفه، نگاه جدیدی به هر موجودی دارند. آقا مرتضی آوینی دیدگاه انسانی به دنیا داشت و این نگاه

گنجینه آسمانی

صدای لطیف و آرامش بخش راوی روایت فتح را یادتان هست؟ اگر مجذوب جملات و ادبیات به کار رفته در آن هستید می‌توانید با ورق زدن کتاب «گنجینه آسمانی» با آن‌ها دیداری تازه کنید. شهید آوینی قریب صد و هفتاد اثر مستند ساخته است که ۶۳ تای آنها مجموعه روایت فتح است. اما گنجینه آسمانی که متن گفتارهای فیلم‌های مجموعه روایت فتح است، متن گفتارهای چند برنامه دیگر را نیز در خود دارد. این برنامه‌های مرتبط با جنگ از اواخر سال ۱۳۷۰ و پس از فرمان مقام معظم رهبری مبنی بر تأسیس مؤسسه فرهنگی روایت فتح، ساخته شدند و سیدمرتضی آوینی حین ساختن یکی از همین برنامه‌ها بود که در فکته به شهادت رسید.



مبانی توسعه و تمدن غرب

شهید آوینی در کتاب «مبانی توسعه و تمدن غرب» ابتدا به ارائه تعریفی از توسعه می‌پردازد و در ادامه آرای متفکران غربی را در این زمینه نقد می‌کند. او با آوردن شاهد مثال‌هایی از انحطاط خانواده و محیط زیست و... در تمدن غرب، پنبه توسعه یافتگی این جوامع را می‌زند. شهید آوینی در فصل‌هایی با عنوان «از دیکتاتوری پول تا اقتصاد صلواتی» و «و ما ادریک ما البانک؟» به بیان مباحثی درباره اقتصاد می‌پردازد. داشتن گوشه چشمی به سیستم آموزشی و نسبت آن با توسعه یافتگی و همچنین نقد مندرجات کتب تاریخ رسمی را که بر اساس اعتقادات غیر واقعی مورخان عصر جدید نگارش یافته از دیگر مباحث این کتاب است.



آغازی بر یک پایان

کتاب «آغازی بر یک پایان»، یکی از بهترین منابعی است که می‌توان برای شناخت ریشه تحلیل‌ها و نظریات شهید آوینی در باب غرب خواند. با خواندن آغازی بر یک پایان، به وضوح می‌توانید از ابشخورهای نظریه‌های سینمایی این متفکر آگاهی پیدا کنید. همان نگاهی که شهید آوینی به انسان و جایگاه او در تناسبات امام و امت دارد و همچنین غایتی که برای انسان انقلابی و مومن متصور است، بن مایه تحلیل‌ها و نظریات هنری اوست.



برای فهم هر شخصیت بزرگی نیاز به بررسی و واکاوی اندیشه‌ها و آثارش داریم، اما این شناخت و فهم، ابتدا با درک آثاری که از او به جای مانده است، میسر می‌شود. شهید آوینی، سید و سالار شهیدان اهل قلم هم همان‌طور که از عنوانی که به او اختصاص داده‌اند پیداست، صاحب اندیشه و قلم بوده و در فیلمسازی هم صاحب سبک. پس بهترین دریچه برای شناخت او مواجهه رو در رو با آثارش است. آوینی خودساخته که از روزگار جوانی بسپار خوانده و اندیشیده و با فلسفه غرب مواجهه داشته، قطعاً وقتی هم انقلابی می‌شود، کتاب می‌نویسد، فیلم می‌سازد و حرف می‌زند، برای هر یک از این کارها دلایل محکمی دارد، دلایلی که می‌توان آن‌ها را در آثارش جست. شش روز در ترکمن صحرا، سیل خوزستان، خان گزیده‌ها، حقیقت، با دکتر جهاد در بشاگرد، هفت قصه از بلوچستان، با تیپ المهدی در محور رأس البیشه، شیر مردان خدا! کربوبلا در انتظار است، روایت فتح و شهری در آسمان فیلم‌های به جا مانده از اوست که اغلب برای مخاطبان آشناست، اما نوشته‌های ایشان که بخش بسیار مهمی از نگاه و تفکر ایشان به جامعه اسلامی و جهان غرب را در خود جای داده است، کمتر معرفی شده. در ادامه به معرفی کوتاه آثار مکتوب این شهید می‌پردازیم.

شهید آوینی در کتاب «مبانی توسعه و تمدن غرب» ابتداء به ارائه تعریفی از توسعه می‌پردازد و در ادامه آرای متفکران غربی را در این زمینه نقد می‌کند



کتاب «آغازی بر یک پایان»، یکی از بهترین منابعی است که می‌توان برای شناخت ریشه تحلیل‌ها و نظریات شهید آوینی در باب غرب خواند

فتح خون



«فتح خون» شهید آوینی فضایی کاملاً متفاوت با دیگر آثار او دارد و تنها کمی به متن‌های او در روایت فتح - کتاب گنجینه آسمانی - پهلوی می‌زند. نویسنده که در این کتاب خود را راوی می‌خواند، هم حوادث و اتفاقات را روایت می‌کند و هم با عبور از ظاهر سعی می‌کند به باطن حوادث هم نقبی بزند. در ده فصل، از هنگام شهادت امام حسن مجتبی‌(ع) در چهل و نهمین سال هجرت رسول الله(ص) تا دهم محرم شصت و یک هجری و عجیب است که نوشته با شهادت عباس بن علی(ع) نیمه تمام مانده است. شهید آوینی فصل آخر کتاب را با شهادتش نوشت.

رستاخیز جان



«رستاخیز جان» از میان مجموعه مقالاتی است که در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱ در حوزه هنر و ادبیات و فرهنگ نگارش یافته و در مطبوعات به چاپ رسیده، گزینش شده است و بر خلاف اغلب آثار ایشان سینمایی نیست. این کتاب شامل چهار بخش است. بخش اول به ادبیات و زبان فارسی اختصاص یافته است. بخش دوم کتاب، سه مقاله در حوزه فرهنگ را در خود جای داده است. شهید آوینی طی دو مقاله این بخش به بحث تهاجم فرهنگی پرداخته است. بخش سوم شامل سه مقاله در مورد همه‌گیر شدن رسانه‌های جمعی جدیدتر نظیر ویدئو و ماهواره است و مقاله معروف «انفجار اطلاعات» در این بخش قرار دارد. بخش چهارم، دو مقاله متفاوت را در خود جای داده است؛ یکی در مورد وضع تئاتر در مواجهه با سینما و تلویزیون، آیا تئاتر زنده می‌ماند و دیگری که کتاب با آن به پایان می‌رسد منشور تجدید عهد هنر؛ پیام امام خمینی در تجلیل از هنرمندان متعهد. شهید آوینی در کتابی دیگر هم به هنرهایی غیر از سینما پرداخته است.

حزون‌های خانه‌به‌دوش



مقالات کتاب «حزون‌های خانه‌به‌دوش» طی سال‌های ۶۹ تا ۱۳۶۸ در ماهنامه سوره منتشر شده است. مضامین مشترک این مقالات عبارت است از: معارضه جریان روشنفکری و به اصطلاح «دگراندیش» با انقلاب اسلامی، در حوزه فرهنگ، هنر و مطبوعات. مجموعه یادشده قرار بود با عنوان «انقلاب اسلامی و اتوبیای غرب‌زدگان» انتشار یابد. نویسنده در این کتاب به جنگی تمام عیار با روشنفکران وادی فرهنگ و هنر برخاسته و با مقالات و یا جوابیه‌هایی که به برخی نوشته‌های آن‌ها داده این قشر را رسوا کرده است. ❖

آینه جادو



تمام نقدهایی که سیدمرتضی آوینی در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ بر فیلم‌های سینمایی نوشته، به اضافه دو سه مقاله سینمایی دیگر، جلد دوم کتاب آینه جادو را تشکیل می‌دهد؛ کتابی که اولین بار یک سال پس از شهادت او به چاپ رسید. این کتاب شامل نقد اغلب فیلم‌های مهم جشنواره نهم، دهم و یازدهم فجر می‌شوند. ضمن آن که دو مقاله ابتدای کتاب هم با تأکید بر فیلم‌های جنگی به نمایش درآمده در جشنواره هفتم نوشته شده‌اند. البته در این کتاب نباید انتظار ساختار و حجم نقدهای سینمایی رایج را داشته باشید.

حکومت فرزاتگان



شهید آوینی در این کتاب مروری بر مبانی حاکمیت سیاسی در اسلام دارد. کتاب حاصل گردآوری پاره‌ای دست‌نوشته‌ها از شهید سید مرتضی است که پیرامون موضوع ولایت فقیه و حاکمیت سیاسی در اسلام به رشته تحریر درآمده است. این مقالات در زمان حیات شهید، در مجله اعتصام منتشر شده است و برای اولین بار توسط مؤسسه فرهنگی هنری شهید آوینی به صورت این کتاب به چاپ رسیده است. بخش اول به بحث رأی اکثریت، بخش دوم به آزادی عقیده و بخش سوم به مساوات اختصاص دارد. نویسنده در خلال این مباحث یک دوره مبانی مشروعیت در حکومت اسلامی را مرور می‌کند و برخی شبیهات موجود را جواب می‌دهد. حتماً تعجب نخواهید کرد اگر بگوییم که متن کتاب کمی سنگین است و خیلی مناسب خواندن جلوی تلویزیون یا در مترو و اتوبوس نیست!

فردایی دیگر



این کتاب از آن جهت اهمیت دارد که شهید آوینی خود از میان نوشته‌هایش آن را گلچین کرده و به دست انتشار سپرده است. از لحاظ موضوعی نیز گرچه مقالات به ظاهر پراکنده‌اند، اما می‌توان آن‌ها را در دو بخش دسته‌بندی کرد. بخش نخست، مجموعه سه مقاله است که به فهم و تفسیر عالم غربی در وجوه گوناگون آن پرداخته و بخش دوم، از چهار مقاله با موضوع شعر تشکیل شده است و در آن، عالم اشراقی و دینی که در این عرصه از ادبیات جلوه‌گر است، تبیین گردیده است.

به دعوت شمس آل احمد به تهران رفت و دیداری نیز با مرتضی مطهری داشت. وی با آغاز جنگ به همراه خانواده به تهران نقل مکان نمود و برای مدتی ساکن شهرستان نور شد سپس در تهران اقامت گزید و به همکاری با روزنامه جمهوری اسلامی پرداخت.

سرودن شعر را از سال‌های جوانی با مجله جوانان آغاز کرد و از پانزدهم اسفند ۱۳۸۶ به علت کاهش سطح هوشیاری ناشی از تشنج، بیماری قلبی و کلیوی در بخش آی‌سی‌یو بیمارستان امام رضا کرمانشاه بستری بود. با تأکید رهبر معظم انقلاب پس از دیدار با وی، مسئولان بر آن شدند که وی را جهت درمان به خارج از کشور اعزام کنند که با توجه به شرایط او این امکان میسر نشد. عزیزی، که تا پایان عمر در اغما به‌سر می‌برد، ۱۳ اسفند دچار نارسایی و انسداد روده شد. دو روز بعد، تحت یک عمل جراحی ضروری و ناگهانی قرار گرفت که به علت ریسک بالا، یک روز بعد از عمل، منجر به فوت او شد. رهبر معظم انقلاب در گذشت این شاعر را، طی پیامی تسلیت گفتند. زنده‌یاد آثار شعر و نشر ادبی متعددی داشته و شاعری با سبک منحصر به فرد است که این سبک به صورت مثنوی در «کفش‌های مکاشفه» جلوه کرده‌است. عرفان اسلامی و مدح اهل بیت (ع) از جمله مضامین آثار این شاعر و نویسنده است. «کفش‌های مکاشفه»، «شرعی آواز»، «خوابنامه و باغ تناسخ»، «ترجمه زخم»، «باران پروانه»، «رودخانه رؤیا»، «فلودان الماس»، «ترانه‌های ایلایی»، «غزالستان»، «قوس غزل»، «ملکوت تکلم»، «سپیل گل سرخ»، «روستای فطرت» و «رؤیای رؤیت» از آثار به‌جامانده از احمد عزیزی هستند.

عزیزی شاعر خوش‌ذوق و خوش‌فریحه کرمانشاهی، بیشتر جهت‌گیری‌های شعرش در ساحت ائمه اطهار (ع) و پاکان است. او بیشتر شعرهایش را در قالب شعری مثنوی سروده است. مثنوی‌هایش نسبتاً بلند هستند و بسیاری از مثنوی‌هایی که گفته شهرت دارند، به ویژه مثنوی‌ای که برای حضرت زهرا (س) سروده است، بزرگ‌ترین ویژگی شعری او روانی قلم، ذهن و زبانش بود. او فریحه بسیار روانی داشت و ضمن روان بودن، ذهنش ذهن زاینده‌ای بود. دیگر ویژگی عزیزی خواندن شعر به زبان خود بود؛ او چنان با هیجان شعر را می‌خواند که هر شنونده‌ای را تحت تأثیر قرار می‌داد.

عزیزی با تاریخ آشنا بود و شعرهایی که سروده گواهی این مدعاست که با تاریخ، به‌ویژه تاریخ ائمه (ع) آشنایی داشت. ویژگی‌هایی که از این شاعر به کوتاهی گفتیم، به طور قطع او را در مسیر یکی از شاعران مرتبه‌سرای طول تاریخ زبان و ادبیات فارسی قرار می‌دهد. محفل‌های شاعران آیینی که خاصه در محضر مقام معظم و فرزانه جمهوری اسلامی ایران برگزار می‌شود شعر آیینی را پیش می‌برد و کمک می‌کند شعر آیینی جهش یابد. شعر زنده‌یاد عزیزی الگویی است برای شاعرانی که بعد از او شعر می‌گویند. عزیزی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر شاعران جوان، مرتبه‌سرا و کسانی که شعر آیینی می‌گویند، تأثیر گذاشته است و این شاعران می‌توانند از او بهره بگیرند. ❖



«کفش‌های مکاشفه» را پوشید و آسمانی شد

سراینده مجموعه شعر «کفش‌های مکاشفه»
پس از گذراندن ۹ سال اغما در گذشت

✦ فؤاد زندی

۹ سال نتوانست بنویسد، قلم دست بگیرد و شاعرانگی‌هایش را به کاغذها بسپارد. نتوانست برایمان شعر بخواند، «کفش‌های مکاشفه»‌اش را به پا کند و باز هم ما را با شعرهایش که پر از خدا و نگاهی عارفانه به هستی بود، همراه کند. احمد عزیزی ۱۶ اسفند امسال در کرمانشاه در گذشت و پس از ۹ سال اغما، اندکی مانده به بهار با جهان ما خداحافظی کرد. او «کفش‌های مکاشفه»‌اش را این بار پوشید و راهی آسمان‌ها شد. این شاعر ۴ دی ۱۳۳۷ در کرمانشاه متولد شد. او ارائه‌دهنده سبک جدید مثنوی بود که در زمینه شعر آیینی و انقلاب با درونمایه‌ای عرفانی فعال بود. او در کودکی با عشایر سیاه چادرنشین حشر و نشر فراوان داشت و قبل از رفتن به دبستان، خواندن و نوشتن را بدون داشتن معلم و تنها از روی کنجکاوی و تأمل و دقت از نوشته‌های روی تابلوها و اسامی خیابان‌ها و... به خوبی فرا گرفت. او قبل از پیروزی انقلاب

خانواده و سلامت



به سوی استانداردهای سلامتی

روح لطیف زندگی

آرامش در محیط کار

شغل مناسب، قطعه گمشده پازل سلامتی



به سوی استانداردهای سلامتی

جمعیت هلال احمر در هدایت جامعه به سوی
زندگی سالم و شاد نقش آفرینی می‌کند

مریم بهریان



شخصیتی مانند روان‌رنجوری، و راهبردهای کنار آمدن مانند انکار یا چارچوب‌بندی مجدد بیشتر از سلامت جسمانی عینی متأثر است. در افرادی که سطح روان‌رنجوری بالاست ممکن است از ضعف سلامت خود به شدت شکوه داشته باشند، اما پزشکان آنان را از لحاظ جسمی سالم رتبه‌بندی کنند. بر عکس شخصی که پزشک کاملاً او را بیمار می‌داند ممکن است گزارش کند که احساس کاملاً خوبی دارد زیرا این افراد ضعف سلامت جسمانی‌شان را انکار یا چارچوب‌بندی مجدد می‌کنند. همچنین هیجان‌های مثبت به ما امکان می‌دهد تحمل خود را در برابر درد افزایش دهیم. به‌جز افرادی که به شدت ناتوانند، بیشتر مردم با مشکلات سلامت خود نسبتاً سریع سازگار می‌شوند و خودپنداره‌ای از سلامت خود را پرورش می‌دهند که با سطح شادمانی آن‌ها همسوست. به هر حال مجموعه‌ای از شواهد فزاینده وجود دارد که نشان می‌دهد شادمانی می‌تواند از طریق تأثیرگذاری در سامانه ایمنی بر سلامت ما مؤثر باشد. سامانه ایمنی افراد شاد مؤثرتر از افراد ناشاد کار می‌کند و این مطلب به نوبه خود ممکن است عمر طولانی افراد شاد را تبیین کند.

سلامتی همه‌جانبه

جمعیت هلال احمر به عنوان یکی از پویاترین سیستم‌های اجتماعی، در نیل به نزدیک‌تر شدن آحاد جامعه به ابعاد سلامتی نقش مهمی را ایفا می‌کند. نگاهی به کارکردهای این حوزه نشان می‌دهد هدف سازمان، بهره‌گیری از پتانسیل‌های مردمی پویا برای غنا بخشیدن به شکاف‌های موجود در حوزه سلامت و دستیابی به سلامتی همه‌جانبه در افراد جامعه است.

دستیابی به اهدافی همچون تقویت فاکتورهای سلامت جسمانی مانند وزن مناسب، حرکات بدنی هماهنگ، طبیعی بودن نبض و فشار خون، اندام مناسب، اشتهای

سازمان جهانی بهداشت به طور سنتی، مسئله سلامت را به شکلی چند وجهی معرفی می‌کند و آن را دارای ابعاد متفاوتی از جمله سلامت روانی و اجتماعی، جسمانی و معنوی بر می‌شمرد. از منظر تعاریفی که این سازمان در باب سلامتی عنوان کرده است، دستیابی انسان به ابعاد همه‌جانبه سلامت در حوزه‌های اجتماعی، روانی، معنوی و جسمی غیر ممکن بوده و تنها با کمک شیوه‌های پیشگیرانه، بهره‌وری از سبک زندگی سالم و ارائه امکانات لازم در زمینه‌های بهداشت و درمان افراد را به معیارهای سلامتی نزدیک‌تر می‌کند. سلامت جسمی با وضعیت روانی، موقعیت اجتماعی و معنویت فردی و گروهی افراد در ارتباط است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد در حالی که رتبه‌بندی‌های ذهنی از سلامت شخصی با شادمانی همبستگی دارد، رتبه‌بندی‌های سلامت عینی توسط پزشکان این همبستگی را نشان می‌دهد. رتبه‌بندی‌های ذهنی از سلامت شخصی از صفات

در واقع می‌توان مدعی شد، جمعیت هلال احمر به عنوان یکی از سیستم‌های پویا و عام‌المنفعه در حوزه سلامت، نقشی تأثیرگذار در به فعلیت رساندن اهداف مربوطه دارد و پرچمدار سبک زندگی سالم و به دور از بیماری در مناطق مختلف کشور است



در حال حاضر
در سراسر جهان،
صدها هزار
داوطلب، برای
پیشگیری از ابتلا
به بیماری‌ها، بالا
بردن سطح همدلی
و مهربانی در جامعه
و دستیابی به
مردمانی سالم و
نمایش ارزش‌های
مثبت و انسانی به
طور جامع مشتاقانه
مشغول فعالیت و
خدمت‌رسانی بوده
و سازمان‌هایی نظیر
جمعیت صلیب
سرخ از آن‌ها
حمایت می‌کنند

صدد هستند، با همکاری داوطلبان این سازمان، افراد آسیب‌پذیر در برابر عوامل تهدیدکننده سلامتی را شناسایی کرده و طرح‌هایی نظیر افزایش تاب‌آوری، حل مشکلات زمینه‌ای، شیوه‌های آموزش حل مسأله، دستیابی به سبک زندگی سالم و توانمندسازی ظرفیت‌های منفعل در راستای رسیدن به جامعه سالم را به مرحله اجرا در آورند. همچنین طرح تربیت سلامت‌یار در این سازمان و رسیدگی به بیماران نیازمند یا خانواده‌های آسیب‌پذیر به منظور پیشگیری از مبتلا شدن به بیماری‌های جسمانی و روانی و پشت سر گذاشتن دوره نقاهت با آسودگی بیشتر و رنج کمتر از دیگر اهداف جمعیت هلال احمر است که تحقق آن با همبستگی بیشتر اجتماعی و اشتیاق افزون داوطلبان برای رسیدن به جامعه‌ای سالم و پویا به راحتی امکان‌پذیر خواهد بود.

زندگی سالم و شاد

در حال حاضر مسئله بازتوانی و کمک به تاب‌آوری زنان، کودکان و افراد کم‌توان و بیمار جامعه از دغدغه‌های اصلی جمعیت هلال احمر است و مسئولان این سیستم در تلاش هستند امکان رسیدن به زندگی سالم و شاد را که از اولویت‌های دولت در سال‌های اخیر است را برای افراد نیازمند به کمک پزشکی و درمانی فراهم کرده و جامعه را به سوی شادمانی بیشتر هدایت کنند.

در حال حاضر در سراسر جهان، صدها هزار داوطلب، برای پیشگیری از ابتلا به بیماری‌ها، بالا بردن سطح همدلی و مهربانی در جامعه و دستیابی به مردمانی سالم و نمایش ارزش‌های مثبت و انسانی به طور جامع مشتاقانه مشغول فعالیت و خدمت‌رسانی بوده و سازمان‌هایی نظیر جمعیت صلیب سرخ از آن‌ها حمایت می‌کنند.

امروز مردم در جوامع مختلف دنیا به مدد فعالیت چنین افرادی کمتر از بیماری‌هایی نظیر سرخک و مالاریا، تلف می‌شوند و مراقبت‌های بهداشتی اولیه و آموزش سبک زندگی صحیح سبب شده است تا نرخ ابتلا به اختلالات تغذیه‌ای و مشکلات جسمی و روانی ناشی از فقر و رعایت نکردن اصول بهداشتی، جان باختن زنان در زایمان و دوران بارداری، مرگ و میر کودکان ناشی از کمبود خدمات اولیه در حوزه بهداشت و سلامت کمتر از گذشته گزارش شود و این مسئله را می‌توان از دستاوردهای بزرگ سیستم‌های مدافع حقوق مردم در حوزه سلامتی برشمرد. ❖

کافی، ارتقای ابعاد روانی مانند سازگاری فرد با خودش و دیگران، قضاوت صحیح در برخورد با مسائل، داشتن روحیه انتقادپذیری و داشتن عملکرد مناسب در برخورد با مشکلات و دستیابی به ابعاد معنوی نظیر ایمان، هدفدار بودن زندگی، پای‌بندی اخلاقی، تعاون، داشتن حسن ظن و توجه بیشتر به مسائل معنوی زندگی باعث کاهش اضطراب، تزلزل روحی و عوارض ناشی از برنامه‌ها و چشم‌اندازهای جمعیت هلال احمر است.

در واقع می‌توان مدعی شد، جمعیت هلال احمر به عنوان یکی از سیستم‌های پویا و عام‌المنفعه در حوزه سلامت، نقشی تأثیرگذار در به فعلیت رساندن اهداف مربوطه دارد و پرچمدار سبک زندگی سالم و به دور از بیماری در مناطق مختلف کشور است.



مطالعات زیادی نشان می‌دهد، به مدد فعالیت‌های نیروهای امداد و داوطلب که با هدف امدادسانی و مدیریت بحران در کنار آموزش بهداشت و سبک زندگی صحیح و پیشگیری از ابتلا به بیماری‌های جسمی و روانی و مهار آسیب‌پذیری اقشار مختلف جامعه به مناطق

مختلف کشور اعزام می‌شوند، در سال‌های اخیر می‌توان شاهد مستحکم شدن بدنه سلامت و کاهش آسیب‌پذیری جامعه‌های شهری و روستایی بود.

تقویت زیرساخت‌های بهداشت و سلامتی

گزارش‌ها نشان می‌دهد، استفاده صحیح از ظرفیت‌های انسانی و مدیریت به‌ثمر رسیدن اهدافی مانند ایفای نقش موثر امدادگران بخش سلامت و به فعلیت رسیدن اهداف موثر در حوزه درمان اضطرابی و سازمندی کردن نظام متشکل از جامعه بهیاران و پزشکان در این سیستم با تحقق اهدافی نظیر شکوفایی تقویت زیرساخت‌های بهداشت و سلامتی نیز همگام بوده است و امید است با افزایش جمعیت داوطلب در سازمان هلال احمر و همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد، قدم‌های مستحکم‌تری در مسیری که به کاهش آلام بشری و افزایش تاب‌آوری جامعه منجر خواهد شد، برداشته شود.

از آن‌جا که مطابق با تعاریف عنوان شده در سازمان جهانی بهداشت، مبارزه با فقر، بیکاری، تبعیض نژادی و افزایش سطح رفاه و امنیت مردم یک جامعه با دستیابی به سلامت روانی و جسمانی رابطه مستقیم دارد، مسئولان و برنامه‌ریزان نظام پویا و هدفمند جمعیت هلال احمر در



روح لطیف زندگی

نظام سلامت دنیا به بهداشت و زندگی مطلوب زنان توجه ویژه دارد

نگار رجیبان

اهمیت به ابعاد مختلف سلامتی در روز جهانی سلامت به اندازه‌ای است که بسیاری از پژوهشگران و کارشناسان این حوزه، مقالات و تألیف‌های متعددی را در رابطه با این حوزه به

رشته تحریر در آورده و ارائه کرده‌اند. به نظر می‌رسد مهم برشمردن سلامت زنان و پرداختن به موضوعات مهمی مانند امید به زندگی، بیماری‌های تهدیدکننده زنان، پرخاشگری‌های اعمال‌شده از سوی دنیای مردانه و خطر تهدید سلامتی زنان در روابط بین فردی، قرار گرفتن در مقابل عوامل بیماری‌زا و پرداختن به مباحث مرتبط با سلامت زنان در این روز از اهمیت قابل توجهی برخوردار باشد.

مطابق با آمارهای اعلام‌شده، به‌رغم افزایش نرخ امید به زندگی در زنان در مقایسه با مردان، عوامل تهدیدکننده سلامتی مانند خطر ابتلا به بیماری‌های جسمی، قرار گرفتن در معرض حوادث غیر مترقبه و ابتلا به بیماری‌های روانی، زنان را بیشتر از مردان تهدید کرده و ریسک فاکتورهایی مانند خطر ابتلا به ایدز، مصرف مواد مخدر، بارداری‌های ناخواسته و سقط جنین، ایجاد مشکلات سلامتی در دوران بارداری و زایمان، خشونت، جرح و مرگ ناشی از سوانح، بیماری‌های ریوی، افسردگی و خودکشی از عوامل تهدیدکننده سلامت زنان در اکثر جوامع دنیاست. با این‌همه، گزارش‌های متعددی نشان می‌دهد، نرخ بالای امید به زندگی در زنان و آمارهای رو به رشدی که نشان‌دهنده توجه بیش از پیش نظام سلامت دنیا به بحث بهداشت و زندگی مطلوب زنان در جوامع مختلف است، امید به رفع معضلات و مشکلات این قشر از اجتماع را ارتقا بخشیده است.

طول عمر زنان از مردان بیشتر است

۹۵ درصد از افرادی که به ۱۱۰ سالگی می‌رسند، زن هستند. با افزایش شاخص‌های بهداشتی و درمانی در جوامع مختلف جهان، به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته، امید زندگی نیز بالا رفته است به طوری

که متخصصان شاهد بالا رفتن شمار افرادی هستند که عمر آن‌ها به ۱۱۰ یا بالاتر هم می‌رسد، اما در این میان نکته جالب توجه، افزایش امید زندگی در زنان است؛ به طوری که محققان به این نتیجه رسیده‌اند که زنان طول عمر بیشتری در مقایسه با مردان دارند. تحقیقاتی که در در رابطه با نقش تفاوت‌های جنسیتی بر طول عمر انجام‌شده نشان می‌دهد، هورمون‌های جنسی نظیر استروژن و تسترون عامل محیطی در طول عمر افراد ایفا می‌کنند. پژوهشگرانی که در ده سال اخیر بر نقش سلول‌های بنیادی و بهبود شرایط محیطی برای دستیابی به طول عمر بیشتر و سلامت، تحقیقات گسترده‌ای انجام داده‌اند، به این نتیجه دست پیدا کرده‌اند که جنسیت و طول عمر رابطه معناداری با یکدیگر دارند. محققان دانشگاه استنفورد به این نتیجه رسیده‌اند که هورمون استروژن به طور مستقیم بر عملکرد سلول‌های بنیادی تأثیر گذاشته و به افزایش طول عمر افراد کمک می‌کند. هورمونی که در طول بارداری به سلامت جنین و دوره بارداری کمک می‌کند، طول عمر موش‌های آزمایشگاهی ماده را به طور ۱۴ سال در مقایسه با موش‌های نر افزایش می‌دهد. از طرف دیگر تفاوت‌های ساختاری در زن‌های زنان و مردان، یکی دیگر از عوامل افزایش طول عمر زنان در مقایسه با مردان است. به طوری که محققان معتقدند میان طول کلاهک‌های کروموزمی معروف به تلومر و طول عمر نیز رابطه وجود دارد. این تحقیق نشان داد، طول تلومر در زنان بلندتر از مردان بوده و این مسئله شاخصی برای توجیه افزایش طول عمر در زنان به شمار می‌آید. این تحقیقات به پژوهشگران کمک می‌کند تا بر نقش تفاوت سبک زندگی مؤثر در سلامتی مردان و زنان تأکید بیشتری کنند.

زنان موجوداتی هستند که قادرند بسیاری از کارها را به بهترین نحو ممکن انجام دهند، اما این توانمندی‌ها زمانی بالفعل می‌شود که در شرایط روحی و جسمی ایده‌آلی باشند

مدیریت روابط در زنان و سلامتی روان و جسم

چگونگی مدیریت روابط و توجه به تغییرات جسمانی در زنان با میزان سلامتی آن‌ها ارتباط دارد. این که چرا بعضی زنان در موقعیت‌های استرس‌زای زندگی مانند درگیر شدن با یک راننده متخلف، رفتن به جلسه امتحان یا بحث و مجادله با مادر شوهر، متفاوت عمل می‌کنند و کمتر دچار تنش می‌شوند تا حدی به میزان هورمون‌های خون و عملکرد آن‌ها باز می‌گردد. میزان هورمون‌ها نیز تحت شرایط مختلف زندگی و متغیرهای دیگری مانند جنسیت و زمان، در خون تغییر کرده و بر واکنش‌های افراد در برابر حوادث محیطی تأثیر می‌گذارد. مطابق با آخرین تحقیقات انجام گرفته، به راحتی با تغییر شیوه زندگی می‌توان تعادل نسبی در مقدار هورمون‌ها به وجود آورد و با پیش‌بینی میزان هر یک از این مواد شیمیایی و افت و خیزهایی که دارند، واکنش‌های رفتاری را تنظیم کرد. برای نمونه کاهش سطح هورمون‌های کنترل استرس در خون، به افراد می‌گوید که در حال حاضر زمان مناسبی برای بحث و جدل با مادر شوهرتان نیست یا بالا رفتن هورمون شور و شوق زندگی می‌تواند علامت خوبی برای شروع یک کار جدید یا رفتن برای مصاحبه کاری باشد. به عقیده پژوهشگران سبک زندگی برای زنان از دوران جوانی تا سالمندی می‌تواند مانند ترموستات عمل کرده و با شناسایی و کنترل افت و خیزهای هورمونی به ارتقای کیفیت روزانه زندگی آن‌ها کمک کند.

دکتر گری هک سینگ، روانشناس و خانواده درمان‌گر می‌گوید تهیه تقویم هورمونی به زنان می‌گوید که امروز روز مناسبی برای بحث کردن درباره مشکلات مالی همسران نیست، یا می‌توان با تهیه یک دستور غذایی مناسب

سطح هورمون‌ها را در متعادل کرد و پیامدهای احتمالی به هم ریختگی سطح هورمون‌ها را کنترل کرد. او می‌گوید، هورمون‌ها دوست زنان هستند و با توجه و کمک به آن‌ها می‌توان اضطراب، رفتارهای اضطرابی و افسردگی را از میدان به در کرد. تنها کافی است به زبان هورمونی بدن گوش داد تا به کمک آن رفتارهای متعادل‌تری ظاهر شود.

پیامدهای بی‌توجهی به تفاوت‌های جنسیتی

تفاوت‌های جنسیتی و بی‌توجهی به آن در روابط بین فردی بخش اعظم مشکلات به وجود آمده در حوزه سلامت زنان را تشکیل می‌دهد. دکتر محسن ایمانی، روانشناس، در این باره می‌گوید، مردان باید بدانند که توانمندی‌های همسرانشان بسیار متفاوت‌تر از آن است که فکر می‌کنند. زنان موجوداتی هستند که قادرند بسیاری از کارها را به بهترین نحو ممکن انجام دهند، اما این توانمندی‌ها زمانی بالفعل می‌شود که در شرایط روحی و جسمی ایده‌آلی باشند. نمی‌توان از زنان انتظار داشت که در هر شرایط و موقعیتی بتوانند به بهترین نحو از پس کارهایشان برآیند و شناسایی فاکتورهای فیزیولوژیکی و روانشناختی بسته به زمان و مکان در زنان به آن‌ها کمک می‌کند تا بهترین کارایی را داشته باشند.

این روانشناس معتقد است از نظر جسمی باید این نکته را در نظر گرفت که زنان در مقایسه با مردان با محدودیت‌های بیشتری روبه‌رو هستند. آن‌ها به غیر از تفاوت‌های فیزیولوژیکی ماهیانه، با تغییراتی مانند زایمان و شیردهی نیز مواجه هستند که این مسائل آن‌ها را در چرخه دیگری از تغییرات جسمانی می‌اندازد و بر خلق و خو و رفتار آن‌ها تأثیر می‌گذارد. نباید از زنان انتظار داشت تا در همه زمان‌ها و دوره‌های زندگی رفتارها و خلق‌های یکسانی از خود نشان دهند، این در حالی است که مردان کمتر با این

محدودیت‌ها مواجه هستند و نوسان خلقی ناشی از تغییرات فیزیولوژیکی در کنار بیماری‌های جسمانی مانند آرتروز و پوکی استخوان کمتر در آن‌ها مشاهده می‌شود.

اصل توجه را جدی بگیرد

به عقیده دکتر ایمانی، به زنان توصیه می‌شود تا از به عهده گرفتن کارهایی که متناسب با شرایط جسمانی آن‌ها نیست و شانس ابتلا به بیماری‌های جسمانی و روانی را در آن‌ها افزایش می‌دهد بپرهیزند و آن را به حساب مسئولیت‌پذیری نگذارند.

دیده می‌شود زنان جوان و میانسال بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های ساختاری و جسمانی بدن خود و به علت ناآشنا بودن با مکانیسم‌هایی که در بدن آن‌ها اتفاق می‌افتد، در طول سال‌ها متحمل فشارها و انجام کارهای سنگین و استرس‌زا می‌شوند و به زبان بدن خود بی‌توجه بوده و آن را فراموش می‌کنند و به تدریج به سمت ابتلا به بیماری‌های جسمی و روانی خواهند رفت. از آنجایی که زنان در انجام امور کاری و شغلی دچار وسواس می‌شوند، و گاهی اوقات با بی‌توجهی همسرشان مواجه می‌شوند، می‌خواهند امور خانه را به تنهایی انجام دهند این در حالی است که می‌توانند با همفکری با همسر و فرزندان انجام امور منزل را تقسیم کنند و به نیازهای فیزیکی و خلقیات خود توجه کنند. هر اندازه که زنان بتوانند با شیوه‌های صحیح حل مسئله و توجه به تغییرات فیزیولوژیکی بدن خود آشنا شوند و جسم خود را در مسیر سلامتی پیش ببرند، بازدهی و توانمندی‌هایشان در طول سالیان سال باقی می‌ماند از طرفی زنان از نظر روانشناسی برای برخورد با بودن از بازدهی و کارایی بالا به حمایت عاطفی اطرافیان خود نیاز دارند، مردان با آشنایی با نوسانات خلقی همسرانشان می‌توانند آن‌ها را همراهی کنند. کاستی‌ها و کم‌توانی‌های مردان در ابراز مهر و علاقه باعث تضعیف روحیه زنان در مدیریت خانه و فرزند پروری می‌شود.



دیده می‌شود زنان جوان و میانسال بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های ساختاری و جسمانی بدن خود و به علت ناآشنا بودن با مکانیسم‌هایی که در بدن آن‌ها اتفاق می‌افتد، در طول سال‌ها متحمل فشارها و انجام کارهای سنگین و استرس‌زایی شوند



محبت مردان در طول روز آمادگی روحی و قدرت جسمانی زنان را افزایش می‌دهد در مسائل عاطفی وقتی توجه بیشتری به تغییرات خلقی و فیزیکی زنان می‌شود، بازدهی و کارآمدی‌شان بالا می‌رود و باعث می‌شود با علاقه بیشتری به مدیریت امور شخصی و جمعی خانواده انجام بگیرد و از انجام کارهایی با گرایش‌های منفعلانه و پرخاشگرانه کاسته خواهد شد. برای افزایش بازدهی زنان باید مطالبات و رضایت عاطفی‌شان تأمین شود.

مدیریت چالش‌های بزرگ

دکتر هری سینگ معتقد است، درست پس از اتمام آخرین روز از چرخه طبیعی زنان، مرحله‌ای که می‌توان نام آن را فاز خلاقیت محور زنان گذاشت آغاز می‌شود. این مرحله بین ۷ تا ۱۰ روز طول می‌کشد. میزان هورمون استروژن در بدن شروع به بالا رفتن می‌کند و زنان هر روز که می‌گذرد انرژی بیشتری برای انجام کارها پیدا خواهند کرد. احساس مفید بودن، بازسازی، انگیزه برای انجام کارهای جدید و سرزندگی در این دوره در زنان کاملاً به چشم می‌خورد. روانشناسان توصیه می‌کنند، بهتر است زنان در این مرحله به انجام کارهای فکری و مدیریت چالش‌های بزرگ زندگی بپردازند. گفتگوهای بین زوجین در این فاز از تغییرات فیزیولوژیکی زنان معمولاً به نتیجه می‌رسد و می‌توان انتظار داشت بحث‌های خانوادگی پیامدهای مثبتی را به ارمغان بیاورد. در این فاز، متخصصان تغذیه به زنان پیشنهاد می‌کنند از خوردن خوراکی‌های تنظیم‌کننده ترشح هورمون استروژن مانند کاهو، بروکلی، هویج، لوبیا قرمز، باقالی، لیمو، پرتقال، گریپ فروت، مرغ، تخم مرغ و جو دوسر غافل نشوند. همچنین پیاده‌روی و دوچرخه سواری از ورزش‌های مفید در این فاز محسوب می‌شود.

این روانشناس ادامه می‌دهد، در مرحله دوم تغییرات، سطح هورمون‌های شادی‌بخش و انرژی‌بخش به اوج خود

می‌رسد و زنان دوره بسیار لذت‌بخشی را تجربه می‌کنند. در این مرحله بهترین زمان برای مطرح کردن مشکلات شغلی، اجتماعی و خانوادگی با همسر یا کارفرماست. تأثیرگذاری زنان در ارتباطات میان فردی در این فاز به اوج خود می‌رسد و نیرویی جادویی از ناخودآگاه به زنان کمک می‌کند تا به هدف خود نزدیک‌تر شوند، به اوج رسیدن هورمون استروژن کمک می‌کند تا بیشترین وضعیت تثبیت خلق در طول چرخه هورمونی حاصل شود. با کاهش وعده‌های غذایی حاوی کربوهیدرات و شکر و افزایش مصرف فیبر و خوراکی‌های حاوی آنتی‌اکسیدان مانند مارچوبه، فلفل، تمشک، توت فرنگی، زردآلو، دانه‌های مغذی، می‌توان به سم‌زدایی کبد، تثبیت خلق و پیشگیری از ایجاد آکنه‌های پوستی در این مرحله، کمک کرد.

سامان‌دهی به نشخوارهای فکری سر زده

به عقیده متخصصان، مرحله سوم را می‌توان به آغاز کج‌خلق‌ها و دلزدگی‌های زنان نسبت داد. ده روز تا دو هفته قبل از آغاز چرخه جدی جسمانی در زنان، سطح انرژی شروع به افت می‌کند، سردرد، تحریک‌پذیری، پیداشدن نشخوارهای فکری برای سر و سامان دادن به کارهای عقب‌افتاده خانه از جمله پیامدهای فاز سوم این چرخه است. این زمان بهترین وقت برای مشغول شدن به انجام کارهایی مانند سامان‌دادن به کمدها

یا اتو کردن لباس‌هاست. مصرف ویتامین‌هایی مانند گرو ب، مصرف کربوهیدرات‌های پیچیده مانند برنج قهوه‌ای، مصرف سبزیجات پخته مانند گل کلم و سیر، هویج به متعادل شدن سطح قند خون کمک کرده و از نوسانات خلقی ناشی از بالا رفتن میزان پروژسترون می‌کاهد. پیلاتس و یوگا از بهترین ورزش‌ها برای این فاز هستند، چنین تمریناتی احساس آسیب‌پذیر بودن، تحریک‌پذیری و رخوت را از زنان دور می‌کند. آغاز مرحله چهارم از چرخه فیزیولوژیکی زنان نیازمند مراقبت‌های ویژه از سوی خود فرد و اطرافیان اوست، زنان در این مرحله نیازمند توجه بیشتری از سوی کارفرما، همکاران، فرزندان و همسر خود هستند. بالا رفتن سطح هورمون پروژسترون، آن‌ها را تحریک‌پذیر و دل‌نازک‌تر می‌کند، گوش دادن به زبان بدن و ذهن باعث می‌شود تا کمترین آسیب و بیشترین بازدهی در این دوره حاصل شود. احساس بی‌قراری، بی‌انگیزگی و نارضایتی از زندگی در این دوره برای زنان طبیعی است اما برای پشت سر گذاشتن این دوره که معمولاً از ۳ تا ۷ روز طول می‌کشد با توجه به تغییرات فیزیولوژیکی و پیروی از الگوهای صحیح برقرار می‌شود، توصیه می‌شود در این دوره زنان از انجام تصمیم‌های جدی بپرهیزند و کنترل منازعه با همسر و همکارانشان را به دست بگیرند. مصرف مواد غذایی با شاخص گلیسمی پایین، دانه‌های روغنی، سبزیجات برگ تیره، هندوانه، انگور، چغندر، جگر و گوشت قرمز و مواد حاوی روی و آهن و انجام ورزش‌هایی مانند یوگا و پیاده‌روی به زنان کمک می‌کند تا با تغییرات خلقی بهتر کنار بیایند. این مرحله پیامدهای مثبتی نیز دارد؛ در این فاز ارتباط بین نیمکره چپ و راست مغز بیشتر از هر زمانی حاصل می‌شود که با کمک آن می‌توان کارهای نیازمند به فعالیت هر دو نیمکره را بهتر انجام داد. ❖



مصرف مواد غذایی با شاخص گلیسمی پایین، دانه‌های روغنی، سبزیجات برگ تیره، هندوانه، انگور، چغندر، جگر و گوشت قرمز و مواد حاوی روی و آهن و انجام ورزش‌هایی مانند یوگا و پیاده‌روی به زنان کمک می‌کند تا با تغییرات خلقی بهتر کنار بیایند

حاضر باشند تا آشپزی کنند. همین مسئله باعث می‌شود تا آقایان بی‌علاقه به آشپزی و پخت و پز همان اندازه کمتر به سلامتی‌شان اهمیت بدهند، در مواقعی که غذا برایشان حاضر و آماده نبود، سراغ فست فود و غذاهای پرچرب بروند. غافل از این‌که همین غذاهای پرچرب و سبک زندگی غلط علت اصلی بیماری‌های شایع مردان و کوتاه شدن طول عمر آن‌هاست.



سلامت مردان

مردان باید بیشتر به سلامت خود اهمیت بدهند

مهتاب ذریه

ویتامین‌های مفید مردانه
الگوهای غذایی نقش مهمی در ابتلا به بیماری‌های افسردگی یا پیشگیری دارد. محققان تغذیه معتقدند، بخشی از علل ابتلا به کم‌حوصلگی، فشارهای عصبی، خلق پایین و پرخاشگری که در مردان شایع‌تر از زنان است را می‌توان در پیروی از الگوهای غلط غذایی جستجو کرد. در واقع می‌توان ادعا کرد؛ قراردادن مقادیر کافی از ویتامین‌ها در رژیم غذایی علائم مربوط به افسردگی را کنترل کرده و علاوه بر این‌که روند بهبود را در بیماران مبتلا تسریع می‌کند در مدیریت خشم نیز مؤثر است.

انواع ویتامین B برای ساختار ذهنی و عاطفی مفید محسوب می‌شوند. از طرف دیگر ویتامین B در بدن ذخیره نشده و میزان آن در بدن به مقادیر دریافتی مواد غذایی حاوی این ویتامین در روز بستگی دارد. باید بدانید این گروه از ویتامین‌ها به شدت آسیب‌پذیر بوده و مصرف شکرهای تصفیه شده به نیکوتین و کافئین باعث تخریب این گروه از ویتامین‌ها و عدم انرژی کافی برای فعالیت مغز شود. متخصصان تغذیه معتقدند کمبود ویتامین B، انرژی کافی برای فعالیت مغز را تأمین نکرده و این مسئله منجر به ایجاد احساس خستگی، افسردگی، آسیب‌پذیری، استرس، ناامیدی و بی‌انگیزگی می‌شود. مشکلات حافظه، کاهش اشتها، بی‌خوابی و اختلالات دستگاه گوارش از دیگر عوارض فقر ویتامین B در افراد است. کربوهیدرات‌ها، غلات، مکمل‌های حاوی این ویتامین، منابع مفیدی است که متخصصان تغذیه برای پیشگیری از ابتلا به کمبود این نوع ویتامین پیشنهاد می‌کنند.

توجه به سلامت مردان یکی از اهداف و برنامه‌های قابل توجه توسط کارشناسان این حوزه است. آمارهای متعددی نشان می‌دهد، زنان بیشتر از مردان به وضعیت سلامتی‌شان اهمیت می‌دهند. در واقع این جمله نتیجه یک تحقیق علمی است که در آن مشخص شد زنان به برنامه‌ریزی در حفظ سلامت خانواده و اجرای راهکارهایی که در پیشگیری از ابتلا به بیماری‌ها مؤثر است بیشتر از همسرانشان کوشا هستند.

مراجعه سالانه به پزشک، مطالعه درباره باید و نبایدهای مصرف خوراکی‌ها و بهره‌مند شدن از رژیم غذایی مفید معمولاً از وظایفی است که زنان در اجرای آن مصمم‌تر هستند. نگاه خانم‌ها به دنیای خوراکی‌ها و پخت و پز نیز در مقایسه با مردان از زمین تا آسمان فرق می‌کند، خانم‌ها معمولاً برای آشپزی پیش قدم می‌شوند، سکان آشپزخانه به دست کدبانوی خانه می‌چرخد و همه‌چیز مطابق برنامه و بر اساس توصیه‌های بهداشتی پیش می‌رود. زنان باید همه مواد اولیه پخت و پز در اختیارشان باشد، و گاهی اوقات هم برای خرید مواد غذایی با کیفیت و مقرون به‌ترین بازار میوه و تره‌بار را شناسایی می‌کنند و برای خرید راهی می‌شوند. اما این مسئله در مردان متفاوت است. آقایان چه خوش‌خوراک باشند و چه کم‌اشتها، ترجیح می‌دهند بیشتر در پشت صحنه



متخصصان تغذیه معتقدند کمبود ویتامین B، انرژی کافی برای فعالیت مغز را تأمین نکرده و این مسئله منجر به ایجاد احساس خستگی، افسردگی، آسیب‌پذیری، استرس، ناامیدی و بی‌انگیزگی می‌شود



متخصصان به افرادی که از ترس و اضطراب رنج می‌برند مصرف ویتامین B با اسکوربیک اسید را توصیه می‌کنند

مهار خستگی‌های مزمن با ریز مغذی‌های مفید

ویتامین B₃ از دیگر مواد مغذی در کنترل افسردگی محسوب می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد، فقر نیاسین با ابتلا به بیماری‌های شناختی و سایکوتیک ارتباط مستقیم دارد. به عقیده پژوهشگران کمبود این ویتامین در بدن با افزایش اضطراب و پرخاشگری و استرس ارتباط داشته و کاهش فعالیت مغزی و فیزیکی را شامل می‌شود. ویتامین B₅ و پنتانوتیک اسید از دیگر ریز مغذی‌های مهم در سلامت روان محسوب می‌شود، از علائم کمبود این ویتامین می‌توان به خستگی، استرس مزمن و افسردگی اشاره کرد. این ویتامین در تنظیم هورمون‌ها، تولید اسیدآمینه‌ها و ناقل شیمیایی استیل‌کولین که نقش مهمی در پیشگیری از ابتلا به بی‌حوصلگی دارد، مفید شناخته شده است.

ویتامین B₆ در فرآیند عملکرد اسیدهای آمینه که مسئول ساخت پروتئین و تنظیم هورمون‌ها هستند، نقش دارند. همچنین این ویتامین در تولید سروتونین، ملاتونین و دوپامین و دیگر هورمون‌هایی که در تنظیم عملکرد مغز وضعیت روحی افراد نقش دارد، مؤثر است. فقر ویتامین B₆ ابتلا به مشکلات سیستم ایمنی و اختلال تمرکز را همراه دارد. ویتامین B₁₂ از ریز مغذی‌های مفید در کنترل افسردگی محسوب می‌شود. از آنجایی که این ویتامین در شکل‌گیری سلول‌های قرمز نقش دارد، کاهش آن باعث اختلال در انتقال اکسیژن به بافت‌ها و ارگان‌ها شده و باعث پیدایش مشکلاتی مانند تغییر رفتار و روحیه، ترس، آسیب‌پذیری، گیجی، اختلال شناختی، افزایش احتمال مانیای یا اختلال دوقطبی، همراه با علائم جسمی مانند کاهش اشتها، سرگیجه، ضعف، نفس‌تنگی و حالت تهوع می‌شود.

مردان سالمند بخوانند

سالمندان بیشتر در معرض خطر ابتلا به فقر ویتامین B₁₂ هستند، تحقیقات نشان می‌دهد؛ اختلال در عملکرد نوعی آنزیم باعث کاهش جذب این ویتامین و به دنبال آن کمبود این ریز مغذی در خون می‌شود. فقر فولیک اسید نیز در ابتلا به افسردگی و کم‌حوصلگی‌های دوران سالمندی نقش دارد. مطابق با دیگر پژوهش‌ها این نوع از ویتامین B در سنتز DNA نقش دارد. برخوردار نبودن از رژیم غذایی سالم و مغذی، مصرف آسپیرین از دلایل ابتلا به فقر این ویتامین در افراد به‌شمار می‌روند.

متخصصان به افرادی که از ترس و اضطراب رنج می‌برند مصرف ویتامین B با اسکوربیک اسید را توصیه می‌کنند. این ویتامین محلول در آب بوده و مصرف آن در کنترل علائم افسردگی و پیشگیری از اختلالات روانی نقش دارد. به عقیده محققان مصرف مواد غذایی حاوی ویتامین B

ترس را در افراد مبتلا به فوبیا کنترل می‌کند و احساس شادی و سرزندگی را به دنبال دارد.

شادابی با ریز مغذی‌های مفید

گاهی اوقات ریشه خشم یا بی‌حوصلگی را می‌توان در کمبود منیزیم دانست. منیزیم ماده معدنی مفید برای بدن است که کمبود آن باعث ظهور علائم افسردگی یا در افراد می‌شود. احساس اضطراب و استرس، گیجی، آشفتگی و هیجان و توهم از عوارض کمبود منیزیم در بدن است.

کلسیم از دیگر ریز مغذی‌هایی است که کمبود آن باعث خلق پایین می‌شود. کمبود کلسیم بر سیستم عصبی مرکزی تأثیر گذاشته و باعث اختلال در عملکرد این سیستم می‌شود.

در واقع فقدان این ریز مغذی در اختلال سیستم عصبی، احساس ترس و دودلی، کمرختی و آسیب‌پذیری نقش دارد. روی هم از ریز مغذی‌های مفید در سلامت افراد به شمار می‌رود و نقص آن در بدن از دلایل ابتلا به پرخاشگری به شمار می‌رود. کاهش اشتها، بی‌علاقگی و احساس رخوت و بی‌میلی به انجام کارهای روزمره از تبعات کاهش ریز مغذی روی در افراد به شمار می‌رود. تحقیقات نشان می‌دهد، زمانی که میزان روی در بدن کاهش پیدا می‌کند، مقادیر عنصر مس در خون افزایش پیدا کرده و تولید سم می‌کند. به این علت، احساس ترس و بی‌انگیزگی و دیگر علائم افسردگی در افراد پدیدار می‌شود.

از دیگر ریسک فاکتورهای ابتلا به افسردگی می‌توان به کمبود آهن اشاره کرد. افسردگی اغلب علامت فقر آهن مزمن در بیماران است. احساس ضعف و خستگی، سردرد و کاهش اشتها از دیگر علائم فقر آهن به‌شمار می‌رود. فقر منگنز از دیگر دلایل بی‌انرژی بودن در افراد به شمار می‌رود. این ماده معدنی در تولید اسید آمینه‌های مضر مغز نقش داشته و کمبود آن باعث کاهش ناقل شیمیایی سروتونین و نوراپی نفرین می‌شود.

بر هم خوردن سطح ترشح این دو ناقل شیمیایی در ابتلا به افسردگی نقش دارد. همچنین منگنز سطح قند خون را در بدن ثابت نگه داشته و از تغییرات شاخص قند خون جلوگیری می‌کند. قرار دادن مواد غذایی یا مکمل‌های حاوی پتاسیم در رژیم غذایی از عوامل پیشگیری‌کننده از ابتلا به افسردگی محسوب می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد کمبود پتاسیم از علل ابتلا به ضعف، ترس، افسردگی و خستگی در افراد محسوب می‌شود.

سبب غذایی برای بهبود روابط اجتماعی

پروتئین‌های موجود در گوشت قرمز از مواد غذایی مفید برای سلامت مردان است. قراردادن گوشت قرمز

ماست و شیر سرشار از اسید آمینه لوسئین، پروتئین، پتاسیم و باکتری‌های مفید برای سلامت مردان هستند که از افزایش فشار خون و ابتلا به بیماری‌های قلبی پیشگیری کرده و باعث مایه‌چه‌سازی و تقویت عضلات می‌شوند



اگر شما هم از آن گروه مردان فست فود خور هستید و فکر می‌کنید، فقط سوسیس و کالباس آن هم از نوع ارزان قیمت و غیر بهداشتی برای سلامتی ضرر دارد، باید بدانید هر نوع گوشت‌های فرآوری که عملیاتی مانند دودی کردن و نمک سود کردن روی آن انجام شود مفید نیست و خطر ابتلا به حملات قلبی یا بالا رفتن چربی خون و علاوه بر این ایجاد حالات خلقی ناخوشایند مانند بی‌حوصلگی و پرخاشگری را افزایش می‌دهد

رفتن کلاسترول بد و دریافت کالری‌های اضافی در امان بمانید. سبزیجات برگ تیره، گوجه‌فرنگی و سویا بخورید تا خطر ابتلا به سرطان پروستات و سرطان‌های شایع مردانه کمتر شود. همچنین از سبزیجات و میوه‌هایی نارنجی

رنگ که حاوی بتا کاروتن هستند، غافل نشوید. کدو حلوائی، فلفل دلمه‌ای نارنجی، هویج، سیب‌زمینی شیرین مواد غذایی هستند که مصرف مرتب آن‌ها خطر ابتلا به سرطان پروستات را کاهش می‌دهد.

کم خاصیت اما خوش طعم

اگر شما هم از آن گروه مردان فست فود خور هستید و فکر می‌کنید، فقط سوسیس و کالباس آن هم از نوع ارزان قیمت و غیر بهداشتی برای سلامتی ضرر دارد، باید بدانید هر نوع گوشت‌های فرآوری که عملیاتی مانند دودی کردن و نمک سود کردن روی آن انجام شود مفید نیست و خطر ابتلا به حملات قلبی یا بالا رفتن چربی خون و علاوه بر این ایجاد حالات خلقی ناخوشایند مانند بی‌حوصلگی و پرخاشگری را افزایش می‌دهد. فراموش نکنید که برای ماندگاری و تغییر مزه اکثر محصولات غذایی آماده گوشتی از افزودنی‌هایی مانند نیتريت، نیترات سدیم، نمک و روغن‌های غیر مفید استفاده می‌کنند تا اشتهاى مشتری را برای خوردن این نوع خوراکی‌ها قوی‌تر کنند. این‌گونه افزودنی‌ها وقتی در مقادیر بالا مورد استفاده قرار می‌گیرند، خطرهای زیادی دارند و دلیل این‌که می‌گویند سوسیس و کالباس نخورید تا سرطان هم تهدیدتان نکند هم بیشتر زیر سر این افزودنی‌های خوشمزه است. فراموش نکنید که این حاضری‌های خوشمزه، معمولاً در حرارت بالا و روغن فراوان پخته می‌شوند و به دلیل واکنش‌هایی که در فرآیند سرخ کردن اتفاق می‌افتد، باعث می‌شوند، ترکیبات سمی و مضر میهمان ناخوانده بدن شوند. شیوه نگهداری صحیح از چنین محصولات گوشتی هم باعث می‌شود تا بیماری‌های مسمومیت کمتر به سراغتان بیاید. سوسیس و کالباس‌های تازه تا ۲ روز و نوع خشک آن‌ها تا ۵ هفته در یخچال قابل نگهداری است. اما برای نگهداری بیش از ۲ روز، بهتر است سوسیس و کالباس را در فریزر نگهداری کنید. ❖



در رژیم غذایی برای کسانی که بیماری قلبی و عروقی یا پر فشار خون ندارند، احتمال ریزش موها را کم می‌کند و به دلیل این که منبع غنی از اسید آمینه لوسئین به حساب می‌آید، به ساختن

عضلات و مایه‌چه‌ها کمک می‌کند. انواع توت هم برای سلامتی آقایان بسیار مفید است؛ ترکیبات موجود در توت سفید یا شاتوت، خاصیت ضد التهابی دارد و از گرفتگی عروق و رگ‌ها یا بالا رفتن فشار خون جلوگیری می‌کند. شاید شنیده باشید که گفته می‌شود، مردان علاقه‌مند به شکلات خوش‌اخلاق هستند و روابط اجتماعی قوی دارند. شکلات تلخ برای مردان خاصیت‌های فراوانی دارد، جریان خون را تنظیم می‌کند، همچنین ترکیبات موجود در شکلات، کلاسترول بد خون را کاهش می‌دهد، فشار خون را متعادل نگه می‌دارد، البته حواستان باشد شکلات خوری اضافه وزن را هم به دنبال دارد و مصرف متعادل آن توصیه می‌شود. ماهی و گردو و میوه‌هایی مانند آووکادو که حاوی مقادیر مناسبی اسید چرب امگا سه هستند، برای سلامت قلب آقایان بهترین خوراکی‌ها هستند. یک توصیه مفید دیگر هم نوشیدن چای زنجبیل یا استفاده از این ادویه در غذا است. زنجبیل هم خاصیت ضد التهابی دارد و برای ورزشکاران هم داروی گیاهی مفیدی است چرا که درد و کوفتگی ناشی از تمرین‌های ورزشی سخت را کم می‌کند.

باکتری‌های مفید را بشناسید

متخصصان به آن دسته از مردانی که علاقه‌ای به لبنیات ندارند، توصیه می‌کنند برای آن‌که در معرض پرفشاری خون قرار نگیرند حتماً این گروه از خوراکی‌ها را در رژیم غذایی‌شان قرار دهند. ماست و شیر سرشار از اسید آمینه لوسئین، پروتئین، پتاسیم و باکتری‌های مفید برای سلامت مردان هستند که از افزایش فشار خون و ابتلا به بیماری‌های قلبی پیشگیری کرده و باعث مایه‌چه‌سازی و تقویت عضلات می‌شوند. از طرف دیگر میوه خوش‌طعم و مفیدی مانند موز به دلیل داشتن پتاسیم برای سلامتی استخوان‌ها مفید است و کاهش فشار خون را به دنبال دارد. پیشنهاد می‌شود، پسته، فندق و بادام را هم حتماً در سبدان قرار دهید تا از بالا

آرامش در محیط کار

راهکارهای مؤثر برای نزدیک شدن به سلامت شغلی

پوریا بختیاری نیا



جملات خود را به صورت سؤالی بیان نکنید

اجازه ندهید اظهاراتتان با آهنگ صوتی سؤالی شکل بیان شود. یکی از مشکلاتی که اغلب مردم ناخواسته آن را مرتکب شده و در بی اعتبار شدن خود سهیم می شوند، شیوه بیان کردن جملات است. مغز انسان این شیوه اظهار نظر را به گونه ای دیگر تفسیر می کند و این موضوع باعث می شود اطلاعات آن طور که باید و شاید منتقل نشود. تحقیقات نشان می دهد، ۸۵ درصد از اظهاراتی که در بیان آن از فرم سؤالی استفاده می شود، نشان از ناامنی ضعف عاطفی افراد دارد و و این لحن سخن گفتن باعث نادیده انگاشته شدن در محیط کار خواهد شد. بنابراین در صورت به کار بردن این عادت نه چندان جالب، برای ترک آن اقدام کنید. این مهارت به شما کمک خواهد کرد تا قدرت اعتبارتان افزایش پیدا کند.

فقط گزارش کار ندهید، داستان پردازی کنید

اکثر مصاحبه های موفق فقط از یک فرمول پیروی می کنند؛ ۷۵ درصد

آن ها از داستان ها تشکیل شده اند و تنها ۲۵ درصد به انتقال اطلاعات می پردازند. داستان ها همانند یک قلاب عاطفی هستند و به مخاطبان شما کمک می کنند تا آنچه را که نقل قول می کنید، بهتر به خاطر بسپارند و در واقع داستان ها پل ارتباطی دانش و ذهنیات شما به دنیای واقعی هستند. تفاوت زیادی میان حفظ کردن فرمول های علم ریاضی و استفاده از آن ها در محاسبات وجود دارد. داستان ها به شما کمک خواهند کرد تا از سوی مردم جدی گرفته شوید، زیرا آن ها به شرح حال بهتر آنچه می خواهید بگویید کمک خواهند کرد.

مردم را تشویق کنید تا درباره خودشان

صحبت کنند

به خاطر دارید مادر تان را که قبل از آغاز اولین قرار ملاقات با فردی غربیه، شما را تشویق می کرد تا در قرار ملاقات پیش رو درباره خودتان صحبت کنید؟ این یک رفتار ایده آل است و حال ما به شما می گویم

محیط شغلی بر سلامت روان افراد تأثیر بسزایی دارد. تا به این حال این احساس را که هیچ کس شما را در محیط کاری تان جدی نمی گیرد، تجربه کرده اید؟ اگر پاسخ تان مثبت است، بدانید که شما تنها نیستید. بیش از ۵۰ درصد از افراد مشابه شما فکر می کنند و این احساس را دارند که هیچ کس در محیط کارشان به آن ها احترام نمی گذارد. این نتایج مطابق با یک نظرسنجی جهانی که بر بیش از ۲۰ هزار کارمند توسط نشریه کسب و کار هاروارد انجام گرفته، اعلام شده است.

ممکن است همکارانتان شما را برای شرکت در جلسات و همایش ها از قلم بیندازند و نادیده بگیرند، حرف شما را در مکالمه ای مهم قطع کنند یا شما را در شرکت در بحثی مهم ندیده بگیرند. در آن زمان است که به شما حق می دهد کار فرمای نامهربان یا محیط کار ستمی اطرافتان را مقصر بدانید. البته این مسئله تنها در برخی موارد می تواند صحیح باشد. اما اگر واقعاً می خواهید در محیط کار جدی گرفته شوید، از همین حال از مقابل آینه شروع کرده و مهارت تأثیرگذاری بر دیگران را تقویت کنید. در این جا ۸ مهارت برای ارتقای اعتبارتان در محیط کار ذکر شده است. مطمئن باشید با کمک این مهارت ها، مورد احترام و تأیید اطرافیان تان خواهید بود.

یکی از مؤثرترین راهکارهایی که باعث می‌شود اطرافیان شما را جدی بگیرند این است که شما مسئولیت خود را جدی بگیرید و به آنچه می‌خواهید بگویید آگاه و مسلط باشید

که یک نکته را فراموش نکنید، همه افراد دوست دارند درباره خودشان صحبت کنند. سیستم پاداش مغز، زمان خودافشایی انسان به کار می‌افتد و انتقال دهنده‌های تولیدکننده لذت هنگام صحبت کردن درباره خود، بیشتر ترشح می‌شوند. بنابراین اگر می‌خواهید مردم بیشتر به حرف‌های شما توجه کنند، اجازه دهید ابتدا آن‌ها درباره خودشان صحبت کنند. این مسئله باعث می‌شود احساس مثبت با ترشح ناقل‌های شیمیایی لذت‌بخش در مغز مخاطب، در مکالمه شما آغاز شده و ارتباط بهتر صورت بگیرد و در این صورت شما جدی گرفته خواهید شد.

به وظایف‌تان عمل کنید

یکی از مؤثرترین راهکارهایی که باعث می‌شود اطرافیان شما را جدی بگیرند این است که شما مسئولیت خود را جدی بگیرید و به آنچه می‌خواهید بگویید آگاه و مسلط باشید. در آمریکا روزانه ۱۱ میلیون قرار ملاقات برگزار می‌شود که بخش عظیمی از آن، که برای برگزار شدنشان سالانه ۳۷ بلیون دلار هزینه هدر می‌رود، بدون نتیجه به پایان می‌رسد. به‌راستی علل برگزاری چنین همایش‌های بدون محصول و نتیجه چیست؟ آماده نبودن افراد شرکت‌کننده در ملاقات‌ها یکی از دلایل آن است. لطفاً شما جزو آن افراد نباشید. اگر چه معمولاً نتیجه‌بخش بودن این ملاقات‌ها به عملکرد مدیر و کار گروهی باز می‌گردد، اما شما باید به عنوان بخشی از این کار گروه، مسئولیت‌های خود را به یاد داشته و به آنچه می‌خواهید بگویید مسلط باشید. برای پاسخ دادن به سؤال‌های احتمالی، پیوندبخشی به مطالب و مدیریت فضا، مجهز به جلسه بروید.

مجهز و به‌روز باشید

کارمندان و کارگران موفق مانند آچار

فرانسه به اکثر مهارت‌های مرتبط با حرفه‌شان مجهز هستند. اگر شما به دانش‌های زیادی مسلط باشید و ارتباط خود را با دنیای گسترده علم قطع نکنید، احتمال موفقیت در کار را بیشتر خواهید داشت. در این زمان است که همیشه در بحث‌ها و گفتگوها حرفی برای اظهار نظر خواهید داشت و به دنبال واژه‌های گم‌شده در ذهنتان نخواهید گشت. شما می‌توانید یک اینترنت در ذهن خود دست و پا کنید و با کوچک‌ترین کلیک، اطلاعات خود را چاشنی مجالس سخنرانی و همایش‌های کاری خود کنید.

لباس موفقیت بپوشید

درست یا غلط، ما مردم را با وضعیت ظاهری‌شان قضاوت می‌کنیم و این اتفاق بسیار سریع و ناخواسته اتفاق می‌افتد. در زمانی در حدود میلیونوم ثانیه که خودمان هم قادر به تشخیص آن نیستیم، از روی شیوه پوشش اطرافیان راجع به طرز برخورد خودمان با آن‌ها تصمیم‌گیری می‌کنیم و شخصیت و ظرفیت‌هایشان را پیش‌بینی خواهیم کرد. بنابراین ظاهر، تعیین‌کننده بسیاری از اتفاقات در رابطه خواهد بود. اگر ظاهر شما شلخته و نامرتب باشد، اطرافیان‌تان شیوه کاری و به سرانجام رساندن مسئولیت‌هایتان را نیز به همین گونه قضاوت می‌کنند. بنابراین همیشه سعی کنید مرتب و آراسته در محیط کار ظاهر شوید تا دیگران شما را جدی بگیرند. در حقیقت می‌توانید با این ترفند تأثیرپذیری و اعتباربخشی خود را بر دیگران افزایش دهید. اما این تنها بخشی از ماجراست و به وسیله آراسته‌پوشی نمی‌توانید تلاش و مسئولیت‌پذیری‌تان را در رابطه کاری حذف کنید.

ژست مناسب

زبان بدن شما، حرف‌های ناگفته‌ای را به دیگران منتقل می‌کند. شانه‌های گشوده و بازوهای که رو به مخاطب باز است، این پیغام را به دیگران

منتقل می‌کند که شما فردی قدرتمند هستید. زبان بدن ویژه افراد پیروزمند و موفق با زبان بدن افراد شکست‌خورده متفاوت است. افراد موفق معمولاً فرم بدنی‌شان را به حالتی که نشان می‌دهد پذیرای دیگران هستند، تنظیم می‌کنند. حتی نوع زبان بدن، شیمی درون مغز را نیز تغییر می‌دهد. تحقیقی که توسط محققان دانشگاه هاروارد انجام گرفت نشان داد، ژست‌هایی که به نشانه قدرت گرفته می‌شود، اگر فقط به مدت دو دقیقه هم اجرا شوند، ۲۰ درصد باعث افت هورمون استرس یا کورتیزول خواهند شد و به افزایش تسترون منجر خواهد شد. ژست‌های قدرت، پیام برد-برد و احساس قدرتمندبودن شما را به مخاطب منتقل خواهد کرد.

اعتماد به نفس داشته باشید، اما افراط نکنید

هیچ فردی شما را فردی توانا نخواهد دید به غیر از این‌که با اعتماد به نفس کامل در جمعی ظاهر شوید. اما باید این تعادل را حفظ کنید و ابراز حس همدلی و انسان‌دوستی را فراموش نکنید. اعتماد به نفس شما نباید برای دیگران تهدید تلقی شود و احساس امنیت اطرافیان را در هم بشکند. افرادی که اعتماد به نفس حقیقی و در حد طبیعی دارند برای سؤال پرسیدن و یادگیری مشتاق هستند و هیچ‌گاه مدعی همه‌دانی نمی‌شوند. بهترین راه برای نشان دادن اعتماد به نفس‌تان این است که بین دانسته‌ها و ندانسته‌هایتان مرز مشخصی قائل شوید. اگر احساس می‌کنید در محیط کار جدی گرفته نمی‌شوید، هیچ‌کس نمی‌تواند این مشکل را تغییر دهد، جر خودتان. گاهی اوقات مردم شما را جدی نمی‌گیرند، به خاطر نکات کوچکی که قادر به تشخیص آن نیستید، اما می‌توانید به راحتی آن‌ها را تغییر دهید. ❖



هیچ فردی شما را فردی توانا نخواهد دید به غیر از این‌که با اعتماد به نفس کامل در جمعی ظاهر شوید. اما باید این تعادل را حفظ کنید و ابراز حس همدلی و انسان‌دوستی را فراموش نکنید

در کنار ابعاد روانی، جسمانی و معنوی، سبک زندگی افراد نیز در میزان دستیابی آن‌ها به سلامتی و شادمانی نقش دارد. فاکتورهایی مانند وضعیت اشتغال، رضایتمندی شغلی، بهره‌گیری از مهارت‌ها و فعالیت‌های گروهی و هدفمند، از عوامل تاثیرگذار در سلامتی ذهنی، روانی و جسمانی است، در برخی از شرایط نیز تحقیقات متعددی نشان داده است، سلامتی با میزان تحصیلات نیز ارتباط مستقیم دارد.

مطالعات زیادی نشان داده است افراد شاغل نسبت به افراد بیکار از سلامت روان مطلوب‌تری برخوردارند و در زمینه‌های رسیدن به ابعاد سلامت جسمانی نیز از استانداردهای مطلوب‌تری بهره‌مند هستند. همچنین افرادی که به مشاغل حرفه‌ای و تخصصی اشتغال دارند و شغل آن‌ها همگام با آرزوهای درونی و استعدادهای فطری آن‌ها است، زندگی سالم‌تری را در ابعاد روانی و جسمانی تجربه می‌کنند و شادتر هستند. همچنین بین رضایتمندی شغلی و سلامت روانی همبستگی بالایی وجود دارد. مشاغلی که ارضا کننده‌اند از تناسب شخص و محیط برخوردار بوده و افراد را بیشتر به سمت و سوی معیارهای سلامتی سوق می‌دهند و چنین مشاغلی ویژگی‌های متمایزی دارند.

دکتر میرزایی معتقد است، معمولاً از افرادی که در محیط‌های مطلوب کار نمی‌کنند، خواسته می‌شود تا کارکردشان را کمال بخشند و در محیط‌هایی کار کنند که با مهارت‌ها، استعدادها و رجحاناتشان هماهنگی دارد. آنان در چنین مشاغلی به جای این که مکرر با دستورالعمل‌های مفصل و جهت‌دار از سوی سرپرستان سخت‌گیر بالا دست محدود شوند، از خودمختاری یا اعمال تصمیم‌های قابل ملاحظه برخوردار بوده و این مسئله آن‌ها را از سلامت بالاتری برخوردار می‌کند.

همچنین باید به این نکته توجه داشت که افراد در مشاغلی احساس رضایتمندی بیشتری کرده و به سمت و سوی استانداردهای سلامت نزدیک می‌شوند که زمینه را برای اجرای تکالیف ذاتا پاداش‌دهنده فراهم می‌سازد که در آن مهارت‌های خود را به خوبی پرورش می‌دهند و در نهایت به سلامت اجتماعی منجر می‌شود. چنین مشاغلی از تنوع تکالیف قابل ملاحظه برخوردارند. بنابراین ما باید بکوشیم تا وضعیت کاری‌مان را به گونه‌ای اصلاح کنیم تا نقش‌هایی که ایفا می‌کنیم با مهارت‌ها، نیرومندی و رجحانات‌مان منطبق بوده و روی تکالیف گوناگونی کار کنیم که ما را علاقه‌مند می‌سازد. به گونه‌ای که بتوانیم سطح بالایی از خودمختاری را در کار خود اعمال کنیم. سایر عواملی که با رضایتمندی شغلی و سلامتی افراد ارتباط دارند عبارتند از تعریف روشن نقش، سرپرستی حمایت‌گرا، فرصت برای تماس بین فردی همکاران، جایگاه ارزشمند اجتماعی، ایمنی جسمانی و امنیت مالی در کار. از سوی دیگر نباید فراموش کرد، افرادی که از منظر جسمانی و روانی در وضعیت سلامتی مطلوب‌تری به سر می‌برند، بازدهی بیشتری در کار داشته و بازآور تر به حساب می‌آیند بنابراین پیوند میان سلامت و بازدهی مطلوب در کار، دو طرفه محسوب می‌شود به طوری که کار و شغل مناسب، سلامت بیشتر جسم و روان را در برداشته و متقابلاً سلامت جسمانی و روانی، بازدهی مطلوب و بازآورتری را شامل می‌شود. ❖



شغل مناسب قطعه گمشده پازل سلامتی

محمد پویا

این روزها به دلیل افزایش سطح آگاهی، اطلاع‌رسانی‌ها و تبلیغاتی که از سوی سازمان و نظام‌های وابسته به سلامت و بهداشت در دنیا می‌شود، اکثر مردم به زندگی سالم و دستیابی به طول عمر بیشتر و عاری از هر گونه بیماری اهمیت می‌دهند. تا جایی که برخی از مردم معیار و ملاک زندگی را سلامتی می‌دانند و رفتارهایشان را مطابق با سبک زندگی سالم طراحی می‌کنند. با این حال کم نیست شمار افرادی که به رغم اشتیاقی که برای رسیدن به زندگی سالم دارند، از معیارها و عواملی که می‌تواند بر سلامت افراد تاثیرگذار باشد، بی‌خبرند. شغل افراد یکی از عوامل موثر در سلامتی است، از یک سو شغل و برخوردار بودن از کار و فعالیت به طور مستقیم بر سلامت جسمانی تاثیرگذار است و از سویی دیگر بسیاری از افراد که ناخواسته و بدون آگاهی از علاقه‌مندی‌ها و استعدادهای ذاتی‌شان دست به انتخاب شغل می‌زنند، دچار بیماری‌های جسمی و روانی متعددی شده و کم نیستند شمار کسانی که به واسطه علاقه افراطی به کار و شغلشان در زمره مبتلایان به اختلالاتی مانند اعتیاد شغلی طبقه‌بندی شده و تبعات آن را به راحتی می‌توان هم در حیطه زندگی شخصی و هم در حوزه سلامت جسمانی و روانی نظاره‌گر بود.

دکتر محمد رضا میرزایی، روانشناس سلامت، در خصوص عواملی که انسان را به معیارهای سلامتی نزدیک می‌کند، می‌گوید،



ملت در غمتان شریک است

نمره ۲۰ هلال احمر در زلزله ۶/۱

درس صبر

حضور علما تسکین بزرگی بود



ملت ایران در غمتان شریک است

نماینده رهبر معظم
انقلاب با حضور در استان
آذربایجان شرقی با مردم
داغ دیده ابراز همدردی کرد

سیل اخیر در استان‌های شمال غرب کشور در مجموع ۴۱ کشته بر جای گذاشته که ۱۸ نفر در عجب شیر، ۱۷ نفر آذرشهر، ۵ نفر کردستان و یک نفر هم در آذربایجان غربی کشته شدند و ۱۰ تا ۱۲ نفر نیز مصدوم شدند.

با توجه به آسیبی که مردم استان آذربایجان شرقی در این حادثه دیده بودند، حجت‌الاسلام والمسلمین معزی نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر، به این استان سفر کرده و از نزدیک در جریان امداد رسانی‌ها قرار گرفتند.

ایشان با ابراز تأثر و اندوه از وقوع حادثه دلخراش سیل و جان باختن شماری از هموطنان در استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و کردستان و ابلاغ پیام همدردی و تأسف مقام معظم رهبری گفت: این سفر بنا به دستور رهبر معظم

روزهای پایانی اولین ماه بهار، هوای بسیاری از استان‌های کشور را بارانی کرد. بارانی که در برخی شهرها سیل جاری کرد و حوادث تأسف برانگیزی را هم با خود داشت و موجب مرگ هموطنان عزیزمان شد. حجم بارش‌ها در برخی استان‌ها تا حدی بود که بنا بر اعلام روابط عمومی و ارتباطات مردمی جمعیت هلال احمر طی یک روز در ۶ استان آذربایجان شرقی و غربی، کردستان، زنجان، کرمانشاه و مازندران بیش از هزار و ۸۶۰ تن از هموطنان ۶ استان درگیر در سیل و آب‌گرفتگی خدمات امدادی لازم را دریافت کرده‌اند. ۱۵ تن از متأثران به مناطق امن و ۷ تن به مراکز درمانی منتقل شدند و سیلاب از ۱۷۹ واحد مسکونی تخلیه و همچنین ۴۰ خودرو از مسیر سیلاب رها سازی شد. آن‌طور که در رسانه‌ها هم اعلام شده است،

انقلاب به منظور بررسی وضعیت امداد رسانی به سیل‌زدگان این استان‌ها و ابراز همدردی با آنان صورت گرفته است.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با عرض تسلیت درگذشت تعدادی از هموطنان عزیز به ملت شریف ایران و به ویژه مردم صبور استان‌های سیل‌زده و همدردی با بازماندگان، مردم این مناطق را مقاوم و نستوه خواند و تصریح کرد: این ضایعه دلخراش ملت ایران را عمیقاً متأثر کرده است.

خدمات پیش‌تازانه هلال احمر

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر که به عنوان نماینده رهبر انقلاب به منظور بررسی آخرین وضعیت امداد رسانی به این منطقه سفر کرده بود، با قدردانی و تشکر از تلاش جدی تمامی امدادگران، خواستار توجه هر چه بیشتر در رسیدگی به وضعیت آسیب‌دیدگان، در اختیار قرار دادن امکانات، اسکان و رسیدگی به مصدومان شد.

ایشان همچنین در این سفر در جلساتی حضور پیدا کرده و در جلسه شورای معاونین جمعیت استان به بررسی روند خدمات‌رسانی و امداد رسانی به سیل‌زدگان پرداخت.

در ابتدای این جلسه کنعانی، مدیر عامل جمعیت هلال احمر آذربایجان شرقی به ارائه گزارش از فعالیت‌های انجام‌شده در حادثه سیل شهرستان‌های عجب‌شیر و آذرشهر و همچنین روستاهای تابعه آن شهرستان‌ها پرداخت.

سپس حجت الاسلام والمسلمین معزی با ابراز نگرانی از وقوع چنین حوادث دلخراشی، خسارت، ویرانی و در هم کوبیدن آبادانی را ماحصل این وقایع سخت و طبیعی دانست و خاطرنشان کرد: البته نباید هرگز درس‌آموزی و عبرت از

چنین حوادثی را نادیده بگیریم. او خدمات پیش‌تازانه هلال احمر در عرصه‌های خدمت‌رسانی به مردم را قابل قبول دانست و افزود: عمده فعالیت جمعیت هلال احمر فوریت و واکنش سریع و دقیق برای کمک به حیات، بقا و نجات انسان‌هاست که خوشبختانه در این زمینه نیز اقدامات لازم به انجام رسیده است. حجت الاسلام و المسلمین معزی با اشاره به قید فوریت در خدمت‌رسانی به آسیب‌دیدگان و مصیبت‌زدگان این حادثه در پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب اسلامی بیان کرد: با چنین تأکیدی، تکلیف بر همه دستگاه‌های خدمت‌رسان مشخص است و اهتمام برای رفع مشکل سیل‌زدگان بسیار مهم و ضروری است.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با تبیین فعالیت‌های داوطلبانه و عام‌المنفعه این نهاد خدمت‌رسان، پیش‌تازی برای امور خیرخواهانه را از تأکیدات قرآن کریم دانست و تصریح کرد: جمعیت هلال احمر باید تلاش کند تا حالت روزآمدی آن در هر زمان حفظ شود.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با اشاره به فعالیت‌های شبانه‌روزی امدادگران استان در روزهای اخیر، خدمات بی‌منت آن‌ها را شاخصه اصلی جمعیت هلال احمر دانست و از تلاش‌های شبانه‌روزی آنان قدردانی کرد.

ضایعه بی‌سابقه

حجت الاسلام والمسلمین معزی در حاشیه این سفر، دیداری هم با آیت‌الله مجتهد شبستری نماینده ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی داشتند. آیت‌الله مجتهد شبستری در این دیدار با قدردانی از خدمات شایسته نیروهای امدادی و دستگاه‌های خدمات‌رسان، حضور نیروهای فعال و پرتلاش هلال احمر

در همان لحظات اولیه وقوع حادثه را قابل تقدیر دانست و خاطرنشان کرد: این ضایعه بزرگ بر اساس شواهد موجود در این نقطه از کشور بی‌سابقه بوده است.

نماینده ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی با تأکید بر نقش اثرگذار و مؤثر هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی و امدادی برای رفع مشکل به وجود آمده از این حادثه تأسّف‌بار تصریح کرد: علاوه بر جان‌باختن شماری از هموطنان که خانواده‌های بسیاری را داغدار کرد، خسارات زیاد مالی نیز سبب بروز مشکلات عدیده معیشتی شده است باید برای رفع آن‌ها اقدامات فوری و لازم صورت پذیرد.

آیت‌الله مجتهد شبستری افزود: البته در این حادثه نباید از برخی بی‌توجهی‌ها به مقررات ساخت و ساز ساختمان‌ها و سهل‌انگاری مردم نیز غافل بود که باید با وقوع چنین حوادث دلخراشی عبرتی برای آینده باشد.

نماینده رهبر معظم انقلاب نیز در این دیدار با مثبت ارزیابی کردن روند امداد رسانی به سیل‌زدگان گفت: شواهد نشان از سرعت عمل و دقت در انجام کمک‌های اولیه و حمایت‌های روانی و روحی دارد که بسیار مهم و ضروری است.

حجت الاسلام والمسلمین معزی تصریح کرد: آنچه اکنون حائز اهمیت است، رسیدگی به وضعیت خسارات و رفع موانع موجود برای بازگرداندن زندگی عادی و به دور از شرایط ویژه برای سیل‌زدگان است. نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر همچنین از تلاش امدادگران و نجاتگران هلال احمر، نیروهای نظامی و انتظامی و مردم استان آذربایجان شرقی به دلیل انسجام و هماهنگی پوشش امدادی و کمک به سیل‌زدگان تقدیر کرد.



حجت الاسلام
والمسلمین معزی
باعرض تسلیت
درگذشت تعدادی
از هموطنان عزیز به
ملت شریف ایران و
به ویژه مردم صبور
استان‌های سیل‌زده
و همدردی با
بازماندگان، مردم
این مناطق را مقاوم
و نستوه خواند و
تصریح کرد: این
ضایعه دلخراش
ملت ایران را عمیقاً
متأثر کرده است

استانی و کشوری درصدد رفع سریع مشکلات و جبران خسارات وارده به مردم سیل‌زده هستند، خواسته صریح رهبر فرزانه انقلاب است و امید است که این فرموده مقام معظم رهبری به بهترین نحو پیگیری شود.

درس‌آموزی و عبرت

نماینده رهبر معظم انقلاب، در مراسم تشییع پیکر جان باختگان حادثه سیلاب و در جمع خانواده‌های داغدار مردم شهر عجب‌شیر و روستای چنار با ابراز تأسف و تأثر از وقوع حادثه دلخراش سیل و جان‌باختن شماری از هموطنان عزیز، با قرائت پیام تسلیت مقام معظم رهبری این حادثه غم‌انگیز را به همه خانواده‌های داغدار و مصیبت‌دیده تسلیت گفت.

نماینده رهبر انقلاب در جمعیت هلال احمر ادامه داد: بر اساس فرمایشات رهبر معظم انقلاب هیچ‌گونه سستی و تعلل برای حل مشکل مصیبت‌زدگان پذیرفته نیست.

حجت‌السلام والمسلمین معزی با تأکید بر درس‌آموزی و عبرت از چنین حوادثی افزود: باید بیش از گذشته برای پیشگیری از وقوع چنین حوادثی آماده شد که البته این موضوع همت و تلاش مردم و مسئولین را می‌طلبد.

نماینده رهبر انقلاب در جمعیت هلال احمر تأکید کرد که پس از جمع‌بندی این بازدید، گزارش جامعی از جزئیات حادثه، میزان خسارات و فراهم‌آوری امکانات اولیه و ضروری تنظیم و به محضر مقام معظم رهبری تقدیم خواهد شد. ❖

دلگرمی، قوت قلب و انگیزه مضاعف مردم

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی همچنین در دیدار با استاندار آذربایجان شرقی در خصوص وضعیت کنونی منطقه سیل‌زده، میزان خسارات، و نحوه کمک‌رسانی مصیبت‌دیدگان گفتگو کرد.

استاندار آذربایجان شرقی در این دیدار ضمن ابراز خرسندی از حضور نماینده رهبر انقلاب در مناطق سیل‌زده این حضور را موجب دلگرمی، قوت قلب و انگیزه مضاعف مردم و دستگاه‌های کمک‌رسان دانست و گفت: متأسفانه میزان خسارات وارده مالی به مناطق سیل‌زده بسیار زیاد است و نیازمند توجه ویژه مسئولین برای جبران آن است.

او خواستار مساعدت‌های ویژه برای رفع نیاز مصیبت‌دیدگان از نماینده رهبر معظم انقلاب شد.

جبارزاده با قدردانی از حضور به موقع نیروهای امدادی در لحظات اولیه حادثه افزود: در جلسه برنامه‌ریزی برای رسیدگی به وضعیت مناطق سیل‌زده، پیام تسلیت رهبر انقلاب قرائت شد که علاوه بر تسکین درد و دلجویی از خانواده‌های داغدار، تأثیر به‌سزایی در روحیه مسئولین برای خدمت به مردم داشت.

نماینده رهبر معظم انقلاب نیز در این دیدار بر ضرورت توجه و اهتمام ویژه برای تسریع در روند بازگرداندن شرایط مساعد معیشتی و رفاهی مردم مناطق سیل‌زده تأکید کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی افزود: این که مسئولین





امدادرسانی هلال
احمر در این اتفاق
به حدی سریع و
دقیق بود که از
سوی مسئولان
مختلفی که به
مناطق زلزله زده
سفر کردند، مورد
قدردانی قرار
گرفت

ارائه کردند.

به گفته رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر، ارسال اقلام امدادی (زیستی و غذایی) از پنج استان خراسان شمالی و جنوبی، قم، اصفهان، خوزستان و سازمان امداد و نجات به مناطق زلزله زده خراسان رضوی انجام شد.

او با اشاره به به کارگیری ۳ فروند بالگرد امدادی و انجام ۴۳ ساعت عملیات پروازی، عنوان کرد: در این زمینه ۱۳ تن محموله امدادی در مناطق صعب العبور، ۱۲ مصدوم و ۳۸۸ نیروی امدادی منتقل شدند.

امدادرسانی هلال احمر در این اتفاق به حدی سریع و دقیق بود که از سوی مسئولان مختلفی که به مناطق زلزله زده سفر کردند، مورد قدردانی قرار گرفت. دکتر سید امیر محسن ضیایی، رئیس جمعیت هلال احمر و دکتر سیدحسن قاضی زاده هاشمی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به منظور بررسی وضعیت زلزله زدگان استان خراسان رضوی هم به روستای دوقلعه از توابع شهرستان فریمان سر زدند و با حضور در میان مردم، در جریان روند امدادرسانی ها قرار گرفتند.

وزیر بهداشت با ابلاغ سلام رئیس جمهوری به مردم زلزله زده فریمان، گفت: حضور ما در مناطق زلزله زده، به دلیل اطمینان دکتر روحانی رئیس جمهوری و هیئت دولت از خدمت رسانی صحیح در این مناطق است.

قاضی زاده هاشمی افزود: عملیات امداد و نجات به خوبی صورت گرفته و تأمین نیازهای اولیه مناسب بوده است. همچنین آیت الله علم الهدی از اقدام سریع هلال احمر در پوشش امدادی زلزله خراسان رضوی قدردانی کرده و گفت:

با وقوع زلزله ۶ ریشتری در سفید سنگ خراسان رضوی، مشکلاتی به وجود آمد و منجر به تخریب برخی خانه های روستایی شد که باید نسبت به اقدام سریع و امدادرسانی مطلوب هلال احمر برای رسیدگی به این حادثه قدردانی کرد. نماینده ولی فقیه در استان خراسان رضوی افزود: از استاندار و آستان قدس رضوی هم تشکر می کنیم که بر حسب دستور تولیت عظمای آستان قدس از لحظه وقوع زلزله غذای گرم از مهمان خانه حضرت برای آنان در شبانه روز صادر می شود تا وقتی سروسامانی پیدا کنند که بتوانند جریان طبیعی خود را تأمین کنند.

نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی، امدادرسانی به زلزله زدگان خراسانی را در کشور بی سابقه دانست و گفت: زلزله، خانه و خانمان عزیزی را خراب می کند، بلافاصله چادر با همه تجهیزات آماده است و غذای گرم شبانه روزی هم برای او حاضر است، در تمام حوادث و سوانحی که در کشور در این مدت داشتیم چنین چیزی سابقه نداشت، همه این ها به برکت امام رضا (ع) است، از عنایات خاصه ایشان است. آیت الله علم الهدی از مسئولان درخواست کرد کار بازسازی خانه های روستایی زلزله زدگان تا قبل از فرا رسیدن پاییز به اتمام برسد و خانه ها از هر لحاظ ایمن ساخته شود. ❖



نمره ۲۰ هلال احمر در زلزله ۶/۱ ریشتری

قدردانی مسئولان از امدادرسانی دقیق و سریع
هلال احمر در خراسان رضوی

تنها چند روز پس از پایان تعطیلات عید نوروز، زلزله، بخش هایی از استان خراسان رضوی را لرزاند. صبح روز ۱۶ فروردین، زلزله ای به وسعت ۶/۱ ریشتر در این استان به وقوع پیوست و برخی روستاها را تا حد زیادی ویران کرد. این زلزله برای مردم شرایط بحرانی ایجاد کرد و ۵۸ روستا آسیب دیدند که چادرزنی و اسکان اضطراری از مهم ترین اقدامات پس از وقوع زمین لرزه بود. این رویداد یک کشته، ۴۰ مصدوم و بیش از ۱۰۰ پس لرزه داشت.

آن طور که مرتضی سلیمی، رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر اعلام کرد، برپایی ۲ هزار و ۱۳۲ چادر امدادی به منظور اسکان ۷ هزار و ۱۰۰ تن از آسیب دیدگان در مناطق زلزله زده از جمله اقدامات هلال احمر بوده است. او همچنین ادامه داد: به علاوه ۱۲۰ هزار قوطی کنسرو، ۳ هزار و ۹۹۲ تخته پتو، ۹۸۰ تخته موکت، ۸۱۰ ست ظروف، ۲ هزار و ۴۷۵ شعله والور و بخاری برقی، بیش از یک هزار ست بهداشتی و ۷ تن اقلام خوراکی در قالب سبد غذایی میان متاثران توزیع شد. امدادگران در قالب ۸۰ تیم شامل یک هزار و ۷۵ نیروی عملیاتی و با بهره گیری از بیش از ۵۵ خودروی ارتباطات خدمات امدادی لازم را به هموطنان



تا با وجود مضجع شریف رضوی در مشهد کمترین آسیب‌ها را در این زلزله شدید شاهد باشیم. نماینده ولی فقیه در هلال احمر، بالاترین آسیب‌ها را متوجه نفوس انسانی و جانی دانست و برای بانوی سالخورده‌ای که تنها جان باخته این حادثه بود از خداوند طلب مغفرت کرد.

او در ارزیابی خود از نحوه خدمت‌رسانی به زلزله‌زدگان نیز اذعان کرد: حضور سریع عوامل امدادی هلال احمر و انجام عملیات نجات در نخستین ساعات پس از زلزله که موجب رضایتمندی مردم شده بود و همچنین عملیات اسکان اضطراری تا ۷۲ ساعت اولیه به‌خوبی صورت پذیرفته است.

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی اظهار خرسندی کرد: اقدامات به‌هنگام استانداری به عنوان متولی مدیریت بحران و پلیس، نیروهای اورژانس و سایر نهادها نیز تاکنون قابل قبول بوده است.

مشکل هر انسان مسئله همگانی است

نماینده رهبر فرزانه انقلاب در هلال احمر همچنین بیان کرد: به هر حال این حادثه، زندگی طبیعی مردم را به طور کامل از بین برده و تردیدی نیست که بازگرداندن مردم به وضع طبیعی زمان زیادی می‌برد. او در دیدار با مردم روستای سنی‌نشین الغور فریمان، با اشاره به آیه «ان مع العصر یسر» خواستار بردباری و صبر مردم در برابر مصایب و سختی‌ها شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی با بیان این‌که «ما همه مسلمان هستیم و با هم برادریم»، افزود: بنا بر تعالیم اسلام، مشکل هر انسان مسئله همگانی است

درس صبر

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی، سلام رهبری را به مردم خراسان رساند

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی به نمایندگی از رهبر معظم انقلاب از روند امداد رسانی در مناطق زلزله‌زده خراسان رضوی بازدید کرده و با اهدای سلام مقام معظم رهبری، از ارائه مطلوب خدمات در نخستین ساعات پس از زلزله قدردانی کردند.

نماینده ولی فقیه در هلال احمر در جمع مردم زلزله‌زده روستای دوقلعه براشک فریمان که کانون زلزله شدید خراسان رضوی محسوب می‌شد، اظهار کرد: حوادث طبیعی همواره در جهان وجود داشته و ایران نیز سرزمین حوادث است و سابقه بسیاری از بلایای طبیعی را در کشور دارا هستیم، اما صبوری و مقاومت مردم و متقابلاً خدمت‌رسانی مسئولان در چنین بحران‌هایی ارزشمند است.

او افزود: مهم‌ترین مشکل امروز ما که در مواقعی مانند زلزله آشکار می‌شود و در روستاها بیشتر است، ساختمان‌های غیر مقاوم و قدیمی و بدون بنیان مستحکم است.

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی با اشاره به شدت بالای زلزله اخیر خراسان رضوی با حدود ۶ ریشتر تأکید کرد: لطف خدا در کنار عنایت حضرت ثامن الحجج (ع) شامل حال مردم این ارض مقدس شد

نماینده رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع زلزله‌زدگان افزود: صدای شما مردم شریف و احتیاجات اولیه و ثانویه پس از زلزله، خدمت مقام معظم رهبری ارائه می‌شود و توصیه‌های رهبری به مسئولان، بسیار در بهبود فعالیت‌ها و اقدامات مؤثر خواهد بود

و به فرموده پیامبر خاتم(ص) اگر فردی صبح کند در حالی که به فکر دیگر مسلمانان نباشد مسلمان نیست، یا این که اگر ندای استمداد فردی را شنیده و به داد او نرسد مسلمان نیست.

به امدادگران خدمتگزار می‌بالم

ایشان در بازدید از مسجد این روستا که زلزله باعث ایجاد شکاف در بخشی از سقف و دیواره‌های آن شد، گفت: برای ساختن یک بنا زمان زیادی باید صرف شود و بنابراین وقتی یک روستا تخریب شده است، نباید انتظار داشت در مدت یک شب، ساخت و سازها انجام شود که بزرگ‌ترها و سالخورده‌های باتجربه روستا باید درس صبر را به جوان‌ترها بیاموزند.

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی درباره اهداف اصلی این سفر اعلام کرد: در مرحله نخست، ابراز همدردی شخصی خودم را نسبت به آسیب‌دیدگان ابراز می‌دارم و به عنوان عضوی از خانواده جمعیت هلال احمر به عزیزان امدادگر و همکارانی که بی‌هیچ منتی شبانه‌روزی خدمت کردند می‌بالم و این فعالیت‌ها را وظیفه دینی و انسانی خودمان می‌دانیم.

سلام گرم مردم گوشه‌نشین

مولوی علی عسگر، از ائمه جماعات روستای الغور، در قسمتی از این دیدار با خوش‌آمدگویی خطاب به نماینده مقام معظم رهبری در هلال احمر گفت: شما هم سلام گرم مردم گوشه‌نشین روستای الغور را به رهبر معظم انقلاب برسانید.

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی در ادامه تأکید کرد: ایران، وطن همه ماست و دورافتاده و وسط و گوشه ندارد، همه ما با هم برادر و در کنار هم هستیم.

همچنین نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در بازدید از روستای یکی پسته تربت جام نیز که ساکنان آن اهل تسنن هستند، اظهار کرد: اهل سنت در مقاطع مختلف پیش از انقلاب و همچنین در نهضت امام خمینی(ره) و دفاع مقدس و همه صحنه‌های انقلاب اسلامی حضور مؤثری داشتند و تعداد زیاد شهدای این منطقه نشان‌دهنده انقلابی بودن مردم است.

او با بیان این که پیش‌بینی‌های اولیه پس از اعلام وقوع زلزله ۶ ریشتری، تصور تخریب و تلفات بالا را ایجاد کرده بود، افزود: همه ما مدام در معرض آزمون هستیم و حوادثی مانند زلزله نیز امتحان الهی است و امیدواریم خداوند، صبر و بردباری عنایت فرماید تا در این امتحان و آزمون نیز سربلند باشیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی اظهار امیدواری کرد: بازسازی روستا باید به دست توانمند خود مردم و با مساعدت مسئولان محقق شود که خوشبختانه اکنون برای کمک به شما استان‌های مجاور هم کمک می‌کنند و عزمی ملی در این راستا ایجاد شده است. حجت‌الاسلام والمسلمین معزی، اسکان اضطراری و امداد و نجات به‌خوبی تاکنون صورت پذیرفته و پس از این مرحله، نوبت آواربرداری و تسطیح و بازسازی‌هاست که با اهتمام بنیاد مسکن این روستا بازسازی می‌شود.

ارائه تسهیلات عادلانه و سریع

نماینده رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع زلزله‌زدگان افزود: صدای شما مردم شریف و احتیاجات اولیه و ثانویه پس از زلزله، خدمت مقام معظم رهبری ارائه می‌شود و توصیه‌های رهبری به مسئولان، بسیار در بهبود فعالیت‌ها و اقدامات مؤثر خواهد بود.

او افزود: رهبری، پدری فرزانه برای مردم هستند و بروز هر حادثه و اندوهی برای مردم باعث دل‌نگرانی ایشان است، به‌خصوص مردم خراسان رضوی که همیشه مورد عنایت رهبری معظم بوده‌اند.

حجت‌الاسلام والمسلمین طاهری، امام جمعه تربت جام نیز با اشاره به اتحاد شیعه و سنی در منطقه و تقدیر از حضور نماینده رهبری در این منطقه، موضوع فقدان آب شرب قابل آشامیدن را مهم‌ترین نیاز این روستا اعلام کرد و بر ضرورت اجرای سریع طرح هادی در روستاها تأکید کرد.

علیرضا رشیدیان، استاندار خراسان رضوی نیز در قسمتی از این دیدار به صورت تلفنی با نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر مذاکره و خواستار تمدید زمان استقرار موقت نیروهای هلال احمر در چند روز آینده شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی خطاب به استاندار خراسان رضوی از ابراز رضایت مردم زلزله‌زده در این دیدار خبر داد و یادآوری کرد: نیروهای هلال احمر از نخستین ساعات پس از حادثه حضور داشتند و سایر نهادها مانند نیروی انتظامی نیز در برقراری امنیت تلاش‌های مؤثری داشتند.

او همچنین از استاندار خواست تا تدابیری اتخاذ شود که همه امکانات و اقلام مدنظر و تسهیلات ویژه زلزله‌زدگان، عادلانه و به سرعت در اختیار مردم قرار گیرد. در قسمتی از بازدید نماینده ولی فقیه در هلال احمر، سردار بهمن امیری مقدم، فرمانده انتظامی خراسان رضوی نیز ایشان را همراهی کرد. ❖



حجت‌الاسلام
والمسلمین معزی
درباره اهداف
اصلی این سفر
اعلام کرد: در
مرحله نخست،
ابراز همدردی
شخصی خودم
را نسبت به
آسیب‌دیدگان
ابراز می‌دارم و به
عنوان عضوی از
خانواده جمعیت
هلال احمر به
عزیزان امدادگر
و همکارانی که
بی‌هیچ منتی
شبانه‌روزی خدمت
کردند می‌بالم و این
فعالیت‌ها را وظیفه
دینی و انسانی
خودمان می‌دانیم

زلزله‌ای که در مشهد و چند شهر اطراف آن رخ داد، زلزله بزرگی بود. کمی درباره این اتفاق و شرایط کنونی شهرها و روستاهای درگیر زلزله توضیح دهید.

در پی وقوع زلزله ۶/۱ ریشتری در مشهد مقدس، هلال احمر بر اساس وظیفه خود و مأموریت تشکیلاتی‌اش وارد عمل شد. از همان ابتدا تیم‌های هلال احمر وضعیت مناطق آسیب‌دیده را مورد بررسی قرار دادند و ارزیابی اولیه از آنچه که رخ داده بود، خیلی به سرعت انجام گرفت. منطقه کانونی زلزله در شهر سفید سنگ فریمان و روستای دو قلعه برآشک بود. نیروهای هلال احمر خیلی زود به منطقه اعزام شدند و تجهیزات کامل و امکانات لازم برای نجات مردم و همچنین وسایل لازم برای شرایط فعلی زندگی‌شان را با خود داشتند. اسکان ضروری، نصب چادر، محموله‌های غذایی و دیگر نیازهای اولیه حداکثر سه تا شش ساعت پس از اتفاق در اختیار همه مردم قرار گرفته بود و می‌توانم بگویم به لطف خداوند، سرعت و وظیفه‌شناسی نیروهای هلال احمر، خیلی سریع به مردم امدادسانی شد.

مدیران ارشد استان هم از مناطق زلزله‌زده بازدید کردند؟
بله. بنده بارها به مناطق آسیب‌دیده رفتم و هر بار شاهد بودم که مسئولان استان در منطقه حضور پیدا کرده‌اند و به دقت امدادسانی‌ها را در نظر دارند تا مردم کمبودی نداشته باشند. حقیقتاً نیروهای امدادی با اتکا به ایمان و آموزه‌های هلال احمری در راستای خدمت‌رسانی بشردوستانه، بدون مانع و اغماض به طور شبانه‌روزی خدمات‌رسانی کردند و مردم خود شاهد این اتفاق بودند. استاندار محترم در همان ساعات اولیه نحوه امدادسانی هلال احمر را دیدند و اظهار رضایت کردند. عصر همان روز دبیرکل محمدیون و رئیس امداد و نجات هم در مناطق آسیب‌دیده حضور پیدا کردند و از



زلزله چند روز پس از به پایان رسیدن تعطیلات عید نوروز، شهرها و قسمت‌هایی از استان خراسان رضوی را لرزاند. زلزله‌ای پر قدرت که البته به لطف خداوند و همسایگی امام رضا(ع) تنها یک تلفات جانی داشت. نیروهای هلال احمر در این زلزله در امدادسانی به مردم مناطق زلزله‌زده به گونه‌ای عمل کردند که مسئولان استانی و همچنین دیگر مسئولانی که به بازدید این مناطق رفتند، آن‌ها را تحسین کردند. با حاج آقا اسدالله اسدی، نماینده محترم ولی فقیه در استان خراسان رضوی درباره این اتفاق و امدادسانی به مردم گفتگویی انجام دادیم. ایشان بر دو نکته تأکید دارند: یکی امدادسانی خوب نیروهای هلال احمر و دیگر معجزه همسایگی با امام هشتم، چرا که دیگر نقاط کشورمان با زلزله‌هایی به مراتب کوچک‌تر، تلفات بسیار داشته‌اند و خراسان رضوی توانسته با کمترین آسیب و تلفات آن را پشت سر بگذارد.

حجت‌الاسلام اسدالله اسدی،
مسئول دفتر نمایندگی
ولی فقیه در استان خراسان
رضوی:

حضور علما
برای مردم
تسکین
بزرگی بود

حضور علما و روحانیون با همکاری سازمان تبلیغات اسلامی، امامان جمعه سرخس، تربت جام و فریمان و دیگر روحانیون در مناطق زلزله زده از جمله اتفاقاتی بود که می توان گفت برای مردم تسکین بزرگی بود



نزدیک شاهد خدمات رسانی هلال احمر شدند و حرکت استان را تحسین کننده دانستند. آقای سلیمی رئیس هلال احمر و همچنین آقای حسن قاضی زاده هاشمی وزیر محترم بهداشت و درمان و آموزش پزشکی از مناطق زلزله زده بازدید داشتند تا همه چیز را از منظر بهداشتی هم بررسی کنند که آن ها هم تحسین کردند و عملکرد هلال احمر را خیلی خوب ارزیابی کردند.

آن طور که اعلام شده علما و روحانیون هم بازدیدهایی از مناطق زلزله زده داشته اند.

بله. این بخش از جمله اتفاقاتی بود که بسیار بر مردم تأثیر گذاشت. حضور علما و روحانیون با همکاری سازمان تبلیغات اسلامی، امامان جمعه سرخس، تربت جام و فریمان و دیگر روحانیون در مناطق زلزله زده از جمله اتفاقاتی بود که می توان گفت برای مردم تسکین بزرگی بود. این بزرگواران با حضور در مناطق زلزله زده علاوه بر دلجویی از مردم احکام زلزله را برایشان بازگو کردند و نماز آیات را اقامه کردند. بیان احادیث مرتبط با بلایای طبیعی و زلزله و دعوت مردم به صبر بسیار مؤثر بود و روحیه مردم را تغییر داد.

در روزهای مختلف گروه های مختلفی از علما و اساتید برجسته حوزه علمیه خراسان رضوی در مناطق آسیب دیده حضور پیدا کردند و مردم را تنها نگذاشتند از جمله آیت الله رجایی خراسانی، آقا شیخ جعفر ابراهیمی نژاد، حاج آقا مشیری، حاج آقا مؤمنی نژاد، حاج آقا بیاتی و بسیاری از دیگر علما و بزرگان به حدود ۲۰ روستا رفتند و با مردم همدردی کردند و از نزدیک پای درد دل ها و حرف هایشان نشستند. همچنین وقتی حاج آقا معزی هم آمدند و به منطقه اصلی زلزله رفتند مردم بسیار خوشنود شدند. ایشان به

به یک معجزه می کنم. دیگر شهرها و استان ها با زلزله های کوچک تر شرایط به مراتب دشوارتری برایشان رخ داده، اما در خراسان رضوی واقعاً امام رضا (ع) معجزه کرد. درباره تخریب ها هم باید بگویم روستاها آسیب های جدی دیده اند اما تاکنون بخش زیادی از آنچه اتفاق داده، مستند شده است تا هر چه سریع تر به مردم کمک شود و خانه هایشان بنا شود و زندگی شان دوباره به روال سابق برگردد. حدود ۳۰ روستا تخریب شده اند که امیدواریم با کمک مسئولان این مسئله به زودی حل شود. نکته دیگری که جا دارد به آن اشاره کنم روحیه بالای مردم است. هنگام ظهر در روستاهاشان جمع می شوند و با هم حرف می زنند. شاهد بودم که یک پیرمرد ۸۰ ساله با صمیمیت کامل اظهار می کرد ما خدا را هزار مرتبه شکر می کنیم که جانمان سالم است مال و خانه و احشام قابل جبران هستند. مشاهدات عینی حاکی از روحیه بالای مردم دیندار است. ❖

نیابت از رهبر معظم انقلاب در منطقه حضور پیدا کردند و از طرف ایشان از مردم تفقد و دلجویی کردند که بسیار مؤثر بود. همچنین از نزدیک چگونگی خدمات رسانی به مردم را مورد بازدید و بررسی قرار دادند و گزارشات را خدمت رهبری نیز خواهند برد تا ایشان در جریان امور باشند. بسیار خرسندیم که با امداد رسانی خوب و به موقعی که در استان انجام شد، هم دل مردم عزیز را به دست آوردیم و هم شرمنده رهبری انقلاب نشدیم.

با توجه به قدرت بالای زلزله آسیب ها تا چه حدی بود؟ زلزله فریمان به قدرت ۶/۱ ریشتر تقریباً مشابه زلزله بم بود. ولی دست معجزه آسای همسایگی امام هشتم حضرت رضا (ع) شامل حال مردم این سرزمین شد و بحمدالله خسارات جانی فقط یک نفر بود و موارد جرح و درمانی دیگر هم خیلی محدود بود و به طور سرپایی انجام شد. من از آنچه در استان رخ داد، تعبیر

کوتاه از هلال



قدردانی از ۹ هزار امدادگر فعال در طرح نوروزی ۹۶

دکتر سید امیر محسن ضیایی، رئیس جمعیت هلال احمر، با ارسال تقدیرنامه‌ای از تمامی امدادگران و نجاتگران فعال در طرح ملی امداد و نجات نوروزی ۹۶، تقدیر و تشکر کرد. متن این تقدیرنامه بدین شرح است:

امدادگر گرامی

با سلام و احترام؛

بی‌شک خدمت‌رسانی به انسان‌ها در شرایط سخت و بحرانی، تلاش در جهت برقراری تفاهم، دوستی و صلح پایدار میان ملت‌ها و انجام خدمات بشردوستانه امدادی و عام‌المنفعه، وظیفه و امری خطیر و خداپسندانه است که ایزد نمان این توفیق را تنها نصیب خوبان روزگار می‌نماید. بدین‌وسیله مراتب تشکر و قدردانی خود را از تلاش مجدّانه جنابعالی در اجرای طرح ملی امداد و نجات نوروزی سال ۹۶، اعلام نموده و آرزوی توفیق و سلامتی برای شما دارم.

اجرای پروژه‌های محرومیت‌زدایی در استان‌های کم‌برخوردار

مدیر کل روابط عمومی و ارتباطات مردمی جمعیت هلال احمر از برگزاری آیین گرامیداشت هفته هلال احمر، متفاوت از سال‌های گذشته از ۱۸ تا ۲۴ اردیبهشت ماه خبر داد.

وحید رحمتی با اعلام برگزاری برنامه‌های هفته هلال احمر امسال گفت: برنامه‌های امسال، متفاوت‌تر از سال‌های گذشته و با برنامه‌ریزی برای برگزاری آیین‌های مختلف و باشکوه در سطح کشور برگزار خواهد شد.

او افزود: مقرر شده است تا در هفته هلال احمر امسال، پروژه‌های محرومیت‌زدایی در استان‌های کم‌برخوردار با هدف ترویج حرکت‌های بشردوستانه و داوطلبانه، اجرا شده و برنامه‌های منسجمی در این زمینه اجرایی شود. مدیر کل روابط عمومی و ارتباطات مردمی جمعیت هلال احمر با اعلام برنامه‌ریزی برای افتتاح طرح‌های ملی و استانی در هفته هلال احمر اظهار کرد: به علاوه مقرر شده است تا پس از سال‌ها آئین باشکوهی به منظور تجلیل از خدمات ارزنده منتخبان امدادگران، جوانان، داوطلبان و سایر فعالان و تلاشگران حوزه‌های مختلف هلال احمر و همچنین فعالان حوزه رسانه برگزار شود.

او گفت: حضور پرشور در برنامه‌های اطلاع‌رسانی و ترویجی در رسانه ملی، صعود سراسری به یکی از قله‌های مرتفع کشور به همراه مانور تیم‌های امداد و نجات کوهستان، برگزاری دوره سوم آموزش و توان‌افزایی تیم‌های واکنش سریع سراسر کشور به منظور افزایش آمادگی در سوانح و حوادث، آغاز به کار دبیرخانه دائمی جشنواره هلال و رسانه، دیدار با خانواده‌های شهدای امدادگر و ... از جمله برنامه‌هایی است که در هفته هلال احمر سال ۹۶، اجرایی خواهد شد.

رحمتی همچنین تأکید کرد: تمامی معاونت‌ها و سازمان‌هایی که مسئولیت برگزاری یکی از برنامه‌های هفته هلال احمر را دارند، ضروری است تا با نظارت دبیر کل جمعیت هلال احمر، به عنوان رئیس ستاد گرامیداشت هفته هلال احمر، اقدامات لازم را انجام دهند. ❖



محسن کریمیان، استان قم	۹۱۲۷۴۶	۳
فاطمه محمدی، استان گیلان	۹۱۱۳۳۳	۷
سمیه اسدی مقدم، خراسان جنوبی	۹۱۵۹۶۲	۴
نعمت الله خلیلی پور، شهر کرد امداد	۹۱۶۲۲۴	۵
زین العابدین قربانی پور، آذربایجان شرقی	۹۱۴۴۰۶	۵
ام کلثوم محمدی، استان زنجان	۹۳۹۴۷۳	۱
فاطمه سکاکی، استان قزوین	۹۱۰۹۵۸	۶
عطا گنجعلیخان حاکمی، کرمان	۹۱۳۳۹۷	۵
مینا شاطریان، کرمان	۹۱۳۳۴۰	۰
سیده زهرا تقوی، استان قزوین	۹۱۲۵۸۱	۶
ساجده نظری، خراسان جنوبی	۹۱۵۷۲۲	۱
ابراهیمی، ارسنجان	۹۱۷۹۲۷	۶
نجمه شمسی، خراسان جنوبی	۹۱۵۵۶۶	۹
نسرین غلامی، استان بوشهر	۹۱۷۷۷۳	۶
فریبرز همتی، کرمانشاه	۹۱۸۹۱۹	۵
قادر روین، کهگیلویه و بویر احمد	۹۱۷۳۱۶	۲
زهرا خسروی، استان فارس	۹۱۷۱۳۸	۴
میثم داودی، استان فارس	۹۱۷۳۲۴	۱
فاقیع عبداله زاده، استان آذربایجان غربی	۹۱۴۴۴۴	۴
رامبد جمالی، گیلان، رشت	۹۱۱۱۳۹	۰
سید احسان فخرینی، خراسان شمالی	۹۱۵۱۸۶	۱
کاظم خیری، استان چهارمحال و بختیاری	۹۱۳۱۸۴	۹
نرگس تقی نژاد، آذربایجان شرقی	۹۱۴۹۰۲	۳
محمد رضا شفیع زاده، استان اصفهان	۹۱۳۱۲۸	۹
کبری حمیدی، استان زنجان	۹۱۹۰۵۹	۸
زهرا یزانیلو، خراسان شمالی	۹۳۹۳۴۹	۴
سمیه عسگری، خراسان رضوی	۹۳۵۳۵۴	۱
محمد رضا پورهمندی، استان فارس	۹۱۷۱۲۱	۵
پروین اسمعیلی، استان کرمانشاه	۹۱۸۸۸۸	۲
حسین کلهر، شهرستان رودبار	۹۱۱۳۳۵	۱
رضا ظاهری، چهارمحال و بختیاری	۹۱۳۱۸۳	۱
سارا پورمحمد، سبزوار	۹۱۵۱۷۰	۲
شهاب حسین زاده، شهر کرد	۹۱۳۵۹۰	۵
استان خراسان جنوبی	۹۱۵۳۶۱	۴
احمدار جاسبی، اصفهان	۹۱۳۳۲۲	۹
الشان هوشمند، تبریز	۹۱۴۷۴۴	۹
مریم ربانی، استان گلستان	۹۳۵۷۶۲	۴
شهین سلیمی، استان کرمانشاه	۹۱۸۳۳۹	۵
سید محمود فاطمی، خراسان جنوبی	۹۳۳۷۵۳	۸
علیرضا کاظمی، سمنان	۹۱۲۳۲۱	۶
سعید جوادزاده، اردبیل	۹۱۴۳۵۱	۵
مهدی بای، گلستان	۹۳۶۴۴۰	۶
مسعود مددی، شیراز	۹۱۷۷۲۸	۹
مدیحه محمدنهایی، استان سیستان و بلوچستان	۹۱۵۸۴۶	۵
اکرم شیخی، استان مرکزی	۹۱۸۰۰۴	۴
کبری هادی پور بروجنی، استان چهارمحال و بختیاری	۹۱۳۱۸۴	۱
حسین رجبی، تهران	۹۱۹۲۲۴	۰
محمد حسن گلدرچمن، تهران	۹۱۲۳۷۲	۰
طالب نوبهار	۹۱۲۵۶۹	۰
محمد امامانی	۹۱۲۵۸۸	۹

پایگاه اطلاع رسانی
حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر

ارتباط مستمر و مداوم با مردم

اخبار و گزارشات
یادداشت و مقالات
و صفحه اختصاصی دفاتر استانی نمایندگی
ولی فقیه در جمعیت هلال احمر

نسخه آزمایشی پایگاه اطلاع رسانی نمایندگی ولی فقیه در
جمعیت هلال احمر بر روی آدرس
www.nvhelal.ir در دسترس است.



www.nvhelal.ir



مسابقه پیامکی مهرماه

زمان ارسال پیام تا ۳۱ اردیبهشت

علاقه مندان به شرکت در مسابقه پیامکی مهرماه می توانند با مطالعه سوالات زیر، پاسخ آن را در بخش های مختلف مجله پیدا و به سامانه ۰۴۸۶۶۴۴۳۰۰ ارسال کنند. پاسخ شما باید یک عدد ۱۰ رقمی باشد که هر رقم آن گزینه صحیح هر یک از سوالات است. به طور مثال: در سوال یک، پاسخ شماره ۲ صحیح است و در سوال ۲ گزینه شماره ۴ و در سوال ۳ گزینه شماره ۱ و... عدد گزینه ارسالی شما این خواهد بود: ۲۴۱۰۰۰. ضمناً همراه عدد های ارسالی، نام و نام خانوادگی خود، نام استان و محل خدمت تان را قید کنید. به برگزیدگان جوایزی اهدا می شود.



دوران امامت امام محمد باقر (ع) چند سال به طول انجامید؟

(الف) دوازده سال (ب) بیست سال (ج) پانزده سال (د) بیست و یک سال

۰۱

زیارت جامعه از کدام امام نقل شده است؟

(الف) امام علی (ع) (ب) امام هادی (ع) (ج) امام رضا (ع) (د) امام باقر (ع)

۰۲

در داستان سیمرغ کبک نشانه چه خصلتی است؟

(الف) ثروت پرستی (ب) ظاهر پرستی (ج) عزلت طلبی (د) ریاکاری

۰۳

سلمان هراتی در چند سالگی از دنیا رفت؟

(الف) ۲۷ سالگی (ب) ۳۰ سالگی (ج) ۴۰ سالگی (د) ۳۷ سالگی

۰۴

فتح خون نوشته کیست؟

(الف) نادر ابراهیمی (ب) دکتر قریب (ج) شهید آوینی (د) رضابرجی

۰۵

غز الستان اثر کیست؟

(الف) شهید آوینی (ب) سلمان هراتی (ج) احمد عزیزی (د) نادر ابراهیمی

۰۶

چهره هنر انقلاب در سال نود و پنج چه کسی بود؟

(الف) سید مهدی شجاعی (ب) فرج الله سلحشور (ج) ابراهیم حاتمی کیا (د) سید مسعود شجاعی طباطبایی

۰۷

مجله مکتب اسلام را چه کسی تاسیس کرد؟

(الف) شیخ فضل الله نوری (ب) شهید بهشتی (ج) شهید مطهری (د) آیت الله بروجردی

۰۸

استاد اخلاق و عرفان آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی چه فردی بود؟

(الف) آیت الله بروجردی (ب) شیخ آقارضا همدانی (ج) شیخ فضل الله نوری (د) مولی حسینقلی همدانی

۰۹

کتاب آتش بدون دود اثر کیست؟

(الف) نادر ابراهیمی (ب) احمد عزیزی (ج) شهید آوینی (د) سلمان هراتی

۱۰



آباجان

فیلم سینمایی «آباجان» آخرین ساخته هاتف علیمردانی است که سینمایی «کوچه بی نام» در کارنامه او مورد توجه مخاطبان قرار گرفته بود. «آباجان»،

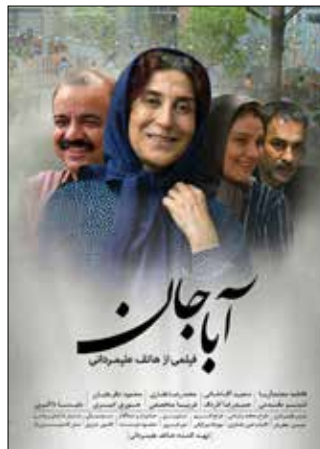
روایت خانواده‌ای است که در دهه شصت در شهر زنجان زندگی می‌کنند. خانواده‌ای که جنگ و فضای آن سال‌ها تأثیر زیادی روی زندگی‌شان می‌گذارد.

هاتف علیمردانی کارگردان این فیلم در باره آخرین ساخته‌اش می‌گوید: «آباجان» برای همه قشرهای جامعه می‌تواند جذاب باشد و از همه بیشتر امیدوارم جوانان که آن دوران را ندیده‌اند و واقعیت‌های آن روزها را شاهد نبوده‌اند به سراغ این فیلم آمده و واقعیت آن دوران را ببینند. در ساخت این فیلم تلاش کردم از اغراق فاصله بگیرم. هنگامی که فیلمنامه «آباجان» را می‌نوشتم تمام تلاشم را به کار بردم تا قلمم نلغزد و اشتباهی در نگارش نداشته باشم.

او معتقد است: «آباجان» قصه زنان ایرانی است که از دامانشان کسانی رفتند و از این مرز و بوم دفاع کردند تا امروز ایران اسلامی سرافراز و امنیت در کشورمان ایران برقرار باشد.

علیمردانی در این فیلم از رفقای شهیدش در «زمستان ۵۶» یاد می‌کند. همت او برای ادای دین به دوستان سال‌های جنگ‌اش ستودنی است.

در این فیلم، فاطمه معتمدآریا، سعید آقاخانی، حمیدرضا آذرنگ، شبیم مقدمی و فریبا متخصص ایفای نقش داشته‌اند.





کمک‌رسانی به مردم در زلزله خراسان رضوی

امداد به مردم در سیل آذربایجان شرقی

